فرخنده زاد روز کریم اهل بیت، دومین کوکب فروزان سپهر ولایت و امامت، مظهر اعلای سخاوت و کرامت، جلوه‌گاه آسمانی شکیبایی و پارسایی، حضرت امام حسن مجتبی(ع) مبارک باد

اطلاعات

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۲ ـ ۱۵ رمضان ۱۴۳۴ـ ۲۴ جولای ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۶۴۸ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

۷ هزار میلیارد تومان یارانه به کالاهای استراتژیک پرداخت می‌شود

* وزیر اقتصاد: در سه ماهه اول امسال حجم صادرات به ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و واردات به کمتر از ۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار رسیده است

صفحه ۴

امضای قرارداد صادرات گاز به اروپا در آینده نزدیک

* معاون وزیر نفت: ظرفیت صادرات گاز کشور طی ۳ سال آینده به بیش از ۲۰۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد

صفحه ۴

اشتیاق مقامات کشورها برای حضور در مراسم تحلیف دکتر روحانی

* سخنگوی وزارت امور خارجه: از همه کشورها غیر از آمریکا و اسرائیل برای شرکت در مراسم تحلیف دعوت شده است
* تعویق اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران و نامه نمایندگان مجلس آن کشور برای تعامل بهتر دولت اوباما با تهران، نشانه حرکت عقلانی سیاست‌های واشنگتن است
* هموطنان فریب قاچاقچیان انسان را نخورند
* قرار دادن نام حزب‌الله در لیست تروریست‌ها، اقدامی غیرحرفه‌ای و جانبدارانه است
* یمن را مسئول حفظ جان دیپلمات ایرانی می‌شناسیم

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: از همه کشورها به غیر از آمریکا و رژیم صهیونیستی برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری دعوت به عمل آمده است.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، سیدعباس عراقچی دیروز در نشست مطبوعاتی هفتگی خود در این باره با بیان این که دعوت از میهمانان خارجی برای شرکت در مراسم تحلیف روسای جمهوری امر مرسومی در جهان است، گفت: امسال برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب تصمیم گرفته شده است که از مقام‌های خارجی برای شرکت در مراسم تحلیف دکتر روحانی که ۱۳مرداد در مجلس برگزار می‌شود، دعوت به عمل آید.

وی با بیان این که تمرکز این دعوت بر کشورهای منطقه بوده است، گفت: استقبال خوبی در حد استانداردهای مراسم تحلیف از طرف کشورها به ویژه منطقه صورت گرفته است.

وی افزود: در حال جمع‌بندی هیات‌های شرکت‌کننده در مراسم هستیم و به زودی اسامی کشورهای شرکت کننده را اعلام می کنیم.

وی اخبار منتشر شده در این باره را حدس و گمان دانست و گفت:

بقیه در صفحه ۲



عکس از خبرگزاری فرانسه

۹ کشته در تازه‌ترین درگیری هواداران و مخالفان مرسی

صفحه ۱۶

اختلاف کنگره و دولت آمریکا در وضع تحریم علیه ایران

* در حالی که کنگره آمریکا برای وضع تحریم‌های جدید علیه ایران آماده می‌شود دولت اوباما نگران است این کار بر روند مذاکرات هسته‌ای اثر بگذارد
* به گفته مقامات آگاه دولت اوباما درصدد تعدیل طرح‌های ضد ایرانی کنگره آمریکا تا زمان آغاز ریاست جمهوری دکتر روحانی است

* جیمز ماتیس ژنرال بازنشسته نیروی دریایی ارتش: اقدام نظامی علیه ایران فقط موجب تأخیر در پیشرفت‌های هسته‌ای ایران می‌شود
* فکر نمی‌کنم کسی بتواند برنامه‌ای را که از تهران تا کوهها گسترش یافته و شامل تأسیسات زیرزمینی و روی زمین است، نابود کند

یک خبرگزاری آمریکایی از اختلاف میان کنگره و دولت آمریکا در قبال ایران خبر داد و نوشت: کنگره در حالی برای وضع تحریم‌های جدید علیه ایران آماده می‌شود که دولت واشنگتن نگران تاثیر این تحریم‌ها بر مذاکرات هسته‌ای با تهران است.

به گزارش فارس به نقل از «آسوشیتدپرس»، کنگره آمریکا مشغول بررسی مجموعه‌ای جدید

بقیه در صفحه ۱۶

مشاور اقتصادی دکتر روحانی:

قانون بودجه امسال در دولت جدید بازنگری می‌شود

* دکتر نوبخت: بودجه ۹۲ به میزان زیادی نسبت به سال ۹۱ افزایش یافته و بسیار خوشبینانه است
* اولویت‌بندی هزینه‌ها از جاری و عمرانی از نخستین کارهای دولت جدید خواهد بود
* دکتر عیسی کلانتری مشاور دکتر روحانی: فهرست اعضای کابینه جدید در مراحل نهایی است

صفحه ۲

با تصویب مجلس

جریمه گرانفروشی و کم‌فروشی تعیین شد

* واحدهای صنفی فاقد جواز کسب پلمب می‌شوند
* نمایندگان مجلس اقدام اتحادیه اروپا را در تروریست خواندن شاخه نظامی حزب‌الله لبنان محکوم کردند

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس: شاخص کل تورم به ۴۱/۲ درصد رسید

* تورم نقطه به نقطه خرداد ۹۱ با خرداد ۶۱،۹۲ درصد است
* نظام آماری کشور باید اصلاح شود

صفحه ۲

یادداشت — **حتماً انصاف چیز خوبی است!** — فتح‌الله آملی — صفحه ۲

یادداشت — نامه به سردبیر — **مظلومیت دانش آمار و فریب بزرگ** — دکتر احمد کتابی — صفحه ۲

یادداشت — **چالش های بغداد با اقلیم کردستان عراق** — دکتر محمود رضا امینی — صفحه ۱۶

گزارش — **آزمون متغیر هنرجویان بلاتکلیف!** — صفحه ۵



ایران شناسی — **امام حسن(ع) در ادبیات فارسی** — عبدالله مسعودی آرانی — صفحه ۶



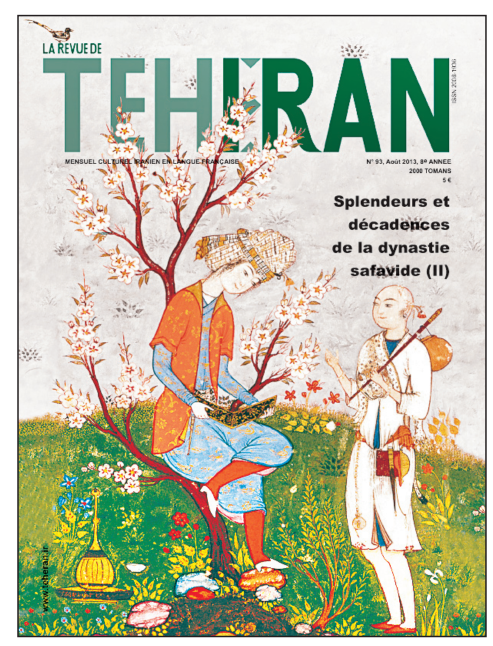
اقتصادی — **واکاوی علل شکست سیستم های اطلاعات مدیریت** — صفحه ۷





ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

نود و سومین شماره ماهنامه فرانسوی زبان «رُوو دو تهران» منتشر شد



نود و سومین شماره ماهنامه فرانسوی زبان «رُوو دو تهران» Revue de Téhéran، وابسته به موسسه اطلاعات، در هشتاد و چهار صفحه منتشر شد. پرونده این شماره (بخش دوم) به معرفی ایران در عصر صفویه می‌پردازد.

«دین و سیاست در دوره صفوی: از محقق کرکی تا علامه مجلسی»، «نگاهی گذرا به روابط بین‌المللی ایران صفوی»، «وضعیت تجارت ایران در دوران صفوی»، «سفرنامه‌های غربیان به ایران صفوی»، «باغ‌های عصر صفویه: گونه‌ها و الگوها»، «نگاهی به نگارگری در عهد صفوی»، «نگارگری دوره صفوی: الگویی برای هند گورکانی و عثمانیان» و «لباس‌های ایرانیان در دوره صفوی» از عناوین مقالات این بخش هستند.

«نگاهی به فیلم گذشته: آغازی نو در سینمای ایران»، گزارشی از نمایشگاه دینامو، یک قرن نور و پویایی در هنر ۱۹۱۳-۲۰۱۳، «ایران عرفانی در هشت بهشت شاهزاده ژان بیبسکو»، «گفتار ادبی زنان ایرانی» و «ارگ راین: دومین ارگ خشتی بزرگ جهان» از مقالات بخش فرهنگی، ادبی و اجتماعی این شماره هستند.

علاقمندان می‌توانند مطالب و مقالات تایپ شده خود را در موضوعات مرتبط با ایران و اسلام به زبان فرانسه جهت بررسی و چاپ در ماهنامه، به آدرس روزنامه اطلاعات و یا نشانی الکترونیکی mail@teheran.ir ارسال و پیشنهادات خود را با شماره تلفن ۲۹۹۹۳۶۱۵ و یا با مراجعه به سایت مجله به آدرس www.teheran.ir مطرح نمایند.

یادداشت

حتماً انصاف چیز خوبی است!

فتح ا... آملی (جوادی)

...چرا هرگز از موفقیت‌های دولت سخنی نمی گویید؟ آیا وظیفه یک روزنامه‌نگار آن است که تنها گلایه کند؟ نقد کند؟ از کاستی‌ها سخن بگوید؟ انصافاً شما در طول این یکی دو سال، چند بار درباره خدمات دولت سخن گفته‌اید؟ آیا همهٔ آمارهایی که دولت ارائه داده غلط است؟ همه را خودش ساخته و پرداخته؟ من نمی گویم دولت نهم و دهم بی‌عیب و نقص بوده و هرچه کرده خوب بوده یا دولت اصلاحات سراسر عیب بوده و هرچه کرده دشمنی و مایه خجالت... اما به هر حال گمان می کنم روزنامه‌نگار، منصف هم باید باشد. باید بیشتر خدا را در نظر بگیرد و وقتی رهبر کشور از خدمات دولت تعریف می کند، دست به انتقاد از او و خدماتش نزند و در هر صورت بنده به جهت علاقه‌مندی که به شما و نوشته‌های شما دارم و مقالات خوبی هم از شما خواندم و نیز روزنامه اطلاعات و مدیریت محترم آنرا انسانی متعادل ، منصف و ولایتمدار می‌دانم؛ این گلایه را مطرح کردم که در نوشته‌ها انصاف بیشتری به خرج دهید. آیا واقعاً در سال‌های اخیر هیچ اقدامی صورت نگرفته است؟ در زمینه ساخت جاده، راه، راه‌آهن، اتوبان، بزرگراه، مسکن و... کار نشده است؟ همین حالا در اوج گرما، ما یک ساعت هم خاموشی نداریم. ظرفیت تولید برق و گاز و بنزین و فولاد و سیمان مملکت افزایش نداشته و هیچ کاری صورت نگرفته است؟ آخر چرا باید این همه خدمات را نادیده انگاشت؟ البته من هم قبول دارم که اشتباهات و اشکالات این دو دولت هم کم نبوده است، قدر مسلّم بهتر هم می‌شد کار کرد و از منابع کشور نیز استفاده کرد، اما کار هم شده که باید گفت...

**

آنچه که خواندید، گلایه یکی از عزیزان خواننده روزنامه بوده که البته ممکن است گلایه بخش دیگری از عزیزان خواننده هم باشد. لذا بهتر دیدم که امروز و در این یادداشت به اقتضای ضرورت حفظ اخلاق حرفه ای و رسانه‌ای، به این نکته بپردازیم.

پس بگذارید کمی بیشتر توضیح داده شود. از ابتدای گلایه هم شروع می کنیم: چرا هرگز از خدمات و موفقیت‌های دولت سخن نمی گویید؟ آیا وظیفه روزنامه‌نگار صرفاً گلایه و نقد است؟... قطعاً چنین نیست. به شهادت آرشیو روزنامه، بیشترین تیترها و درشت‌ترین عنوان‌ها و خبرها را به موفقیت‌های عمرانی و اخبار مربوط به حوزه دولت اختصاص داده‌ایم. بسی بیش از حد انتظار و حتی لازم. هیچ خبری از هیچ وزارتخانه و سازمان دولتی و درباره هیچ فعالیت عمرانی دولت نبوده است که دارای حداقل جاذبه و لزوم اطلاع‌رسانی باشد و به شکلی شایسته در روزنامه منعکس نشده باشد. این وظیفه اسلامی، انقلابی، ملی و اخلاقی ماست تا همهٔ تلاش‌ها، خدمات و فعالیت‌هایی را که در دوران انقلاب توسط کارگزاران صورت می گیرد و آبرو می‌آورد، منعکس کنیم و به آن ببالیم. منتهی جایگاه هر مطلب و مقال، خاص خود آن است. سرمقاله و یادداشت با صفحه اخبار داخلی و یا اخبار حوزه دولت یا مجلس تفاوت دارد. قدر مسلّم، بیشترین ظرفیت برای نقد در یادداشت وجود دارد. ظرف این مطلب و این ستون، ظرفیت نقد است. منتهی در اینجا نیز همواره شرط انصاف و اعتدال رعایت شده است.

نکته دیگر آن است که همیشه گفته‌ایم و بازهم می گوییم و نیز صاحب این قلم عقیده‌مند است که قبل از وامداری به هر دولت و دولتمردی، التزام ما باید به اسلام و انقلاب باشد. چرا که همهٔ ما به نظام و انقلاب و ایران وامداریم. دولت‌ها و دولتیان می آیند و می‌روند. اگر محصول کارشان قوام انقلاب و نظام و سربلندی مُلک و ملت را به دنبال آورَد و مقوّم آن باشد، مورد تقدیر و سپاس است و اگر چنین نکنند و چنین نشود، قطعاً گرامی تر از نظام اسلامی و کشور و مردم نیستند.

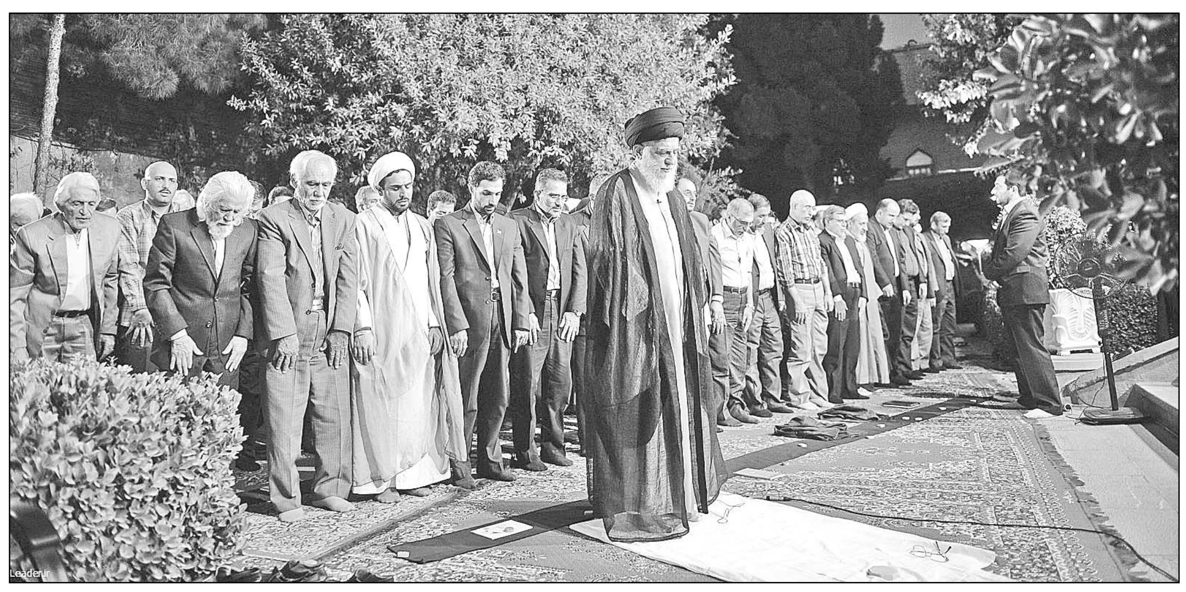
این سخن دقیقاً برگرفته از آموزه‌های معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی(ره) و نیز سلف خلف اوست. اینکه آیا در این دولت کارهای خوب و فعالیت و خدمت صورت گرفته یا نگرفته، باید گفت قطعاً صورت گرفته و اخبار آن نیز بارها و بارها در صدا و سیما و رسانه‌ها و از جمله همین روزنامه منعکس شده است، اما اگر نقدی و حرفی هست، حجم خدمات و اقدامات انجام شده است به نسبت میزان امکانات، وقت و زمان و نیز آنچه که باید و می توانست بشود و نشد.

اگر در جایی اخلاق آسیب دید، در جایی خلاف گفته شد، در جایی برای کشور و نظام هزینه بی‌فایده تراشیده شد، اگر در جایی بی‌قانونی صورت گرفت و... اگر نقد نشود، جفا به این مردم نیست؟ اگر حال گفتند که هیچ مشکلی باقی نمانده و همه آمارها خوب و درست و دقیق است و اقتصاد در بهترین شرایط، صادرات در بهترین وضعیت، بیت‌المال در بهترین موقعیت، درآمدها و ذخایر کشور در بهترین رونق، تولید در بهترین حالت، اشتغال در بهترین وضعیت و... و فرمودند که همه چی آرومه، من چقدر خوشحالم! آیا مردم حق ندارند بپرسند که پس چرا وضع ما اینطور است؟ پس این گرانی‌ها چیست؟ و یا حق ندارند متوقع باشند که پس این کاندیداها در دوران انتخابات از چه مشکلاتی صحبت می کردند؟ اصلا این حجت‌الاسلام روحانی که با شعار تدبیر و امید و با وعده اصلاح و تغییر مورد اقبال مردم قرار گرفته، پس چه تدبیری بهتر از آنچه که دولت قبل صورت داده، می‌خواهد به کار بندد و چه چیزی را می خواهد تغییر دهد؟

راستی اگر گفته نشود که وضع کشور و بخصوص اوضاع اقتصادی و بازار اشتغال و تولید و فضای کسب‌وکار به آن خوبی و درخشندگی که دوستان می‌فرمایند نیست و موانع متعددی را باید از سر راه برداشت و عقب‌ماندگی‌های بسیاری را باید جبران کرد و حداقل تا مدتی باید فقط کمربندها را محکمتر بست، کمتر خرج کرد و بیشتر کار کرد و تحمل سختی را تاب آورد تا به نرخ رشد و اشتغال و تولید و بهبود فضای کسب‌وکار در حد مناسب و قابل قبولی برسیم؛ آیا مردم ما آمادگی برای عبور از گردنه‌های اقتصادی پیش روی و نیز تنظیم مطالبات و تحدید توقعات را پیدا خواهند کرد؟

سخن کوتاه... قدر مسلّم دولت نهم و دهم، دولت پرکار و پرتلاشی بوده است. روحیات انقلابی خوبی نیز داشته است، خدمات بسیاری هم صورت داده است؛ اما اشتباهات متعددی نیز مرتکب شده و باید بپذیریم که فرصت‌های بسیاری نیز از کف رفت. هزینه‌های بیهوده‌ای نیز بر کشور تحمیل شد. بسیاری از نخبگان و فرهیختگان نیز بر سر میز اداره فکری و برنامه‌ریزی کشور دعوت نشدند، و باید پذیرفت که همهٔ اینها خسارت‌هایی به بار آورد که اگر نقد نشود و گفته نیاید، تکرار می‌شوند و مجددا فرصت می‌سوزانند و بر مشکلات مردم می‌افزایند و گرنه داشتن انصاف حتماً چیز خوبی است.

دیدار جمعی از شعرا با رهبر معظم انقلاب



حسینیه امام خمینی (ره) در شب میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام میزبان اهالی فرهنگ و هنر، استادان زبان و ادب فارسی و شعرای پیشکسوت و جوان کشور بود. در ابتدای این دیدار حاضران نماز جماعت را بـه امامت حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه و روزه خود را همراه با ایشان افطار کردند. **مشروح خبر این دیدار در شماره آینده انتشار خواهد یافت.**

مشاور اقتصادی دکتر روحانی: قانون بودجه امسال در دولت جدید بازنگری می‌شود

مشاور اقتصادی دکتر روحانی درباره بودجه امسال و امکان تحقق آن گفت: بودجه ۹۲ بسیار خوشبینانه است و حتما باید با واقعیت هزینه ها و متناسب با درآمدها تخصیص منطبق شود و دولت جدید باید بودجه را مجددا بررسی کند.

محمد باقر نوبخت، دبیر کل حزب اعتدال و توسعه در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سئوال که نظر شما درباره اظهارات اقتصاددانان مجلس مبنی بر این که بودجه سال ۹۲ قابل تحقق نیست و دولت جدید می تواند اصلاحیه بفرستد، گفت: اجازه بدهید دولت جدید تشکیل شود، بررسی کند و نظر بدهد.

وی با بیان این که باید نحوه عملکرد سه دوازدهم بودجه مورد بررسی قرار بگیرد، افزود: تا آنجایی که من اطلاع دارم از ۲۱۰ هزار میلیارد تومان که بودجه عمومی کشور است در سه ماهه اول سال یعنی عملکرد سه دوازدهم حدود ۲۳۰۰ میلیارد تومان بود یعنی ٤٤ درصد سه دوازدهم، محقق شده است.

دبیر کل حزب اعتدال و توسعه ادامه داد: به نظر می رسد که بودجه سال ۹۲ به میزان زیادی نسبت به عملکرد بودجه ۹۱ افزایش دارد و بسیار خوش بینانه است و حتما باید منطبق با واقعیت هزینه ها و متناسب با درآمدها تخصیص پیدا کند. بنابراین اولویت بندی هزینه‌ها از هزینه جاری و هزینه عمرانی یکی از کارهای نخستین دولت بعدی است.

دکتر کلانتری: فهرست اعضای پیشنهادی برای کابینه جدید در مرحله نهایی است

یک عضو کمیته های مشورتی و برنامه ریزی رئیس جمهوری منتخب برای طرح ریزی برنامه های دولت یازدهم از قطعی شدن فهرست کابینه ظرف یکی دو روز آینده خبر داد و ابراز امیدواری کرد که دکتر روحانی تا قبل از برگزاری مراسم تحلیف درباره کابینه پیشنهادی به جمع بندی رسیده و در نهایت افراد مورد نظر خود را در این روز به مجلس معرفی کند.

عیسی کلانتری در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره فهرست هایی که با عنوان کابینه احتمالی دولت یازدهم در رسانه‌ها منتشر شده‌است، گفت: آنچه مطرح شده عمدتا گمانه زنی های رسانه ها ست و وقتی می توان آن را فهرست افراد پیشنهادی برای کابینه خواند که توسط رئیس جمهوری منتخب اعلام شود، چون بر اساس قانون فقط ایشان می تواند اسامی افراد کابینه را اعلام کند و هر آنچه غیر از این باشد، رسمیت ندارد.

وی در پاسخ به این سئوال که با معرفی کابینه، کار کمیته های برنامه ریزی و مشورتی تشکیل شده توسط رئیس جمهوری منتخب به پایان می رسد افزود: نه، برنامه ریزی ها برای هرچه بهتر عمل کردن دولت یازدهم ادامه دارد.

وزیر پیشین کشاورزی در پاسخ به این سئوال که آیا کمیته‌های تشکیل شده، پیشنهادهای خود را برای تشکیل کابینه به رئیس جمهوری منتخب ارائه کرده اند اظهار کرد: کمیته ها نظر خودشان را بر اساس خواست رئیس جمهوری منتخب به منظور تشکیل کابینه به آقای روحانی اعلام کرده اند، اما این فقط کمیته ها نیستند که نظراتشان را در این باره اعلام کرده اند، بلکه بر اساس درخواست رئیس جمهوری منتخب افراد حقیقی و حقوقی، مجامع، گروه ها، شخصیت ها و ... نظراتشان را به ایشان در باره کابینه و برنامه ها اعلام خواهند کرد.

وی تصریح کرد: آقای روحانی برای تصمیم گیری بهتر در معرفی کابینه از همه افراد، مجامع، گروه ها، شخصیت ها و ... خواسته اند نفرات مورد نظر خود را به ایشان معرفی کنند که در همین زمینه از کمیته های کاری تشکیل شده هم در خواست کرده اند که لیست های مورد نظر خود را ارائه کنند.

کلانتری ادامه داد: این اقدام رئیس جمهوری منتخب ملت در حالی صورت گرفته است که قانونا فقط ایشان هستند که باید کابینه را تعیین و معرفی کنند و لذا می توانستند برای این کار پیشنهاد و مشورتی از هیچ فرد، گروه و جناحی قبول نکنند. وی در پایان در باره این که لیست کابینه پیشنهادی در روز تحلیف رئیس جمهوری منتخب در مجلس، به قوه مقننه ارائه خواهد شد خاطر نشان کرد: امیدواریم که رئیس جمهوری منتخب قبل از برگزاری مراسم تحلیف به جمع بندی نهایی رسیده و در نهایت در این روز بتوانند افراد مورد نظر خود برای کابینه را به مجلس معرفی کنند.

جریمه گرانفروشی و کم‌فروشی تعیین شد

سرویس پارلمانی : مجلس شورای اسلامی، دیروز در دو نوبت صبح و بعدازظهر تشکیل جلسه داد و ضمن آن چند ماده دیگر لایحه اصلاح قانون نظام صنفی را تصویب کرد.

به موجب مواد تصویب شده میزان جرایم گرانفروشی، کم‌فروشی، احتکارکالا، فروش کالای غیر استاندارد، تقلبی و تاریخ مصرف گذشته و خودداری از اعلام موجودی کالا، تعیین شد.

بر اساس ماده ۳۹، جریمه مقرر در ماده ۵۷ قانون نظام صنفی به این شرح اصلاح و ۲ تبصره به این شرح به آن الحاق می‌شود: متخلف متهم به گرانفروشی، علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف کننده، در مرتبه نخست به دو برابر مبلغ گرانفروشی و در مرتبه دوم به چهار برابر آن مبلغ جریمه می‌شود.

در مرتبه چهارم به ۸ برابر مبلغ گرانفروشی جریمه خواهد شد و پارچه یا تابلوی سر در محل کسب متخلف صنفی به‌مدت یک ماه نصب می‌شود.

در مرتبه پنجم و مراتب بعدی به ۱۰ برابر مبلغ گرانفروشی جریمه خواهد شد و پارچه و تابلوی سر درمحل کسب وی به عنوان متخلف صنفی، مدت دو ماه نصب می‌شود.

همچنین پروانه کسب وی مدت شش ماه تعلیق و محل کسب تعطیل خواهد شد.

مجازات کم فروشی

به موجب ماده ٤٠، جریمه مقرر در ماده ۵۸ قانون نظام صنفی در مورد کم فروشی به شرح زیر، اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

متخلف کم فروش، علاوه برالزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده، به دو برابر مبلغ کم‌فروشی و در مرتبه دوم به ٤ برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه خواهد شد.

در مرتبه سوم، متخلف کم فروش، به ٦ برابر مبلغ کم‌فروشی محکوم و پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب وی به عنوان متخلف صنفی به مدت دو هفته نصب می‌شود.

در مرتبه چهارم، متخلف به هشت برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه می‌شود و به مدت یک ماه پارچه یا تابلوی تخلف صنفی بر سر در محل کسب نصب خواهد شد.

متخلف کم فروش در مرتبه پنجم و مراتب بعدی به ۱۰ برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه می‌شود و پارچه و تابلوی تخلف صنفی در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت دو ماه نصب می‌شود.

همچنین پروانه کسب او به مدت شش ماه تعلیق و محل کسب تعطیل خواهد شد.

انجام ندادن خدمات پس از فروش در دوره ضمانت توسط متعهد، در حکم کم‌فروشی است و متخلف از این امر، علاوه بر انجام خدمت مربوط، به جزای نقدی محکوم می‌شود.

برابر ماده ٤١، هر واحد صنفی و همچنین عمده‌فروشان و خرده‌فروشانی که موجودی خود را در پایان هر ماه یا حسب ضرورت با تقاضای اتحادیه تولیدکنندگان و توزیع کنندگان اعلام نکنند، متخلف محسوب می‌شوند و برابر مراتب مذکور مجازات خواهند شد.

اعلام نکردن موجودی

به موجب ماده ٤٢، اعلام نکردن موجودی در پایان هر ماه برحسب ضرورت با تقاضای اتحادیه تولیدکنندگان و توزیع کنندگان عمده و خرده‌فروشانی که کالای خود را به صورت عمده در انبار یا هر محل دیگری نگهداری می کنند، به اتحادیه مربوط تخلف محسوب می‌شود و متخلفان برابر مراتب مذکور مجازات خواهند شد.

متخلف، علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده، معادل دو برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه و فروخته شده یا خدمت ارائه و در مرتبه دوم به چهار برابر مابه‌التفاوت مذکور جریمه می‌شود.

در مرتبه سوم، متخلف به شش برابر مابه‌التفاوت جریمه خواهد شد و علاوه بر پرداخت جریمه، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت دو هفته نصب خواهد شد.

در مرتبه چهارم متخلف به هشت برابر مابه‌التفاوت جریمه می‌شود و پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه نصب می‌شود.

در مرتبه پنجم و مراتب بعدی، متخلف به ۱۰ برابر مابه‌التفاوت متخلف جریمه خواهد شد و مدت دو ماه پارچه یا تابلو تخلف صنفی بر سر در محل کسب نصب می‌شود. پروانه کسب وی هم مدت شش ماه تعلیق و محل کسب تعطیل خواهد شد.

کالای غیراستاندارد و تاریخ مصرف گذشته

عرضه، نگهداری به قصد فروش و فروش کالا بدون علامت استاندارد ایران و ارائه خدمات بدون تأیید مؤسسه استاندارد ایران و ارائه خدمات بدون تأیید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، در صورتی که استاندارد کالا یا خدمات اجباری شده باشد، مشمول مقررات این ماده است.

فروش کالای تاریخ مصرف گذشته در حکم تقلب است و مرتکب، به جریمه مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

احتکار کالا

براساس ماده ٤٢، جریمه احتکار با توجه به دفعات تکرار در طول یک سال به این شرح است:

مرتبه اول: الزام محتکر به عرضه و فروش مجموع کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل ۷۰ درصد قیمت روز کالای احتکار شده.

مرتبه دوم: الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالای احتکار شده و جریمه نقدی معادل سه برابر قیمت روز کالای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت یک ماه.

مرتبه سوم: الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفت برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو برسردر محل کسب به عنوان تخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت سه ماه.

ارائه صورتحساب

برابر ماده ٤٥، هر فرد صنفی که نسخه‌ای از صورتحساب خرید کالا را در واحد صنفی خود نداشته باشد یا از ارائه آن به مأموران خودداری کند، به پرداخت ۵۰۰ هزار ریال جریمه محکوم می‌شود.

براساس ماده ٤٨، استفاده نکردن صاحبان مشاغل از سامانه صندوق مکانیزه فروش (پوز) در هر سال موجب محرومیت از معافیت‌های مالیاتی مقرر در قانون برای سال بعد می‌شود.

ممنوعیت قلع و قمع ورزشگاه‌ها

لایحه «ممنوعیت خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع سازمان تربیت بدنی» که در شورای نگهبان مردود شناخته شده است، در این جلسه مطرح و با اصلاح ماده واحده آن مقرر شد: اجرای احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی غیر، احداث شده و ابقای آن ضروری است، برای مدت ۲ سال متوقف شود.

همچنین وزارت ورزش و جوانان موظف شد ظرف این مدت با مالکان زمین‌های مذکور، به هر نحو ممکن، مانند خرید اراضی. واگذاری زمین و ملک معوض، صدور مجوز و واگذاری سهام توافق کند.

بیانیه نمایندگان

در ادامه این جلسه، بیانیه نمایندگان در محکومیت موضع‌گیری اخیر اتحادیه اروپا که شاخه نظامی حزب‌الله لبنان را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است، از تریبون خوانده شد.

دراین بیانیه آمده‌است: حزب‌الله با کمک شاخه نظامی‌اش معجزه‌ای را در دنیا رقم زد و چهارمین ارتش دنیا را شکست داد و معادله قدرت را در منطقه حساس خاورمیانه برهم زد.

در بخش دیگر این بیانیه تاکید شده است. اتحادیه اروپا با فشار آمریکا و لابی صهیونیستی، شاخه نظامی حزب‌الله را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است. از این رو ما نمایندگان ملت بزرگ ایران، این اقدام ضد اسلامی و ضد انسانی اتحادیه اروپا را به شدت محکوم کرده و حمایت قاطع خویش را از حزب‌الله و رهبری توانمند و شجاع آن سیدحسن نصرالله اعلام می‌داریم و در جهت حمایت از آرمان فلسطین و ضدیت با رژیم صهیونیستی که در راستای آرمان‌های الهی امام راحل و مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، اعلام آمادگی می کنیم.

امت اسلامی و به ویژه ملت بزرگ ایران، پاسخ اتحادیه اروپا و حامیان کوته‌فکر آن را با حضور دهها میلیونی خود در روز «قدس» خواهند داد.

این بیانیه به امضای نمایندگان حاضر در جلسه رسیده است.

رئیس مرکز پژوهش های مجلس:

شاخص کل تورم به ٤١/٢ درصد رسید

رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با مقایسه نرخ تورم در خرداد امسال نسبت به مدت مشابه آن در سال قبل، رقم بدست آمده را بسیار بالا دانست و خواستار چاره‌اندیشی در این زمینه شد.

کاظم جلالی در جلسه علنی دیروز مجلس در نطق میان دستور خود گفت: براساس آمار رسمی نرخ تورم نقطه به نقطه خرداد ۹۱ با خرداد ۹۲، ٦۱ درصد است و این رقم بسیار بالایی است و شاخص کل نیز ٤١,٢ درصد را نیز نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد باید در این خصوص چاره‌اندیشی جدی کرد.

رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی همچنین با تاکید بر اصلاح نظام آماری کشور ،از وجود تناقض در آمارها اظهار تاسف کرد.

جلالی درباره حماسه اقتصادی افزود: ما باید به نوسازی نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور بپردازیم و نظام آماری کشور را اصلاح کنیم؛ چراکه این روزها ما شاهد اطلاعات آمار مختلفی هستیم و تناقضات زیادی در اطلاعات و آمار وجود دارد و متاسفانه در برخی جاها نیز نهادهای متولی آماردهنده کار خودشان را به خوبی انجام نداده اند و به نظر می‌رسد باید در این خصوص یک تجدیدنظر جدی انجام گیرد.

دولت به قول خود برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی عمل نکرد

رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه همسان سازی حقوق بازنشستگان این نهاد با بازنشستگان کشوری و لشکری قانون مصوب سال ۸۸ مجلس شورای اسلامی است، تاکیدکرد : تکلیف اجرای این قانون چهار سال پس از تصویب همچنان مشخص نیست.

خبازها در گفت‌وگو با ایسنا، توضیح داد: بنابر بند ۳۹ قانون بودجه سال ۸۸ باید ۲۵۰۰ میلیارد تومان در قالب سهام به تامین اجتماعی ارائه می‌شد که از این مبلغ فقط ۹۳۷ میلیارد تومان به تامین اجتماعی اختصاص دادند و همچنان تکلیف ۱۵٦۳ میلیارد تومان از آن مبلغ مشخص نیست.

او ادامه داد: البته ۹۳۷ میلیارد تومان از این مبلغ نباید در قالب یارانه ارائه و به صورت نیمه تمام اجرایی می‌شد، اما با توجه به برخورد سلیقه‌ای مدیریت وقت سازمان تامین اجتماعی در سال ۸۸ این مبلغ به صورت یارانه به بازنشستگان ارائه شد و پس از آن هم متوقف ماند.

به گفته او ، در آن سال به کسانی که بیشترین حق بیمه را پرداخت کرده بودند ١٤ هزار و ٦۰۰ تومان و به افرادی که کمترین حق بیمه را پرداخت کرده بودند ۸۲ هزار تومان پرداخت شد که این موضوع با عدالت بیمه‌ای تطابق نداشت.

رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی با تاکید بر اینکه از سال ۸۸ تا به امروز اقدام های بسیاری برای همسان سازی حقوق بازنشستگان شده است، ادامه داد: پنج بار به ریاست جمهوری به صورت مستقیم نامه داده ایم و حتی اخیرا در هفته های کار و کارگر و تامین اجتماعی از رئیس جمهوری تقاضای اجرایی شدن این قانون را داشته‌ایم، اما به رغم قول‌های داده شده، همچنان تکلیف اجرایی شدن این قانون مشخص نیست.

او ادامه داد: فقط در ۲۵ خرداد امسال از نهاد ریاست جمهوری برای مدیرعامل سازمان نامه‌ای به‌منظور اجرایی شدن این قانون آمد ، که با مراجعه به معاونت اداری مالی می گویند قرار است کمیته‌ای در این زمینه تشکیل شود، اما این موضوع به هیچ وجه کافی نیست و ما خواستار عملیاتی شدن این قانون هستیم.

رئیس کانون عالی بازنشستگان در پاسخ به اینکه با توجه به پایان دولت دهم تکلیف قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان چه می‌شود گفت: با توجه به تورم بالا و مشکلات معیشتی جامعه هدف ، تقاضا داریم دولتمردان فعلی و آینده مشکلات قانون همسان سازی را حل کنند، چرا که در قانون آمده است که سازمان تامین اجتماعی باید تداوم پرداخت افزایش‌های لحاظ شده در حقوق را برآورده کند و هر ساله از دولت بخواهد که این موضوع را در بودجه سنواتی خود لحاظ کند. بعضی‌ها می گویند که اعتبار این موضوع وجود ندارد، اما سازمان تامین اجتماعی اعلام می کند که اعتبار قانون همسان سازی حقوق بازنشستگانش در بودجه سال ۸۸ دیده شده است و باید از وزارت اقتصاد این سهام گرفته و به ریال تبدیل شود تا بتوان آنرا به بازنشستگان پرداخت کرد.

دعای روز پانزدهم ماه مبارک رمضان

اللهمّ ارْزُقْنی فیهِ طاعَةَ الخاشِعین واشْرَحْ فیهِ صَدْری بإنابَةِ المُخْبتینَ بأمانِکَ یا أمانَ الخائفین.

خداوندا در این روز، طاعت بندگان فروتن را روزیم فرما و با توبه فروتنان ، سینه‌ام بگشای به حق پناهت ای پناه بیمناکان.

اشتیاق مقامات کشورها برای حضور در مراسم تحلیف دکتر روحانی

بقیه از صفحه اول

هیچ کدام از این خبرها را تائید نمی‌کنم.

حزب‌الله در لیست تروریست‌ها

سخنگوی وزارت امورخارجه در پاسخ به پرسشی درباره موضع ایران در قبال قرار گرفتن نام شاخه نظامی حزب‌الله لبنان در لیست تروریست‌ها از طرف اتحادیه اروپا، این اقدام را غیرحرفه‌ای و جانبدارانه دانست و گفت: ما این اقدام را علیه ملت لبنان ارزیابی می کنیم زیرا که حزب‌الله بخشی از ساختار سیاسی لبنان است و در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی لبنان حضور دارد و مورد پذیرش مردم لبنان، منطقه و جهان اسلام است.

وی با بیان این که قرار گرفتن نام این گروه در میان گروه‌های تروریستی، اقدامی نسنجیده و عجیب است، افزود: تصور می‌شود اگر این اتحادیه در زمان جنگ دوم جهانی وجود داشت حتماً گروه‌هایی را که علیه نازی‌ها مبارزه می‌کردند را در لیست تروریست‌ها قرار می‌داد. عراقچی با بیان این که مقاومت مشروع حزب‌الله در مقابل رژیم صهیونیستی از طرف جهان اسلام و منطقه ارج گذاشته می‌شود، گفت: این عمل هیچ تغییری در ماهیت مردمی و حق‌طلبانه حزب‌الله ایجاد نمی کند و اقدامی که اتحادیه اروپا در چارچوب منافع رژیم صهیونیستی انجام داد کمکی به ایجاد آرامش در این منطقه حساس که درگیر بحران‌های مصر و سوریه هم هست، نمی‌کند.

وی ابراز امیدواری کرد که اتحادیه اروپا نسبت به این تصمیم تجدید نظر کند.

تعویق بررسی تحریم‌های جدید

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره علت اقدام اخیر کنگره امریکا در به تعویق انداختن بررسی طرح تشدید تحریم‌ها علیه ایران، همزمانی این اقدام با نامه جمعی از اعضای کنگره برای تعامل بهتر اوباما با ایران را علائمی ارزیابی کرد که نشاندهنده حرکت سیاست در آمریکا به سمت عقلانیت و واقع‌بینی است.

وی گفت: مردم آمریکا هزینه سیاست‌های مخرب امریکا و گرایش‌های تندروانه در کنگره این کشور را به کرات پرداخته‌اند و خواستار تغییر بوده‌اند.

وی با بیان این که ملاک ما تغییر در رفتار و رویکردهاست، ابراز امیدواری کرد که این اقدامات با اقدام‌های عملی توام باشد.

وی تصریح کرد: اگر این حرکت برای جبران سیاست‌های غلط گذشته با اقدامات عملی همراه باشد می تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای جدید کمک کند.

وضع پناهجویان ایرانی در استرالیا

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره وضع پناهجویان ایرانی در استرالیا و موضوع آشوب در یکی از کمپ‌های پناهندگان در این کشور، با بیان این که این یک داستان طولانی و غم‌انگیزی است که ما در سال‌های اخیر با آن مواجه شده‌ایم، گفت: متاسفانه عده‌ای از هموطنان ما برای رسیدن به امکانات بهتر فریب قاچاقچیان انسان را می خورند و مبالغ هنگفتی برای ورود غیرقانونی به استرالیا پرداخت می کنند.

وی با بیان این که این افراد به وسیله کشتی‌هایی که از ایمنی برخوردار نیستند از اندونزی راهی استرالیا می‌شوند، گفت: گاهی این کشتی‌ها که معمولاً بیش از ظرفیت مسافر سوار می کنند در دریا دچار سانحه می‌شوند.

به گفته عراقچی آن عده از پناهجویان که به سلامت به استرالیا می‌رسند به کمپ‌هایی فرستاده می‌شوند که معمولاً در نقاط دور افتاده قرار دارد، به گونه‌ای که این افراد پس از مدتی فراموش می‌شوند.

وی در این باره که چه تعداد ایرانی در میان پناهجویان معترض در کمپ وجود داشته‌اند، گفت: خبر دقیقی در این باره نداریم ولی مجموعه این مساله دغدغه برای ما، اندونزی و استرالیا است و تاکنون چند دوره مذاکره در این باره میان سه کشور انجام شده است.

وی با بیان این که به مشورت‌های خود با این دو کشور ادامه می‌دهیم، ابراز امیدواری کرد که رسانه‌ها با اطلاع رسانی دقیق در این مورد مانع از این شوند که هموطنان فریب قاچاقچیان انسان را بخورند.

کوهنوردان ناپدید شده

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره اقدامات ایران برای اطلاع از سرنوشت سه کوهنورد ایرانی ناپدید شده در کوه‌های شمال پاکستان، گفت: متاسفانه خبر جدیدی در این باره نداریم اما سفارت‌های کشورمان در اسلام‌آباد و پکن پیگیر موضوع هستند.

وی افزود: سفارت ایران در اسلام‌آباد با مقام‌های محلی در تماس هستند و هلی‌کوپترهای تجسس به منطقه اعزام شده‌اند.

وی ابراز امیدواری کرد حادثه بدی برای این کوهنوردان رخ نداده باشد و بزودی در کمال صحت پیدا شوند.

بازرسی‌های جدید

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره اخبار منتشر شده مبنی بر تصمیم آژانس برای بازرسی‌های جدید از تاسیسات هسته‌ای ایران، گفت: هیچ توافق جدیدی با آژانس صورت نگرفته و مذاکراتی که شروع شده هنوز به سرانجام نرسیده است.

وی تصریح کرد: همچنانکه قبلاً گفته شده ایران در قالب تعهدات بین‌المللی‌اش آماده همکاری با آژانس هست ولی فراتر از چارچوب را قبول نداریم.

تغییر جایگاه تیم هسته‌ای

سخنگوی وزارت امورخارجه در پاسخ به پرسشی درباره انتشار اخباری درباره تغییر جایگاه تیم هسته‌ای به وزارت خارجه، با بیان این که آنچه گفته شده مبتنی بر حدس و گمان و تحلیل های مختلف افراد است، افزود: هیچ تصمیمی در این باره گرفته نشده است.

وی گفت: تصمیم گیری درباره این پرونده به عهده شورای عالی امنیت ملی است، ولی مذاکرات می‌تواند توسط دبیرخانه صورت بگیرد یا توسط وزارت خارجه که رئیس جمهوری منتخب می‌تواند در این باره تصمیم بگیرد که هرکدام هم مزیت‌هایی دارد.

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره تحول جدید در موضوع ربوده شدن دیپلمات ایرانی در یمن، با بیان این که خبر جدیدی نداریم، گفت: ما دولت یمن را مسئول حفظ جان دیپلمات ایرانی می‌شناسیم. وی با بیان این که هیچ خبر تایید شده‌ای درباره نقش القاعده در ربایش این فرد نداریم، ابراز امیدواری کرد با تلاش‌هایی که صورت می گیرد به زودی شاهد آزادی وی باشیم.

ارتقای روابط ایران ـ انگلیس

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره تولد نتیجه ملکه انگلستان و نقش احتمالی او در ارتقای سطح روابط ایران و انگلیس، ضمن تبریک این تولد به ملکه و ولیعهد انگلستان گفت: قطعاً ابعاد روابط ایران و انگلیس پیچیده‌تر از این است که این گونه اتفاقات بتواند بر آن تاثیر داشته باشد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره روابط با حماس پس از موضع گیری‌های این تشکل در قبال سوریه، گفت: در دو سال گذشته موضوع سوریه و فتنه‌ای که در آن کشور شکل گرفت، برخی دوستان ما در منطقه را دچار اشتباه و غفلت از نقش رژیم صهیونیستی و کشورهای خارجی نظیر امریکا در توطئه در سوریه کرد.

وی با بیان این که تحولاتی که در چند هفته اخیر رخ داد ذهن‌ها را بازتر کرد، روابط ایران با حماس را خوب توصیف کرد و گفت: ما حماس را عنصر خوبی در مقاومت علیه رژیم صهیونیستی می‌دانیم.

وی افزود: علیرغم فراز و نشیب‌های این دو سال، روابط با حماس ادامه داشته است و آنچه ما را به هم متصل می‌کند مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی است.

وی افزود: برخی مسائل ممکن است سوءتفاهم ایجاد کند که در حال رفع شدن است.

بیانیه اخوان المسلمین

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره انتشار بیانیه‌ای توسط اخوان المسلمین مبنی بر این که شرط کمک به خروج از بحران، آزادی مرسی است، گفت: ما خواهان انسجام و اتحاد ملی در این کشور از طریق گفتگو میان همه جناح‌های سیاسی هستیم. امیدواریم با درایت رهبران مصر و اخوان‌المسلمین گفتگوها میان طرفین به نتیجه برسد.

وی افزود: تاکید ما بر حفظ ثبات و آرایش در مصر است که مسلماً نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای ایفا می کند.

ضرب و شتم نماینده مجلس در عربستان

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره ضرب و شتم یکی از نمایندگان مجلس در سفر عمره، با بیان این که دولت عربستان مسئول حفظ امنیت همه حجاج است، گفت: سفارت ما در ریاض در تماس نزدیک با مقام‌های امنیتی و سیاسی عربستان است و پیگیری‌ها در این باره ادامه دارد.



یادداشت

نامه‌ای به سردبیر

مظلومیت دانش آمار و فریب بزرگ

دکتر احمد کتابی

خواندن سر مقالهٔ عالمانهٔ مورخ ۹۲/٤/۲۳ شما تحت عنوان «کارنامه» درباره آمارهای اشتغال که مثل همیشه، در کمال انصاف، بی‌نظری و واقع‌گرایی و بدون کمترین جانبداری و یا عیب‌جویی غرض‌آلود نگاشته شده بود، انگیزهٔ تسوید یادداشتی شد که مدتها بود در نظر داشتم درباره مظلومیت علم آمار در ایران بنگارم ـ یادداشتی که با توجه به جارو جنجال‌های چند ماه اخیر درباره صحت و سقم آمارهای گوناگون راجع به اشتغال، نگارش آن را برخود ـ با توجه به سوابق تحصیلی‌ام در رشته اقتصاد ـ به مثابه فریضه و وظیفه‌ای مسلم تلقی می کردم.

مقدمتا باید عرض کنم که دانش یا فن آمار، از همان بدو پیدایش خود، به دلیل سوءاستفاده‌های ابزاری که گاه و بیگاه، از تکنیک‌های آن در جهت پیشبرد مقاصد سیاسی و فریب افکار عمومی می‌شده، پیوسته مورد کم‌لطفی و گاه بی‌حرمتی قرار می گرفته است تا آنجا که منتقدی آن را، به طنز، «هنر دروغگویی به شیوه عالمانه!» تعریف کرده و صاحب‌نظری دیگر آن را گونه‌ای جدید از دروغ قلمداد و دربارهٔ آن چنین اظهارنظر کرده است: «دروغ بر سه نوع است: دروغ مصلحت‌آمیز، دروغ فتنه‌انگیز و آمار!»

اما حقیقت مسلم این است که در این میانه، دانش آمار را کمترین تقصیری نبوده و نیست و گناه و تقصیر اصلی را باید به حق، متوجه کسانی دانست که درصدد سوءاستفاده و بهره‌برداری ناروا از تکنیک‌های پرثمر و سودمند این دانش برآمده‌اند دانشی که در همه زمینه‌ها و به‌ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی، منشاء برکات و خدمات انکارپذیری بوده است. باری! اگر قرار باشد امکان و یا وقوع سوءاستفاده از دانش یا فنی را ملاک تخطئه و نفی آن بدانیم، باید دوربسیاری از اختراعات و اکتشافات بشری ـ مثلا انرژی اتم و یا کشف دینامیت توسط آلفرد نوبل ـ را خط بکشیم و تمدن بشری را از برکات و ثمرات بی‌شمار آنها محروم بداریم.

سخن، کم کم، به درازا کشید و مقدمه از ذی‌مقدمه فراتر رفت، جای آن است که به موضوع و هدف اصلی این نوشتار که اتفاقا در سر مقاله شما هم بدان پرداخته شده بود ـ یعنی آمارهای ارائه شده درباره اشتغال و بازی با آنها ـ بپردازیم:

همان گونه که شما هوشمندانه دریافته و بر آن مهر تاکید نهاده بودید، فرق است بین رقم افزایش تعداد کل شاغلان در سال معین و رقم شاغلان جدید در همان سال، چرا که در شاخص اول، تعداد کسانی که، به هر دلیل، در آن سال از وضعیت اشتغال خارج شده‌اند ـ یعنی بازنشستگان و نیز همه بیکار شدگان در آن سال ـ منظور می شود و حال آنکه در رقم مربوط به شاغلان جدید، رندانه، شمار بازنشستگان و بیکار شدگان آن سال نادیده گرفته می‌شود و نتیجتاً رقم درشت و چشمگیری به عنوان میزان افزایش اشتغال به اذهان ساده و زودباور ارائه می‌شود. در واقع، این احتمال کاملا متصور و معقول است که رقم یا نسبت افزایش تعداد کل شاغلان، در صورت ملحوظ کردن تعداد بازنشستگان و بیکار شدگان، از رقمی کوچک مثلا رقم فراتر نرود و حتی در مواردی به صورت منفی هم درآید و این است رمز تفاوت ارقامی که از یک سو توسط رئیس جمهور کنونی و مسئولان اقتصادی منصوب ایشان در رسانه‌های طرفدار و مدافع دولت، مطرح می‌شود و از سوی دیگر توسط منتقدان ارائه می‌شود و فاصلهٔ آنها به مرز دو میلیون! و حتی بیشتر هم بالغ می گردد. در واقع، این دو گروه، خودآگاهانه، از دو شاخص کاملا متفاوت سخن می گویند و از آنها در جهت اثبات مدعای خود کمک می گیرند هرچند که انصافاً، از نظر حق‌گرایی و حق‌گویی، اختلاف سطح فاحشی بین آنها مشاهده می‌شود.

اکنون اجازه می‌خواهم به دو نکتهٔ مهم دیگر که در درک نتایج آمارهای مربوط به اشتغال واجد کمال اهمیت است و در سرمقالهٔ شما هم گذار به یکی از آنها اشاره شده بود، بپردازم:

۱ـ مهم‌ترین عاملی که در تبیین و درک آمارهای اشتغال نقش و دخالت اساسی دارد، تعریفی است که در مؤسسات تولیدکنندهٔ آمار ـ مثل مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و غیره ـ ملحوظ و ملاک محاسبه است. شاید برای شمار کثیری از خوانندگان روزنامه قابل قبول و باور کردنی نباشد که در حال حاضر، از نظر این مؤسسات، شخص شاغل به کسی اطلاق می‌شود که در هفتهٔ قبل از استفسار از وی، حداقل یک ساعت! کار کرده باشد و به همین ترتیب، «بیکار» کسی شمرده می‌شود که در هفته مزبور حتی یک ساعت هم کار نکرده باشد. برای اینکه این سخن نگارنده حمل بر مبالغه و یا خلاف گویی نشود، خوانندگان ارجمند را به مطالعهٔ مقدمهٔ نشریات سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ارجاع می‌دهم که در آنها صراحتاً در تعریف شاغل چنین گفته شده است: کسی که در هفتهٔ قبل از مراجعهٔ مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار کرده باشد شاغل محسوب می‌شود. (بگذریم از اینکه خود «کار» مفهومی کش‌دار و انعطاف‌پذیر و در معرض تعبیرهای مختلف است) تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

این نکته را نیز ناگفته نگذارم که در نشریات سرشماری ۱۳۷۵ و احتمالا قبل از آن، ملاک شاغل محسوب شدن، انجام حداقل ۲ روز کار در هفتهٔ قبل از مراجعهٔ مأمور سرشماری بوده است. اینکه چرا در سرشماری‌های بعدی دو روز کار (یعنی تقریباً ۱٦ ساعت) را به یک ساعت! (یعنی به ۱/۱٦) تقلیل داده‌اند از نظر بندهٔ مطلقاً قابل درک و توجیه نیست.

۲ـ نکتهٔ مهم دیگری که غالباً مغفول مانده و اتفاقاً در تشخیص میزان واقعی اشتغال از اهمیت بسزایی برخوردار است، موضوع بیکاری پنهان disguised unemployment است. چنانکه می‌دانیم بخش بزرگی از کسانی که آنها را شاغل فرض می کنیم و بنابراین، جزء آمار شاغلان منظور می‌شوند، در واقع، بیکاران پنهانی هستند که مظاهر آنها را به وفور در گوشه و کنار معابر، در مترو و بسیاری جاهای دیگر (به صورت دستفروش و غیره) و نیز در ادارات (به شکل کارمندان زائد بر احتیاج) مشاهده می کنیم. حال اگر تعداد کل این بیکاران مخفی را بتوانیم محاسبه کنیم، به رقم و نسبت بسیار درشتی می‌رسیم. بد نیست این نکته را هم اضافه کنم که از نظر اقتصاددانان ملاک «بیکار پنهانی بودن» این است که فرد، در واقع امر، هیچ نقشی در تولید ملی نداشته باشد؛ یعنی اگر او را از این اشتغال ظاهری و صوری باز داریم، کمترین لطمه‌ای به تولید ملی وارد نیاید. ملاحظه می‌فرمایید تازه آنچه به عنوان نسبت شاغلان ارائه می‌شود شامل چه عناصر متشکله‌ایست. در این زمینه، جای سخن بسیار است ولی به دلیل تنگ بودن مجال، عجالتاً به همین مختصر اکتفا می‌شود.

تجلیل ٤٠ فرزند شهید از آیت الله هاشمی رفسنجانی

٤٠ تن از فرزندان شهدای هشت سال دفاع مقدس در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با ابراز امیدواری از نتایج مثبت پیروزی دولت تدبیر و امید در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و انتقاد از جایگاه نه چندان مناسب فرزندان و خانواده شهدای جنگ، از رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکر و قدردانی کردند.

در نامه فرزندان شهدای دفاع مقدس خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است:

بسم رب الشهدا و الصدیقین

امروز که ایران عزیزمان به لطف راهبری امام فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حماسه باشکوه را رقم زده است و هم اکنون که دوباره آفتاب تدبیر و امید بر آسمان ایران عزیزمان تجلی کرده است، حیف است تلاش فرزندان سرداران شهید این مرز و بوم، همان ستارگان رهنمای شب های تار که در تداوم مسیر نورانی آن عزیزان سفر کرده با گام های استوار، آفتاب امید را در آغوش کشیده‌اند، بازتابی در فضای شاداب و پر طراوت این روزهای کشورمان نداشته باشد.

چندی پیش که دیدار دل هایمان با سردار صبر این دوران، حضرت آیت الله هاشمی تازه شد، گفتیم که چقدر دل نگران انقلاب و آرمان های اماممان هستیم.

گفتیم در این روزهای سرد و سخت اضطراب چقدر دلمان برای پدرانمان تنگ شده است، گفتیم که نبود شما در این معرکه، شیرینی این کار زار را برایمان زهر کرده است، گفتیم که چقدر برای حفظ خون عزیزانمان تنها شده ایم، گفتیم که دیگر حتی صدایمان به گوش خودمان هم نمی رسد، آری گفتیم که ما را از درخت انقلاب نمی چینند تا شاید بگندیم و دیگر میوه پر ثمر باغ امام بر سر سفره نامحرمان نباشیم و ایشان هم چون پدری مهربان فقط ما را به صبر و امید دعوت کردند.

و اما باز نااهلان و سیاه بازاران بر ما و خانواده هایمان خرده گرفته اند که چرا به دیداریار مهربان امامتان رفته‌اید؟! و اما امروز که طلوع مهر حضرت ولی عصر بر پیکر بی رمق این دوران خودنمایی می کند و مردی امین از جنس اعتماد و عمل سکان هدایت این کشتی توفان زده را عهده دار شده ، شوری نو تمام ایران عزیزمان را فراگرفته است و امیدی که وعده آن تنها دلخوشی روزهای سخت مان شده بود، امروز رنگی از واقعیت بر خود گرفته است.

ما فرزندان همرزمان شما، در کنار تدبیر و اعتمادتان، ایرانی سرشار از عشق، اعتماد و مهربانی را برپا می کنیم و با تمام توان در کنار شما ایستاده ایم تا دیگر جای خالی پدران شهیدمان در کنارتان احساس نشود و با تمام توان در کنار شما ایستاده ایم تا ایرانی شایسته هر ایرانی بسازیم. آری با تمام توان در کنار شما ایستاده‌ایم.

و من الله توفیق

به گزارش ایسنا، این نامه به امضای مهدی سلیمان فلاح، محمد ایرانشاهی، فاضل صبحی، جعفر رحیمی خواه، وحید عسگری، حمید سیفی، میرنقی، حسن تقی پور، سعید اسدی، محمدصادق قدمیاری، علی کشوری، ژانت مرادی مسیحی، فاطمه کیان اصل، مهدی خدابخشی، محمد رستمی، علی فکوری، حسین خدادادی، میثم کریمی، حسن فرامرزی، سعید جاویدی راد، فرشته سادات آهنگرانی، ابوالفضل مالی، علی عباس کمری، محمد کائیدی، حمید اسدی، محمدعلی اکباتانی نژاد، پانته آصالحی، امیرمحمد بابایی، احمد وکیلی، لیلا پورزادی، میثم خجسته نیکو، مهرابی، محمد حضرتی، فاطمه کاظمی، سیدمحسن اندرزگو، حمزه جهان آرا، ماهرخ علایی، عابد لهانی ایرانی، میثم صالحی و حسن حجار کارگر رسیده است.

پاسخ به سوالات شرعی براساس فتاوای امام خمینی (ره)

(۱۰)

محمد ساعدی

باانجام کدام غسل واجب احتیاج به وضو نیست و می توان با آن نماز خواند؟ وآیا غسل های مستحبی مانند غسل جمعه، غسل شب های قدر و غسل زیارت کفایت ازوضو می کند؟

توضیح:

وضو برای انجام اموری که شرط صحت و یا شرط جواز و عدم حرمت آن‌هاست، واجب است. کما این که برای اموری که شرط کمال آن‌ها و یا شرط رفع کراهت آن‌هاست، مستحب می‌باشد.

هر چیزی که به هر نحوی مشروط به وضو است، مشروط به غسل نیز می‌باشد. سؤال مورد بحث این است که آیا غسل واجبی هست که انجام آن انسان را از وضو گرفتن بی‌نیاز کند؟ غسل مستحبی چطور؟

در بین فقها حتی فقهای زمان حاضر هستند کسانی که می‌گویند غسل مستحبی وارد شده مثل غسل جمعه از وضو کفایت می‌کند. لیکن نظر امام خمینی (ره) بر خلاف عقیده آنان است. ایشان می گویند از میان غسل‌های واجب تنها غسل جنابت است که کفایت از وضو می‌کند (مسألة ۱۸- یجزی غسل الجنابه عن الوضوء لکل ما اشترط به؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص: ۴۵) و کسی که جنب بوده و غسل جنابت انجام می‌دهد نه تنها نیاز به وضو گرفتن ندارد بلکه تا زمانی که ناقض وضو از او سر نزده است وضو گرفتن بر وی حرام است.

اما دیگر غسل‌های واجب مانند مس میت، حیض، نفاس و استحاضه کفایت از وضو نمی‌کنند. در تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص: ۵۵ در باره غسل حیض می نویسند: (... و غسله کغسل الجنابه فی الکیفیه و الأحکام، إلا أنه لا یجزی عن الوضوء، فیجب الوضوء معه قبله أو بعده لکل مشروط به کالصلاه، بخلاف غسل الجنابه کما مرّ، ...)

در باره غسل‌های مستحبی مانند غسل جمعه، غسل زیارت، غسل روز عرفه و غسل احرام، نیز همین نظر را دارند. می‌فرمایند هیچ یک از اقسام آن از وضو کفایت نمی‌کند لذا انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی، کاری را که مانند نماز نیاز به وضو دارد، انجام دهد.

در این باره فتوای امام (ره) در کتاب « العروه الوثقی مع تعالیق الإمام الخمینی ؛ ص: ۲۴۵ چنین آمده است:

(مسألة ٤): الأغسال المستحبّة لاتکفی عن الوضوء، فلو کان محدثاً یجب أن یتوضّأ للصلاه ونحوها؛ قبلها أو بعدها، والأفضل قبلها، ویجوز إتیانه فی أثنائها إذا جیء بها ترتیبیّا.

رئیس جمهور: وزارت بهداشت مرجع قانونی تصمیم گیری درباره دانشگاه علوم پزشکی ایران است

پس از کش و قوس های فراوان تکلیف ادغام و انتزاع دانشگاه علوم پزشکی ایران با ابلاغیه ای از سوی محمود احمدی نژاد رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی مشخص شد.

به گزارش خبرنگار مهر، رئیس جمهور در این ابلاغیه که اول مرداد منتشر شده است، مرجع قانونی تصمیم گیری درباره وضعیت دانشگاه علوم پزشکی ایران را وزارت بهداشت تعیین کرده است.در این ابلاغیه خطاب به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آمده است:ماده واحده "تایید مرجع قانونی تصمیم گیری در خصوص وضعیت دانشگاه علوم پزشکی ایران" که بنا به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جلسه ۷۳۵ مورخ ۲۵ تیرماه ۹۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، به شرح ذیل برای اجرا ابلاغ می شود: "ماده واحده - ادغام یا انتزاع هر دانشگاه و موسسه آموزش عالی از جمله دانشگاه های وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حسب مورد از اختیارات وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است"

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

رونوشت این نامه علاوه بر نهادهای کشوری به دیوان محاسبات کشور نیز ارسال شده است.

جایزه برگزیدگان اخلاق و نیایش در آیینه هنر و پژوهش امشب اهدا می‌شود

پنجمین دوره اعطای جایزه برگزیدگان اخلاق و نیایش در آیینه هنر و پژوهش همزمان با ولادت باسعادت حضرت امام حسن مجتبی(ع) برگزار می‌شود.

این مراسم با حضور جمعی از اصحاب فرهنگ، هنر و اندیشه از ساعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه تا ۲۳ امشب در مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد تهران برگزار می‌شود.

قدردانی مجمع جهانی اهل بیت از وزیر ارشاد



مجمع جهانی اهل بیت (ع) از خدمات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم با حضور سفرای کشورهای اسلامی تجلیل کرد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم که شامگاه ۳۱ تیر در باشگاه دیپلمات وزارت امورخارجه برگزار شد، بعد از سخنرانی دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (ع)، آیت‌الله محمد حسن اختری از وزیر ارشاد دولت دهم تجلیل کرد.

وزیر ارشاد در این مراسم در سخنانی با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیات دولت دهم و مثبت ارزیابی کردن عملکرد این دولت بیان کرد: عنایت مقام معظم رهبری به عملکرد دولت دهم در این دوره چهارساله سند افتخاری است برای همه دولتمردانی که سعی کرده‌اند از راه‌های مختلف به مردم خدمت رسانی کنند و شعارهای انقلاب و اهداف امام راحل (ره) را اجرا کنند و همچنین بدون چشم‌داشت یا درخواست امتیاز، وظایف خطیری را که بر عهده داشته‌اند، انجام دهند.

دکتر سید محمد حسینی ادامه داد: در مسیر فرهنگ نیز سعی شد در حد توان خدمات لازم انجام شود.

وی خطاب به سفیران کشورهای اسلامی یادآور شد: سال گذشته دراجلاس وزیران اطلاع رسانی کشورهای اسلامی، سازمان همکاری اسلامی درباره حمایت از فلسطین پیشنهاد کردیم تا«روزقدس» آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان حمایت از فلسطین مطرح کنند که این پیشنهاد در اجلاس تصویب شد و نمایندگان کشورهای اسلامی با آن موافقت کردند تا در این روز برنامه‌هایی جهت حمایت از قدس و فلسطین صورت بگیرد.

وزیر ارشاد ادامه داد: برای با شکوه برگزار شدن «روز قدس» نسبت به سال‌های گذشته از سفیران کشورهای اسلامی تقاضا می کنم تا توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته باشند، دررابطه با این موضوع نامه‌ای هم به کشورهای اسلامی ارسال خواهد شد.

حسینی، سخنانش را با قطعه شعری از حافظ به پایان برد.

آیت‌الله محمد حسن اختری دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) در مراسم تجلیل از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بین سفیران کشورهای اسلامی درباره وضعیت جاری منطقه و کشورهای اسلامی هم سخنرانی کرد.

به گزارش ایسنا،در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدی گلپایگانی رییس دفتر مقام معظم رهبری، سفیران کشورهای اسلامی، اعضای شورای عالی مجمع اهل‌بیت(ع)، سید مهدی خاموشی رییس سازمان تبلیغات اسلامی، علی سعیدلو معاون امور بین الملل رییس جمهور، آیت الله شیخ محسن اراکی دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)، آیت الله محمد حسن تسخیری دبیر سابق مجمع و محمد باقر خرمشاد رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی حضور داشتند.

در بخشی از این مراسم «صلاح زواوی» سفیر فلسطین به زبان عربی سخنرانی کرد.

اهدای آثار و دست نوشته های استاد محمدجان شکوری به فرهنگستان زبان و ادبیات ایران

بر طبق مفاد وصیت نامه استاد فقید محمدجان شکوری که نسخه ای از آن در اختیار سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان قرار گرفت ،آثار و دست‌نوشته های وی، به فرهنگستان زبان و ادبیات ایران اهدا شد.

خانم دل افروز اکرامی، همسر استاد محمدجان شکوری به همراه فرزند استاد رستم شکوری،یکشنبه در سفارت جمهوری اسلامی ایران حضور یافتند و در ملاقاتی با دکتر شعردوست، نسخه ای از وصیت نامه این دانشمند فقید تاجیک را به سفیر ایران در تاجیکستان اهدا کردند.

بر اساس این وصیت نامه،مالکیت دائم آثار دست نویس استاد محمد جان شکوری به فرهنگستان زبان و ادبیات جمهوری اسلامی ایران اهدا شده است.

همچنین به موجب این وصیت نامه، در خصوص نشر آثار خطی استاد نیز شورایی مرکب از رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات ایران، سفیر ایران در تاجیکستان و دو استاد زبان فارسی از تاجیکستان و ایران تعیین شد. علاوه بر این، رسیدگی به امور مربوط به سایر آثار استاد اعم از نسخ خطی، چاپ سنگی و آثار باقی مانده از پدر مرحوم شکوری، - صدرضیا آخرین قاضی کلان بخارا -، به شورای مذکور واگذار شده است.

در این دیدار، رستم شکوراف فرزند استاد که از ایران شناسان برجسته در مسکو است، ضمن قدردانی از جمهوری اسلامی ایران به خاطر حمایت های بی دریغ در دوران حیات استاد شکوری و پس از وفات وی، وصیت نامه خطی استاد را تقدیم سفیر ایران کرد.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان نیز در گفتگویی با خبرنگاران ،به وجود ٦٥٠٠ جلد کتاب ارزشمند در کتابخانه شخصی استاد فقید محمدجان شکوری اشاره کرد که کار فهرست برداری از آنها توسط دل افروز اکرامی - همسر استاد - با همکاری سفارت ایران در دوشنبه و کتابخانه ملی تاجیکستان آغاز شده است. دل افروز اکرامی نیز خود از استادان زبان فارسی و مترجم برخی آثار فارسی به خط سیریلیک است و اخیرا نیز مجموعه داستان های جلال آل احمد با برگردانی و ترجمه ایشان به خط سیریلیک در چاپخانه سفارت ایران در تاجیکستان چاپ شده است.استاد فقید محمدجان شکوری که شهریور سال گذشته (١٦سپتامبر ٢٠١٢) در سن هشتاد و هفت سالگی در بیمارستان ابن سینای شهر دوشنبه دار فانی را وداع گفت، از بزرگان و پیشگامان ادب و فرهنگ فارسی در زمانه ما بوده است.



استاد شکوری عضو آکادمی علوم تاجیکستان، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران، مورخ و منتقد ادبی و از دانشمندان شناخته شده تاجیکستان،ایران و منطقه آسیای مرکزی به شمار می آمد.استاد شکوری در سال ١٩٢٥در بخارا زاده شد. وی ،همانند شاعران و نویسندگان و دانشوران جوان تاجیک، برای سربلندی دگرباره تاجیکان جنبشی را ادامه داد که کسانی چون صدرالدین عینی آغاز کرده بودند. جنبشی که هدف از آن همانا نگهبانی از هویت تاجیکان و ایرانی‌تباران و فارسی‌زبانان آسیای میانه بود. ایشان ٦٠ سال از عمر خود را به عنوان محقق و پژوهشگر پژوهشگاه زبان و ادبیات «آکادمی ابوعبدالله رودکی» در بخش تحقیق آثار قدیمی سپری کرده و کتاب‌های ارزشمند وی ازجمله «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد»، «سرنوشت فارسی تاجیکی فرارود در صده بیست»، «خراسان است اینجا»، «صدر بخارا»، «روشنگر بزرگ»، «فتنه انقلاب در بخارا» که در سال‌های مختلف در انتشارات دوشنبه به نشر رسیده، در جامعه علمی آسیای مرکزی به عنوان آثار ماندگار شناخته شده اند. همچنین تألیف بیش از چهل کتاب و ٥٠٠مقاله پژوهشی نیز از دیگر دستاوردهای علمی و قلمی این دانشمند فقید است.استاد شکوری علاوه بر کار سازمان‌یافته و نظام‌مند در زمینه زبان و ادب، در زمینه تاریخ ادبیات و نقد ادبی و فرهنگ‌نویسی نیز کارهای برجسته‌ای تالیف کرده است. همکاری و عملکرد وی در تدوین لغتنامه و فرهنگ نویسی موجب تألیف یکی از بهترین نمونه‌های فرهنگ زبان (لغتنامه)شد که به گفته صاحب‌نظران، فرهنگ دو جلدی فارسی تاجیکی که باهمکاری شکوری در سال ١٩٦٩تالیف شده، از نگاه شیوه فرهنگ نویسی نیز از فرهنگ معین و لغتنامه دهخدا روشمندتر است. شکوری از جمله نویسندگان طرح قانون درباره مقام زبان رسمی تاجیکی است که سال ١٩٨٩ از سوی مجلس وقت تاجیکستان به تصویب رسید. این دانشمند برجسته تاجیک برنده عالی‌ترین جایزه دولت تاجیکستان به نام «رودکی» در بخش آثار ادبی و هنری بوده‌است.وی نخستین اندیشمند و محقق تاجیک بوده که عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ایران شدو در سال ٢٠٠٥عنوان افتخاری و جایزه چهره ماندگار جمهوری اسلامی ایران را دریافت کرد.

دومین اکسپو آثار قرآنی و خوشنویسی ایران گشایش یافت

مراسم افتتاحیه دومین اکسپو آثار قرآنی و خوشنویسی ایران و دهمین جشنواره بسم‌الله در حالی آغاز شد که امیرخانی از آثار خوشنویسان جوان ایرانی ابراز رضایت و خوشحالی کرد.

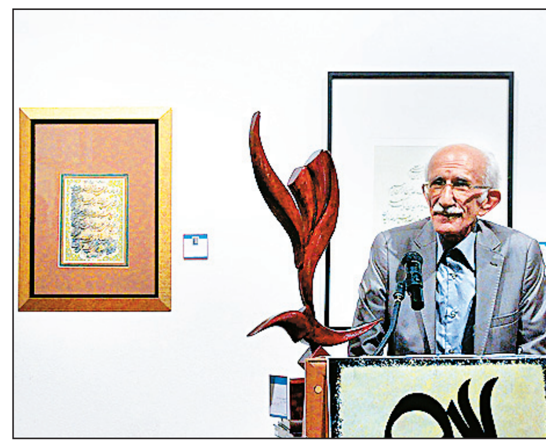
به گزارش خبرنگار مهر، دوشنبه ۳۱ تیرماه و ساعاتی قبل از افطار دومین افتتاحیه جشنواره بسم‌الله در فرهنگسرای نیاوران با نمایش آثار بخش لوگوتایپ، پوستر و خوشنویسی و همچنین آثار دومین اکسپوی هنرهای قرآنی آغاز به کار کرد.

غلامحسین امیرخانی، استاد خوشنویسی و عضو آکادمی چهره‌های ماندگار در سخنانی گفت: دوست دارم در این مراسم بر کلمه "اندازه" تاکید بیشتری بکنم که در فرهنگ و ادب و نزاکت ما ایرانی‌ها بر آن تاکید شده است.

وی افزود: متاسفانه رعایت اندازه به خاطر تسلط فرهنگ‌های بیگانه بر کشور ما و تعظیم ما در برابر مغول‌ها و سایر اقوامی که بر ایران تاختند، از یاد ما رفته البته باید بگوییم که این تعظیم به خاطر حفظ جانمان بوده است.

این استاد پیشکسوت خوشنویسی از اینکه ادبیات ما با نوعی تظاهر و ریا همراه شده است انتقاد کرد و گفت: اصولا عواطف و احساسات به جای عقل شخصیت ما ایرانی‌ها را ساخته و در شخصیت‌های ما عقلانیت و منطق جای خود را به مهربانی و احساس داده است.

وی ادامه داد: گاهی دیده‌ام که در یک برنامه و یا یک همایش گوینده در مورد کسی‌که قرار است مورد تقدیر قرار گیرد چنان اغراق می‌کند که در حق او بدی نیز کرده و در ذهن جوانان مخاطب ایجاد انحراف می‌کند.



امیرخانی از اینکه برخی استادان هنر را بی‌مورد تقدیر و یا از آنها زیادی تعریف می‌کنند، اظهار تاسف کرد و گفت: گاهی چنان یک نفر را به عرش اعلی می‌برند که دیگر پایین آوردن و زمینی کردنش کار سختی است و این چیزی جز یک اشتباه بزرگ نیست.

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به آثار خوشنویسی که در جشنواره بسم‌الله روی دیوار رفته است، گفت: باید به مدیران هنری این جشنواره و البته داوران آن احسنت گفت که با تیزبینی سره را از ناسره تشخیص دادند و کیفیت را فدای کمیت نکرده‌اند.

این چهره ماندگار کشور در حوزه هنرهای تجسمی، تربیت نسل جوان خوشنویسی در این سال‌های اخیر را قابل قبول ذکر کرد و توضیح داد: خوشنویسانی که در چند دهه اخیر تربیت شده‌اند عالی‌ترین نمونه‌های معرفتی را نقش زده‌اند که این جای خوشحالی دارد منتهی باید ذوق و سلیقه آنها و همه مردم را طوری تربیت کرد که دیگر اثر نازل در کشور نبینیم و هیچکس یک اثر غیر قابل دفاع را به عنوان هنر نپذیرد.

امیرخانی در پایان گفت: امنیت در کشور با ارتقای فرهنگ بدست می‌آید و ما از طریق فرهنگ می‌توانیم با دنیا ارتباط برقرار کنیم.

علی‌اصغر امیرنیا مدیرمرکز امور تجسمی ارشاد به همراه هنرمندان خوشنویسی چون رسول مرادی، ابوالقاسم عتیقه‌چی، سید مهدی دریاباری، الله‌یار خوشبختی، عظیم فلاح، محسن رهبری و عین‌الدین صادق‌زاده از جمله حاضران در این مراسم بودند.

کوتاه آموزشی

درخواست جمعی از پرسنل دانشگاه ایران درباره حل مشکلات انتزاع

جمعی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایران در نامه‌ای به رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها خواستار پیگیری سریع ابلاغ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص انتزاع دانشگاه شدند.

به گزارش ایسنا، در این نامه آمده است: «احتراما به استحضار می رساند ما جمعی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایران از حضرتعالی به عنوان نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها تقاضا داریم در راستای احقاق حقوق دانشگاه علوم پزشکی ایران به ویژه موارد ذیل دستور مساعدت لازم را مبذول فرمایید.

۱-پیگیری سریع ابلاغ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص انتزاع دانشگاه

۲-پیگیری انتزاع کامل دانشگاه علوم پزشکی ایران پیرو مصوبه شورای گسترش دانشگاه‌ها

۳-پیگیری ابلاغ بودجه دانشگاه علوم پزشکی ایران

٤-پیگیری مصوبه هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی تهران در خصوص انتقال اموال منقول و غیرمنقول به دانشگاه علوم پزشکی ایران

تعیین فرمول حقوقی استادان دانشگاه های غیردولتی

مدیر کل دفتر آموزش‌های غیردولتی وزارت علوم از اصلاح دو بند اساسنامه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی خبر داد.

دکتر غلامعلی نادری در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به نحوه انحلال موسسات غیرانتفاعی، گفت: پیش از این در صورت انحلال موسسه، تمامی اموال آن به وزارت علوم منتقل می‌شد که با اصلاح این بند در اساسنامه از این پس در صورت انحلال، حدود ۲۰ درصد سهم وزارت علوم و ۸۰درصد سهم موسسه مذکور است.وی افزود: با این کار موسسات به مسیر درست خود و سرمایه گذاری مناسب می‌روند.نادری همچنین با اشاره به اصلاح بند دیگری از اساسنامه درباره میزان حقوق دریافتی اعضای هیات موسس موسسات، تصریح کرد: افرادی که عضو هیات موسس غیرانتفاعی‌ها هستند، هر ماه مبلغی را به عنوان حقوق دریافت می کنند که در اساسنامه جدید به طور دقیق ذکر شده که اعضای دائم و موقت با چه فرمولی باید حقوق بگیرند.

ورود تبلت به ۳ منطقه آموزش وپرورش تهران

مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران با بیان این که در سال تحصیلی جدید طرح ورود تبلت در تعدادی از مدارس سه منطقه تهران اجرا می‌شود، گفت: در حال حاضر هر ۱۸دانش‌آموز دارای یک کامپیوتر است.

به گزارش فارس،سیدعلی یزدیخواه مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران در جشن هوشمندسازی مدارس شهر تهران با بیان اینکه در پایان سال تحصیلی ۹۲ـ۹۱ حدود ۲۲۵۸ مدرسه شامل ۸۶۰ابتدایی، ٦٤٥ متوسطه اول و ۷۵۳ متوسطه دوم در فرایند هوشمندسازی قرار گرفتند، گفت: این رقم در مقایسه با سال تحصیلی گذشته، ۱۹ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

یزدیخواه با اشاره به طرح ورود تبلت دانش‌آموزی به مدارس با بیان اینکه تبلت دانش‌آموزی بدون امکان استفاده از سیم‌کارت است، افزود: این طرح امسال در سه دوره تحصیلی شامل کلاس ششم، متوسطه اول و متوسطه دوم در سه منطقه تهران اجرا خواهد شد.

ورود کلاس های کانون زبان به مدارس از سال تحصیلی جدید

معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش اعلام کرد: فعالیت کلاس‌های کانون زبان در داخل مدارس از ابتدای مهرماه شکل اجرایی به خود می گیرد و موسسات کانون زبان در صورت تمایل و استقبال مدارس مجاز به تشکیل این کلاس ها در داخل مدارس هستند.

به گزارش مهر، ابراهیم سحرخیز با بیان اینکه فعالیت کلاس های کانون در مدارس به معنای تعطیلی موسسات کانون در بیرون از مدرسه نیست، گفت: معلمان آموزش و پرورش در صورت تمایل به همکاری با کانون زبان ایران، می توانند پس از ثبت نام و شرکت در آزمون، در ساعات فوق برنامه در مدارس یا مراکز کانون زبان ایران به تدریس زبان مشغول شوند.

رونمایی از ۲۰ بازی رایانه ای جدید در نمایشگاه گیم تهران

همزمان با برپایی سومین نمایشگاه و جشنواره بازی های رایانه ای در ایران، ۲۰ بازی رایانه ای جدید تولید بازی سازان ایرانی با حضور دکتر سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رونمایی خواهد شد.

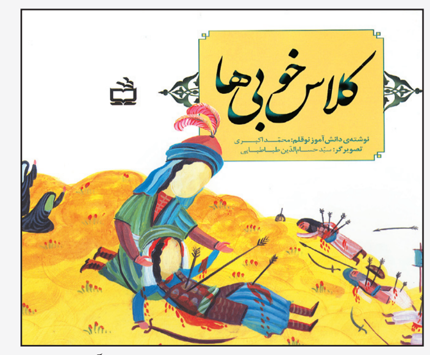
دکترسیدمحمد حسینی سه شنبه در گفت و گو با خبرنگار فرهنگی ایرنا،افزود: بازی های «بیداری»، «جاده های نبرد»، «فریاد آزادی» و «بازی خلیج عدن» از تولیداتی است که در ایام برپایی نمایشگاه سوم بازی های رایانه ای تهران رونمایی می شود.

به گفته رییس شورای فرهنگ عمومی کشور، بازی «بیداری» با تمرکز بر نهضت بیداری در تونس است که با الهام از انقلاب اسلامی ایران صورت می گیرد؛ این بازی در سبک ماجراجویی عرضه می شود.

حسینی به بازی جدید «نبرد» اشاره کرد و توضیح داد: این بازی به سبک دفاعی و با تکیه بر عناصر ضد شیطان پرستی و صهیونیستی عرضه می شود. سبک این بازی سه بعدی بوده که در نوع خودش طرفداران فراوانی دارد.

سومین نمایشگاه و جشنواره بازی های رایانه ای ۲۲ تا ۲۶ مردادماه در مصلای امام خمینی(ره) برگزار می شود.

«کلاس خوبی‌ها» منتشر شد



کتاب « کلاس خوبی‌ها» نوشته دانش آموز نوقلم محمد اکبری با تصویرگری سیدحسام‌الدین طباطبایی از سوی انتشارات «مدرسه» به بازار نشر عرضه شد.

در این کتاب واقعه عاشورا به صورت داستانی و با زبانی ساده روایت شده است.

دکتر محمدرضا سنگری در مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته است: کربلا و عاشورا، قصه دیروز نیست؛ قصه امروز و فردا و همیشه است؛ کلاس درس همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست. مثل آیینه‌ای روشن مقابل ماست تا ما هم خود را در آن بیابیم و روش زیبا زندگی کردن را از آن بیاموزیم.

تا می‌گوییم عاشورا، تشنگی کودکان و زنان و یاران کربلا به یادمان می‌آید اما یادمان باشد که ما باید تشنگی روح و فکر و جانمان را با نوشیدن جامی از زلال عاشورا پایان دهیم و این کتاب جام زلال و مطبوعی از عاشورا است با کتابی که نگاه و زبان دانش آموزی نوقلم به کربلاست. محمد عزیز با زبان ساده و صمیمی خود، ما را با کاروان امام حسین (ع) همراه می‌کند، به کربلا می‌آورد و شهادت امام حسین (ع) و یارانش را توصیف می‌کند.

انگار محمد خودش با این کاروان همسفر بوده است.

اما آن چه زیباتر است، پایان‌بندی این قصه است که محمد اکبری با تیزهوشی و زیرکی آن را پایان ناپذیر می‌داند و با زبانی شیرین ما را دعوت می‌کند تا همراه همیشه کاروان عاشورا و یار و یاور امام حسین (ع) باشیم.

به آقای محمد اکبری به پاس این نوشته تبریک و تهنیت می گویم و امیدوارم با ادامه این گونه نوشته‌ها، سرباز امام حسین (ع) و جزو یاران فکری و فرهنگی او باشد. البته شک ندارم که پاداش اصلی او را خود امام حسین(ع) خواهد داد...این کتاب با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و بهای ۲۵۰۰ تومان منتشر شده است.

سلطانخواه: روزنامه‌نگاری علمی، مجری ترویج علم است

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت توجه‌مسئولان‌به‌ترویج‌علم‌در‌نظام ملی نوآوری، گفت: ژورنالیست علمی باید بتواند مسائل مربوط به ترویج علم را به اجرا درآورد.

نسرین سلطانخواه معاون علمی و فناوری رئیس جمهور در مراسم اختتامیه نخستین جشنواره رسانه، علم و فناوری در سالن همایش‌های صدا و سیما با بیان این که هنور رویکرد رسانه در برنامه‌های علمی کشور با آنچه باید باشد فاصله دارد، گفت: عملکرد رسانه‌ها در حوزه علمی درخور ظرفیت عظیم رسانه‌ای کشور و در شان علم و فناوری نیست.

معاون علمی و فناوری رئیس جمهور، قابل فهم کردن اطلاعات تخصصی حوزه فناوری از سوی ژورنالیست علمی را کار سخت این قشر دانست و گفت: یک ژورنالیست علمی حلقه واسط بین مردم و فناوران است و باید بتواند داده‌های علمی را به زبان عامه درآورد.

وی افزود: ژورنالیست علمی یک امانتدار است و باید داده‌ها را درست به مردم منتقل کند.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور از رسانه‌ها خواست تا فقط در زمان رونمایی از یک فناوری به آن نپردازند. بلکه پس از آن نیز نقش آن فناوری در بهبود زندگی مردم را نشان دهند.

وی برگزاری جشنواره رسانه، علم و فناوری را یکی از اقدامات توانمندی رسانه‌ها در حوزه علم و فناوری برشمرد و تصریح کرد: برگزاری دوره‌های ژورنالیست علم و فناوری و تاسیس رشته ژورنالیسم علمی در مقاطع تحصیلات تکمیلی از برنامه‌های حوزه علمی کشور برای تقویت و توسعه ژورنالیسم علمی است.

سخنان الهام

سخنگوی هیات دولت گفت: غرب با قدرت علمی فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و انفعال در حوزه فرهنگ به دلیل قدرت علمی غرب است.

به گزارش فارس، الهام سخنگوی هیات دولت هم گفت: در این زمان سه قدرت معنوی، علمی و رسانه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، ابتدا قدرت رمضان که بالاترین قدرت است و پس از آن قدرت علم و فناوری است که مقام معظم رهبری نیز بارها به این قدرت تأکید کرده‌اند.

وی افزود: مقام معظم رهبری بارها تکرار کرده‌اند که اولویت ما علم و اقتصاد است.

این قدرت قدرتی قدرت‌آفرین است و نکته مهمی است زیرا ممکن است جامعه را به انفعال بکشاند. الهام گفت: اگر بحث از انفعال حوزه فرهنگ و سلطه فرهنگ بیگانه را حس کردیم باید بدانیم که بخشی از آن تحت تأثیر قدرت علمی غرب است.

وی با بیان اینکه غرب با قدرت علمی فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد افزود: امروز خوشحالیم که با پیشرفت‌های علمی شاهد اعتماد به نفس در میان مردم هستیم.

سخنگوی هیات دولت در ادامه ضمن اشاره به توانمندی‌های علمی کشور و شهدایی که در این عرصه تقدیم نظام جمهوری اسلامی شد، افزود: امروز هر ایرانی در هر کجای جهان احساس هویت ملی دارد و امیدواریم شتاب حرکت ما کند نشود، زیرا ظرفیت‌های بسیاری داریم.

امضای قرارداد صادرات گاز به اروپا در آینده نزدیک

قرارداد صادرات گاز به اروپا به زودی امضا می‌شود

مهندس جواد اوجی معاون وزیر نفت و مدیر عامل شرکت ملی گاز ضمن بیان این خبر و با اشاره به این که طی دو تا سه سال آینده با افزایش تولید گاز از میادین مستقل و مشترک کشور، توان صادرات گاز کشور به بیش از ۲۰۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید، گفت: به همین دلیل صادرات گاز به کشورهای همسایه، حاشیه خلیج فارس و اروپا از دو سال پیش در دستور کار قرار گرفت. معاون وزیر نفت با اشاره به این که با چند کشور اروپایی مذاکرات جدی در این زمینه صورت گرفته است، اعلام کرد: تقریبا فرمت قرارداد صادرات گاز به یک کشور اروپایی مشخص شده است و در آینده نزدیک این قرار داد امضاء خواهد شد. اوجی ادامه داد: در حال حاضر ترانزیت گاز از خاک ترکیه مورد مذاکره است. بعد از دو سال مذاکره سال گذشته وزیر انرژی ترکیه به صورت مکتوب اجازه ترانزیت گاز ایران به اروپا با حجم ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز را داد.

۷ هزار میلیارد تومان یارانه به کالاهای استراتژیک پرداخت می‌شود

حجم دارایی‌های خارجی به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده و بدهی‌ها کمتر از ۱۴ میلیارد دلار است و هر ماه این میزان در حال کاهش است.

اگر دولت آینده بتواند ثبات نرخ ارز در بازار را ادامه دهد، نرخ تورم به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد.

آنچه که دولت بعدی باید در مدیریت آن هوشیارانه عمل کند، موضوع تحریم‌ها است، زیرا فضا و شرایط اقتصادی مناسب است.

سید شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد در گفتگو با فارس ضمن اعلام این مطالب اظهار داشت: یکی از اهداف تک نرخی کردن ارز، جلوگیری از تکانه‌های ارزی بود، زیرا تکانه در این بازار به نوعی آسیب برای اقتصاد به شمار می‌رود و به همین دلیل مرکز مبادلات ارزی را راه‌اندازی کردیم؛ مرکزی که تقاضاهای واقعی ارز را پوشش داده و راه را برای تقاضای سفته‌بازی ببندد. وی با اشاره به اینکه اگر چه این مرکز نتوانست به طور کامل بازار سفته بازی را از بین ببرد، اما همانند لنگری از نوسان شدید ارز جلوگیری کرد، گفت: از اهداف دیگر راه‌اندازی این مرکز، حرکت به سمت ارز تک نرخی بود، زیرا مجموع مطالعات نشان می‌داد، بازار ارز دو سمت داخلی و خارجی دارد؛ با توجه به تحریم‌ها و قطعنامه‌های پی‌درپی نمی‌توانستیم همه فشار را از بین ببریم، اما باید سازوکار به گونه‌ای طراحی می‌شد که تعدد نرخ‌ها از بین برود و ما این کار را انجام دادیم.

حسینی با اشاره به حذف ارز ۱۲۲۶ در لایحه پیشنهادی دولت برای سال ۹۲ تصریح کرد: وقتی لایحه بودجه را تدوین می‌کردیم، به این نتیجه رسیدیم که یک نرخ در اقتصاد داشته باشیم؛ حتی در نیمه دوم سال از نظر ما نرخ فراگیر، نرخ مبادله‌ای بود، زیرا ما به جز کالاهای اساسی تمام نیازهای واقعی را به سمت ارز مبادله‌ای هدایت کردیم. وی تصریح کرد: با این اقدام سیستم ارزی، تبادلات ارزی و تبدیل ارزهای متعلق به دولت و صندوق توسعه ملی و نفت شفاف خواهد شد و رانت را در این بخش از بین می‌برد؛ البته این به معنای افزایش قیمت کالاهای اساسی نیست، زیرا برای کالاهایی که مشمول ارز مرجع می‌شدند ۷ هزار میلیارد تومان یارانه در نظر گرفته شده است.

نامبرده در پاسخ به این سوال که با توجه به روزهای پایانی دولت دهم، اقتصاد کشور را در چه شرایطی به دولت روحانی تحویل می‌دهید، گفت: یکی از مهمترین معیارهای سنجش اقتصاد بازار سرمایه است و ما بازار سرمایه را در بهترین شرایط به دولت آینده تحویل می‌دهیم، نکته دوم به صادرات غیر نفتی مربوط می‌شود که در سه ماه اول صادرات بیش از ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بوده در حالی که واردات کمتر از ۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. وی با اشاره به اینکه یکی از مولفه‌های مهم ارزیابی یک دولت، بدهی‌ها و دارایی‌هاست که هم‌اکنون این نسبت یک به هفت است، گفت: اگر مصوبه مجمع بانک مرکزی اجرا شود، هیچ بدهی دولت فعلی ندارد و دولت آینده بدون یک ریال بدهی می‌تواند کار خود را آغاز کند. وزیر اقتصاد افزود: دو، سه مشکل وجود دارد که به تازگی به وجود نیامده والبته غیر قابل حل هم نیست؛ یکی از این مشکلات بیکاری است که در دو دهه گذشته نرخ بیکاری دو رقمی بوده و همچنین با وجود اینکه در سال‌های اخیر متولدان دهه ۱۳۶۰ وارد بازار کار می‌شوند و نرخ مشارکت اقتصادی افزایش یافته، اما نرخ بیکاری تغییر نکرده است.

وی با تاکید بر اینکه مجموع برنامه‌ریزی‌ها باید برای کاهش نرخ بیکاری باشد، گفت: مساله دوم کاهش نرخ تورم است که بخش عمده‌ای از تورم فعلی به دلیل تکانه‌های ارزی بوده است و خوشبختانه این تکانه‌ها کاهش یافته، به نوعی معکوس می‌شود.

این مقام مسئول در باره علت کاهش قیمت ارز در چند ماه اخیر و اینکه آیا به دلیل تغییر دولت بوده است، گفت: باید مجموعه‌ای از عوامل را مورد توجه قرار داد؛ این یک واقعیت است که فشار بر روی بازار در ماه‌های گذشته سیاسی بوده و در کنار آن بازار ارز هم به لحاظ سفته بازی آسیب‌پذیر بوده است؛ با این وجود حداقل این تحلیل قابل قبول است که در ماه‌های اخیر ثبات در بازار ارز به وجود آمده است و در صورت ادامه ثبات بازار ارز، تکانه جدید و خارج از کنترلی وجود نخواهد داشت و چشم انداز تورم، نرخ نزولی خواهد بود. وی تصریح کرد: افزایش قیمت ارز در دو سال اخیر خارج از اراده دولت بود و البته با سیاست‌های اتخاذ شده، شدت این تکانه ارزی کاهش یافت. حسینی ضمن اشاره به مثبت بودن رشد اقتصادی در سال ۹۰، گفت: بانک مرکزی رشد اقتصادی سال ۹۰ را با احتساب نفت ۳ درصد و مرکز آمار ایران ۴,۷ درصد اعلام کرد.

وی بااظهار اینکه بخش کشاورزی و بخش‌های صادراتی صنعت و معدن و انرژی از افزایش نرخ ارز منتفع شده‌اند، گفت: بخش کشاورزی هم از تکانه‌های ارزی استفاده کرده و وزیر جهاد کشاورزی رشد این بخش را ۷ درصد برآورد کرده است. به گفته وزیر اقتصاد، تولید و مصرف برق و گاز در سال‌های اخیر افزایش یافته و علاوه بر آن خالص صادرات برق و گاز افزایش یافته است. وی با اشاره به شرایط متفاوت بخش نفت گفت: در این بخش ظرفیت عملی تولید داریم، اما به دلیل محدودیت‌های به وجود آمده امکان ظرفیت‌های صادراتی کاهش یافته و در این شرایط امکان ارزیابی رشد اقتصادی در این شرایط باید متفاوت باشد. وی خاطرنشان کرد: دولت حتما در روزهای پایانی گزارشی رسمی از تحولات اقتصادی را برای عموم منتشر خواهد کرد.

روند رشد نقدینگی، کاهنده است

تمام راه‌های پولشویی را مسدود کرده‌ایم و امروزه نقطه شروع کنترل نقدینگی ماست و در مجموع باید گفت نقدینگی کشور در حال کنترل و روند رشد آن کاهنده است.

محمود بهمنی در گفتگو با مهر ضمن اعلام این مطلب گفت: در سال گذشته رشد نقدینگی کشور ۹ درصد بود، ولی امسال این رشد به دو درصد رسیده است و اگر این روند در دولت بعدی ادامه یابد، بالطبع رشد نقدینگی کمتر از این هم خواهد شد. وی با اشاره به اینکه ذخایر ارزی ما به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است، گفت: با توجه به ایجاد پورتال ارزی امروزه دیگر بانکداری ما کاملا الکترونیکی شده و در مقایسه با چند سال قبل، حتی یک دلار هم در این سیستم رصد می‌شود.

رونمایی از طرح جامع اطلاعات مالیاتی



طرح جامع اطلاعات مالیاتی دیشب با حضور دکتر محمود احمدی نژاد رییس جمهوری در محل وزارت امور اقتصادی و دارایی رونمایی شد.

به گزارش ایرنا، طرح جامع اطلاعات مالیاتی از محوری ترین طرح های تحول مالیاتی که یکی از هشت طرح عظیم تحول اقتصادی است، به شمار می رود.

براساس گفته مسوولان بااجرای این طرح، اطلاعات مودیان مالیاتی مکانیزه و الکترونیکی شده و از فرار مالیاتی مودیان جلوگیری می شود.

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور در مراسم رو نمایی از این طرح اعلام کرد: باید عظمت ملت ایران را باور کنیم.

وی گفت: باید متناسب با عظمت ملت ایران، برنامه ها را تنظیم، افق ها را ترسیم و همت ها را تجمیع کنیم و برای حرکت آماده شویم.

دکتر احمدی نژاد افزود: ملت ایران این شایستگی را دارد که در بالاترین نقطه قرار گیرد، پیشگام، الگو، مرجع و پرچمدار باشد.

احمدی نژاد با بیان این که با این ملت می توان کارهای بسیار بزرگی انجام داد، تصریح کرد: کارهایی خارج از توان و تصور آدم های کوچک یا حتی کسانی که تصور می کنند، بسیار بزرگ هستند.

وی با تاکید مجدد بر این که ظرفیت های ملت ایران بی پایان است، ادامه داد: هیچ کس حق ندارد توان محدود و ضعف های خود را معیار اندازه گیری ملت و مبنای تنظیم برنامه های تحولی قرار دهد.

رییس جمهوری با بیان این که هیچ کس، هرچقدر هم که بالا باشد سقف پرواز ملت ایران نیست، خاطرنشان کرد: سقف پرواز ملت ایران افق بی نهایت است.

احمدی نژاد با یادآوری این که ملت ایران دارای استعدادهای فراوان کم نظیر و حتی بی نظیری است، گفت: هرکس بخواهد این ظرفیت ها و استعدادها را مسدود و محدود کند و سقف پرواز را پایین بگیرد و شرایط را به گونه ای قرار دهد که استعدادها فرصت پرواز نیابند هم به ملت و هم به خود جفا کرده است.

وی خاطرنشان کرد که در سخت ترین شرایط و سنگین ترین فشارها می توان کار های بزرگ انجام داد.

رییس جمهوری ادامه داد: باید به توانمندی ها و عظمت ملت باور داشت و تکیه و حساب کرد.

احمدی نژاد در بخش پایانی سخنان خود صمیمانه از تمامی کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی قدرانی کرد و افزود: انشاالله همچنان همه همدل و دست در دست یکدیگر برای ساخت فردایی روشن تلاش کنیم.

دکترسیدشمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی هم در این مراسم گفت: کشور در سال گذشته به جای ۱۴۴ هزار میلیارد تومان با ۱۰۴ هزار میلیارد تومان اداره شد.

وی گفت: میزان درآمدهای کشور در سال گذشته ۱۰۲ هزار میلیارد تومان بود که دو هزار میلیارد تومان با تدبیر و برنامه ریزی برای اداره کشور در امسال کنار گذاشته شد.

وی با اشاره به شرایط تحریم در بخش های مختلف اقتصادی کشور گفت: این تحریم ها سبب شد تا حوزه هایی نظیر گمرک در سال گذشته وظایف خاص دیگری را همانند دیده بانی کشور به عهده گیرند.

حسینی با اشاره به اجرای طرح تحول اقتصادی گفت: برنامه ها مبتنی بر بینش تدوین شد و کارایی در اقتصاد افزایش یافت و رفاه مردم رشد کرد.

وی در خصوص واگذاری شرکتهای دولتی در هشت سال گذشته گفت: در این مدت ۶۶۸ شرکت دولتی به ارزش ۱۱۹ هزار میلیارد تومان واگذار شد که این میزان ۴۱ برابر واگذاری های دولت‌های گذشته بود.

به گفته حسینی ۷۰ درصد واگذاری ها از طریق بورس انجام شد، ضمن این که برای ۴۵ میلیون نفر نیز دعوت نامه سهام عدالت ارسال شده است.

وزیر اموراقتصادی و دارایی بااشاره به واگذاری طرح های نیمه تمام به بخش خصوصی در سال‌های گذشته گفت: این طرح ها تنها با اندک پرداخت بخش خصوصی به آنها واگذار می شد تا پس از اتمام ، آنها با دولت تسویه کنند.

حسینی گفت : همچنین تراز تجاری کشور که در سال های گذشته منفی بود، مثبت شد و تراز صادرات گاز نیز چند میلیارد دلار مثبت شده است.

وی با بیان این که از زمان اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها دو میلیارد دلار برق صادر شده است، گفت: ایران صادرکننده خالص انرژی است و الگوی مصرف تغییر کرده است.

سخنگوی اقتصادی دولت در خصوص بانک ها نیز گفت: در سال ۱۳۸۴ حدود ۱۷ بانک در کشور فعال بود که این رقم اکنون به ۳۸ مورد افزایش یافته و سرمایه بانک ها هم اکنون ۵۱ هزار میلیارد تومان است.

حسینی توزیع نقدی الکترونیکی یارانه ها را اقدام منحصر بفرد سیستم بانکی کشور عنوان کرد و گفت: رشد فعالیت سیستم بانکی در سال های گذشته علیرغم تحریم‌ها محقق شده است.

وی در خصوص وضعیت بازار سرمایه نیز اظهار داشت: با تصویب قانون جدید بازار سرمایه، بدون هیچ تنشی ارکان مختلفی در این بازار به وجود آمد و پس از تشکیل سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان های فرابورس و بورس انرژی نیز در کشور راه اندازی شد.وی از تصویب چارچوب بورس ایده و اندیشه خبر داد و گفت: در سال های گذشته اوراق اجاره و صکوک طراحی و عملیاتی شد.

به گفته وزیرامور اقتصادی و دارایی بازار سرمایه به رغم تحریم‌ها، دوران طلایی را در سال‌های گذشته طی کرده و تعداد سهامداران از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۴، اکنون به بیش از هفت میلیون نفر رسیده است.

حسینی افزود: بورس ایران در سال های گذشته پربازده ترین بورس دنیا بوده و هم اکنون این بازار به سرمایه بزرگی برای کشور تبدیل شده است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص سرمایه گذاری خارجی نیز گفت : در ۸ سال گذشته ۲۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی جذب شد و این امر به دلیل فعالیت در این حوزه و ایجاد بخشهای مختلف نظیر پنجره واحد سرمایه گذاری و فعال کردن ستادها بوده است.

واحدهای صنفی، ستاره کیفیت خدمات می‌گیرند

واحدهای صنفی از این پس ستاره کیفیت خدمات می گیرند.

دکتر مهدی فتح اله رئیس مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی دیروز طرح اعطای نشان کیفیت خدمات (ستاره کیفیت) را گام مؤثری در بهره‌وری خدمات کشور دانست و گفت: اجرای این طرح یکی از راهکارهای دستیابی به هدف حمایت از حقوق مصرف‌کننده است.

وی در مراسم رونمایی از اعطای ستاره‌های کیفیت به واحدهای صنفی رستوران‌ها و سلف سرویس‌های تهران و شمیرانات اظهار داشت: بر اساس گزارش بانک مرکزی، گروه‌های خدماتی با سهم حدود ۵۱ درصدی در تولید ناخالص داخلی ایران، بیشترین تأثیررا در این بخش دارند. همچنین بر اساس گزارش مرکز آمار، حدود ۴۴,۸ درصد شاغلان کشور در بخش خدمات فعالیت می‌کنند. بنابراین، این امر نشان می‌دهد که ارتقاء بهره‌وری و افزایش سطح ارائه خدمات در کشور بسیار مهم و تأثیر‌گذار است.عباس خالقی رئیس مرکز مطالعات و بهبود بهره‌وری مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی هم با اشاره به طرح اعطای ستاره کیفیت خدمات که توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی اجرایی می‌شود، گفت:این طرح مشابه نظام ستاره‌های کیفیت مورد استفاده در هتل‌ها است واز جمله اهداف آن ارتقاء کیفیت خدمات در بخش اصناف، افزایش سطح آگاهی مشتریان از حقوق خود در بهره‌مندی از خدمات، عینیت بخشی به شایستگی‌ها و خدمات واحدهای صنفی پیشرو، استقرار مکانیزم برد- برد در ارائه و بهره‌مندی از خدمات در طرف‌های عرضه و تقاضا و نهادینه کردن مدیریت کیفیت خدمات در کشور است.وی ارکان طرح اعطای ستاره کیفیت خدمات را شامل طرف حاکمیتی (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی با همکاری شورای اصناف کشور)، طرف عرضه (واحدهای صنفی)، طرف تقاضا (آحاد جامعه) و اصحاب رسانه دانست و افزود: مطالعات این طرح از اواسط سال ۱۳۹۱، توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی آغاز شد و در مرداد سال ۱۳۹۲ شاهد اجرایی شدن طرح به صورت پایلوت در صنف «رستوران و سلف سرویس شهر تهران و شمیرانات» هستیم.

اجرای طرح تکریم مشتریان محصولات ایران خودرو از اول شهریور

طرح تکریم مشتریان محصولات ایران خودرو از اول شهریور به مدت یک هفته در نمایندگی های منتخب اجرا می شود.

علی نمکین مدیرعامل شرکت تامین قطعات محصولات ایران‌خودرو (ایساکو) در گفتگو با خبرنگاران با بیان این مطلب افزود: در این طرح ارایه برخی خدمات از جمله بازدیدهای دوره ای، دستمزد تعویض برخی قطعات، عیب یابی و تعویض روغن و فیلتر خودروهای کمتر از ۱۰ سال به صورت رایگان انجام می شود.

مهندس جعفری مدیر عامل امداد خودروی ایران هم اعلام کرد: متاسفانه امداد خودروهای جعلی و متفرقه به اطلاعات شخصی شهروندان دسترسی پیدا کرده و مشکلاتی را برای آن‌ها ایجاد می کنند.وی گفت: بارها در زمینه فعالیت امداد خودروهای جعلی اطلاع رسانی کرده‌ایم. با این حال از پیگیری مراجع دیگر ناامید شده و به قوه قضاییه متوسل شده‌ایم.وی با بیان این‌که امداد خودروهای جعلی چون شرکت آفتاب شرق و امداد البرز با سوء استفاده از نام امداد خودرو ایران مشکلاتی را برای شهروندان ایجاد می کنند، خاطرنشان کرد: حتی یکی از این شرکتهای جعلی اخیرا تبلیغات خود را از طریق صدا و سیما هم آغاز کرده که موجب ایجاد مشکل برای شهروندان می‌شود.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۶/۳۶ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۴۶ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۵/۱۴ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۳۴ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۰۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۲۷۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۵۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۵۷۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۳۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۰۸۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۰۵۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۴۷۸/۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۱۳۰ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۲۷۱/۴ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	۴۱۳۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۳۷۱۰/۲ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	۴۸۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۷۴/۸ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۵۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

پروازهای عمره مفرده پایان یافت

با فرودآخرین پرواز عمره مفرده هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران «هما» در روز ۹۲/۴/۱۵ در فرودگاه جده وانجام تعداد ۴۲۵ پرواز، اعزام زائران عمره مفرده در امسال به پایان رسید.

به گزارش روابط عمومی هما، عملیات انتقال زائران که از بیست وپنجم دی سال گذشته توسط هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود، زائران عمره مفرده را از ۱۰ ایستگاه پروازی به عربستان انتقال داد.

کاهش قیمت در بازار مسکن تا پایان سال

اوضاع مسکن با توجه به تحویل واحدهای مسکن مهر تا پایان سال به سمت آرامش و ثبات قیمت می‌رود.

مصطفی قلی خسروی رییس اتحادیه کشوری مشاوران املاک با بیان این مطلب گفت: اگرچه قیمتی سال گذشته به دلیل تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز قیمت مسکن افزایش یافت، به گونه‌ای که شاهد حباب ۲۰ درصدی قیمت ها بودیم، اما پس از انتخابات ریاست جمهوری این حباب ابتدا سه درصد، پس از آن پنج درصد و در حال حاضر هفت درصد کاهش یافته است.

استقرار هوای گرم تابستانی در کشور

براساس نقشه‌های پیش‌یابی در دو روز آینده در غالب مناطق کشور هوای گرم تابستانی حاکم است و فقط در برخی مناطق سواحل خزر امروز و فردا افزایش ابر، وزش باد و بارش پراکنده پیش‌بینی می‌شود و دریای خزر مواج خواهد بود.در همین مدت در برخی مناطق غرب و جنوب غرب کشور پدیده گرد و خاک موجب کاهش دید افقی و کیفیت هوا خواهد شد. در دو روز آینده وزش باد و گرد و خاک در برخی از مناطق شرق کشور بویژه منطقه زابل به تناوب ادامه خواهد داشت.

ترخیص ۸۷ درصد واردات از ۱۰ گمرک کشور

در سه ماهه سال جاری ۸۷ درصد از ارزش کل واردات از ۱۰ گمرک کشور ترخیص شده است.به گزارش گمرک ایران، در مدت یاد شده ۲ میلیون و ۱۹۶هزار تن کالا به ارزش ۳میلیارد و ۶۹۹میلیون دلار از گمرک شهیدرجایی، ۲میلیون و ۷۸۰هزار تن کالا به ارزش یک میلیارد و ۶۶۲میلیون دلار از گمرک بندر امام خمینی و ۷هزار تن کالا به ارزش ۸۳۵میلیون دلار از گمرک فرودگاه امام خمینی وارد کشور شده است.پس از این سه گمرک به ترتیب گمرکات تهران با اختصاص ۷۴۵میلیون دلار، منطقه ویژه بوشهر با ۴۸۹میلیون دلار، منطقه آزاد بندرانزلی با ۲۲۵ میلیون دلار، گمرک خرمشهر با ۱۴۹میلیون دلار، گمرک سهلان با ۱۴۱میلیون دلار، گمرک منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان با ۹۸میلیون دلار و گمرک جلفا با ۹۶میلیون دلار جزو گمرکات فعال کشور در امر واردات بوده‌اند.

در مجمع سالانه با تفویض اختیار به هیأت مدیران:

سرمایه بانک صادرات ایران به ۶۶/۵۰۰ میلیارد ریال افزایش می‌یابد

مجمع عمومی عادی سالانه و فوق‌العاده بانک صادرات ایران با حضور بیش از ۹۵درصد صاحبان سهام برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، مهندس پیشرو و مدیرعامل بانک، با ارائه گزارش عملکرد هیأت مدیره به مجمع عمومی و اشاره به توانمندی‌ها و قابلیت‌های این بانک اظهار داشت: بانک صادرات ایران در زمینه افزایش درآمدها توانسته رشد ۴۱ درصدی را نسبت به سال قبل داشته باشد و نسبت PIE بانک را به ۵/۹۵ درصد ارتقاء دهد که میانگین این رقم در بین بانک‌های حاضر در بورس ۵/۶ درصد است.

پیشرو با اشاره به پیگیری‌های حقوقی در جهت رفع تحریم‌ها گفت: با پیگیری‌های به عمل آمده به زودی تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه این بانک لغو خواهد شد و این امر می‌تواند با توجه به توانمندی و قابلیت‌های بانک صادرات ایران در خارج از کشور جهش این بانک را به دنبال داشته باشد.

وی با بیان اهمیت افزایش سرمایه بانک تأکید کرد افزایش سرمایه می‌تواند زمینه قوی‌تر شدن بانک در حوزه‌های اعتباری و همچنین بهبود نسبت‌های مالی را در پی داشته باشد. بر این اساس تصمیم گرفته شد تا نسبت به افزایش سرمایه به میزان ۲/۶برابر سرمایه کنونی اقدام شود.

در ادامه، این مجمع علاوه بر تصویب صورت‌های مالی و حساب سود و زیان برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به هر سهم ۱۰۰ ریال سود اختصاص داد و روزنامه‌های اطلاعات و دنیای اقتصاد را به عنوان روزنامه‌های کثیرالانتشار انتخاب شدند.

شایان ذکر است پس از اتمام مجمع عمومی عادی سالانه، مجمع فوق‌العاده آغاز و با اکثریت آرا افزایش سرمایه بانک از مبلغ ۲۲/۹۰۶ میلیارد ریال به ۶۶/۵۰۰میلیارد‌ریال طی سه مرحله در مدت دو سال به هیأت مدیره تفویض اختیار شد.

در سال گذشته تحقق یافت

رشد ۱۹۶ درصدی سود سرمایه‌گذاری بانک تجارت



به گزارش روابط عمومی بانک تجارت، مجمع این بانک روز دوشنبه گذشته باحضور بیش از ۸۹ درصد از سهامداران برگزار شد. در این مجمع که دکتر داوری رئیس هیأت‌مدیره بانک تجارت، ریاست آن را بر عهده داشت ابتدا دکتر فلاح مدیرعامل این بانک با اشاره به‌مهمترین دستاوردهای بانک تجارت درسال‌مالی گذشته اظهار داشت: طی سال ۹۱ بانک‌تجارت توانست با بیش از ۳۰ درصد رشد در سپرده‌های ریالی، هدف سپرده‌ای خود را به‌طورکامل محقق کند، ضمن آنکه درطول سال گذشته مانده مطالبات و تسهیلات بانک نیز از ۲۷۴هزارمیلیارد ریال به ۳۰۷ هزارمیلیارد‌ریال افزایش یافت و نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات بانک از ۲۲/۷ درصد به ۱۸/۷درصد کاهش یافت. وی ادامه داد: در پایان سال ۹۱ بانک تجارت بیش از ۲۴۰۰میلیارد ریال مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب سال ۹۰ را به سپرده‌گذاران خود پرداخت کرد و شاهد افزایش صددرصدی فروش اوراق مشارکت توسط این بانک بودیم. وی افزود: در طول سال گذشته سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های بانک از ۱۹۶درصد رشد برخوردار بوده است.

دکتر فلاح در ادامه با اشاره به روند حضور بانک تجارت در بازار بورس طی چهارسال گذشته اظهار داشت: از سال ۸۸ تاکنون حجم سرمایه بانک تجارت از ۱۰۴۳۷میلیارد ریال به ۱۷۵۰۰ میلیارد ریال افزایش یافته و در تمام روزهایی که نماد بانک باز بوده، معامله بر روی سهام بانک صورت گرفته است.

ضمن آنکه طی ماه‌های اخیر نیز اقبال فعالان بازار سرمایه به سهام بانک تجارت چشمگیر بوده است. ارزش مجموع دارایی‌های بانک طی سال ۹۱ بیش از ۱۴ درصد رشد داشته و نسبت کفایت سرمایه بانک نیز از ۸/۱ به ۸/۸ بهبود یافته است.

در ادامه، سهامداران علاوه بر تصویب صورت‌های مالی و انتخاب روزنامه اطلاعات به‌عنوان روزنامه رسمی، با تقسیم ۲۱۰ ریال از سود ۳۵۲ ریالی هر سهم موافقت کردند تا برنامه افزایش سرمایه بانک به منظور تقویت ساختار مالی و امکان توسعه فعالیت‌های مختلف بانکی مطابق برنامه‌ریزی‌های به‌عمل آمده محقق شود.

در مجمع عمومی سالانه بانک ملت عنوان شد:

اجرای طرح جدید "بانکداری جامع" در بانک ملت

مجمع عمومی عادی سالانه بانک ملت با حضور ۹۷ درصد صاحبان سهام برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی بانک ملت، محمدرضا ساروخانی رئیس هیات مدیره بانک درابتدای مجمع با اشاره به موفقیت بانک ملت در جذب سپرده‌های غیر هزینه‌زا درسال گذشته، اظهار داشت: با وجود آزادسازی تعیین نرخ سپرده‌ها در سال ۹۱ و مسابقه بانک‌ها در اعطای نرخ سود بیشتر به سپرده‌ها، بانک ملت به خوبی توانست با سیاست جذب منابع غیرهزینه‌زا، قیمت تمام شده پول را مدیریت کند.

وی تغییرات نرخ ارز در سال گذشته را باعث ایجاد نوسانات شدید در بازار و تغییر مزیت‌های نسبی بخش صنعت خواند و ادامه داد: بانک ملت با تغییر سیاست‌های اعتباری و تخصیص منابع به بخش‌های کم ریسک و اولویت‌دار، از ایجاد مطالبات جلوگیری و کمیته نقدینگی بانک نیز با تشکیل جلسات مستمر، مدیریت صحیحی بر توزیع تسهیلات اعمال کرد و کنترل نقدینگی را در دست گرفت.

ساروخانی تاکید کرد: در نتیجه این سیاست، بانک ملت در سال گذشته با کمبود نقدینگی روبه رو نشد و از نقدینگی کافی برای اعطای تسهیلات، برخوردار بود. وی به اجرای مدل جدید کسب و کار تحت عنوان بانکداری جامع در بانک ملت مبتنی بر بخش‌بندی مشتریان اشاره کرد و اظهارداشت: طراحی‌های این پروژه که افزایش رضایت مشتریان، افزایش سود بانک و ارتقای سطح مدیریت ریسک بانک را در پی دارد انجام شده و در نیمه دوم سال جاری عملیاتی خواهد شد.

دکتر علی دیواندری، مدیرعامل بانک ملت هم در این مجمع گزارشی از عملکرد هیات‌مدیره در سال مالی ۱۳۹۱ را ارائه کرد و گفت: اعتماد سهامداران و عشق و علاقه قلبی کارکنان به ملت، بزرگ‌ترین پشتوانه مدیران برای پیشبرد طرح‌ها محسوب می‌شود.

وی با اشاره به افزایش سرمایه بانک ملت به ۳۳ هزار میلیارد ریال در سال گذشته، اظهار داشت: این بانک در سال ۱۳۹۱ از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، سرمایه خود را ۶۵ درصد افزایش داد که این افزایش نه تنها باعث رقیق شدن ارزش سهم بانک نشد بلکه سود هر سهم را نیز افزایش داد.

مدیرعامل بانک ملت با تاکید بر این نکته که بازدهی سهام این بانک در یک سال گذشته ۱۵۳ درصد بوده که بالاترین درصد بازدهی در میان بانک‌های بورسی است، تصریح کرد: بانک ملت در چهار شاخص اصلی نقدشوندگی سهام، میزان فروش، دارایی و ارزش افزوده در صدر فهرست بانک‌های کشور در سال گذشته قرار گرفته ضمن این که رتبه ۱۲ فهرست ۵۰ شرکت فعال‌تر بورس در تیرماه ۹۲ را نیز به خود اختصاص داده است.

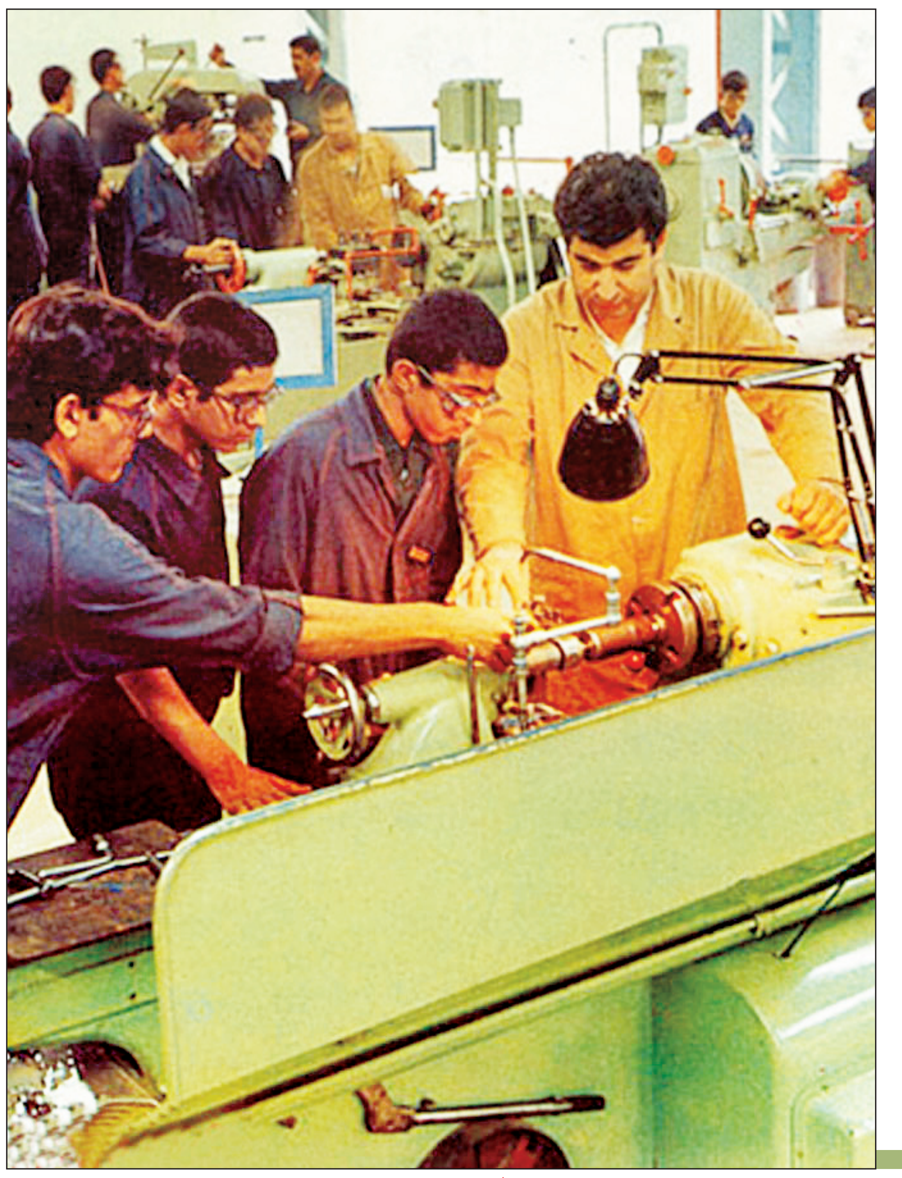
مدیرعامل بانک ملت، افزایش سرمایه را از ۳۳ هزار میلیارد ریال به ۴۰ هزار میلیارد ریال را در دستور کار این بانک خواند و گفت: تا یک ماه آینده، اعلامیه برپایی مجمع فوق‌العاده برای تصمیم‌گیری در زمینه افزایش سرمایه منتشر خواهد شد.

در ادامه، این مجمع علاوه بر تصویب صورت‌های مالی و حساب سود و زیان برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به هر سهم ۱۶۰ ریال سود اختصاص داد و روزنامه‌های اطلاعات و دنیای اقتصاد را به‌عنوان روزنامه‌های کثیرالانتشار انتخاب کرد.

در مراکز مهارت آموزی تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چه می‌گذرد؟

آزمون متغیر هنرجویان بلاتکلیف!

بخش نخست



فرض کنید شما به دلایلی نتوانسته‌اید به موقع دوره تحصیلی متوسطه را سپری کنید. بنابراین برای کسب دیپلم، ناچار می‌شوید دوره‌ای مهارتی را در یکی از آموزشگاه‌های تحت نظارت سازمان‌های مرتبط بگذرانید تا پس از افزودن مدرک آن دوره به مدرک گذراندن دروس عمومی، واحدها معادل‌سازی شوند و شما بتوانید دیپلم خود را از آموزش و پرورش بگیرید.

احتمالا به دلیل مشغله‌های گوناگون و کمبود وقت، دوره مربوطه را به سختی می گذرانید، اما ناگهان مسئولان آموزشگاه به شما اعلام می کنند با تصمیمات مدیران رده‌های بالاتر، ضوابط و شرایط امتحانی که قرار است در پایان دوره از شما گرفته شود، تغییر کرده و فرصت کافی هم برای تطبیق شما با شرایط جدید، در اختیارتان گذاشته نشده است. شما کلی برنامه‌ریزی کرده بودید و می خواستید در زمانی مشخص، مدرک تحصیلی خود را دریافت کنید، اما اکنون فقط به دلیل اختلاف نظر مسئولان ارشاد و آموزشگاه، دیگر امیدی ندارید که در موعد مقرر به هدف خود برسید!

این یک داستان تخیلی نیست؛ شرح حال چندهزار نفر هنرجویی است که تمامی برنامه ریزی‌هایشان با یک تصمیم تازه به هم خورده است و بلاتکلیف باقی مانده‌اند.

ضررهای جبران‌ناپذیر

اخیرا میزبان چند نفر از مدیران آموزشگاه‌های تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودیم. آنان گفتند پس از آن که صدای اعتراضشان نسبت به تصمیمات تازه مسئولان رده‌های بالاتر درباره تغییر ناگهانی شرایط و ضوابط شیوه برگزاری امتحانات، به جایی نرسیده است، شکایت خود را نزد ما آورده‌اند و معتقد بودند تصمیماتی که با آمدن و رفتن هر مدیر، بدون توجه به پیشینه و پسینه هر حوزه‌ای گرفته می‌شود، می‌تواند ضررهای جبران ناپذیری داشته باشد؛ مانند بلاتکلیف ماندن چندهزار هنرجوی آموزشگاه‌ها که با وجود صرف هزینه و وقت و انرژی، در گیر و دار اختلاف نظرهای مدیران، از دادن امتحان و کسب مدرک خود بازمانده‌اند.

از نظام قدیم تا نظام جدید

مدیر یکی از این موسسات که زمانی عضو ستاد مستندسازی و کمیته تطبیق نظام‌های جدید و قدیم در وزارت آموزش و پرورش بوده است، می گوید: تا پیش از سال ۱۳۷۱ دو شاخه فنی ـ حرفه‌ای و نظری داشتیم. از آن سال که نظام جدید روی کار آمد، شاخه کاردانش هم افزوده شد که وظیفه داشت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار را تربیت کند. به این منظور، وزارت آموزش و پرورش با دست اندرکاران سازمان‌هایی مانند سازمان فنی و حرفه ای، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان‌های نظامی و اداره میراث فرهنگی وارد مذاکره شد و با آنان قراردادهایی تنظیم کرد تا واحدهای درسی را به دانش آموزان آموزش بدهند، به طوری که گذراندن واحدهای نظری و مهارتی توسط دانش آموز، بعد از فرآیند معادل سازی، مساوی با کسب دیپلم ۹۶ واحدی دوره متوسطه تلقی می‌شد.

دوره واحدهای نظری، صرفاً توسط هنرستان‌های کار و دانش وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود، اما «واحدهای مهارتی» بر حسب مورد، می‌توانند در هر یک از سازمان‌های یاد شده طی شود که خود شامل دو بخش تئوری و عملی است. به گفته مدیران آموزشگاه‌ها، تعداد رشته‌ها و واحدها متنوع و متغیر است، مثلا برای کسب گواهینامه رشته گرافیک، گذراندن ۴۲٫۵ واحد مهارتی لازم است و برای رشته گریم، گذراندن ۴۴ واحد. در میان رشته‌هایی که نام می‌برند، «تعمیر تانک چیفتن» توجهم را جلب می کند که ۴۶ واحد است. می‌پرسم چنین رشته‌ای با چه میزان استقبال روبه رو می‌شود و در می‌یابم این رشته را فقط کسانی انتخاب می کنند که می خواهند جذب ارتش شوند.

مراکز مهارت آموزی

مدیر یکی از موسسات، درباره فلسفه وجود آموزشگاه‌ها می گوید: آموزشگاه‌ها، مراکز مهارت‌آموزی هستند که به عنوان مجریان برگزاری دوره‌های استاندارد کار و دانش، با مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در آن به تدریس رشته‌های کار و دانش در مقطع متوسطه و بزرگسال می‌پردازند؛ رشته‌هایی مانند گرافیک کامپیوتری، تصویرسازی کامپیوتر و طراحی صفحات وب که ۳۵ رشته را شامل می‌شوند. هرکدام از این مهارت‌ها، بخشی از واحدهای درسی دوره متوسطه محسوب می‌شود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی استاندارد های این بخش، وظیفه صدور گواهینامه‌های تاییدشده از سوی آموزشگاه را بر عهده دارد.

این مدیر آموزشگاه درباره نقش وزارت آموزش و پرورش در این پروسه، می گوید: وزارت آموزش و پرورش، متولی برنامه‌ریزی و تدوین استانداردهای آموزشی است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متولی معرفی استانداردهای مهارتی.

هر هنرجو، برای اخذ دیپلم دوره متوسطه باید حداقل ۵۴ واحد درس‌های عمومی را انتخاب کند و برای باقی واحدها (تا ۹۶ واحد) یکی از دوره‌های مهارتی را در یکی از سازمان‌های متولی این امر مانند سازمان بهزیستی، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تبلیغات اسلامی و حتی سازمان‌هایی مانند نیروی انتظامی، ارتش و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران بگذراند و سپس مدرک مهارتی خود را ضمیمه مدرک گذراندن واحدهای عمومی کند و برای دریافت دیپلم، به وزارت آموزش و پرورش تحویل بدهد.

مشکل از کجا شروع شد؟

به گفته جمعی از مدیران آموزشگاه‌های هنری، تا پیش از سال ۱۳۸۳، با توجه به ابلاغ نظامنامه به استان‌ها در خصوص صدور مدارک مهارت‌آموزی، صدور گواهینامه‌های مهارتی به شکل متمرکز در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (تهران) انجام می‌شد. اما از آن سال، به تدریج با رونق گرفتن رشته‌های مهارتی و اقبال عمومی به آنها و افزایش تعداد دانش آموزان، وزارتخانه با تفویض اختیار به استان‌ها، مراحل اخذ مجوز، برگزاری آزمون‌ها و صدور و تأیید گواهینامه‌های مهارتی را به خود آن‌ها سپرد. گواهینامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاندارد محور است، یعنی مثل دیپلم‌های صادره از وزارت آموزش و پرورش که برای دریافت آنها گذراندن دوران آموزش و امتحانات و ارسال نتایج به ریاست اداره ضروری است، برای دریافت مدارک مهارتی در آموزشگاه‌ها نیز پس از طی دوره‌های آموزشی لازم، باید در آزمون شرکت کرد و نتایج را به تایید اداره‌های کل ارشاد رساند.

در این میان، تخلفاتی از سوی برخی آموزشگاه‌ها، به خصوص در شهرستان‌ها، صورت می گرفت؛ مثلا در برخی جاها آزمون فقط شکل صوری داشت و گواهینامه‌ها بدون ضابطه صادر می‌شد. آنجا بود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این نتیجه رسید که آزمون را به شکل جامع و سراسری برگزار کند؛ این تصمیمی درست برای رفع مشکلات موجود بود، اما در اجرا با مشکلاتی مواجه شد.

تغییرات دقیقه ۹۰!

خانمی که مدیر یکی دیگر از موسسات آموزشی است، توضیح می دهد: برگزاری آزمون آموزشگاه‌ها به صورت سراسری، به لحاظ زمانی خارج از موعد قانونی به ما ابلاغ شد. ما از مهر ماه دوره‌های آموزشی را آغاز می کنیم و اگر قرار است تغییری در نحوه برگزاری امتحانات صورت بگیرد، باید پیش از آن به ما اطلاع داده شود، اما به جای اول سال تحصیلی، نزدیک پایان دوره، یعنی اواخر فروردین ماه به ما اطلاع دادند که آزمون به شکل جامع برگزار می‌شود و منابع امتحانی هم تغییر کرده است.

از طرفی به جای آن که بر اساس بند ۵ آیین نامه، امتحانات در چند مرحله و هر بار از یکی دو سرفصل برگزار شود، به ما گفتند امتحانات از همه سرفصل‌ها و در یک نوبت برگزار خواهد شد. باید توجه کرد که برخی واحدها، پیش نیاز برخی واحدهای دیگر است و امتحانات مربوط به آنها نباید همزمان برگزار شود. شاید کسی در درس پیش نیاز نمره نیاورد، ولی در درس دیگر قبول شود. آن وقت تکلیف چیست؟

روزنامه اطلاعات، پل ارتباطی!

برای یافتن پاسخ پرسش‌های مطرح شده از سوی مدیران آموزشگاه‌ها، قرار ملاقاتی با آقای رمضانعلی حیدری خلیلی، مدیرکل دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می گذارم که استقبال می کند و می گوید خوب است این ابهامات که در برخی رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها به آن دامن زده شده است، یک بار برای همیشه از طریق روزنامه اطلاعات که روزنامه‌ای قدیمی و مورد اعتماد است، حل شود تا بتوان با تعامل سازنده موسسات و وزارت ارشاد، برنامه ریزی‌های بهتری برای آینده انجام داد.

طی دو ساعت گفتگو با آقای حیدری خلیلی، تک تک پرسش‌ها و ابهامات مدیران آموزشگاه‌ها را با ایشان در میان می گذارم و پاسخ‌ها را یادداشت می کنم، اگر چه نمی‌فهمم چرا این پرسش و پاسخ‌ها در جلسه‌ای که طرفین این ادعا در آن با یکدیگر به گفتگو نشسته‌اند، مطرح نشده و یا به نتیجه نرسیده است، گویی که آنها با یکدیگر تعارف داشته‌اند و یا همه حقایق را با یکدیگر در میان نگذاشته‌اند!

مدیر یکی از آموزشگاه‌ها می گوید: مدتی پیش افزون بر ۵۰ نفر از مدیران موسسات، جمع شدند تا با وزیر محترم ارشاد صحبت کنند، اما امکان آن را فراهم نساختند. در نهایت، چند نفر از آنها به نمایندگی از دیگران با آقای حیدری خلیلی گفتگو کردند. چند ماه است برای طرح و رفع برخی مشکلاتمان، مانند محدود شدن پذیرش هنرجویان آموزشگاه‌ها و افزایش ندادن شهریه طی ۵ سال گذشته، با نمایندگان و مسئولان بسیاری صحبت کرده‌ایم، اما نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.

اما آقای حیدری خلیلی آن جلسه مشترک را مثبت ارزیابی می کند و می گوید: ما با چند نفر از مدیران موسسات نشستی داشتیم و آنان به اتفاق از برنامه‌های دفتر حمایت و اعلام رضایت کردند، اسامی آن عزیزان هم موجود است. البته نگرانی‌های بی‌موردی هم داشتند، مثلا گفتند شنیده‌ایم قرار است برگزاری آزمون تهران، به سازمان فنی و حرفه‌ای سپرده شود، در حالی که به گفته اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران فقط قرار بود محل برگزاری امتحان را از آنها اجاره کنیم که همین کار را هم برای آن که شائبه‌ای پیش نیاید، انجام ندادیم.

در آن جلسه درباره تمامی مسائل مورد نظر مدیران موسسات، صحبت کردیم و این بحث پیش آمد که چرا تا به حال فعالیت‌های صنفی سازماندهی شده نداشته‌ایم. متعاقب آن قرار شد انجمن فرهنگی صنف مدیران و مسئول آموزش‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای شکل بگیرد که اساسنامه آن نوشته شده و چارچوبش به گونه‌ای است که اعضای انجمن و هیأت مدیره، بر کار همه آموزشگاه‌ها نظارت کنند. هر استان، انتخاباتی برگزار می کند و با توجه به نتایج آن، نماینده‌ای به انجمن می‌فرستد. ما فقط بر درستی انتخابات نظارت می کنیم. میزان شهریه‌ها نیز بر حسب قاعده و تناسب دوره های آموزشی در هر استاندارد مهارتی بازنگری و تعیین می‌شود تا کم فروشی در آموزش صورت نگیرد.

می‌دانیم که هنوز اشکالات عدیده‌ای در کار وجود دارد، فعلا هم به خیلی از مسائل ریز کاری نداریم، اما حداقل توقعمان از عزیزان، این است که با ما همکاری کنند.

یکی از آن دوستان پیشنهاد داد که از کتاب تالیفی‌اش در حوزه عکاسی، به عنوان منبع درسی استفاده کنیم. ولی ما گفتیم منبع رسمی را باید دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های هنری به نمایندگی از دولت، تعیین کند. با این حال از پیشنهادات تا جایی که امکان داشته باشد، استقبال و استفاده می کنیم. آن جلسه با صداقت و صمیمیت به پایان رسید و نمی‌دانم اکنون چه اتفاقی افتاده است که آنان بر چارچوب و مبنایی اصرار دارند که خودشان می‌دانند سراسر اشکال است. ما گزارشی از یک شهر کوچک داریم که برای فروش مدارک به بیش از ۲۰۰ نفر هنرجو، ساخت و پاخت‌هایی انجام شده است. با چنین تخلفاتی، سرنوشت فرهنگی و آموزشی کشور خدشه دار می‌شود. ما می‌خواهیم همه کمک کنند تا دست واسطه‌ها از حوزه آموزشی کوتاه و مسیر موفقیت هموار شود. وقتی کارها روی روال درست پیش برود، نتیجه کیفی بهتری می گیریم و می‌توانیم انتظار داشته باشیم برای ما هم نقش و سهمی قائل باشند.

***چندهزار هنرجوی آموزشگاه‌های تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با وجود صرف هزینه و وقت و انرژی، از دادن امتحان و اخذ گواهی نامه خود بازمانده‌اند**

***مدیر یک آموزشگاه: ارزش و اعتبار آموزش، ارزش و اعتبار یک ملت است و باید برای تصمیم‌گیری در این حوزه بسیار دقیق عمل شود**

***رمضانعلی حیدری خلیلی ـ مدیرکل دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: همه باید کمک کنند تا دست واسطه‌ها از حوزه آموزشی کوتاه و مسیر موفقیت هموار شود**

تغییر منابع امتحانی

از مدیر کل دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های هنری می‌پرسم: شما در جایی با اشاره به این که تمامی جزئیات نحوه برگزاری آزمون با توافق نماینده موسسه‌های مجری مهارت فرهنگ و هنر زیرمجموعه ارشاد، در نظر گرفته شده‌اند، گفته‌اید تنها تفاوت آزمون امسال با دوره‌های قبل در این است که به صورت هماهنگ برگزار می‌شود. طراحی دفترچه آزمون‌ها به گونه‌ای است که به تفکیک هر استاندارد طراحی سوال انجام شده است و در صورت پاسخگویی به هر استاندارد، نتایج در آن بخش ارزیابی می‌شود و اجباری برای این که داوطلب به همه استانداردها پاسخ دهد، وجود ندارد.

این در حالی است که برخی مدیران آموزشگاه‌ها می پرسند این استانداردها چیست؟ چطور ممکن است یک داوطلب، قبل از گذراندن درس پیش نیاز، در درس بعدی قبول شود؟ توافق با نماینده موسسات، چه معنایی دارد، در حالی که از ۸۰ موسسه، ۵۰ موسسه با این تصمیمات مشکل دارند و چند هزار نفر هنرجو در آزمون جامع شرکت نکرده اند؟

آنها گفتند پس از اعتراضشان به ابلاغ دیرهنگام شرایط برگزاری آزمون جامع، در روز ۲۸ فروردین امسال، بخشنامه‌ای برای تمامی موسسات فرستاده شد که از آنها می‌خواست به ازای هر عنوان درسی، ۱۰۰ سوال از منابع خود طراحی کرده و به اداره ارشاد تهران بفرستند تا موقع طراحی سوالات آزمون جامع از همین بانک سوال استفاده شود. آنها پذیرفتند، سوالات را تهیه کردند و فرستادند اما شما در نهایت ناگهان اعلام کرده‌اید منابع عوض شده است و سوالات را هم خودتان طرح می کنید. رئیس یکی دیگر از آموزشگاه‌ها می گوید برای رشته گرافیک، کتابی به عنوان مرجع معرفی شده است که هیچ جا گیر نمی آید و فقط در شهر بابل پیدا می‌شود. هنرجوهای استان‌های دیگر باید چه کار کنند؟

سرنوشت حوزه آموزشی کشور

آقای حیدری خلیلی در پاسخ به انتقاد مدیران آموزشگاه‌ها درباره تغییر منابع امتحانی می گوید: در جلسه‌ای که با این مدیران داشتیم، آنها اعلام کردند منابع معرفی شده برای آزمون جامع را نمی‌شناسند. ما حرفشان را قبول کردیم و سرفصل‌ها و استانداردهای مصوب آموزش و پرورش را مبنای طراحی سوالات قرار دادیم.

البته خیلی از موسسات، همان منابع پیشنهادی ما را تدریس می‌کردند، به طوری که وقتی از آنها خواستیم برای بانک سوال، نمونه سوال طراحی کنند و بفرستند، متوجه شدیم بسیاری از سوالات طرح شده توسط خود موسسات، از همان منابع یاد شده استخراج شده‌اند. این که کتابی به عنوان منبع آموزشی معرفی می‌شود، هنر ناشر آن است که عرصه آموزش کشور را به درستی شناخته و کتاب خود را مبتنی بر معیارهای آموزش و پرورش، چاپ کرده است.

منابع، سرفصل‌ها و استانداردها، همگی مصوب وزارت آموزش و پرورش بودند. برای طراحی سوال هم متناسب با شرایط آموزشی مهارت آموزان، به گونه‌ای کار کردیم که پاسخگویی برایشان چندان سخت نباشد. اطلاعات همه استان‌ها را گرفتیم و از ۷۷ استاندارد، سوالات را آماده و پخش کردیم. هنرجویان مختارند که در آزمون شرکت کنند یا نکنند. اگر در این دوره موفق نشدند، می‌توانند در آزمون بعدی شرکت کنند. از طرفی، لازم نیست همه استانداردها را در یک آزمون بگذرانند.

مجموعه سوالات آزمون برای کسانی طراحی شده بود که آمادگی کافی پیدا کرده اند. این آموزش‌ها، مهارتی است و دانش نظری نیست که به فراموشی سپرده شود. کسی که مهارتی کسب کرده است، می تواند آزمون را به خوبی پشت سر بگذارد. پیش نیاز بودن دروس برای یکدیگر، در برنامه‌ریزی‌های موسسه مهم است، نه در مرحله آزمون.

مدیران آموزشگاه‌ها قضاوت پیش از موعد کرده و نگران نحوه طراحی سوالات بودند. پرسش اینجاست: چرا این قدر نگرانند که هنرجویانشان نمره نیاورند؟ مگر به آنان قول قبولی داده‌اند که اکنون نگرانند نتوانند در آزمون نمره قبولی بیاورند و مدعی آنها بشوند؟ برخی از مدیران موسسات می گفتند یک دوره دو ماهه صبر کنید، زیرا امید دارند که در دوره بعدی مسئولان عوض بشوند و آنها کار خودشان را بکنند. چنین وقت کشی هایی نه از طرف ما و نه از طرف موسسات، به صلاح هیچ کس نیست. نباید سرنوشت فرهنگی کشور را سرسری گرفت.

اعتبار آموزش، اعتبار ملت

جالب اینجاست که وقتی از مدیران موسسات می پرسم با توجه به این که اعلام دیرهنگام شرایط جدید، فقط برای هنرجویان همین دوره مشکل ایجاد می کند، پس چرا برای این یک دوره، کمی کوتاه نمی آیید، آنها نیز پاسخ می دهند: وجدانمان نمی‌پذیرد. ارزش و اعتبار آموزش، ارزش و اعتبار یک ملت است. باید برای تصمیم گیری در این حوزه بسیار دقیق‌تر از اینها عمل شود.

متاسفانه به دلیل مدیریت ناکارآمد در دوره‌های قبلی، تخلفاتی در برخی آموزشگاه‌ها صورت گرفته است که در این دوره، برای از بین بردن آنها، تصمیمات عجولانه‌ای گرفته شده است که بدتر از قبل، همه چیز را زیر سوال برد. اگرچه حرف مسئولان کاملاً منطقی و قانونی است، اما شیوه اجرا مشکل دارد و در این میان، دانش آموزان ما بلاتکلیف مانده اند. از طرفی معلوم نیست مسئول بعدی، این تصمیم تازه را قبول داشته باشد و روند دیگری را در پیش نگیرد.

ما باید یاد بگیریم برای هر تصمیم گیری تازه‌ای، نظر کارشناسان حوزه‌های مرتبط با آن را بپرسیم و در هر مورد آگاهانه و با تأمل اقدام کنیم.

ارمغان زمان فشمی

جدول

۲۲۰۴۰

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ مناسبت چهارشنبه ۲ مرداد در سالروز با سعادت امام حسن(ع) کریم اهل بیت ـ زیرزمین
۲ـ نوشته‌ای از جلال آل احمد ـ مساوی و مشابه
۳ـ حیوان وفادار ـ گونه ـ مسافر سرزمین عجایب ـ خواب کودکانه
۴ـ بلندترین رشته کوه اروپا ـ یاری دهنده ـ فلز پرمصرف ـ بندری در فرانسه
۵ـ تصویر واضح در عکاسی ـ فراوان ـ رمق آخر
۶ـ حرف ناگفتنی ـ پرنمک ـ دورویی
۷ـ فهرست ـ وقت فعالیت ـ میزبان جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۵۶
۸ـ سائل ـ صمغ درخت صنوبر ـ به موقع
۹ـ اصلی در فیزیک ـ از ظروف آشپزخانه ـ از صحابه پیامبر اسلام(ص)
۱۰ـ میوه شیرین بهاری ـ سرسرا ـ عدد اختاپوس!
۱۱ـ رایگان ـ جاهل ـ دستور
۱۲ـ پیروزی ورزشی ـ نابینا ـ کشتی جنگی ـ فرزندزاده
۱۳ـ گل یقه نشین ـ موج دریا ـ قلب ـ بوی پشم سوخته
۱۴ـ بدنام ـ قطار شهری
۱۵ـ شهری در کرمانشاه ـ نوعی نمایش که برای تلویزیون اجرا می‌شود

عمودی:

۱ـ سران و بزرگان ـ گیاهی برای آرامش اعصاب
۲ـ نوعی ورزش با گوی و چوگان ـ دستی ـ عریان و لخت
۳ـ به دنیا آوردن ـ حق‌العمل درصدی ـ مخترع عکاسی
۴ـ نخست ـ برش سینمایی ـ تجربه ـ نخ تابیده
۵ـ نوعی دسر ـ شاخه تازه روییده ـ سازشاکی
۶ـ نشانه مفعولی ـ فلز هادی ـ عقیده ـ وسیله نخ ریسی
۷ـ رها از بند ـ ضربه‌ای با پا به توپ ـ فرشته آویخته شده در چاه بابل
۸ـ ثروت ـ ریشه گیاهی درختچه‌ای که مصرف دارویی دارد ـ شهر بی‌قانون!
۹ـ شهر آتشکده در شهرستان کاشان ـ طایفه ـ درخت جوان
۱۰ـ وصف سرو ـ واحد نظامی ـ نت چهارم ـ ابر کم ارتفاع
۱۱ـ شهر مذهبی ـ از مرکبات ـ پدر علم تاریخ
۱۲ـ ستون کشتی ـ سنگ ریز ـ سنگ سبز قیمتی ـ گل و لجن
۱۳ـ معما چو حل گشت ۰۰۰ شود! ـ پایتخت پادشاهان ماد ـ حرف انتخاب
۱۴ـ بستر ـ ناپاک ـ دهان پرنده
۱۵ـ ناهماهنگی، مخالفت ـ عدد بلبل

حل جدول ۲۲۰۳۹

بازگشت ادبی



عبدالحسین آذرنگ   بخش دوم

کریم خان زند شخصاً شعردوست و شاعرپرور نبود؛ اما فراغ بال سی ساله حکومت نسبتاً سالمش به بازار ادب و هنر رونق نسبی داد. شعرا در عصر زندیه محفل ادبی داشتند و حرکتی را که سالها پیشتر آغاز شده بود، به طور منظم ادامه می‌دادند.

میرزاعبدالوهاب موسوی اصفهانی در زمان کریم‌خان زند حاکم و کلانتر اصفهان شد و شاعرانی که از سبک رایج بیزار و به طرز قدما مایل بودند، به تشویق او و در منزل شخصی او، انجمن ادبی تشکیل دادند. به ترغیب وی، بازار شاعری در اصفهان که مرکز ادبی بود، رونق گرفت. میرزاحسین **وزیر فراهانی** (متخلص به وفا)، وزیر زندیه، که مردی ادیب و سخن‌شناس و معتقد به طریقه بازگشت بود و کتابخانه‌ای از نفایس آثار داشت، در شیراز محفل ادبی دایر کرد.

میرزاعبدالوهاب **نشاط اصفهانی** (۱۱۷۵ـ ۱۲۴٤)، فاضل و ادیب و منشی و از شعرای اوایل عصر قاجار در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار، حاکم اصفهان شد و در آنجا مانند نیای خود ـ میرزاعبدالوهاب موسوی ـ محفل شعرا را که در واقع انجمن عمده ادبی شهر بود، تشکیل داد. به گفته رضاقلیخان هدایت، محفلش «مجمع شعرا و ظرفا» بود. این محفل در قیاس با محافل ادبی سابق، با آگاهی بیشتر به اسلوبهای گوناگون شعری توجه می‌کرد. پس از آنکه نشاط اصفهانی برای تصدی بعضی امور دیوانی به دربار تهران احضار و «انجمن نشاط» در اصفهان تعطیل شد، حجرهٔ **مجمر** در مدرسه کاسه‌گران به صورت مجمع سخنسرایان شهر درآمد.

آرامش نسبی دوره قاجاری پس از سالها آشوب و فتنه، شعردوستی شاهان و شاهزادگان این سلسله، تشویقهای آنان از شاعران، و بعضی عوامل مساعد دیگر موجب شد تا بازار شعر و شاعری که در آن عصر پناهگاه دیگری برای رشد خود نداشت، رونق بگیرد. حرکتی که **مشتاق اصفهانی** و همگامانش آغاز کرده بودند، به همت کسانی که در محافل ادبی آنان پرورش یافته یا از آن محافل تأثیر پذیرفته بودند، به ویژه از طریق محفل‌های ادبی، به رغم تغییرات سیاسی، از دوره افشاریه و زندیه به عصر قاجاریه انتقال یافت.

سیدمحمد **سحاب**، شاعر بزرگ عصر فتحعلی‌شاه، پسر هاتف اصفهانی بود و شرر **بیگدلی**، شاعر اوایل عصر قاجار و پسر لطفعلی آذر بیگدلی، فتحعلی خان **صبای کاشانی** (ح ۱۱۷۹ـ ۱۲۳۸)، ملک‌الشعرای دربار فتحعلی‌شاه، شاگرد صباحی بیدگلی. فتحعلی خان صبا و میرزابزرگ عیسی قائم مقام که پس از انقراض سلسله زندیه به دستگاه و دیوان قاجار راه یافتند، راه و روش مشتاق اصفهانی و **صباحی بیدگلی** را به شاعران بزرگ آن دوره منتقل ساختند و حرکت بازگشت را تداوم بخشیدند. فتحعلی خان صبا، پس از مشتاق و آذر و هاتف و صباحی، در جریان بازگشت ادبی نقش عمده ایفا کرد.

نشاط اصفهانی، مجمراصفهانی (۱۱۹۰ـ۱۲۲۵)، **وصال شیرازی** (۱۱۹۲ یا ۱۱۹۳ـ۱۲٦۲)، **یغمای جندقی** (۱۱۹٦ـ۱۲۷٦) و **فروغی بسطامی** (۱۲۱۳ـ۱۲۷٤) و **حبیب‌الله قاآنی** (۱۲۲۳ـ۱۲۷۰ یا ۱۲۷۲)، **سروش اصفهانی** (۱۲۲۸ـ۱۲۸۵)، **صفی علیشاه** (۱۲۵۱ـ۱۳۱٦)، **میرزاحبیب خراسانی** (۱۲٦٦ـ ۱۳۲۷) و **فتح‌الله خان شیبانی** (متوفی ۱۳۰۸) از بزرگترین شاعران عصر قاجارند که شیوه شعرای دوره بازگشت را ادامه دادند و هر یک، به صبغه فکری و هنری خاص خود، سنت ادبی آنان را پرمایه و برای تحولات ادبی بعد آماده تر ساختند.

بازگشت در نثر

در اواخر حکومت زندیه و مدتی پس از حرکت بازگشت در شعر، تغییرات اندکی در شیوه نثرنویسی پدیدار شد. نثر فارسی با آهنگی کندتر از آن شعر، از تصنعات و تکلفات خود کاست و رفته‌رفته از حشو و زواید پیراسته شد. به تجربیات گذشتگان و امکانات نثر فارسی توجه شد. به ویژه از اوایل عهد قاجار، تحول نثر سرعت بیشتری یافت و نویسندگانی پیدا شدند که شیوه نثرنویسی را دگرگون کردند و بنایی گذاشتند که در آن قواعد فارسی نویسی صحیح بیشتر رعایت شد.

از میان نویسندگانی که بانی تحول نثرند تنی چند به شرح زیر یادکردنی‌اند: عبدالرزاق بیگ دنبلی، متخلص به **مفتون** صاحب تسلیه‌الابرار، اثری که به گفته ملک‌الشعرای بهار از شاهکارهای قرن دوازدهم هجری و نمونه آثار دوره بازگشت ادبی است ؛ **میرزا رضی** (م۱۲۲۲) صاحب چند رساله و مترجم یک اثر تاریخی به فارسی در آغاز عصر قاجاریه (نامه مشهوری که از سوی فتحعلی‌شاه قاجار به ناپلئون اول نوشته شده به قلم اوست)؛ **وقایع‌نگار** (م ۱۲۵۰)؛ میرزاابوالقاسم **قائم مقام** فراهانی (۱۱۹۳ـ ۱۲۵۱)، نویسنده و منشی و شاعر و وزیر که انشای فارسی را با کلمات محاوره‌ای درآمیخت و نثر را به ایجاز و اختصار و سادگی سوق داد و در حقیقت به قالب نثر فارسی روح تازه ای دمید و تقریباً آن را برای کاربرد در همه زمینه‌ها آماده ساخت. نسب نثر روزنامه ای سالم و فصیح عصر مشروطیت به نثر قائم مقام می‌رسد و کاربرد این نثر در جراید، در حقیقت، عامل مؤثر پذیرش آن در میان طبقات باسواد جامعه ایرانی بود.

منشآت فاضل خان **گروسی** (۱۱۹۸ـ۱۲۵۳) نمونه اعلای فصاحت عصر خود بود. **صاحبدیوان** (م ۱۲۵٦)، محرر رسایل محرمانه شاه (امین رسایل)، از نویسندگان طراز اول عصر قاجار به شمار است. رضاقلیخان **هدایت**، به گفته ادوارد براون، یکی از بزرگترین نویسندگان ایران در قرن سیزدهم است. میرزا محمدتقی سپهر (م۱۲۹۷)، ملقب به **لسان‌الملک**، صاحب ناسخ‌التواریخ، از نثرنویسان معروف این دوره است. عبداللطیف **طسوجی** (متوفای حدود۱۲۹۷)، مترجم هزارو یک شب از عربی، که در ترجمه به زبان فارسی شأن بالایی دارد، صاحب یکی از استوارترین و زیباترین نثرهای قاجاری است. مجدالملک **سینکی** (م ۱۲۹۸) و پسرش **امین‌الدوله**، صاحب رساله مجدیه، از نثرنویسان چیره‌دست‌اند.

مهمترین نثرنویسان دیگر این دوره عبارتند از: بدایع‌نگار (م۱۲۹۹)؛ فرهادمیرزا معتمدالدوله (۱۲۳۳ـ۱۳۰۵)؛ امیرنظام گروسی (۱۲۳٦ـ۱۳۱۷) از منشیان نامی؛ نادرمیرزا (۱۲٤۲ـ۱۳۰۳)؛ محمدطاهر میرزا (۱۲۵۰ـ ۱۳۱٦)، نمایشنامه نویس و مترجم آثار الکساندر دوما و ترجمه‌های متعدد از زبان فرانسه به فارسی و از پیشگامان نهضت ترجمه در ایران معاصر؛ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹ـ۱۳۱۳) که آثار تاریخی و تحقیقی بسیاری به قلم او یا منسوب به اوست (ترجمه‌هایی نیز از زبان فرانسه به فارسی به وی منسوب است که از لحاظ نثر حائز اهمیت است)؛ محمدحسین فروغی، ملقب به ذکاءالملک (۱۲۵۵ـ۱۳۲۵)، ادیب و شاعر و روزنامه نگار و به اصطلاح امروز «ویراستار» دارالترجمه همایونی که سهم بارزی در اصلاح نثر فارسی دارد.

با کوشش این دسته اخیر و عده دیگری از نویسندگان و مترجمان، که در سنت بازگشت ادبی در نثر گام برمی داشتند، نثر فارسی از بند لفاظیهای منشیانه رست و از تواناییهای بالقوه و بالفعل خود در حدی که مقتضای زمان بود، بهره‌مند گردید و به نثر سالم در خدمت معنی تبدیل شد. تحول نثر، هرچند به طوری که اشاره رفته، به سرعت تحول شعر نبود، تداوم و عمق داشت.

از دوره ناصرالدین شاه که ایرانیان با افکار اروپایی و تحولات مادی و معنوی دنیای غرب آشناتر شدند و ترجمه نوشته‌های فرنگی رواج یافت و انتشار مرتب جراید آغاز شد، تحول نثر فارسی شتاب بیشتری گرفت و نثر وارد مرحله‌ای تازه شد و به خدمت وظایف تازه‌ای درآمد. پس از تأسیس دارالفنون و ترجمه متون به زبان فارسی برای مقاصد آموزشی، نثری که قائم مقام در آن تحول ایجاد کرده بود، در این ترجمه‌ها به کار رفت و در رشته‌های مختلف علمی اثری گذاشت که تا زمان ما محسوس است.

نثر وسیله ارتباطی مؤثری برای بیان تحولات مادی و معنوی و گزارش مسائل اجتماعی و انتقادی و توصیف و تحلیل شناخته شد و از این رو بخش عمده وظایفی که در سنت ادبی ایران معمولاً شعر بر عهده داشت، به نثر واگذار گردید و در عین آنکه دامنه کاربرد نثر روز به روز گسترش یافت، این امکان برای شعر فارسی فراهم آمد که بیشتر در خدمت بیان حالات و عواطف درونی شاعر قرار گیرد و به هدفهای اصلی و اصیل شعر نزدیکتر شود. به این ترتیب، نثر دوره بازگشت که در ابتدا دنباله‌رو تحول شعر بازگشت بود، هم خود بالید و به راههای تازه افتاد و هم به بالیدن شعر و تحول آن کمک کرد.

نکته دیگری که در تحول نثر فارسی درخور ذکر است اینکه نثر دوره بازگشت و تحول پس از آن متأثر از زبانهای فرنگی نیست، چه پیش از آنکه ترجمه از زبانهای فرنگی آغاز شود و ایرانیان با افکار جدید مغرب زمین آشنا شوند بازگشت ادبی و آگاهی به جنبه های قوی و استوار نثر قدیم و امکانات متنوع آن در عرصه های مختلف نثر فارسی را به جانب سلامت و سلاست سوق داده و ظهور کسانی چون قائم مقام این حرکت را، خاصه در نثر، به اعتلا رسانیده بود.

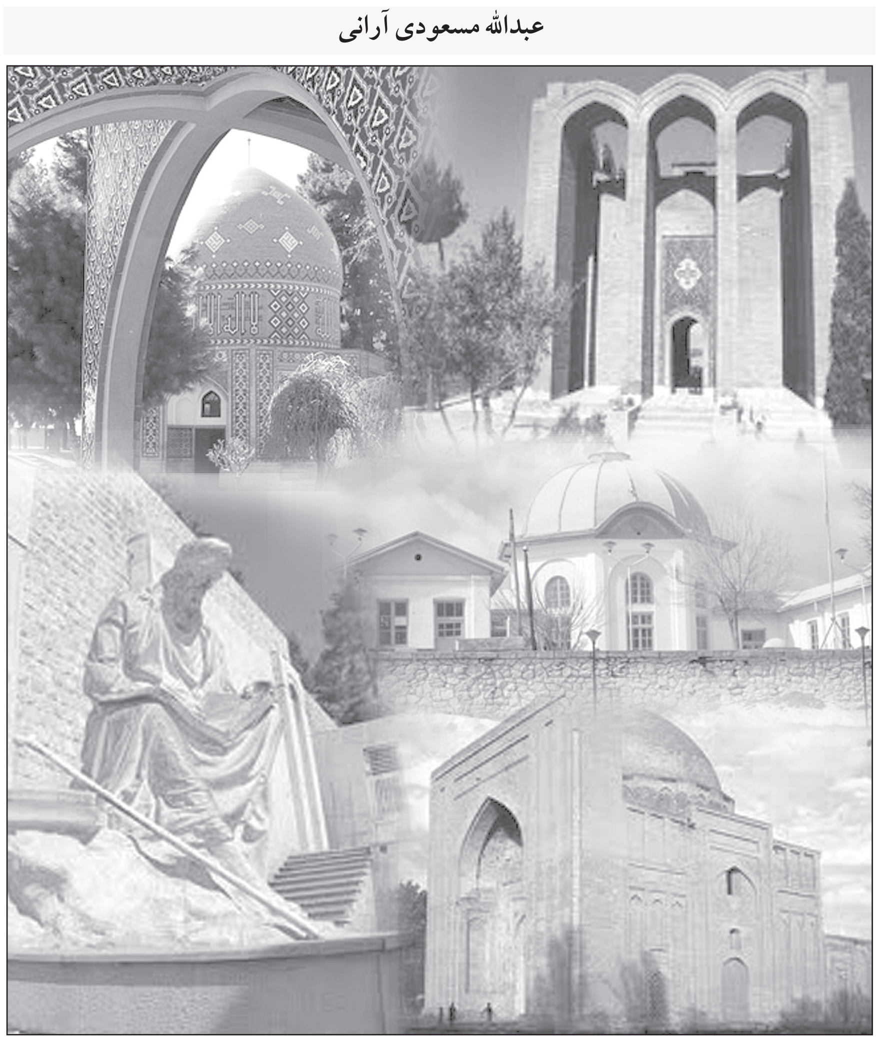
البته بعدها ترجمه از زبانهای خارجی صرف نظر از آسیبهایی که مترجمان مقلد و ناآشنا به زبان ترجمه رساندند در بهبود نثر فارسی بی‌تأثیر نبود، اما انگیزه اصلی این تحول از محیط ایران و از خود نثر و اهتمام نثرنویسان سرچشمه گرفته بود.

پس از انقلاب مشروطیت، نویسندگان، با استفاده از زبانی که خداوندان نثر فارسی در دوره بازگشت احیا و هموار کرده بودند، توانستند مقاصد خود را به بهترین و مؤثرترین وجه بیان کنند و گذشته از رسیدن به هدف تأثیر کلام، نثر فارسی را به سهم خود تقویت کنند و غنا ببخشند.

* **دانشنامه جهان اسلام** (با تلخیص و حذف مآخذ)

امام حسن(ع) در ادبیات فارسی

عبدالله مسعودی آرانی



توصیف شاعرانه و معرفی هنرمندانهٔ امامان معصوم، به ویژه حضرت علی(ع) و سپس امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در ادب فارسی، در شمار توصیفهای درخور توجه است و نویسندگان، خاصه شاعران از جلوه‌ها و جنبه‌های شخصیت این بزرگان مضامینی دلنشین و توصیفاتی دلپذیر به دست داده‌اند؛ از آن جمله است توصیفها و مضمونهایی که با الهام گرفتن از زندگی و شخصیت امام حسین مجتبی(ع) شکل گرفته‌اند.

۱. متون نثر:

در متون مختلف نثر فارسی، اعم از متون تاریخی، تفسیری، عرفانی و ادبی، گزارشهایی ادیبانه از جلوه‌ها و جنبه‌های گوناگون زندگی امام حسن(ع) ثبت است و این از آن روست که متون منثور پدید آمده در پهنهٔ ادب فارسی در هر زمینه و هر موضوع که باشد، حتی متون علمی (مثلاً طبی، نجومی، ریاضی و جز آنها) از لحاظ زبان و بیان، متنی ادبی به شمار می‌آیند و دست کم بیشتر توصیفها و گزارشهای ضبط شده در این متون، توصیفها و گزارشهای ادبی نیز هست. این متون عبارتند از:

الف) متون تاریخی و برخی از متون تفسیری که جلوه‌گاه گزارشهایی است ادیبانه در باب زندگی امام، امامت و صلح با معاویه و سرانجام شهادت آن حضرت. (به عنوان نمونه، بنگرید: تاریخ طبری، ۲۷۱۳/۷ـ۲۷۱٦: ترجمه آن ...، ۱۳۷۵/۵ـ۱۳۷۸؛ دینوری، ۲٦۳ـ۲٦۹؛ قزوینی، ۳۰۷؛ مسعودی، ۱/۲ـ٦؛ تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، ۱۸۵/۱)

ب) متون عرفانی و ادبی، حاوی گزارشهایی که هدف آنها، ضمن برشمردن ادیبانهٔ فضایل امام، نمودن پایگاه والای دنیوی و اخروی آن حضرت است؛ از جملهٔ این فضایل است: به ارث بردن سیرت و سیادت پیامبر(ص)، داشتن قلب رحیم، خلق عظیم و فضیلت حلم و کرامت، فروتنی و تا حد هم‌سفره شدن و هم غذاشدن با فقیران، زهد ورزیدن و پشت کردن به دنیا تا حد واگذاری خلافت به معاویه با هدف «آرامش خلق و آسایش مسلمانان» و اینکه آن حضرت چونان دیگر اهل بیت پیامبر(ص) پیشوای اهل زهد و تصوف بود و به تعبیر هجویری «وی را اندر این طریقت نظری تمام بود و اندر دقایق عبارات، حظی وافر».

سرانجام او نیز چونان برادر بزرگوارش امام حسین(ع) «سید شباب اهل الجنه» یعنی سرور جوانان اهل بهشت است و پایگاه اخروی‌اش چونان مقام دنیوی‌اش، پایگاهی والا و بالاست.

۲. متون نظم:

وقتی از تجلی زندگی و فضایل بزرگان دین و دانش در ادبیات سخن می گوییم، بیشتر مرادمان گزارشهای شاعرانه و مضامین هنرمندانه‌ای است که شاعران با الهام گرفتن از جلوه‌های مختلف زندگی این بزرگان به دست داده‌اند، زیرا گذشته از آنکه در بسیاری از موارد مراد از ادبیات، شعر است، دست کم از دیدگاه بزرگان شعر و ادب ایران، سخن منظوم برتر از سخن منثور است (نظامی، مخزن الاسرار) و شاعران که به مثابهٔ بلبلان عرش‌اند، پایگاهی پیامبرگونه دارند (همو، ٤۱) و پیداست که سخنان آهنگین آنان تأثیری بیش از نثر بر شنوندگان و خوانندگان بر جای می گذارد.

شاعران در طول تاریخ ادب فارسی از عهد سنایی (سدهٔ ٦ق/۱۲م) تا عصر حاضر با الهام گرفتن از نحوهٔ زندگی و سیرت امام حسن(ع)، مضامینی دلنشین پرداخته و گزارشهایی هنرمندانه و دلپذیر به دست داده‌اند. از جمله مضامینی که شاعران پارسی گوی در ارتباط با امام حسن مجتبی(ع) بدانها پرداخته‌اند عبارتند از:

الف) محبوبیت نزد پیامبر(ص)

عطار در مصیبت‌نامه، محبوبیت امام حسن(ع) را نزد

*** توصیف شاعرانه و معرفی هنرمندانهٔ اولیا و امامان معصوم در ادبیات فارسی، در شمار توصیفهای درخور توجه است و نویسندگان، خاصه شاعران از جلوه‌ها و جنبه‌های مختلف شخصیت این بزرگان، مضامینی دلنشین و توصیفاتی دلپذیر به دست داده‌اند**

پیامبر(ص) چنین بیان می کند که پیامبر با حسن بازی می کرد و او را بر پشت خود سوار می کرد و هنگام نماز او را بر کتف خود می نشاند:

جدّ وی کز وی دو عالم بود پر
ساختی خود را برای او شتر
در نمازش بر کتف بنشاندی
قرةالعین نمازش خواندی

ب) توصیف فضایل امام

شاعران در توصیف فضایل امام، به ویژه از نام آن حضرت یعنی از واژهٔ «حسن» (=نیکو، نیک) با به‌کارگیری از پاره‌ای صنایع لفظی و معنوی سود برده‌اند. از آن جمله است:

جمع کرده حسن خلق و حسن ظن
جملهٔ افعال چون نامش حسن
(همانجا)

و یا:

هنوز رایحه عودسوز خلق حسن
به باغ همدم آیندگان باد صباست
(خواجو)

«کمال حسن خلق اندر حسن‌دان»
(علاءالدوله)

«... وارث علم علی، صاحب خلق حسن است»
(سلمان)

«...آن که شمشیر علی دارد و اخلاق حسن»
(نیز بنگرید به: سنایی، ۲٦۲؛ غزنوی، ۱۵۸؛ همام، ۲۳۷)

ج) مظلومیت و شهادت

طرح مسئلهٔ شهادت امام حسن(ع) از طریق مسموم ساختن آن حضرت و نمودن مظلومیت این امام بزرگوار، چه در زندگی در برابر حیله گریهای معاویه و چه در جریان شهادت، مضمونی است که شاعران بیش از هر مضمون دیگر از آن استفاده کرده‌اند و برخی از آنان ضمن بیان هنرمندانهٔ شهادت امام(ع)، از فضایل ایشان نیز سخن گفته‌اند.

اینک برای روشن شدن موضوع به ذکر چند نمونه می‌پردازیم. این نمونه‌ها می تواند گویای عملکردهای شاعرانه در این گونه مضمون‌پردازیها باشد:

۱. حکیم سنایی غزنوی:

سنایی در مثنوی «حدیقه‌الحقیقه»، گزارشی را که مؤلف جواهرالاسرار و زواهرالانوار نیز در باب صبر و سماحت و کرم و گذشت امام حسن(ع) به دست داده است، منظوم می‌سازد. بر طبق این گزارش، وقتی تأثیر زهر در امام ظاهر شد، امام حسین(ع) پرسید: «چه کسی تو را زهر داده است؟ بگو تا او را به کیفر رسانیم» و امام حسن(ع) پاسخ می‌دهد: من نیز چونان پدر و مادر و جدّ و جدّه خود غماز نیستم و «اگر به قیامت خدای تعالی مرا بیامرزد، تا آن کس را که مرا زهر داده است، به من نبخشد به بهشت در نیایم!» (نک: خوارزمی، ٤۲/۱) سنایی سروده است:

گفت با او ستوده میرحسین...
زهرجان مر تو را که داد بگوی
گفت غمز از حسن بود نه نکو

آنگاه از زبان امام می‌سراید: نه جدّ من مصطفی غماز بوده است، نه پدرم مرتضی، نه جده‌ام خدیجه، و نه مادرم فاطمه (همانجا) و من نیز «نکنم غمز و نه بوم غماز». و شاعر نهایت بزرگواری و گذشت امام را این‌سان بیان می‌کند:

ورمرا روز حشر ایزد بار
بدهد در جوار جنت بار
نروم در بهشت جز آنگاه
که نهد در کفم کف بدخواه

عطار نیز همین مضمون را در مصیبت‌نامه، به کوتاهی، در دو بیت بیان کرده است:

نوش کرد آن زهر و غمازی نکرد
جان بداد و ترک جانبازی نکرد
زهر شد زیر و برافکند از زبر
آن جگرگوشه پیمبر را جگر

۲. خواجوی کرمانی

این شاعر ضمن به کارگیری عناصر موسیقایی چنگ، خروش، غلغله، و زهره و زهرا، شهادت امام(ع) را به تصویر کشیده و بر سوگواری حضرت زهرا(ع) و ماتم روزگار تأکید ورزیده تا ژرفای مصیبت را بیان کند:

از آن زمان که چو چنگش رگ روان بگسست
خروش و غلغله در جان زهرهٔ زهراست
سپهر اگر نه به سوگش قبای الماسی
زخون دل جگری می‌کند مگر خاراست

۳. نظیری نیشابوری

این شاعر رنج و بلا و مصیبتی را که از ازل به نام امام مجتبی(ع) ثبت کرده‌اند، در ابیاتی منظوم ساخته:

در عرصهٔ الست که کوس بلا زدند
افلاک قرعه بر حسن مجتبی زدند
دیدند چون وجود حسن مورد بلا
بر جان بوالحسن رقم ابتلا زدند

که بعدها وزن و قافیه و فضای شاعرانهٔ آن مورد استقبال محتشم کاشانی در سرودن دوازده بند قرار گرفته است.

٤. وصال شیرازی

وصال لحظهٔ شهادت امام را به تصویر کشیده است؛ لحظه‌ای که مسمومیت به نهایت می‌رسد و پاره‌های جگر امام ـ به تعبیر شاعر ـ تشت را دشت لاله می‌سازد:

در تاب رفت و تشت طلب کرد و ناله
وان تشت را ز خون جگر دشت لاله کرد
خونی که خورد در همه عمر از گلو بریخت
خود را تهی ز خون دل چند ساله کرد

همین مضمون را ادیب‌الممالک فراهانی نیز پرداخته است:

آهی کشید و تشت طلب کرد و خون دل
در تشت ریخت نزد ستمدیده خواهرش

(نیز بنگرید به : مولوی، ۲۱۲/۵، بیت ۲٦۱۱٦؛ ابن یمین، ۵۹۰، بیت ۱۲۰۰۷، قوامی، ۹۲، بیت ۱۳، لاهیجی، ٤٤ـ٤۸).

***دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**

به دلیل اهمیتی که سروده‌های سنایی و عطار، این دو شاعر بزرگ خراسانی، در ادبیات عرفانی فارسی دارند، متن نسبتاً کامل اشعارشان در مدح امام حسن مجتبی(ع) در ذیل می‌آید. حکیم سنایی غزنوی در مدحت آن امام همام می‌سراید:

کرد خصمان بر او جهان فراخ
تنگ همچون درونگه درواخ
بی‌سبب خصم قصد جانش کرد
او بدانست و زان امانش کرد
بار دیگر به قصد او برخاست
بی‌گناهی ورا بکشتن خواست
پس سیم بار عزم کرد درست
شربت زهر همچو بار نخست
راست کرد و بداد آن ناپاک
که جهان باد از چنان زن پاک
صدوهفتاد و اند پاره جگر
به در انداخت زان لب چو شکر
جان بداد اندر آن غم و حسرت
باد بر جام خصم او لعنت
گفت با او ستوده میر حسین
آن مر اشراف را چو زینت و زین:
زهر جان مر تورا که داد؟ بگوی
گفت: غمز از حسن بوَد نه نکو
جدّ من مصطفی امان زمان
پدرم مرتضی امین جهان
جدّهٔ من خدیجه زین زمان
مادرم فاطمه چراغ جنان
جمله بودند از خیانت و غمز
پاک و پاکیزه‌خاطر و دل و مغز
من هم از بطن و ظهر ایشانم
گرچه جمع از غم پریشانم
نه کنم غمز و نه بوَم غمّاز
خود خدا داند آخر و آغاز
هست دانا به باطن و ظاهر
چون توانا به اول و آخر
آن که فرمود و آن که داد رضا
خود جزا یابد او به روز جزا
ور مرا روز حشر ایزد بار
بدهد در جوار جنت بار،
نروم در بهشت جز آنگاه
که نهد در کفم کف بدخواه!
صدهزار آفرین بارخدا
بر حسن باد تا به روز جزا

فریدالدین عطار نشابوری نیز در منقبت آن بزرگوار در کتاب مصیبت‌نامه می‌سراید:

نور چشم مصطفی و مرتضی
شمع جمع انبیا و اولیا
جمع کرده حُسن خلق و حسن ظن
جملهٔ افعال چون نامش حسن
روی او در گیسوی چون پرّ زاغ
همچوخورشیدی‌همه‌چشم‌وچراغ
در مروت چون جهان پرپیچ دید
خواست تا جمله ببخشد، هیچ دید
جد وی کز وی دو عالم بود پُر
ساختی خود را برای او شتر
در نمازش بر کتف بنشاندی
قرةالعین نمازش خواندی
این چنین عالی اب و جد کان اوست
جملهٔ آفاق ابجدخوان اوست
زهر را با جد خود شد این پسر
قتل را شد آن دگر یک با پدر

*** با توجه به جایگاه والای اهل بیت و دلبستگی مردم و شاعران ایرانی، در طول تاریخ ادب فارسی، از عهد سنایی تا عصر حاضر با الهام گرفتن از نحوهٔ زندگی و سیرت امام حسن(ع)، مضامین دلنشینی پرداخته و گزارشهایی هنرمندانه و دلپذیر به دست داده‌اند**

آن لبی کو شیر زهرا خورد باز
مصطفی دادش بدان لب قُبله باز
چون توان کردن گذر که زهر را
خون توان کردن جگر این قهر را
نام خصمش گرچه پرسیدند باز
تن زد و تن کشته در دل داد راز
نوش کرد آن زهر و غمّازی نکرد
جان بداد و ترک جانبازی نکرد
زهر شد زیر و برافکند از زبر
آن جگرگوشه‌ی پیمبر را جگر
لَخت لختش از جگر خون اوفتاد
تا که در خون، جانْش بیرون اوفتاد
سرخ دید از خون جان صد جای او
هر که شد در خون جانش، وای او!

برگی از متون کهن

علم و حلم حسنی

علی هجویری[1]

جگربند مصطفی و ریحان دل مرتضی، و قرّه عین زهرا، ابومحمد الحسن بن علی، کرّم اللّه وجهه. وی را اندر این طریقت نظری تمام بود و اندر دقایق عبارات حظی وافر؛ تا که گفت اندر حال وصیت: «علیکم بحفْظ السّرائر؛ فانّ الله تعالی مُطّلعٌ علی الضّمائر. بر شما بادا به حفظ اسرار؛ که خداوند تعالی دانندهٔ ضمایر است.»

و حقیقت این آن بود که بنده مخاطب است به حفظ اسرار، همچنان که به حفظ اظهار. پس حفظ اسرار از التفات به اغیار بود و حفظ اظهار از مخالفت جبار.

ومی آید که چون قدریان غلبه گرفتند و مذهب اهل اعتزال اندر جهان پراکنده شد، حسن البصری رضی الله عنه به حسن بن علی رضی الله عنهما نامه‌ای نبشت و گفت:

«سلام خدای بر تو باد، ای پسر پیغمبر خدای و روشنایی چشم او، رحمت خدای بر شما باد و برکات او. شما جملگی بنی هاشم چون کشتی‌های روانید اندر دریاها و ستارگان تابنده‌اید و علامات هدایت و امامان دین. هر که متابع شما بود نجات یابد، چون متابعان کشتی نوح که بدان نجات یافتند مؤمنان.

تو چه می گویی، یا پسر پیغامبر صلی الله علیه اندر تحیر ما اندر قدر و اختلاف ما اندر استطاعت؟ تا ما بدانیم که روش تو چیست اندر آن و شما ذریهٔ پیغامبرید علیه‌السلام و هرگز منقطع نخواهید گشت. علمتان به تعلیم خدای است عزّ و جلّ و او نگاه دارنده و حافظ شماست و شما از آن خلق.»

چون نامه بدو رسید، جواب نبشت: «... آنچه رای ما بدان مستقیم است، آن است که هر که به قدر ـ خیر و شر از خدای ـ ایمان نیارد، کافر است و هر که معاصی بدو حواله کند، فاجر.»

مراد من از این نامه بیش از این کلمه نبود؛ اما جمله بیاوردم که سخت فصیح و نیکو بود و این جمله بدان آوردم که وی رضی الله عنه اندر علم حقایق و اصول به درجتی بوده است که اشارت حسن بصری، با مبالغتش اندر علم، بدو بوده است.

و اندر حکایات یافتم که اعرابیی از بادیه درآمد و او بر در سرای خود نشسته بود اندر کوفه. اعرابی وی را دشنام داد و مادر و پدرش را. وی برخاست و گفت: «یا اعرابی، اگر گرسنه‌ای تا نانت آرند و یا تشنه‌ای تا آبت آرند، یا تو را چه رسیده است؟» و وی می گفت: «تو چنین، و مادر و پدرت چنین و چنین!» حسن رضی الله عنه فرمود غلام را تا یک بدره دینار بیرون آورد و بدو داد و گفت: «یا اعرابی، معذور دار که اندر خانهٔ ما بیش از این نمانده است، و الا از تو دریغ نداریمی.» چون اعرابی این سخن بشنید، گفت: «می گواهی دهم که تو پسر پیغمبری و من اینجا به تجربت حلم تو آمدم.»

و این صفت محققان مشایخ باشد رضوان الله علیهم که مدح و ذمّ خلایق به نزدیک ایشان یکسان شده باشد و به جفا گفتن متغیر نشوند.

***کشف‌المحجوب**

۱ـ علی بن عثمان بن علی جلابی هُجویری غزنوی ملقب به داتا گنج‌بخش از عارفان سدهٔ پنجم هجری قمری است که در سال ٤٦۵ ق در لاهور جهان را بدرود گفته و در همان جا به خاک سپرده شد. آرامگاه او به نام داتا دربار زیارتگاه است.

ایران‌گردی

سنگ‌نگارهٔ شاپور



نقش رستم نام مجموعه‌ای باستانی در شمال شهرستان مرودشت استان فارس است که در فاصله ٦ کیلومتری از تخت جمشید قرار دارد. این محوطه باستانی یادمانهایی از عیلامیان، هخامنشیان و ساسانیان را در خود جای داده است که یکی از آنها سنگ‌نگارهٔ پیروزی شاپور ساسانی بر امپراتوران روم است که در ده متری شرق آرامگاه داریوش بزرگ قرار گرفته و حدود ۱۱ متر طول و ۵ متر عرض دارد.

این سنگ‌نگاره یادگار فتحی است که ایرانیان در شهر رها کردند و سپاه روم را درهم شکستند و صحنه اسارت والرین و فیلیپ عرب را نشان می‌دهد که به دستور شاپور اول در حدود سال ۲٦۲ میلادی تراشیده شده‌است.

این نقش سه برابر اندازه طبیعی است و از حیث دقت در جزئیات و ظریف‌کاری، یکی از بهترین نقشهای دوره ساسانی به شمار می آید و مشخص است که از روی طبیعت ساخته شده؛ زیرا حتی لباس والرین درست مطابق جامه‌های رومی‌های آن زمان است.

شاپور بر اسب بسیار زیبایی سوار است و تاج بزرگ کروی که به صورت بسیار برجسته کنده‌کاری شده‌است، بر سر دارد که در سکه‌های او هم هست و نوارهایی از پشت سرش آویزان است و نیز بالاپوشی در پشت سر او هست و شلوار گشادی به تن دارد. دست چپ او بر شمشیری، تکیه داده شده و با دست راست، مچ در آستین نهفته یک رومی بر پای ایستاده را گرفته است.

اسب شاپور زین و برگ آراسته دارد و دمش گره خورده، نوار بلند و پرچین و شکنی از آن آویخته‌است. اسب اندازه‌ای تقریباً طبیعی دارد و دست راست را خم کرده و حالت درنگ به خود گرفته است.

پیش روی اسب، مردی در جامه رومی زانوی چپ را بر زمین نهاده است و زانوی راست را خم ساخته و دستها را به حالت التماس به جانب شاپور دراز کرده است؛ این شخص میانسال است و ریش کوتاه و مجعدی دارد و جامه‌اش ردای امپراتوری رومی (توگا) می‌باشد و بر سرش تاجی از برگ درخت غار، که امپراتوران بر سر می‌نهادند و به مشابه دیهیم امپراتوری می‌باشد، دیده می‌شود. او شمشیر نیام شده‌ای به کمر آویخته که دسته‌اش حالت صلیب دارد.

کنار این رومی زانو زده، یک نفر دیگر ایستاده که رو به شاپور دارد و بی‌ریش است؛ اما دیهیمی از برگ غار بر سر دارد و نوار کوچکی پشت سرش افشان شده و شمشیری از کمر آویخته است و دستش در آستین سردوخته مخفی گردیده و مچ چپش را شاپور گرفته است.

این دو نفر رومی هستند و از ردای امپراتوری و تاج برگ غار آنها پیداست که امپراتور می‌باشند. ولی در مورد هویتشان بحث بسیار شده‌است. تا سال ۱۹۵٤ همه می گفتند آن که زانو زده، والرین است که از شاه امان می خواهد و آن که ایستاده، کردیاس نامی از اهالی سوریه است که گفته‌اند شاپور او را به امپراتوری برنشانید.

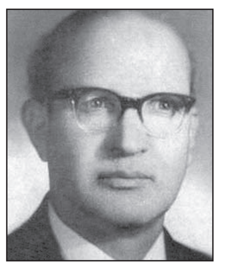
اما در آن سال مک درمونت این فرضیه را رد کرد و گیرشمن و برخی دیگر نیز با وی هماواز شدند. مک درمونت متوجه شد که کردیاس اصلاً در تاریخ جنگهای شاپور که خودش بر کعبه زرتشت نقر کرده است، نیامده و هیچ سکه‌ای از او در دست نیست و چنین شخصی در تاریخ روم به امپراتوری شناخته نمی‌باشد. زمان روی دادن درگیری میان شاپور و والرین محل اختلاف است و تاریخ‌دانان به سال ۲۵۸، ۲۵۹ و حتی ۲٦۰ میلادی اشاره کرده‌اند.

از سوی دیگر، شاپور در شرح جنگهایش از سه امپراتور رومی نام می‌برد: گردیان جوان که کشته شد، فیلیپ عرب که به درخواست صلح آمده و پانصد هزار سکه زرین باج داد و والرین که گرفتار شده و در نقوش شاپور هم سه امپراتور را نموده‌اند. امپراتوری جوان که زیر پای اسب شاپور به خاک افتاده (در دارابگرد و بیشاپور) و بنابراین گردیان است؛ امپراتوری که مچ دستش را شاپور گرفته و بنا بر رسم کهن، گرفتن مچ دست علامت اسیر کردن بوده همان والرین می‌باشد.

چیزی که استدلال مک درمونت را تأیید می کرد، این بود که سکه‌های والرین او را بی ریش نشان می‌دهد و فرد ایستاده که شاپور مچش را گرفته (یعنی اسیرش کرده) نیز بی‌ریش است، در حالی که سکه‌های فیلیپ عرب او را با ریش کوتاه و مجعدی می‌نمایند و آنکه در پیش شاپور زانوزده نیز درست همین نوع‌ریش را دارد. به علاوه گردن والرین روی سکه‌ها بسیار ستبر است و فرد ایستاده از کنار اسب شاه نیز گردن ستبر دارد.

در پشت سر شاپور در حدود سال ۲۸۰ میلادی، سنگ‌نگاره و نبشته کرتیر را به دستور کرتیر موبد موبدان کنده‌اند.

گلستان دین



سید محمد علی ریاضی یزدی

ای علوی ذات و خدائی صفات
صدرنشین همه کائنات
سید سالار شباب بهشت
دست قضا و قلم سرنوشت
زادهٔ طوبی و بهشت برین
نور خدا در ظلمات زمین
نور دل و دیدهٔ ختمی مآب
سایه‌ای از پرتو تو، آفتاب
علت غائی همهٔ ممکنات
عمر ابد داد به آب حیات
پاکترین گوهر نسل بشر
از همه خوبان جهان، خوبتر
جد تو پیغمبر نوع بشر
جن و ملک بر قدمش سوده سر
صاحب عنوان «بشیر» و «نذیر»
بر فلک وحی، «سراج منیر»
آینهٔ پاک که نور خدا
تابد از این آینه بر ماسوا
باب تو سرسلسله اولیاست
چشم پر از نور خدا، مرتضاست
مادر تو دخت پیمبر بود
آیه‌ای از سوره کوثر بود
پرده‌نشین حرم کبریا
فاطمه آن زهرهٔ زهرای ما
عاشق کل، حضرت سلطان عشق
خون خدا، شاه شهیدان عشق
با تو ز یک گوهر و یک مادر است
ظل خدائی تواش بر سر است
آینهٔ ذات محمد نما
حُسن خدائی، حسن مجتبی
نام حسن، روی حسن، خوحسن
نور خدا، چارمی پنج تن
آیهٔ تطهیر به شأن شماست
حکم شما امراولوالامر ماست
سینه سینای شما طور وحی
نور شما شاخه‌ای از نور وحی
در رمضان، ماه نشاط و سرور
ماه دعا، ماه خدا، ماه نور
نورفشان شد ز دو سو آسمان
در دو افق تافت دو خورشید جان:
وحی خدا از افق ایزدی
نور حسن از افق احمدی
مشک و گلابی به هم آمیختند
در قدح اهل ولا ریختند
ای رمضان از تو شرف یافته
نور تو بر جبهه او تافته
نیمهٔ ماه رمضان عزیز
گیسوی مشکین تو شد مشک‌بیز
نورخدا تافت در آن روی ماه
خاصه از آن چشم درشت سیاه
سرخی گل، عکس گل روی توست
ظلمت شب، سایه گیسوی توست
روز که خورشید درخشان صبح
سر زند از چاک گریبان صبح
سرخی آن نور و پگاه سپید
روی افق نقش تو آید پدید
ای رخ تو در رمضان بدر ما
هر سر موی تو شب قدر ما
دیده که بی نور تو شد، کور بهْ
سر که به پای تو نه، در گور بهْ
بعد علی، شاخص عترت توئی
وارث میراث نبوت توئی
مصلحت ملت اسلام و دین
کرد تو را گوشهٔ عزلت‌نشین
هیچ گذشتی چو گذشت تو نیست
آن که ز شاهی بکشد دست، کیست؟
صبر هم از صبر تو بی تاب شد
کوزه شد و زهر شد و آب شد
بعد شهادت نکشید از تو دست
تیر شد و بر تن پاکت نشست
سبزه برآمد ز گلستان دین
تا رخ تو سبز شد از زهر کین
ریشهٔ دین گشت همایون درخت
تا ز تو خورد آن جگر لخت‌لخت
ملت اسلام که پاینده باد
مشعل توحید که تابنده باد،
هر دو رهین خدمات تواند
شکر گزارندهٔ ذات تواند
تا ابد ای خسرو والامقام
بر تو و بر دین محمد سلام
کلک «ریاضی» که گهرریز شد
زان نظر مرحمت‌آمیز شد

زاده زهرای اطهر مجتبی فخر زمن

شد بهار و خرم از الطاف ایزد شد چمن
در گلستان بلبلان از عشق گل فریاد زن
هاتفی گفتا مبارک باد این خرم بهار
برعموم مسلمین مصطفی از مرد و زن
چونکه دراین فصل روح‌افزای آمد در جهان
زاده زهرای اطهر مجتبی فخر زمن
نیمه‌ی ماه صیام و سوم ازهجر رسول
گشت ظاهر نور پاک اطهرش از صلب تن
خودحسن جدش حسن بابش حسن مامش حسن
ز اتحاد این اسامی شد حسن اندر حسن
شام غم بارید بر اهل حریمش کان زمان
زهرکین ریخت زوجه‌ی آلوده‌اش اندر دهن
آه از آن ساعت که اسمای پلید نابکار
آتش اندر کلبه‌ی زهرا زد آن پست لجن
گرچه بر دل دارم از میلادش امشب شورشی
لیک شور غربتش افکنده ما را از سخن
چونکه امشب شام بزم است و سرور مسلمین
خوشتر آن باشد که از این غم فرو بندم دهن
ای امام مجتبی ای افتخار مرتضی
پیشوای مؤمنان ای مقتدا و مؤتمن
امشب از یمن قدومت اجتماع مرد و زن
کرده بر پا جشن میلاد تو در این انجمن
دارد امید(ناصر مردوخ) یک عمر از خدا
هر خیانت پیشه را اندر گلوبند رسن

ناصر یمین مردوخی کردستانی روزنامه‌نگار

اقتصاد در یک درس



■ نویسنده: هنری هزلیت ■ مترجم: محمد حسین وقار ۲۳

تکرار می‌کنم: کاری که ماشین می‌کند، افزایش جمعیت و ارتقای سطح زندگی است. و این کار را به یکی از این دو راه می‌تواند بکند: ماشین این کار را با ارزان‌تر ساختن کالاها برای مصرف‌کننده (مانند مثال پالتو) انجام می‌دهد، یا با افزایش دستمزدها؛ زیرا بهره‌وری کارگران را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، ماشین یا دستمزدپولی را افزایش می‌دهد، یا با کاهش قیمت تمام‌شده، کالا و خدماتی را که با همان پول خریده خواهد شد افزایش می‌دهد. گاهی هر دو کار را می‌کند. چیزی که در واقع اتفاق می‌افتد، تا حدود زیادی به سیاست پولی مورد عمل در کشور بستگی دارد؛ اما در هر مورد، ماشینها، اختراعات و اکتشافات دستمزدهای واقعی را افزایش می‌دهند.

قبل از آنکه به این موضوع خاتمه دهیم، هشداری لازم است. این دقیقاً شایستگی والای اقتصاددانان کلاسیک بود که به جستجوی پیامدهای ثانویه پرداختند و نگران تأثیرات یک تحول یا سیاست اقتصادی در درازمدت و بر کل جامعه بودند. اما نقص‌شان هم این بود که در نگاه به آینده و در نگاه به عام، گاهی از نگاه به حال و از نگاه به خاص غافل شدند. آنها اغلب تمایل دارند تأثیرات فوری توسعه را بر گروههای خاص دست کم گرفته یا تماماً به فراموشی بسپرند؛ مثلاً شاهد آن بوده‌ایم که جوراب‌بافان انگلیس در نتیجه به‌کارگیری کارگاههای جوراب بافی جدید که یکی از اولین اختراعات انقلاب صنعتی بود، گرفتار مصائب واقعی شدند.اما این گونه حقایق و نمونه‌های امروزین آنها برخی نویسندگان را از افراط به تفریط رانده، به طوری که تنها تأثیرات فوری بر برخی گروهها را مد نظر قرار می‌دهد. جو اسمیت در نتیجه به‌کارگیری ماشین جدید از کار اخراج شد. این نویسندگان اصرار دارند که «نگاهتان را بر جو اسمیت ثابت نگه دارید، و هرگز رد جو اسمیت را گم نکنید.» اما کاری که آنگاه در ادامه می‌کنند، این است نگاهشان را تنها بر جو اسمیت ثابت نگه می‌دارند و تام جونز را فراموش می‌کنند که درست همین حالا شغل جدیدی برای تولید ماشین یافته و تد براون را که همین حالا شغل کار با ماشین را به دست آورده و دیزی میلر را که حالا می‌تواند کتی را به نصف بهایی بخرد که قبلاً بابت کت می‌پرداخت. و بدان علت که تنها به جو اسمیت فکر می‌کنند، در نهایت کارشان به دفاع از سیاستهای ارتجاعی و غیرمعقول می‌کشد.آری، با این همه باید حداقل نیم‌نگاهی به جو اسمیت داشته باشیم که به دلیل به‌کارگیری ماشین جدید از کار اخراج شده است. شاید بتواند به‌زودی شغل دیگری یا حتی شغل بهتری بیابد. شاید هم سالهای بسیاری از عمرش را صرف کسب و ارتقای مهارت خاصی کرده که بازار دیگر برای آن کاربردی ندارد. او سرمایه‌گذاری در وجود خود، در مهارت سابق خود و شاید درست همانند کارفرمای سابق خود، سرمایه‌گذاری خود را در ماشینهای قدیمی یا فرایندهایی که ناگهان مطرود شده، از دست داده است. او کارگر ماهری بود و دستمزد کارگر ماهر را می‌گرفت. حالا بار دیگر، یک‌شبه کارگری فاقد مهارت شده و در حال حاضر تنها می‌تواند امیدوار به کسب دستمزد یک کارگر فاقد مهارت باشد؛ زیرا مهارتی که داشت، دیگر مورد نیاز نیست. ما نمی‌توانیم و نباید جو اسمیت را فراموش کنیم. مورد او یکی از مصائب شخصی است و همان طور که خواهیم دید، لازمه تقریباً همه پیشرفتهای صنعتی و اقتصادی است. این سؤال که در رابطه با جو اسمیت دقیقاً چه مسیری را باید در پیش گیریم، آیا باید بگذاریم تا خود را با شرایط جدید وفق دهد، به او دستمزد بیکاری موقت یا خسارت بیکاری بدهیم، به او اعانه بدهیم یا او را به خرج دولت برای شغل جدید تربیت کنیم، ما را به ورای نکته‌ای می‌برد که در اینجا می‌کوشیم نشان دهیم. درس اصلی این است که باید بکوشیم و همه پیامدهای اصلی هر سیاست یا تحول اقتصادی، تأثیرات فوری آن بر گروههای خاص و تأثیرات دراز مدت آن را بر همه گروهها مشاهده کنیم.

ادامه دارد

واکاوی علل شکست سیستم های اطلاعات مدیریت

آنچه در پی آمده است ،نگاهی دارد به علل شکست سیستم های اطلاعاتی که شناسایی آنها می تواند سبب هوشیاری و مراقبت مدیریت سازمان ها و در نهایت موفقیت آنها شود. بخش اول این گزارش را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی آن را می‌خوانید.

***

* راهبرد:همسویی اهداف سیستم اطلاعاتی با اهداف سازمان، یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در موفقیت سیستم اطلاعاتی است. اهمیت این عامل به اندازه‌ای است که نبود همسویی اهداف سیستم اطلاعات با اهداف سازمان می‌توانند ناکامی‌های دیگری همچون فقدان حمایت و تعهد مدیریت را که پیش‌تر ذکر شد، رقم بزند. تحلیل راهبردی عوامل حیاتی برای رسیدن به موفقیت یک سیستم اطلاعاتی توسط تحلیل‌گران سازمان، نیازمند اجرای یک پروژه راهبردی است که مقدمه طراحی هر سیستم اطلاعاتی است (لاودن، ۲۰۰۷).

در ابتدا باید اهداف و استراتژی‌ها، تعیین، مکتوب، تصویب و ابلاغ شده باشد و سپس سیستم اطلاعات با توجه به آنها طراحی شود. چنانچه سازمان هزینه‌های تغییر مربوط به یک سیستم جدید را در نظر نگیرد، منافع حاصل از سرمایه‌گذاری‌های فناوری اطلاعات کاهش پیدا خواهند کرد. معرفی یا تغییر یک استراتژی، تاثیر سازمانی و رفتاری شدیدی را در بر دارد و مشخص می‌کند که چگونه افراد و گروه‌های مختلف انجام وظیفه کنند یا تعامل داشته باشند. تغییرات در نحوه تعریف و تفسیر فناوری، ارزیابی و کاربرد آن در مدیریت منابع سازمانی اغلب منجر به توزیع جدید قدرت و اختیار می‌شود (law & Perez,۲۰۰۵).

۲- عامل تکنولوژی

* پیچیدگی – مخاطره:تعریف پیچیدگی در متون مختلف متفاوت است. براساس تعریف بارکارینی، پیچیدگی را می‌توان برهم کنش بخش‌های گوناگونی دانست که می‌تواند از کارکردهای مختلف و از راه‌های به هم وابسته ایجاد شود (Baccarini,۱۹۹۶). بدین گونه که شما سیستمی دارید که خود از اجزای مختلفی تشکیل شده است. هر کدام از این اجزا وابستگی‌های درون بخشی دارند و هر کدام از بخش‌ها می‌تواند مستقل بوده و بر کل سیستم اثر به خصوصی داشته باشد. هر کدام از اجزا نه فقط دارای وابستگی‌های درونی است، بلکه همچنین از اجزای دیگر سیستم هم تاثیر می‌پذیرد. هر کدام از این اجزا علیرغم اینکه مستقل بوده و دارای وابستگی‌های درونی خاص خود هستند، اما یک تغییر کوچک در هرکدام از اجزای درونی‌شان می‌تواند اثر متفاوتی را بر کل سیستم بگذارد و گاه پروژه را تا حد شکست به جلو ببرد.

وجود پیچیدگی به عنوان یکی از عوامل پرخطر بر شکست سیستم‌های اطلاعات بیان شده است (Barki, Rivard, & Talbot,۱۹۹۳) و یک راه برای موفقیت پروژه، کاهش پیچیدگی ذاتی این پروژه‌ها بوده است. (British Computer Society,۲۰۰۳).

اساسا سیستم‌ها از نظر اندازه، حوزه، سطح پیچیدگی و اجزای فنی و سازمانی با یکدیگر متفاوتند. بعضی از سیستم‌های دارای سطح بالایی از ریسک هستند و احتمال شکست آنها بسیار زیاد است. سطح ریسک پروژه متاثر از عواملی چون اندازه و ساختار پروژه و سطح مهارت‌های فنی کارکنان سیستم‌های اطلاعات و تیم پروژه است (لاودن، ۲۰۰۷).هرچه اندازه یک پروژه بزرگتر، تعداد نیروی انسانی اجرایی بیشتر ، زمان اختصاص یافته برای پیاده‌سازی زیاد و تعداد واحدهای سازمانی مربوط به آن بیشتر باشد، ریسک پروژه بالاتر خواهد بود. میزان شکست پروژه‌های خیلی بزرگ حدود ۵۰ تا ۷۵ درصد از سایر پروژه‌ها بیشتر است. چرا که چنین پروژه‌هایی پیچیده هستند و کنترل آنها مشکل است. همچنین برای حل یک مشکل بزرگتر، نیاز به تجزیه شدن بیشتر پروژه به اجزای کوچکتر است که این خود باعث افزایش پیچیدگی برهم کنش‌ها میان اجزا می‌شود. (Schmidt,et;۲۰۰۴,AlSharif,Walter,&Turky,۲۰۰۱.al).

*تاثیر سیستم:سیستم‌های اطلاعات با پردازش اطلاعاتی که غالبا محدود به انتقال، بازیافت، ذخیره، نمایش و انتقال می‌شود، به فرآیندهای کاری و تجاری کمک می‌کنند. سیستم‌های اطلاعات تلاش می‌کنند با تغییر فرآیندهای کاری و تجاری موجود بتوانند آنها را بهبود بخشند و به صورت خودکار در بیاورند (Nauman et al.۲۰۰۹).

سیستم‌های اطلاعات در واقع ابزاری برای افزایش کارایی و اثربخشی فرآیندهای سازمانی در حال انجام هستند. سیستم اطلاعات باید به گونه‌ای طراحی شود که به همراه افزایش سرعت، کیفیت تصمیم‌گیری را هم بهبود بخشد. در طراحی و پیاده‌سازی سیستم همواره باید این پرسش‌ها را از نظر گذراند که آیا سیستم، کار عملیاتی ما را با سرعت و دقت بالا پاسخ می‌دهد؟ آیا اثربخشی و کارایی ما را افزایش می‌دهد؟ آیا در بازار رقابتی برای ما برتری و وجه تمایزی ایجاد کرده است؟ آیا قدرت ما را در تصمیم‌گیری افزایش داده است؟



* شمای سیستم:مدیران اغلب نمی‌توانند نیازهای اطلاعاتی خود را تعریف کنند. گاهی تحلیل‌گر و طراح هم توانایی تعریف نیازهای اطلاعات مصرف‌کنندگان نهایی سیستم را ندارند. علاوه بر آن کاربران سیستم اطلاعاتی که دارای بضاعت دانشی ضعیف هستند، قادر به بیان نیازهای خود نیستند. ناتوانی طراح در امر مصاحبه هم بر این موضوع دامن خواهد زد. به این دلیل برای انجام این کار به افراد متخصصی نیاز است که علاوه بر دانش لازم از تجربه کافی هم برخوردار باشند. اکثر سیستم‌ها به دلایل مذکور در تعریف صحیح نیازهای اطلاعاتی خود دچار نقصان هستند. (IT Cortex,۲۰۰۵).

داده‌های موجود در سیستم ممکن است دارای سطح بالایی از بی‌دقتی و ناسازگاری باشند. همچنین، گاهی داده‌ها خوب تعریف نشده‌اند. این موضوع باید روشن شود که داده‌ها از کدام واحد سازمانی، وارد سیستم شده‌اند.

در ضمن اطلاعات در فیلدهای مشخص ممکن است پرخطا یا مبهم باشند، یا نتوان آنها را به‌طور مناسب برای اهداف سازمان تفکیک کرد. ممکن است اطلاعات مورد نیاز یک وظیفه مشخص کاری به دلیل ناقص بودن داده‌ها، قابل دسترسی نباشند (لاودن، ۲۰۰۷).

برای اینکه سیستم نیاز ما را برطرف سازد، باید از الگو و مدلی درخور پیروی کنیم. به این منظور تحلیل‌گران و طراحان باید به حرفه پژوهش عملیاتی در امر مدل‌سازی، تسلط کافی داشته باشند. در واقع مفهوم اصلی تکنولوژی، چیزی جز طراحی مدل نیست. مدلی که داده‌ها را اخذ کند و آنها را به خروجی مورد انتظار ما بدل سازد (Braa & Hedberg, ۲۰۰۰).

*زیر ساخت:یکی از اصلی‌ترین دلایل شکست اطلاعات، ضعف در زیرساخت‌های سیستم است. به ویژه در ایران شبکه‌ها و خطوط مخابراتی دارای مسائل و مشکلات خاص خود بوده و سازمان ها از زیرساخت‌های لازم برای به کارگیری موفق سیستم‌های اطلاعات برخوردار نیستند.

کافی نبودن تعداد مراکز ارائه دهنده خدمات اینترنتی، فقدان امکانات گسترده و قوی نرم‌افزاری، وجود مشکلات شبکه‌ای در بستر مخابراتی سیستم‌های اطلاعات، فقدان کفایت شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای و پایین‌بودن پهنای باند خطوط اینترنت از جمله مشکلاتی هستند که در شکست پروژه‌های فناوری اطلاعات تاثیر به‌سزایی دارند (اخوان، محمدلو و حبیبی، ۱۳۸۳: ۵۵).

۳- عامل سازمان

*تضاد دیدگاه‌ها:تضاد و اختلاف دیدگاه‌ها می‌تواند ناشی از فقدان زبان یکپارچه بین تحلیل‌گر، طراح و برنامه‌نویس و تعامل ضعیف بین کارفرما و مجری و تعهد نداشتن هر یک از طرفین درگیر در پروژه‌ی سیستم اطلاعات باشد.

منشا ایجاد تضاد به تعریف نشدن نقش هر یک از طرف‌های درگیر در طراحی و اجرای سیستم، باز می‌گردد. برای جلوگیری از تعارض و تضاد ایجاد شده، بهترین راه‌کار این است که تحلیل‌گر و طراح از وظایف و نقش‌های یکدیگر آگاه باشند. به عبارت دیگر تحلیل‌گر و طراح باید تا اندازه‌ای با فعالیت‌های یکدیگر آشنا باشند. تضاد عمدتا به علت نشناختن یکدیگر به وجود می‌آید (DeLone & McLean,۲۰۰۳).

تضاد کارفرما و مجری می‌تواند به این دلیل باشد که مفاد قرارداد به خوبی تعریف نشده و میزان هزینه‌ها، مراحل پرداخت و زمان تحویل به صورت دقیق و شفاف در قرارداد درج نشده است.در واقع یکی از وظایف اصلی مدیر این است که اعضای تیم را به درستی انتخاب کند.

*آمادگی:سازمان باید آمادگی لازم را برای پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعات در خود ایجاد کند و سپس به اجرای سیستم مبادرت ورزد. به این علت مشاغل باید باز تعریف شوند. باید دپارتمانی برای حفظ و نگهداری سیستم‌های اطلاعات ایجاد شود که مسئولیت رسیدگی به امور مربوطه را بر عهده بگیرد. سازمان باید توجه کند که با وارد شدن سیستم‌های اطلاعات به سازمان، ساختار سازمانی هم دستخوش تغییر می‌شود (لاودن، ۲۰۰۷).

یکی دیگر از دلایل شکست سیستم‌های اطلاعات نبود دپارتمان سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان است. وجود یک تشکل قوی که به امر سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای سیستم‌های اطلاعاتی می‌پردازد از اصول ماشینی کردن سازمان‌های بزرگ است (Montealegre & Keil,۲۰۰۰). همچنین هنگام طراحی سیستم اطلاعاتی باید زمانی راهم به آموزش کارکنان و کاربران اختصاص دهیم.

*رفتار:ناکامی تعامل: این عامل نماینده نوعی ارزیابی غیرمستقیم ناکامی سیستم‌های اطلاعاتی است که در ساده‌ترین شکل خود فرض می‌شود که اگر سیستم در معرض میزان زیادی از تعامل کاربر قرار گیرد، موفق است و اگر کاربر از آن استفاده نکند یا درست استفاده نکند، ناکام و ناموفق است. این دیدگاه مشکلاتی را از قبیل دشواری ارزیابی کیفیت تعامل در حال انجام در پس دارد که معمولا تحت عنوان رضایت کاربر بررسی می‌شود. به عنوان مثال این سوال مطرح است که آیا برای ارزیابی رضایت کاربر باید زمانی را که وی از سیستم استفاده کرده است، لحاظ کرد یا مقدار داده و اطلاعات منتقل شده را اندازه گرفت؟

فقدان هماهنگی و همکاری بین مدیران، طراحان و برنامه‌نویسان موجب ایجاد نگرش خودمان – خودشان می‌شود. در پاره‌ای از موارد مشخص نیست انجام یک وظیفه بر عهده کیست. به همین دلیل هر یک از گروه‌ها از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. معمولا هر گروه، موفقیت‌ها را ناشی از عملکرد خود و ناکامی‌ها را به خاطر عملکرد ضعیف دیگر گروه‌ها می‌داند.

یک سازمان چه از نظر عملیاتی و چه از نظر راهبردی، نیازمند تشویق به مشارکت همه اعضای خود و افراد ذی‌نفع است تا احتمال خطر ناکامی سیستم‌ها کاهش یابد. همواره این باور قوی وجود داشته است که مشارکت ذی‌نفعان برای موفقیت سیستم‌ها ضروری است.

*انتظارات:ناکامی سیستم‌ها در وهله اول ناشی از کمبودهای فنی نیست، بلکه از توجه نکردن به آن کسانی است که در سیستم مورد نظر درگیر هستند یا تحت تاثیر آن قرار خواهند گرفت. افراد درگیر و متاثر از هر سیستمی، انتظاراتی از آن سیستم دارند که باید به آنها توجه شود.

می‌توان از ناکامی انتظار به عنوان ابزاری کامل برای ارزیابی سیستم‌های اطلاعات استفاده کرد. مشکلی که وجود دارد این است که در یک زمان خاص، تمامی مشارکت کنندگان، همه انتظاراتشان را بیان کرده‌اند. به دلیل اینکه هنوز به انتظارات خود فکر نکرده‌اند یا شاید هنوز انتظارات خود را نشناخته‌اند (Lyytinen and Hirschheim, ۱۹۸۷).

در ضمن هیچ مشخصه‌ای نمی‌تواند تمام الزامات را دربر گیرد. آنچه واقعا مورد نیاز است این است که طراحی سیستم می‌باید انتظارات کامل نشده و بالقوه کاربران را تامین کند. مشکل دیگری که بر این ناکامی دامن می‌زند، این است که در هزاره جدید همین که سیستمی طراحی می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد، انتظارات مشارکت‌کنندگان افزایش یافته و پالایش می‌شود.

پیشنهادات:

براساس نتایج به دست آمده در این خصوص پیشنهاد می‌شود که:

۱- مدیران و تحلیل‌گران سیستم های اطلاعاتی نسبت به تاثیر موارد یاد شده در شکست سیستم‌های اطلاعاتی خود آگاه باشند و بیشترین سرمایه‌گذاری را از بین عوامل سه‌گانه بر روی عامل مدیریت و در بین مولفه‌های ۱۲ گانه بر روی مولفه‌های راهبرد، انتظارات و پیچیدگی – مخاطره کنند.

۲- یکی از مهمترین شاخصه‌هایی که در شکست یک سیستم اطلاعات نقش دارد، بی ثباتی مدیریت است. بسیاری از پروژه‌های سیستم اطلاعات هنگامی که دچار تغییرات پی در پی در مدیریت اجرایی ارشد یا مدیریت سیستم اطلاعات می‌شوند، متزلزل نشان داده می‌شوند. تغییر در مدیریت ارشد و جایگزینی چندباره آنان، تمرکز و حمایت مدیر را که یک سیستم اطلاعات برای موفقیت به شدت به آن نیازمند است، از بین می‌برد. لذا بسیار حیاتی است که مدیران از چنین اقدامی پرهیز کنند. در پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی، با تعریف پروژه‌های کوتاه‌مدت، نسبت به تعیین مدیریت واحد پروژه‌ها در مدت زمان مشخص اقدام کنند.

۳- اعتقاد و باور مدیر پروژه به سیستم طراحی شده قطعا بر حمایت‌های مدیریتی و سازمانی، از پروژه سیستم اطلاعات خواهد افزود. هنگامی که این باور و اعتقاد و در حقیقت تعهد کافی در میان مدیران ارشد به پیاده‌سازی و موفقیت سیستم‌های اطلاعات وجود نداشته باشد، جز شکست عایدی نخواهد داشت.

۴-برای درک کامل سیستم‌های اطلاعات، مدیران باید ابعاد گسترده‌تر مدیریتی، سازمانی و فناوری اطلاعات را بشناسند و از ظرفیت آنها در ارایه راه‌حل‌هایی برای چالش‌های محیط کسب و کار با بهره‌گیری از یک سیستم اطلاعاتی مناسب اقدام کنند.

۵-مدیران با تقویت عوامل پیش برنده یعنی عواملی مانند ایجاد انگیزه در نیروی انسانی، اعطای پاداش‌های نقدی و غیر نقدی و ... می‌توانند امور مربوط به پیاده‌سازی سیستم را تسهیل سازند. از سوی دیگر مدیر باید به شناسایی موانع مبادرت ورزد و با حذف عوامل بازدارنده گامی دیگر در پیاده‌سازی سیستم اطلاعات به جلو بردارد.در ضمن مدیر باید با پشتیبانی مالی و تدارکاتی راه‌های پیاده‌سازی سیستم اطلاعات را هموار سازد.برای جلوگیری از شکست سیستم‌های اطلاعات، تمامی امکانات سازمان اعم از نیروی انسانی، مالی، اطلاعاتی و ... باید بسیج شود.

۶-با توجه به اینکه یکی از اشتباهات در پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعات، فقدان تحلیل مناسب هزینه – فایده است. در نظر گرفتن مدت زمان اجرای پروژه ،تغییرات محیطی و ذائقه کاربران و مشتریان باید مدنظر قرار گیرد.

۷-اغلب، طراحی سیستم اطلاعاتی صورت می‌گیرد، ولی اقدامی برای شروع پیاده‌سازی انجام نمی‌شود. در زمان طراحی باید زیرساخت‌های پیاده‌سازی هم به موازات آن مشخص و اجرا شوند. زیرا برای پیاده‌سازی سیستم به مکان مناسب، نمودار سازمانی جدید، مشاغل جدید و ... نیاز است. باید به گونه‌ای زمان‌بندی صورت گیرد که به محض اتمام طراحی، گام پیاده‌سازی آغاز شود.

۸-با توجه به اینکه همسویی اهداف سیستم اطلاعاتی با اهداف سازمان، یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در موفقیت سیستم اطلاعاتی است، در ابتدا باید اهداف و استراتژی‌ها، تعیین، مکتوب، تصویب و ابلاغ شده باشد و سپس سیستم اطلاعات با توجه به آنها طراحی شود.

۹-قبل از پیاده‌سازی یک سیستم اطلاعاتی، مدیران باید نسبت به تعریف نیازهای اطلاعاتی خود از سیستم اقدام کنند. تعریف داده‌ها، رفع ابهام‌ها و بی‌دقتی‌ها ازعواملی است که مدیران باید مدنظر قرار دهند.

۱۰-اعتبارات مالی کافی در اختیار سازمان‌ها قرار گیرد تا بتوانند نسبت به رفع کمبود تعداد مراکز ارایه دهنده خدمات اینترنتی، فقدان امکانات گسترده و قوی نرم‌افزاری، وجود مشکلات شبکه‌ای در بستر مخابراتی سیستم‌های اطلاعات ،کفایت نکردن شبکه‌های ماهواره‌ای، رایانه‌ای و پایین بودن پهنای باند خطوط اینترنت، اقدام کنند.

۱۱-تضاد و اختلاف دیدگاه می‌تواند ناشی از فقدان زبان یکپارچه بین تحلیل‌گر، طراح و برنامه‌نویس و تعامل ضعیف بین کارفرما و مجری و عدم تعهد هر یک از طرفین درگیر در پروژه سیستم اطلاعات باشد. لذا لازم است هماهنگی لازم بین تصمیم‌گیران در این خصوص به عمل آید و از تشتت آرا مدیران پرهیز شود. همچنین اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی مناسب در خصوص پیاده‌سازی سیستم اطلاعاتی، انجام شود.

۱۲-از آنجا که یکی از دلایل شکست سیستم های اطلاعات نبود بخشی بنام سیستم های اطلاعاتی در سازمان است، وجود یک تشکل قوی که به امر سیاست گذاری و نظارت بر اجرای سیستم های اطلاعاتی می‌پردازد، از اصول اولیه و اولویت دار است .

احسان جلالی حیدر-دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی

علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به بورس تهران

در حال حاضر منعی برای ورود سرمایه‌گذار خارجی به بورس تهران وجود نداشته و سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بورس تهران هستند اما قطعا تحریم های بین‌المللی محدودیت‌هایی را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور ایجاد می‌کند.

سید علی حسین معاون نظارت بر بورس‌ها و بازارهای سازمان بورس در گفتگو با ایسنا درباره ورود سرمایه‌گذاری خارجی به بورس تهران گفت:در حال حاضر منعی برای ورود سرمایه گذار خارجی به بورس تهران وجود نداشته و سرمایه‌گذاران خارجی همانند گذشته در بورس تهران فعال هستند.وی افزود: مانعی از طرف بورس برای ورود سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد ولی قطعا تحریم‌های بین‌المللی محدودیت‌هایی را برای ورود این سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند.

عضو هیات مدیره سازمان بورس در مورد میزان سرمایه‌گذاران خارجی در بورس تهران توضیح داد:سرمایه‌گذاران خارجی در حدی که در گذشته در بورس تهران فعال بودند همچنان فعال هستند ولی نمی توان گفت که موج جدیدی از سرمایه‌گذاران خارجی وارد بورس تهران شده است و ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بورس افزایش یا کاهش چشمگیری نداشته است.

حسینی خاطرنشان کرد: این در حالی است که بازار سرمایه ایران یک بازار سرمایه خوب است و همواره در کشور فضا و خلاء برای سرمایه‌گذاری وجود دارد بر این اساس سرمایه‌گذاری خارجی باید هدایت شده باشد و در جایی سرمایه‌گذاری کند که سرمایه گذار داخلی علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در آن را ندارد.

وی ادامه داد: به این ترتیب می توان گفت که در حال حاضر بازار سرمایه با استقبالی که سرمایه‌گذاران داخلی انجام می دهند روی پای خود ایستاده و مشکلی ندارد.

وی در باره برنامه سازمان بورس برای جذب سرمایه گذار خارجی در شرایط فعلی گفت:برای جذب سرمایه گذاران خارجی به بورس تهران مقررات سرمایه گذار خارجی اصلاح شده و فرآیند اداری داخلی کوتاه تر شده است و بازار هم از جذابیت لازم برخوردار است اما ۵۰ درصد مابقی به اراده سرمایه‌گذاران خارجی برای فعالیت در بازار سرمایه ایران بستگی دارد.

حسینی اجرای برنامه های معرفی بازار سرمایه از طریق شبکه‌های جهانی صدا و سیما، انعقاد تفاهمنامه و بازدید سرمایه‌گذاران خارجی و سفرای کشورها و یا نمایندگان اتاق بازرگانی از بورس تهران و اطلاع رسانی مناسب در این خصوص را از جمله اقدامات انجام شده برای جذب سرمایه گذار خارجی در بورس دانست.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۵۵۹۴۲/۴	۵۵۹۴۲/۴	۵۵۵۶۴/۱	۶۱۳/۱	۱/۱۱
شاخص۳۰شرکت بزرگ	۲۷۵۶/۸	۲۷۵۶/۸	۲۷۲۲/۲	۴۳/۷	۱/۶۱
شاخص آزادشناور	۶۵۵۲۵/۱	۶۵۵۲۵/۱	۶۴۸۵۷/۷	۸۵۱/۷	۱/۳۲
شاخص بازاراول	۴۳۷۲۸	۴۳۷۲۸	۴۳۳۵۵/۲	۶۲۲/۳	۱/۴۴
شاخص بازاردوم	۹۶۶۷۳/۵	۹۶۶۸۰/۴	۹۶۴۵۲/۲	۲۲۱/۵	۰/۲۳
شاخص صنعت	۴۷۴۶۱	۴۷۴۶۱	۴۷۱۸۶/۱	۴۶۳/۶	۰/۹۹

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه۹۲/۵/۱)

مجموع حجم معاملات	۸۱۶/۲۸۰/۳۴۷ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۰۹۰/۴۶۳ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۶۴۶۷۴ معامله
ارزش بازار	۲/۶۸۱/۸۱۱ میلیارد ریال

ایران خودرو سود نقدی تقسیم نمی کند

طبق تصمیم مجمع عمومی عادی سالانه ایران خودرو به دلیل زیان‌ده بودن شرکت، سودی بین سهامداران تقسیم نخواهد کرد.

به گزارش فارس، مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام ایران خودرو (سهامی عام) برگزار شد.در این جلسه صورت‌های مالی سالانه منتهی به ۳۰ اسفند سال ۹۱ مورد تصویب قرار گرفت و روزنامه‌های اطلاعات و دنیای اقتصاد به عنوان روزنامه‌های کثیرالانتشار شرکت و سازمان حسابرسی به عنوان بازرس قانونی و حسابرس اصلی و علی‌البدل شرکت برای سال مالی ۹۲ انتخاب شدند.

همچنین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره مبلغ یک میلیون تومان به صورت ناخالص تعیین شد.پیش از این اعلام شده بود که این شرکت به دلیل زیان‌ده بودن سود نقدی تقسیم نخواهد کرد.برای هیأت مدیره هم پاداشی در نظر گرفته نشده است.

توسعه بورس‌های جهان بر مبنای معاملات کشاورزی

مدیر عامل بورس کالای ایران نقش بورس کالا در شفافیت مالیاتی شرکت‌ها، توسعه بورس‌های دنیا بر مبنای معاملات بخش کشاورزی و دلایل نبود موفقیت کامل آن در ایران، راهکارهای حذف اقتصاد زیرزمینی، رهگیری محصولات تا آخرین ذره و تعلیق ۵۸۰ مشتری در سال ۹۱ را تشریح کرد.



حسین پناهیان در گفتگو با فارس با اشاره به اینکه بورس کالای ایران در بخش‌های اصلی از جمله گروه‌های فلزی، معدنی، پتروشیمی و کشاورزی فعالیت می‌کنند، گفت: در بخش توسعه ابزارهای مالی اقدامات زیادی کرده‌ایم به عبارتی دیگر افزایش دانش برای توسعه ابزارهای مالی به دلیل پیچیدگی این ابزارها امکان دارد مشکل‌تر باشد که نیاز به صبر و تأمل و آگاهی‌بخشی دارد که خوشبختانه در این مسیر موفقیت‌های بسیاری داشته‌ایم.

پناهیان در باره اینکه در زمینه احیای معاملات محصولات کشاورزی و جذابیت آن چه اقداماتی در بورس کالا انجام پذیرفته است، گفت: هنوز بورس کالا جایگاه خود را در بخش معاملات کشاورزی پیدا نکرده در حالی که وسعت بخش کشاورزی و حجم تولیدات کشور در این بخش بسیار قابل توجه است.

مدیرعامل بورس کالای ایران با اشاره به اینکه حجم تولیدات بخش کشاورزی قابل مقایسه با دیگر بخش‌ها نیست، گفت: توجه به بخش کشاورزی از جمله اهداف اصلی بورس کالا بوده و در این میان به دنبال توسعه معاملات در این بخش هستیم. پناهیان با بیان اینکه عمده بورس‌های کالایی دنیا بر محور کشاورزی توسعه پیدا کرده است، گفت: ۷۰ تا ۸۰ درصد بورس‌های دنیا بر مبنای محصولات کشاورزی توسعه یافته و سپس در بخش فلزات و پتروشیمی گسترده شده‌اند.وی با اشاره به ماده ۳۳ قانون بهره‌وری کشاورزی، تأکید کرد: زیرساخت‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری لازم در رابطه با معاملات کشاورزی انجام شده و باید وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی این امر گام‌های جدی بردارد.وی با اشاره به مکانیزم پذیرش مشتریان اعم از حقیقی و حقوقی گفت: تمام مشتریان بورس کالا پیش از انجام معاملات احراز هویت می‌شوند و مشتریان عمومی ملزم هستند تا تغییرات در صورت‌های مالی، اساسنامه، تغییرات هیئت مدیره، تغییرات سهامداری را اطلاع دهند.مدیرعامل بورس کالای ایران افزود: تمام اطلاعات معامله‌گران برای اینکه احراز شود که شرکت‌ها چه مقدار برای آن دست کالاهایی که کمبود داریم احتیاج دارند تا برای مصارف دیگر از بورس کالا خریداری نشوند.مدیرعامل بورس کالای ایران با بیان اینکه شرکت‌هایی که صورت‌های مالی ارائه می‌دهند، طبیعتاً شفافیت مالیاتی دارند، گفت: در این میان شرکت‌های که از بورس کالا خرید می‌کنند ضمن ارائه صورت‌های مالی باید اظهارنامه مالیاتی خود را در اختیار بورس کالا قرار دهند تا در صورت مشاهده مغایرت به سازمان امور مالیاتی اطلاع داده شود تا حقوق بیت‌المال حفظ شود.

پرداخت سود سهامداران پالایش نفت تبریز

طبق تصمیم مجمع عمومی عادی سالانه شرکت پالایش نفت تبریز سود سهامداران حقیقی خرد از زمان اعلام شده و حداکثر دو هفته بعد از برگزاری مجمع پرداخت می‌شود.

به گزارش فارس به نقل از کدال طبق تصمیم مجمع عمومی عادی سالانه شرکت پالایش نفت تبریز (سهامی عام) که ۱۷ تیر برگزار شد، مقرر شده تا سود سهامداران حقیقی خرد زودتر از زمان اعلام شده و حداکثر دو هفته بعد از تاریخ مجمع پرداخت شود.

بر اساس این گزارش، سهامداران حقیقی باید با داشتن اصل کارت ملی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری با ارائه مدارک قانونی از تاریخ پنجم مرداد جاری با مراجعه به شعب بانک تجارت در کشور نسبت به دریافت سود سال ۹۱ و همچنین مطالبات سود سالهای گذشته اقدام کنند.سهامداران حقوقی کمتر از یک میلیون سهم از یکم تا ۳۰ دی و سهامداران حقوقی دارای یک میلیون و یک سهم تا ۱۰ میلیون سهم از یکم تا ۲۰ بهمن سود سهام سال ۹۱ را دریافت خواهند کرد.همچنین سهامداران حقوقی دارای بیش از ۱۰ میلیون سهم از ۲۱ بهمن تا ۲۸ اسفند سال ۹۲ سود عملکرد سال ۹۱ این شرکت را دریافت می‌کنند.در این میان نماد معاملاتی شرکت گروه صنعتی قطعات اتومبیل ایران پس از برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه مبنی بر تقسیم سود نقدی و تعدیل پیش بینی درآمد هر سهم سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۹۲(بدون محدودیت نوسان قیمت) با استفاده از مکانیزم حراج تک قیمتی آماده انجام معامله شد.

پیش‌بینی سود پتروشیمی خراسان

پتروشیمی خراسان با ارسال نامه‌ای به سازمان بورس از افزایش پیش‌بینی سود هر سهم این شرکت بعد از قطعی شدن قیمت فروش کود اوره خبر داد.

به گزارش فارس، مدیرعامل شرکت پتروشیمی خراسان با ارسال نامه‌ای به رئیس اداره نظارت بر ناشران بورس درباره تأثیر افزایش نرخ کود اوره بر سود شرکت شفاف‌سازی کرد.محسن حبیب در این نامه آورده است: بر اساس نامه دریافتی نمایندگان ویژه رییس جمهوری؛ قیمت فروش کود اوره تحویلی به شرکت خدمات حمایتی کشاورزی افزایش یافته است.

شرکت پتروشیمی خراسان در آخرین پیش بینی سود هر سهم سال مالی ۹۲ را مبلغ یک هزار و ۶۱۰ ریال اعلام کرده است .

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
مخابرات ایران	۲,۶۲۲	۱۰۰
بیمه البرز	۵,۹۰۴	(۶۳)
کابل البرز	۳,۰۸۸	۱۰۵
پارس‌سویچ	۴,۱۴۹	۱۵۹
لامپ پارس شهاب	۸,۶۰۴	۳۳۰
نیروترانس	۶,۷۶۸	۲۶۰
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۴,۳۷۰	(۴۳)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۳,۲۹۶	(۱۳۷)
بیمه پارسیان	۲,۱۴۵	۵۱
ایران تایر	۵,۶۸۷	(۲۳۶)
درخشان تهران	۴,۹۵۴	۱۹۰
سرمایه گذاری پردیس	۱,۶۱۱	(۱۰)
صنایع لاستیکی سهند	۹,۱۰۰	(۲۴۸)
پلاسکوکار	۱,۵۴۴	۵۹
گروه صنعتی بارز	۷,۴۵۳	۲۸۶
ح . گروه صنعتی بارز	۶,۱۸۰	۴۵۳
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۳,۷۷۵	۴۲
تراکتورسازی‌ایران	۳,۸۳۰	(۹۳)
پمپ سازی ایران	۳,۱۵۴	۱۱۹
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۴۰۰	۴
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۴,۳۸۴	۴۸
تکنوتار	۲,۴۱۲	۹۲
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۷۲۳	۶۵
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۰۶۹	۴۰
سخت آژند	۱,۵۸۰	۱۰
سامان گستراصفهان	۱,۵۵۰	۱۵
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۵۰	(۱۰)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۳۸۹	۳۲
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۵,۱۸۸	۱۹۹
افست	۵,۵۴۴	۲۱۳
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۳۰۲	۱۶۵
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۳۵۸	۵۲
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۳۲۹	۵۱
سایپاآذین	۱,۰۱۷	۳۹
آهنگری تراکتورسازی ایران	۱,۴۶۷	۵۶
ایران خودرودیزل	۱,۰۲۰	۳۹
گروه‌بهمن	۱,۷۹۶	۱۸
سازه پویش	۱۳,۹۲۲	۵۳۵
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۴۴۲	۵۵
رادیاتور ایران	۱,۱۰۹	۴۲
قطعات اتومبیل ایران	۱,۴۴۵	(۶۰)
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۲۱۰	۴۶
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۳۲۴	۵۰
زامیاد	۱,۰۶۷	۴۱
فنرسازی‌زر	۹۰۳	۳۴
سایپا	۱,۳۴۰	۳۴
الکتریک خودرو شرق	۸۹۳	۳۴
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۴۳۰	۳۱
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۲۹۷	۸۸
ح . لنت ترمزایران	۲,۰۰۹	۱۴۸
نیرو محرکه	۱,۲۱۰	۰
تولیدمحورخودرو	۱,۵۰۱	۵۷
مهرکام‌پارس	۱,۰۵۳	۴۰
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۳۶۸	(۵۷)
مهندسی‌نصیرماشین	۱,۵۱۳	۵۸
ایران خودرو	۱,۶۸۰	۱۶۸
سایپا دیزل	۱,۰۰۱	۳۸
کمک‌فنرایندامین	۱,۲۱۸	۴۶
کارخانجات‌داروپخش	۱۴,۶۷۸	۵۶۴
داروسازی اسوه	۱۸,۹۱۶	۷۲۷
البرزدارو	۱۱,۹۰۰	(۳۶۹)
بیمه دانا	۱,۲۸۶	۴۹
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۸,۰۳۴	(۷۵۱)
داروسازی جابرابن‌حیان	۵,۶۹۷	۲۱۹
داملران	۱۷,۲۰۰	(۶۰۸)
گروه دارویی سبحان	۶,۶۸۰	(۶۷)
داروسازی سینا	۱۲,۷۲۰	(۵۲۹)
ح . داروسازی سینا	۸,۹۵۱	(۷۷۸)
داروسازی اکسیر	۱۲,۹۰۷	(۵۱)
ایران‌دارو	۷,۶۵۳	(۳۱۸)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کیمیدارو	۴,۳۹۵	(۱۸۳)
خدمات‌انفورماتیک	۱۵,۴۶۵	۵۹۴
تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۷۷۰	(۱۹۱)
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۹۷۰	۱۵۱
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۴,۸۰۱	۱۸۴
کارت اعتباری ایران کیش	۹,۸۱۰	۲۰
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۴,۷۷۹	(۱,۰۳۲)
سیمان داراب	۵,۹۹۵	۲۳۰
سیمان آرتا اردبیل	۲۰,۳۲۳	(۸۴۶)
سیمان‌ارومیه	۸,۸۳۴	۳۳۹
سیمان بجنورد	۵,۲۹۵	۲۰۳
سیمان‌سپاهان	۲,۳۶۶	۹۱
سیمان تهران	۵,۲۸۱	۲۰۳
سیمان‌خاش	۷,۶۹۸	۲۹۶
سیمان خزر	۵,۶۷۴	۱۶۲
سیمان دورود	۱۲,۸۷۸	۴۹۵
سیمان‌شاهرود	۶,۳۹۴	۲۴۵
سیمان شرق	۲,۶۶۶	۱۰۲
سیمان‌اصفهان	۲۶,۹۲۲	۱,۰۳۵
سیمان صوفیان	۵,۲۴۶	۲۰۱
سیمان‌غرب	۸,۵۸۲	۳۳۰
سیمان‌فارس	۳,۷۰۶	۱۴۲
سیمان فارس و خوزستان	۳,۴۳۸	۱۳۲
سیمان فارس نو	۵,۷۸۸	۵۹
سیمان سفیدنی‌ریز	۱۷,۰۰۰	(۴۸۰)
سیمان‌هرمزگان	۱۶,۳۷۹	۴۱۶
سیمان‌هگمتان	۶,۲۷۴	۲۴۱
سیمان ایلام	۵,۹۵۸	۲۲۹
سیمان کردستان	۱۵,۴۱۸	۵۹۳
معدنی املاح ایران	۱۹,۱۰۸	۷۳۴
بین المللی محصولات پارس	۷,۵۱۴	۲۸۹
پتروشیمی آبادان	۱۳,۵۵۱	(۵۲۹)
پتروشیمی پردیس	۱۷,۹۹۵	۶۹۲
پلی‌اکریل	۱,۲۱۸	(۳۲)
تهران شیمی	۶,۹۹۵	۲۶۹
دوده صنعتی پارس	۱۱,۲۹۹	(۳۷۲)
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۵,۲۶۸	۲۰۲
صنایع شیمیایی فارس	۷,۱۸۰	۹۸
گلتاش	۱۹,۹۹۶	(۴۳۲)
لعابیران	۷,۴۹۳	۲۸۸
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۱۲۵	(۱۳۰)
پتروشیمی‌شیراز	۷,۸۷۹	۳۰۳
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۴,۲۰۰	(۱,۲۲۰)
کربن ایران	۵,۰۵۰	(۱۹۴)
نیروکلر	۹,۶۶۴	۳۷۱
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۷۸۴	(۱۹۹)
صنعتی بهشهر	۴۳,۹۷۸	(۱,۸۳۲)
پارس مینو	۶,۳۸۲	(۲۶۵)
کشت و صنعت چین چین	۱۲,۸۵۰	(۵۳۵)
دشت مرغاب	۲,۷۱۴	۱۰۴
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۷,۳۲۷	(۳۰۵)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۸,۹۲۵	(۳۷۱)
شهد ایران	۴,۲۲۳	(۱۷۵)
مارگارین	۱۱,۷۱۳	(۴۸۸)
نوش‌مازندران	۴,۶۵۰	(۱۹۳)
صنایع آذرآب	۵,۷۴۶	۲۲۱
کالسیمین	۶,۱۴۰	۲۳۶
مس شهیدباهنر	۳,۲۱۵	۱۲۳
جام‌دارو	۴,۴۳۴	۱۷۰
فولاد امیرکبیرکاشان	۵,۴۶۰	(۱۵۸)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۰۷۰	۸۵
فروسیلیس ایران	۷,۴۵۳	۲۸۶
ملی سرب‌وروی ایران	۳,۲۸۱	۱۲۶
لامیران	۳,۸۶۱	۰
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۷۷۰	(۵۸)
آلومراد	۳,۱۴۰	۱۲۰
ملی صنایع مس ایران	۳,۰۲۷	۲۳
نورد آلومینیوم	۷,۲۵۲	۲۷۸
نوردوقطعات فولادی	۳,۰۳۶	۶۹
فولاد آلیاژی ایران	۴,۷۶۰	(۱۱۶)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۶,۰۷۰	۸۷
قند ثابت خراسان	۵,۲۳۰	(۱۹۰)
کارخانجات قند قزوین	۴,۸۱۸	۱۸۵
قند شیرین خراسان	۶,۷۵۰	۱
شهد	۱۹,۲۸۰	(۲۵۵)
شکرشاهرود	۸,۸۷۰	(۱۰۵)
قند لرستان	۴۲,۵۰۰	۸۵۳
قند مرودشت	۲۴,۴۵۲	۹۴۰
قند نیشابور	۶,۱۷۹	(۱۷۵)
ح . قند نیشابور	۵,۲۱۶	(۶۴)
قندهکمتان	۳۱,۰۰۰	(۶۲۴)
پارس خزر	۵,۹۷۰	۲۲۹
داده‌پردازی‌ایران	۵,۰۱۱	۱۹۲
ایران‌ارقام	۳,۶۸۰	۸۴
بیمه ملت	۱,۴۵۲	۵۵
ایران مرینوس	۷,۵۹۲	(۲۹۱)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۳۶۶	۵۲
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۸,۰۴۳	۳۰۹
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۶۳۰	(۱۱۰)
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۶,۴۸۰	(۱۰۵)
بانک انصار	۲,۷۸۴	۱۰۷
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳,۶۵۲	(۱۵۲)
بانک صادرات ایران	۱,۵۷۰	۶۰
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۴۹۴	۵۷
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۴۴۰	۵۵
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۳۱۱	(۲۸)
بانک‌پارسیان	۲,۷۰۰	۱۰۳
بانک پاسارگاد	۱,۸۹۱	۷۲
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۲۸۰	(۹۲)
داروپخش (هلدینگ	۱۳,۶۰۵	۱,۱۳۸
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۴۲۷	۱۳۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۹۳۹	۲۰
سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۰۰۰	۸
توسعه‌صنعتی‌ایران	۲,۰۸۷	۸۰
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۹۰۸	(۱۲۱)
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۲۶۸	۴۸
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۲۸۰	۳۰
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۵۵۴	۱۳۶
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۰۲۶	۷۷
ح . سرمایه‌گذاری سپه	۹۰۰	۵۵
بانک سینا	۲,۰۱۱	۷۷
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۶۲۷	(۱۰۹)
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۶۸۶	۱۰۳
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۶۱۲	۱۷۷
لیزینگ رایان سایپا	۱,۲۸۰	۱۲
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۵۷۸	۹۹
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۰۵۰	۴۰
لیزینگ‌ایران	۲,۴۳۸	۵۸
توسعه‌معادن‌وفلزات	۶,۱۲۰	۲۷۴
سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۴۴	(۳۵)
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۳,۰۲۰	(۶۱)
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۳,۱۰۰	(۱)
بانک کارآفرین	۲,۴۰۳	۹۲
باما	۱۰,۹۴۰	۴۲۰
معادن بافق	۲۲,۲۶۴	۸۵۶
کاشی پارس	۳,۹۲۶	۱۵۱
پشم‌شیشه‌ایران	۵,۸۶۷	۲۲۵
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۹۷۰	۱۱۴
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۴۶۹	۳۲۵
توسعه معادن روی ایران	۲,۷۲۴	۱۰۴
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۸,۵۰۳	۳۲۷
پارس سرام	۳,۳۱۵	۱۲۷
ذغال‌سنگ نگین طبس	۵,۰۴۰	۱۹۳
فراورده های نسوزایران	۲۱,۳۵۸	۸۲۱
معدنی و صنعتی گل گهر	۹,۹۶۰	۱۳۵
کاشی الوند	۲,۲۲۷	۸۵
معادن‌منگنزایران	۸,۵۰۰	(۲۷۹)
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۱۵۸	۶۲۰
شیشه همدان	۵,۲۵۰	(۸۰)

کوتاه از چهار گوشه کشور

تکمیل آزاد راه قزوین ـ رشت با مشارکت وزارت راه و شهرسازی

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت بخش باقی‌مانده آزاد راه قزوین ـ رشت به طول ۱۱ کیلومتر با مشارکت وزارت راه و شهرسازی و شرکت احداث، نگهداری و بهره‌برداری آزاد راه قزوین ـ رشت انجام می‌شود.
به گزارش روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت راه و شهرسازی این وزارتخانه ۷۵ درصد منابع مالی لازم برای ساخت آزاد راه و تاسیسات جانبی ویژه آن و تملک اراضی را در مدت اجرا متناسب به حساب مشترک طرح واریز می‌کند و شرکت احداث، نگهداری و بهره‌برداری آزاد راه قزوین ـ رشت نیز تامین ۲۵درصد بقیه منابع مالی را تامین و به حساب مشترک طرح واریز خواهد کرد.

کشف ۱۰۴ قطعه شئی باستانی در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات ۱۰۴ قطعه شئی تاریخی از ابتدای امسال تاکنون در استان کرمان کشف شده است.
مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان گفت: بسیاری از این اشیای تاریخی در شهرستان‌های جنوبی استان از جمله کهنوج کشف شده است.
به گفته حسین شمس‌الدینی این اشیا که از نوع سفالی، مفرغی و سنگی است در پی سرکشی‌های مداوم نیروهای یگان حفاظت اداره کل میراث فرهنگی از محوطه‌های باستانی و مناطق گردشگری و شناسایی متعرضان کشف شد.

مرگ عابرپیاده در حادثه رانندگی محور باغ بهادران زرین‌شهر

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: بی‌احتیاطی راننده در محور باغ بهادران ـ زرین شهر جان عابرپیاده را گرفت.
فرمانده انتظامی شهرستان لنجان گفت: این حادثه بر اثر برخورد خودرو سواری زانتیا با عابرپیاده رخ داد و قربانی یک جوان بیست و هفت ساله بود.
سرهنگ فروغ‌نیا علت این حادثه را بی‌احتیاطی و توجه نکردن راننده به جلو اعلام کرد.

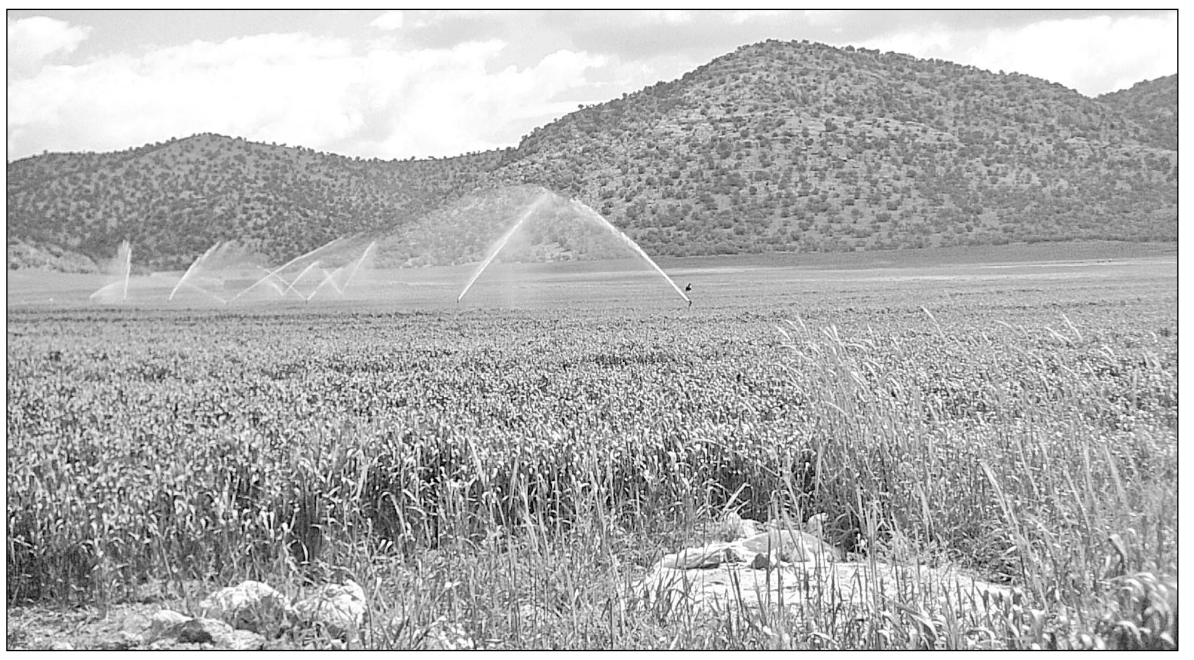
کشف ۲۱۰ کیلوگرم تریاک و حشیش در قم

قم ـ خبرنگار اطلاعات: حدود ۲۱۰ کیلوگرم مواد مخدر هنگام کنترل خودروهای عبوری در عوارضی قم ـ تهران و قم ـ کاشان کشف شد.
سرهنگ پاک بین، فرمانده انتظامی شهرستان قم گفت: با تلاش مأموران یگان امداد این فرماندهی در بازرسی از یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ در حدود ۱۸۰ کیلوگرم مواد مخدر از نوع حشیش کشف شد:
وی در تشریح جزئیات خبر افزود: مأموران یگان امداد با اشراف کامل بر محورهای فرعی و اصلی استان در مبارزه با قاچاقچیان و سوداگران مرگ هنگام کنترل خودروهای عبوری در عوارضی قم ـ تهران به یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ مشکوک شدند.
وی ادامه داد: در این میان راننده پژو نیز که با دستور ایست مأموران مواجه شد از صحنه متواری شد و در نهایت در ۳۵ کیلومتری آزادراه، خودرو وی متوقف و متهم دستگیر شد.
سرهنگ پاک‌بین اضافه کرد: در بازرسی از خودرو مورد نظر حدود ۱۸۰ کیلوگرم حشیش کشف و متهم به همراه مواد مکشوفه برای بررسی و تحقیقات تکمیلی مبارزه با مواد مخدر استان قم تحویل داده شد.
فرمانده انتظامی شهرستان قم همچنین گفت: با تلاش مأموران یگان امداد این فرماندهی در بازرسی از یک دستگاه خودرو لوگان نیز حدود ۳۰ کیلوگرم تریاک کشف شد. وی در تشریح جزئیات خبر افزود: مأموران یگان امداد هنگام کنترل خودروهای عبوری در عوارضی قم ـ کاشان به یک دستگاه خودرو لوگان مشکوک شدند، راننده خودرو نیز که با دستور ایست مأموران مواجه شد از صحنه متواری و پس از دقائقی خودرو وی متوقف و او دستگیر شد. فرمانده انتظامی شهرستان قم افزود: در بازرسی از خودرو مذکور حدود ۳۰ کیلوگرم تریاک که در یک کوله پشتی جاسازی شده بود کشف و متهم به همراه مواد مکشوفه برای بررسی و تحقیقات تکمیلی به پلیس مبارزه با مواد مخدر استان تحویل داده شد.

محموله بزرگ قاچاق در بانه کشف شد

سنندج ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی بانه از کشف یک محموله بزرگ قاچاق مشتمل بر ۱۷۷۴ تخته پتوی خارجی در این شهرستان خبر داد.
به گفته سرهنگ اکبری محموله یاد شده پس از انتقال از یکی از شهرستان‌های همجوار در یک ساختمان نیمه کاره جاسازی شده بود که با تیزهوشی و کار اطلاعاتی مأموران مبارزه با قاچاق کالا و ارز پلیس آگاهی مرزی بانه کشف و ضبط شد.
وی یادآور شد ارزش پتوهای کشف شده یک میلیارد و ۷۷۴ میلیون ریال برآورد شده است.

آبیاری ۳۴ هزار هکتار از اراضی کشاورزی اردبیل به شیوه نوین



اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: ۳۴ هزار هکتار از اراضی به روش مدرن با هدف افزایش راندمان آبیاری در استان اردبیل آبیاری می‌شود.
عادل عبدایمانی رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان اردبیل با بیان مطلب بالا در جلسه بررسی مشکلات طرح‌ها و پروژه‌های آبیاری مدرن در اردبیل، افزود: براساس سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی برای افزایش راندمان آبیاری در این بخش سیاست‌های حمایتی اعمال می‌شود تا با گرایش زارعان و کشاورزان به این نوع آبیاری مشکلات و کمبودهای آب به سرعت برطرف شود.
وی اضافه کرد: این سازمان در بخش مدیریت آب و خاک تاکنون ۳۴ هزار و ۱۹۳ هکتار از اراضی استان را با اعتبار ۱۶۶۰ میلیارد ریال به روش تحت فشار آبیاری می‌کند.
او افزود: شهرستان‌های اردبیل، بیله‌سوار و نمین در سطح کلان و در مساحت ۱۹ هزار هکتار زیر پوشش این نوع آبیاری قرار می گیرند.
وی اضافه کرد: در شهرستان‌های مشکین‌شهر، خلخال، کوثر، نمین، نیر و گرمی نیز آبیاری تحت فشار در مساحت ۱۵ هزار و ۱۹۳ هکتار انجام می‌شود.
عبدایمانی با اشاره به مدیریت بهره‌وری به‌ویژه دربخش کشاورزی، افزود: بهره‌وری در بخش کشاورزی از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که ما با توانمند کردن کشاورزان به شیوه‌ها و روش‌های مختلف تولیدی می‌توانیم زمینه تحولی خوبی را فراهم کنیم.
او ادامه داد: با صرفه‌جویی در مصرف آب و با بهینه‌سازی مصرف تمام تلاش این سازمان بر این است تا راندمان آبیاری تا سطح ۷۵ درصد ارتقا یافته و افزایش پیدا کند.

مازندران در پاک‌شدن از نقاط آلوده به مواد مخدر باید الگو شود

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مازندران باید همانند مشارکت بالای مردم آن در انتخابات ریاست‌جمهوری، در پاک‌شدن از نقاط آلوده به مواد مخدر هم الگویی در کشور شود.
وزیر کشور با اعلام این مطلب در جلسه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر مازندران در ساری افزود: استاندار، فرمانداران، فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی، اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر و مدیران دستگاه‌های اجرایی باید در مبارزه با مواد مخدر همکاری جدی داشته باشند.مصطفی محمد نجار گفت: اداره کل اطلاعات و نیروی انتظامی باید با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر، فعالیت‌های نرم علیه تولید و توزیع کنندگان مواد مخدر در برخی ویلاها را آغاز کنند.وی به قانون جدید مبارزه با ماده مخدر «شیشه» اشاره کرد و افزود: این قانون با جدیت و با همکاری قوه قضائیه در کشور اجرایی شده است و مبارزه با مواد مخدر شیشه با قدرت انجام می‌شود.
وزیر کشور به تدوین نقشه جامع مبارزه با مواد مخدر در ستاد کشور اشاره کرد و افزود: تصویب قانون مبارزه با «شیشه» و مواد صنعتی، ایجاد مراکز ماده ۱۵ و ۱۶ در بخش درمان، بسیج ظرفیت‌های درمانی کشور،فعال‌کردن حوزه‌های روان‌درمانی و مباحث فرهنگی، بهره گیری از ظرفیت رسانه، نخبگان و رسانه ملی از جمله این اقدامات مهم است.
او اضافه کرد: بیش از ۴۶ درصد جرایم در کشور به صورت مستقیم و ۲۵ درصد نیز به صورت غیرمستقیم با مواد مخدر در ارتباط هستند.محمد نجار گفت: در دولت‌های نهم و دهم ۱۸ اردوگاه ویژه معتادان ساخته شده است و ۵ درصد از سهمیه اشتغال و بخشی از سهمیه مسکن و بیمه به معتادان بهبودیافته اختصاص داشته و اتاق فکر عالمانه با حضور نخبگان و متخصصان امر برگزار شده است.
وی افزود: باید آگاه‌سازی لازم از طریق کار فرهنگی به ویژه تبلیغ از طریق وعظ، تریبون‌های جمعه، رسانه‌ها و رسانه ملی در راستای مبارزه با عرضه و تقاضای مواد مخدر صورت بگیرد.
مدیرکل اطلاعات مازندران نیز در این جلسه از انهدام شبکه توزیع مواد مخدر صنعتی در چالوس خبر داد و گفت: این شبکه که مدت یک سال زیرنظر نیروهای اطلاعاتی بود با انجام عملیاتی منهدم شد.حق‌پرست افزود: این شبکه، کار توزیع انواع مواد مخدر صنعتی به ویژه شیشه را به کشورهای اطراف انجام می‌داد.
وی به کشف ۴۶۵۹ کیلوگرم انواع مواد مخدر در پنج سال گذشته در مازندران اشاره کرد و در این مدت ۴۰۰ قبضه سلاح شکاری نیز کشف و ضبط شد.وی مشکلات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر در مازندران را دغدغه جدی دانست و افزود: بسیاری از جرایم و ناامنی های استان از جمله شرارت، قتل و سرقت با مقوله مواد مخدر ارتباط دارد. فرمانده انتظامی مازندران نیز وجود کمپ‌های ترک اعتیاد غیرمجاز را از مشکلات جدی استان دانست و گفت: جمع‌آوری این کمپ‌ها برای نیروی انتظامی یکروزه مقدور است، اما باید با هماهنگی باشد.
علیرضا مسکنی به شناسایی نقاط آلوده به مواد مخدر در شهرهای مازندران اشاره کرد و افزود: ایست و بازرسی مستقل برای کنترل دقیق و گلوگاهی مواد مخدر در استان نیاز است که با حمایت شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر این نیاز برطرف خواهد شد.
سیدعلی‌اکبر طاهایی استاندار مازندران نیز با قدردانی از همه دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی برای مقابله با مواد مخدر و کاهش آسیب‌های اجتماعی، گفت:مازندران مأمنی برای مواد مخدر نیست.

برگزاری جشنواره خیرین مدرسه‌ساز پرند

رباط‌کریم ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره آموزش و پرورش رباط کریم از برگزاری جشنواره خیرین مدرسه‌ساز پرند خبر داد.
عبدالرضا عسکری بااشاره به نیاز مبرم شهر پرند به مدرسه و محیط‌ها و فضاهای آموزشی و رشد روزافزون جمعیت اظهار داشت: جشنواره خیرین مدرسه‌ساز با حضور ۳۰ خیر مدرسه‌ساز و جمعی از مسئولان و مردم برگزار می‌شود.
وی بااشاره به کمبود مدرسه در پرند و با بیان این‌که این اقدام در زمینه ساخت و توسعه فضاهای آموزشی این شهر انجام می‌شود، افزود: پرند در افق جمعیتی خودنیازمند ۴۹۰ مدرسه است که در این امر باید از خیرین مدرسه‌ساز هم کمک گرفت.
وی در ادامه به دیدار خود با اعضای منتخب اولین شورای اسلامی شهر پرند در روزهای اخیر اشاره کرد و افزود: جلسه دیدار بااعضای شورا، برای شناخت و بررسی مشکلات این شهر در حوزه آموزشی و مساعدت مردم در این امر بود.
او بااشاره به این‌که در این جلسه مقرر شد ۱۳۶ کلاس درس با استفاده صحیح از فضاهای آموزشی مدارس در فازهای اولیه ایجاد شود، گفت: این کار برای رفع کمبود کلاس‌های درس در سال جدید تحصیلی با توجه به افزایش شمار دانش‌آموزان ایجاد می‌شود.
وی اضافه کرد: با استفاده صحیح از تمام فضاهای مدارس و حداکثر استفاده از مکان‌های آموزشی ۹ مدرسه پانزده کلاسه ایجاد می‌شود که اگر هر مدرسه با ۲ میلیارد تومان هزینه ساخته شود ۱۸ میلیارد تومان صرفه‌جویی می‌شود. وی همچنین از افتتاح چهار مدرسه همزمان با مهر ۹۲ خبر داد و گفت: این مدارس در فازهای ۱، ۴ و ۶ شهرک پرند به بهره‌برداری می‌رسند که یکی از آنها مدرسه دوازده کلاسه در فاز یک و بقیه مدارس ۱۵ کلاسه در فاز ۴ و ۶ هستند.
به گزارش خبرنگار ما، با تشکیل اولین شورای اسلامی در شهر پرند، اعضای منتخب این شورا تاکنون دیدارها و رایزنی‌های مختلفی برای حل مشکلات شهر با مسئولان داشته‌اند از جمله دیدار با مسئولان آموزش و پرورش رباط کریم که مشکلات آموزشی و کمبود فضاهای آموزشی در این دیدار بررسی و تصمیماتی اتخاذ شد.سیامک کنعانی،عضو منتخب مردم در شورای شهر پرند نیز در این‌باره گفت:امیدواریم با تشکیل این جلسات و بررسی مشکلات شهر با مسئولان در ارگان‌های مختلف، مشکلات عمده و عدیده‌ای که خانواده‌ها و شهروندان با آن روبرو هستند، با بررسی و اتخاذ تدابیر لازم حل شود.
وی از دیدار اعضای منتخب این شورا با مدیران شرکت آب و فاضلاب جنوب غرب استان تهران خبر داد و افزود: در این دیدار مشکلات آب و فاضلاب و کمیت و کیفیت آب پرند با حضور مسئولان بررسی و تصمیمات لازم گرفته خواهد شد.

ساخت پیست اسکی و سوارکاری استاندارد در نمین

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل ورزش و جوانان استان اردبیل، از ساخت پیست اسکی و سوارکاری استاندارد در شهرستان نمین خبر داد.احد پازاج افزود: ایجاد این پیست می‌تواند به توسعه ورزش پرتحرک و پرهیجان رشته سوارکاری کمک کرده و در کنار آن توسعه اقتصادی، صنعتی، گردشگری و اشتغال را بهتر و مطلوب‌تر رقم بزند.او با بیان این که شهرستان نمین استعداد خاصی در ایجاد این پیست و همچنین پیست اسکی روی چمن و حتی روی برف دارد، اضافه کرد: در این زمینه با جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی می توان مجموعه عظیم ورزشی ساخت.وی اضافه کرد:سرمایه گذاری و اختصاص اعتبار برای ایجاد اماکن ورزشی در محیط‌های روستایی باید به صورت کارشناسی صورت گیرد تا با مشکل خاص در فرآیند ساخت مجموعه‌های ورزشی روبرو نشویم.
سیدتقی دریتیم فرماندار نمین نیز با گله‌مندی از بالا بودن هزینه‌های استفاده از سالن‌های ورزشی برای ورزشکاران، خواستار واگذاری مدیریت چمن مصنوعی و امکانات ورزشی منطقه به افراد و ورزشکاران بومی شد.وی گفت:اکثر هیأت‌های ورزشی در این شهرستان از مشکلات و تنگناهای مالی رنج می‌برند که انتظار می‌رود با نگاه و توجه جدی در این زمینه راهکارهای مناسب در نظر گرفته شود.

کشت دوم برنج در ۸۰ هزار هکتار از شالیزارهای مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: امسال در مجموع حدود ۸۰هزار هکتار از شالیزارهای مازندران پس از برداشت اول،دوباره نشاکاری و نیز پرورش ساقه شالی (رتون) انجام می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی مازندران با اعلام این خبر افزود: این مقدار نسبت به سال زراعی گذشته به دو برابر افزایش خواهد یافت و پیش‌بینی می‌شود بیش از ۲۰۰ هزار تن شلتوک از این اراضی برداشت شود. رضا عظیمی با اعلام اینکه امسال در بیش از ۲۲۱ هزار هکتار از شالیزارهای مازندران در مرحله نخست برنج کشت شد، اضافه کرد: پیش‌بینی می‌شود یک میلیون و ۴۰۰ هزارتن شلتوک از شالیزارهای مازندران برداشت شود.
معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهادکشاورزی مازندران نیز با بیان اینکه امسال به علت شرایط مناسب آب و هوایی، وضع خوشه‌دهی برنج در شالیزارهای استان بسیار مطلوب بوده است، افزود: پیش‌بینی می‌شود تولید شالی هم در سال زراعی امسال، افزایش قابل توجهی داشته باشد. یحیی ابطالی افزود: از مزیت‌های مهم کشت اول و دوم امسال در مازندران، افزایش ۴۷ هزارهکتار کشت مکانیزه در واحد سطح است که در کشت دوم نیز به روش مکانیزه نشاکاری شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

تفکیک مناطق مسکونی و تجاری

ساخت برج‌های متعدد تجاری در کنار مناطق مسکونی باعث ترافیک خیابان‌های اصلی و حجم بالای خودروهای پارک‌شده در خیابان‌های فرعی و کوچه‌ها می‌شود و مزاحمت برای ساکنان را در پی دارد. به طور نمونه در خیابان پاسداران و بین سه راه اقدسیه و نوبنیاد چند برج تجاری ساخته شد و چند برج دیگر در دست ساخت است. جا دارد مسئولان شهرداری با توجه به این مورد، حریمی را بین مناطق تجاری و مسکونی قایل شوند.
از اهالی پاسداران

تفاوت در نرخ فروش و روی جلد داروها

از مسئولان وزارت بهداشت و درمان سئوال می‌شود که چرا نرخ فروش داروها در اکثر داروخانه‌های کشور با نرخ روی جلد آنها، متفاوت است و چرا داروخانه‌ها گاهی دارو را به ۵ برابر قیمت روی جلد آن می‌فروشند؟
مصرف‌کننده دارو

مسدود کردن منابع خبری

اگر برخی از مسئولان محترم کشور در صدد حل مشکلات جامعه و پاسخگویی به نیازهای مردم برآیند، مردم نیز از آنان حمایت می‌کنند و دیگر به مسدود کردن منابع خبری حتی به شرط به خطر انداختن سلامت مردم به وسیله پارازیت، نیازی نخواهد بود.
تلفن به خط ارتباطی

اطلاع‌رسانی صحیح به سهامداران

از سهامداران شرکت ایران خودرو هستم که از ۴ ماه قبل هر چه با تلفن‌های قدیم و جدید این شرکت، که باید پاسخگوی سهامداران باشد، تماس می گیرم، موفق به برقراری ارتباط نمی‌شوم و این امر باعث شده است از فراخوان شرکت ایران خودرو برای افزایش سرمایه مطلع نشوم. از مسئولان این شرکت تقاضا می‌شود برای امثال من که در تهران زندگی نمی‌کنند، امتیازی قایل شوند تا حق تقدم افزایش سرمایه به ما نیز تعلق گیرد.
قم ـ سهامدار ایران خودرو

سود سهام بانک سرمایه

در اواخر سال ۸۹، بانک سرمایه به صورت کتبی به سهامداران خود اعلام کرد که ۱۲ درصد به سرمایه اولیه آنان افزوده می‌شود. اما از آن تاریخ تاکنون نه برگه‌های مبلغ سهام را به آنان تحویل داد و نه سود سرمایه سال‌های ۱۳۹۰ و ۹۱ را پرداخت کرده است. از مسئولان این بانک تقاضای پاسخگویی داریم.
لنگرود ـ یک سهامدار

پرداخت پایه حقوق معوقه بازنشستگان فرهنگی

فرهنگیانی که از سال ۸۸ به بعد بازنشسته شده‌اند، یک یا ۲ پایه حقوق خود را دریافت نکرده‌اند که بالاخره در اسفند ماه ۹۱ احکام آنان صادر شد. از آن تاریخ به بعد این احکام بین وزارت آموزش و پرورش و سازمان بازنشستگی کشوری سرگردان است. از مسئولان امر انتظار می‌رود با رفع این مشکل بین خود، هر چه سریعتر نسبت به پرداخت این معوقات اقدام کنند.
فرهنگی بازنشسته

سمینارها و نشست‌های پرهزینه

اخبار نشست‌ها و کنگره‌های پرهزینه داخلی و خارجی در حالی هر روز منعکس می‌شود که مردم از تأمین نیازهای اولیه خود درمانده‌اند و هر چه هم فریاد می‌زنند، کسی صدای آنها را نمی‌شنود! امید است دولت آینده با درک شرایط اقتصادی مردم، روالی را در پیش گیرد که بیش از این هزینه بر مردم تحمیل نشود.
شهروند تهرانی

انتصاب وزیر کشور کارآمد

از آنجا که استاندارهای کشور توسط وزیر کشور منصوب می‌شوند، انتصاب وزیر کشور کارآمد و مقتدر سبب می‌شود که دیگر به سفرهای متعدد استانی هیأت دولت برای رسیدگی به چگونگی اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی، نیازی نباشد و این از بهترین روش‌های تقسیم مدیریتی در کشور است.
کرمانشاه ـ یک هموطن

واگذاری ۲۶۵۰ هکتار از اراضی ملی سیستان و بلوچستان به بخش کشاورزی

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۴۹۰ فرصت شغلی در ۹ ماه اخیر در ستاد توسعه بخش کشاورزی سیستان و بلوچستان به تصویب رسیده است.

استاندار سیستان و بلوچستان که در نشست ستاد توسعه بخش کشاورزی استان سخن می گفت، افزود: سیستان و بلوچستان به سبب توانمندی و ظرفیت‌های بالا در بخش کشاورزی می تواند تامین کننده نیازهای منطقه باشد و تاکنون طرح‌های زیادی در این بخش به اجرا درآمده است.

حاتم نارویی گفت: با وجود خشکسالی‌های ۱۵ سال اخیر و خسارت ناشی از آن با همکاری مسئولان و تلاش خستگی‌ناپذیر مردم به‌ویژه کشاورزان و روستائیان، بخش کشاورزی استان از رشد قابل توجهی برخوردار است.

وی با اشاره به انسجام و هماهنگی مسئولان برای توسعه و عمران سیستان و بلوچستان افزود: با توجه به کمبود گوشت مرغ از اوایل پارسال تاکنون مجوز ساخت ۱۰۳ واحد مرغداری جدید در استان صادر شده است که با فعال شدن آنها ضمن ایجاد اشتغال و افزایش تولید، گوشت مرغ موردنیاز مردم تامین می‌شود.



استاندار سیستان و بلوچستان اعلام کرد: تاکنون ۲۶۵۰ هکتار از زمین‌های ملی از سوی اداره کل منابع طبیعی استان به بخش کشاورزی تحویل شده است.

وی با تاکید بر ضرورت تشکیل گروه‌های کارشناسی برای توسعه طرح‌های بخش کشاورزی، گفت: به منظور بهره گیری از توانمندی‌ها و بررسی درخواست‌های افراد علاقه‌مند به سرمایه گذاری و فعالیت در بخش کشاورزی سه گروه کارشناسی مستقل از سوی سازمان جهاد کشاورزی استان تشکیل شده است.

رئیس ستاد اجرایی توسعه بخش کشاورزی سیستان و بلوچستان، افزود: این گروه‌ها به شمال، مرکز و جنوب استان اعزام و با مراجعه به در خانه و محل کار افراد علاقه‌مند به سرمایه گذاری و فعالیت در حوزه کشاورزی، طرح مورد نظر آنان را دریافت می کنند و پس از بررسی‌های کارشناسی برای تصویب به ستاد توسعه استان ارائه می دهند.

در این نشست رضا نجفی رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان نیز از تصویب ۱۲۸ طرح با ۵۲ میلیارد تومان اعتبار و اشتغال ۴۳۶ نفر در ستاد توسعه بخش کشاورزی استان خبرداد.

او افزود: در ۹ ماه گذشته ۱۶۲۳ طرح با ۲۷۷ میلیارد تومان اعتبار در این ستاد تصویب شده است.

وی با اشاره به ۲۸ میلیارد و ۵۲۲ میلیون تومان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه کشاورزی استان گفت: که بیشترین سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های هیرمند، خاش، سراوان و زاهدان بوده است.

به گفته نجفی استان سیستان و بلوچستان از نظر اختصاص اعتبارات و تسهیلات بخش کشاورزی در رتبه چهارم و پنجم کشور قرار دارد.

او اعلام کرد: صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی با ۱۰ میلیارد تومان اعتبار در استان ایجاد شده است که امید می‌رود به یاری خسارت دیدگان این بخش بشتابد.

پیش‌بینی‌های لازم برای الحاق خوراسگان به کلانشهر اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: شهر خوراسگان درحالی پس از کش و قوس‌های مختلف بین شهرداری اصفهان و استانداری به کلانشهر اصفهان الحاق شد که پیش‌بینی‌های لازم برای انجام این الحاق انجام شده است به طوری که طرح‌های جامع و تفصیلی این شهر با الحاق خوراسگان به کلانشهر اصفهان نیازی به بازنگری دوباره ندارد.

شهردار خوراسگان با بیان اینکه طرح‌های تفصیلی و جامع این شهر به نحوی طراحی شده ایت که حداقل تا ۱۰ سال آینده نیازی به بازنگری دوباره نداشته باشد، افزود: طرح‌های تفصیلی و جامع این شهر می تواند منطقه ۱۵ شهری آینده کلانشهر اصفهان را پوشش دهد. محمد هویدا با اشاره به اینکه ممیزی املاک و محله‌های الحاقی این شهر انجام شده است، افزود: تمام نقاط شهر خوراسگان دارای کدپستی ۱۰ رقمی است. او همچنین گفت: به جز کمربند شمال و جنوب این شهر، تمام خیابان‌های مصوب شهر خوراسگان اجرایی شده است.

شهردار خوراسگان، دلیل اجرای نشدن کمربند جنوب و شرق خوراسگان را هم مرز بودن این شهر با مناطق ٤ و ۱۰ شهر اصفهان اعلام کرد. هویدا افزود: تا چهار ماهه امسال حدود نیمی از بودجه ۲۷۰ میلیارد ریالی مصوب امسال این شهر محقق شده است.

او همچنین با بیان اینکه بیش از ۹۰درصد درآمد شهرداری خوراسگان وابسته به صدور پروانه ساختمان‌سازی است اضافه کرد: در سه ماهه امسال نزدیک به ۳۰۰ پروانه ساختمانی صادر شده است. شهردار خوراسگان، از نیازهای منطقه شهری اصفهان را که در شرق کلانشهر اصفهان واقع است، مترو، خطوط اتوبوس پرسرعت (BRT)، ساخت تقاطع در سه راهی کارخانه قند و همچنین انتقال کارخانه قند به مکانی دیگر اعلام کرد و افزود: امروز کارخانه قند در محدوده شهر واقع شده و مشکلات زیست‌محیطی نیز ایجاد کرده است. او، وسعت زمین کارخانه قند را نزدیک به ۹۰۰ هزار متر اعلام کرد و گفت: زمین این کارخانه می تواند به محلی برای ساخت هتل و مرکز خرید تبدیل شود.

فضای فرهنگی خوراسگان

شهردار خوراسگان در ادامه با باین اینکه این شهر در اجرای طرح‌های فرهنگی، توجه به احیای بافت فرسوده و همچنین در روحیه همگرایی و تعامل با سازمان‌ها و نهادها شاخص است به سند چشم‌انداز ۱۴۰٤ کشور در موضوع ایجاد فرهنگی اشاره کرد و گفت: شهر خوراسگان در ایجاد فضای فرهنگی پیشتاز بوده است.

هویدا با اشاره به اینکه براساس سند چشم‌انداز کشور در حوزه فرهنگی به ازای هر یکصد نفر حداقل باید هشت مترمربع فضای فرهنگی ایجاد شود افزود: امروز در شهر خوراسگان به ازای هر شش شهروند یک متر مربع فضای فرهنگی وجود دارد.

او یادآور شد: با بهره‌برداری از فرهنگسرای محله سید، فرهنگسرای اندیشه واقع در محله ستار و همچنین فرهنگسرای شریعتی در خیابان شریعتی که ساخت آنها بیش از ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد، به از هر سه شهروند یک مترمربع فضای فرهنگی در شهر خوراسگان ایجاد شده است.

وی رشد شهرداری‌ها را پس از تشکیل نظام شورایی چشمگیر دانست و اضافه کرد: تا قبل از تشکیل شوراها اسلامی شهر و روستاها، شهر خوراسگان فقط یک کتابخانه با وسعت ۷۰۰ مترمربع داشت اما در حال حاضر ۳۰ هزار مترمربع فضای فرهنگی در این شهر ایجاد شده و ۱۲ هزار مترمربع فضای فرهنگی دیگر نیز در حال ساخت است. او در ادامه با اشاهر به اینکه شهرداری این شهر علاوه بر ۱۲٤ هکتار بافت فرسوده مصوب، در احیای خانه‌های فرسوده در دیگر نقاط این شهر نیز گام برداشته است و تسهیلات ویژه‌ای ارائه می دهد، گفت: شهرداری خوراسگان برای احیای بافت فرسوده مصوب و غیرمصوب در صدور پروانه تا ۹۰ درصد تخفیف می دهد. او با بیان اینکه براساس برنامه پنجم توسعه کشور هر سال باید ۱۰ درصد از بافت فرسوده کشور احیا شود، افزود: شهرداری خوراسگان در احیای بافت فرسوده هر سال از ۲۰ درصد عبور کرده است.

وی افزود: وجود وحدت رویه و تعامل بین دستگاه‌های مختلف این شهر سبب شد تا با تعامل شهرداری و آب و فاضلاب منطقه خوراسگان، طرح شبکه فاضلاب این شهر در مدت ٤ سال اجرایی شود. در حالیکه پیش‌بینی اجرای این طرح ۱۸ سال بود.

درآمدهای مالیاتی قابل برنامه‌ریزی و همیشگی هستند

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: درآمدهای مالیاتی برخلاف درآمدهای نفتی در توسعه اقتصادی کشور قابل برنامه‌ریزی و همیشگی هستند.

سیدرضا نوربخش، مدیرکل امور مالیاتی استان یزد با بیان این مطلب در جمع خبرنگاران افزود: باتوجه به این که درآمدهای کشور از محل درآمدهای نفتی و درآمدهای غیرنفتی تأمین می‌شود، اما سود نفت درآمد محسوب نمی‌شود بلکه یک ثروت ملی است که آیندگان هم باید از آن بهره ببرند.

وی گفت: درآمدهای غیرنفتی از جمله درآمدهای مالیاتی به لحاظ پایداری و قابل برنامه‌ریزی بودن می‌تواند در توسعه اقتصادی کشور همانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته فاقد نفت تأثیر گذار باشد.

نوربخش افزود: پارسال ۹٤ درصد مالیات‌های پیش‌بینی شده در استان یزد وصول شد و در مجموع مالیات‌های جمع آوری شده، شاهد کاهش ٦ درصدی مالیات بوده‌ایم.

وی ادامه داد: مالیات اخذشده از مشاغل در استان یزد، ۸/۵ درصد کل درآمدهای مالیاتی استان یزد بوده اما مالیات‌های اخذ شده از حقوق‌بگیران بخش دولتی و بخش خصوصی، ۱۷ درصد بوده است.

نوربخش، مجموع مالیات بر ارزش افزوده اخذ شده پارسال را ۱۲۱ میلیارد تومان اعلام کرد. وی با بیان اینکه یکی از نیازهای دولت‌ها، تأمین اعتبار است، افزود: اگر نیاز مالی دولت تأمین نشود، دولت قادر به اجرای طرح‌های عمرانی نخواهد بود و یکی از مهمترین درآمدهای غیرنفتی دولت، مالیات است که کل درآمدهای مالیاتی استان یزد در خود استان هزینه می‌شود. او با اشاره به اینکه تیر هر سال، همه مودیان مالیاتی برای تکمیل اظهارنامه مالیاتی خود می‌توانند اقدام کنند، افزود: امسال کل اظهارنامه‌های مالیاتی را به صورت صد در صد الکترونیکی از مودیان مالیاتی دریافت می‌کنیم.

وی افزود: مودیان امسال می‌توانند از محل کار یا منزل خود، اظهارنامه مالیاتی را به شرط دارابودن کد رهگیری تکمیل کنند و اگر کد رهگیری نداشته باشند، نمی‌توانند اظهارنامه خود را به صورت الکترونیکی دریافت کنند.

نوربخش به تسهیلاتی که برای مودیانی که اظهارنامه خود را به صورت الکترونیکی تکمیل و تسلیم می‌کنند اشاره کرد و افزود: اگر اظهارنامه الکترونیک تکمیل شود، ٤۰ درصد از مالیات نقد و بقیه آن به صورت اقساط شش ماهه و تا پایان دی به تدریج از مودیان دریافت می‌شود.

وی ادامه داد: اما اگر اظهارنامه به صورت دستی تکمیل شود، مودی مالیاتی باید کل مبلغ مالیات خود را به صورت نقد پرداخت کند.

نوربخش با اشاره به اینکه در ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنجم، تا پایان برنامه پنجم نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی باید به ۱۰ درصد برسد، افزود: اگر مشارکت مردم یزد در تکمیل اظهارنامه مالیاتی و پرداخت مالیات‌های مقرر، تا مهلت مقرر شده یعنی پایان تیر به همین روال ادامه یابد، می‌توانیم در استان یزد به این ۱۰ درصد دست پیدا کنیم.

اخبار کوتاه شهرستان

عرضه تولیدات مددجویان در بازارچه خیریه رمضان

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: بازارچه خیریه رمضان در راستای توانمندسازی و کارآفرینی مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی(ره) استان یزد با حضور معاون سیاسی و امنیتی استاندار و مسئولان استانی افتتاح شد.

مهدی نشاسته‌گر رئیس اداره روابط عمومی و اطلاع‌رسانی کمیته امداد استان یزد با بیان این مطلب افزود: مددجویان تحت حمایت کمیته امداد استان‌های یزد، کرمان، فارس، اصفهان و خراسان جنوبی محصولات تولیدی خود را در بازارچه خیریه رمضان عرضه می کنند.

وی با بیان اینکه مددجویان محصولات تولیدی و توانمندی‌های خود را در ۶۰ غرفه عرضه می‌کنند، افزود: در این بازارچه همچنین غرفه‌هایی برای آشنایی بیشتر مردم با طرح‌های اجرایی کمیته امداد امام خمینی(ره) از جمله طرح محسنین و اکرام ایتام برپا شده است.

غلامحسین دشتی، معاون سیاسی ـ امنیتی استاندار یزد، افتتاح این بازارچه را اقدامی ارزشمند در راستای توانمندسازی مددجویان بیان کرد وافزود: این بازارچه می‌تواند علاوه بر کسب تجربه در عرصه تولید برای مددجویان، ابتکار و خلاقیت مددجویان را به دنبال داشته باشد.

بازارچه خیّریه رمضان تا ۱۲ مرداد در آستان مقدس امامزاده سیدجعفر محمد(ع) از ساعت ۱۹ تا ۲٤ برای بازدید عموم مردم برپاست.

نقاشی دعاهای بچه‌های چناران

چناران ـ خبرنگار اطلاعات: کودکان معلول چنارانی دعاهایشان را نقاشی کردند.به منظور آشنایی کودکان معلول با باورهای مذهبی دعا و نیایش در ماه مبارک رمضان و اماکن مقدس مسلمانان نظیر مسجد و حسینیه یک دوره مسابقه نقاشی با موضوع (وقتی دعاهایمان رنگ می گیرد) در پارک ملت چناران برگزار شد.

در این مسابقه حضورز که با همت بهزیستی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان برگزار شد ۷۰ کودک معلول جسمی حرکتی و ذهنی در کنار کودکان عضو کانون پرورش فکری بر روی پرده‌ای به طول ۵۰متر در قالب نقاشی به مسابقه پرداختند.

در پایان و پس از قضاوت بازدید کنندگان ۱۰ برگزیده مسابقه انتخاب هدایایی اهدا شد.

برپایی نمایشگاه عفاف و حجاب

* نمایشگاه عفاف و حجاب در چناران برپا شد.

با هدف تکریم حجاب و تبیین جایگاه آن نمایشگاهی با عنوان عفاف و حجاب از نگاه هنر در آموزشگاه آزاد هنری ماهان چناران برپا شده است، در این نمایشگاه که با حضور امام جمعه و برخی از مسئولان اجرایی محلی گشایش یافت، آثار هنری ۵۰نفر از هنرجویان و هنرمندان در قالب گرافیک، نقاشی کودک و بزرگسالان و معرق‌کاری در زمینه حجاب و عفاف به معرض نمایش گذاشته شده است.

همچنین در مدت برپایی این نمایشگاه، هنرجویان و هنرمندان با حضور در چهار کارگاه گرافیک کامپیوتری با زمینه پوستر، نقاشی کودک، نقاشی بزرگسالان و معرق به خلق آثار جدید در زمینه حجاب و عفاف می‌پردازند.

این نمایشگاه به مدت ۵ روز صبح و عصر برای بازدید علاقه‌مندان و ارائه آثار هنرمندان در آموزشگاه آزاد هنری ماهان، بین خیابان‌های امام خمینی(ره) ۲۵ و ۲۷ چناران دایر خواهد بود.

اعلام نرخ انواع برنج در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: سازمان جهاد کشاورزی مازندران قیمت عمده‌فروشی انواع برنج تولیدی را در شالکوبی‌های استان اعلام کرد.

این سازمان قیمت هر کیلوگرم برنج طارم محلی را ۶۳ تا ۶۵ هزار ریال، طارم هاشمی را ۶۲ تا ۶۵ هزار ریال، برنج بی‌نام ۵۸ تا ۶۰ هزار ریال خزر ۵۲ تا ۵۵ هزار ریال، شیرودی ٤۷ تا ۵۳ هزار ریال و ندا و نعمت را ٤۷ تا ۵۰ هزار ریال در هر کیلوگرم اعلام کرد.

برخورد با شالیکوبی‌های متخلف

* واحدهای شالیکوبی موظف به رعایت نرخ مصوبه هستند و باید تصویر نرخنامه را در معرض دید عموم قرار دهند تا مراجعه‌کنندگان از آن مطلع شوند.

مدیرکل تعزیرات حکومتی مازندران بااعلام این مطلب افزود: نرخ دستمزد برای شالیکوبی‌های سنتی و مدرن متفاوت است و چنانچه نرخنامه مصوب را در شالیکوبی‌ها نصب نکنند مرتکب تخلف تعزیراتی شده و مشمول جریمه می‌شوند.

مهدی عباسی به متصدیان شالیکوبی هشدار داد تا نرخ مصوبه را رعایت کنند و در ارائه خدمات مطلوب به مراجعه‌کنندگان از هیچ کوششی دریغ نورزند.

گشایش نمایشگاه قرآن محصولات فرهنگی و نرم افزار در خرمشهر

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با ماه مبارک رمضان نمایشگاه محصولات فرهنگی، قرآن و نرم افزار در بندر خرمشهر گشایش یافت.

عادل دریس مدیر کل بندر و دریانوردی خرمشهر در آیین افتتاح این نمایشگاه که با حضور امام جمعه، فرماندار و مدیران بندر خرمشهر صورت پذیرفت، هدف از برپایی آن را انس و الفت بیشتر کارکنان و خانواده‌های آنان با علوم دینی و قرآنی اعلام کرد و افزود: ارائه خدمات فرهنگی و قرآنی در اولویت کارهای فرهنگی این اداره کل است و این خدمات همچون گذشته استمرار خواهد داشت.

دراین نمایشگاه که به منظور استفاده کارکنان و خانواده‌ها برپا شده است، کتاب‌هایی باعناوین مذهبی، کتب ادعیه، نرم‌افزارهای دینی و قرآنی و پوشش‌های متنوع حجاب با تخفیف ویژه درمعرض دید بازدیدکنندگان قراردارد.

این نمایشگاه تا پایان ماه مبارک رمضان برای بازدید عموم دایر است.

امضای تفاهمنامه همکاری مشترک بین منطقه آزاد اروند و چین

* تفاهمنامه همکاری‌های مشترک میان ایران و چین به منظور افزایش بهره وری از ظرفیت‌ها، مزایا و توانمندی‌های سرمایه گذاری و بازرگانی منطقه آزاد اروند امضا شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل منطقه آزاد اروند، مهدی نیک پی با اعلام این خبر افزود: یکی از اهداف امضای این تفاهم‌نامه ایجاد زمینه‌های همکاری مشترک در حوزه‌های تولید و صنعت و ساخت کارخانه تولید لوله‌های جداری و مغزی است.

این سرمایه گذاری در ۳ فاز در سایت صنعتی منطقه آزاد اروند با وسعتی حدود ۱۵ هکتار انجام می‌پذیرد. فاز اول این پروژه ۵ هکتار خواهد بود و در مجموع ۲۰۰ میلیون دلار حجم سرمایه گذاری این پروژه است.

وی با اشاره به ارائه زیرساخت‌های لازم از سوی سازمان منطقه آزاد اروند به شرکت‌های سرمایه گذار افزود: منطقه آزاد اروند با توجه به نزدیکی به منابع بزرگ نفتی و دارا بودن دو بندر بزرگ آبادان و خرمشهر یکی از نقاط مهم سرمایه گذاری در زمینه‌های نفت، گاز و پتروشیمی در کشور است و این سازمان آمادگی جذب هرگونه سرمایه گذار در این حوزه را به منظور توسعه منطقه و ایجاد اشتغال پایدار دارد.

میمند عنوان «جواهری در کویر» را گرفت

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: روستای تاریخی میمند در کمیته میراث جهانی عنوان «جواهری در کویر» را به خود اختصاص داد.

معاون سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور در سفر به کرمان اعلام کرد: میمند به عنوان چهارمین پروژه جمهوری اسلامی ایران در کمیته میراث جهانی سال ۲۰۱۳ مطرح شد.

آتوسا مومنی افزود: روستای تاریخی میمند از پرونده‌های پرافتخاری است که توانست به عنوان یک منظر فرهنگی در کویر در کمیته میراث جهانی به تصویب برسد.

به گفته وی کشورهای منطقه به ویژه عراق و امارات در کمیته میراث جهانی اعلام کردند میمند یک منظر فرهنگی شناخته شده در کویر است و اکیموس باید ارزش برجسته آن را با نظر کارشناسی کشورهای کویری منطقه بپذیرد.

او افزود: در این کمیته با ۱۳ رأی از سوی کشورهای مختلف ارزش برجسته منظر فرهنگی میمند به دنیا ثابت شد. مومنی با تأکید بر این که باید اطلاعات کارشناسانه و تکمیلی درباره میمند به اکیموس ارسال شود، اظهار امیدواری کرد در دو ماه آینده پرونده میمند در فهرست جهانی به ثبت برسد.

خدمات بهداشتی ارائه شده در شهر ری فراتر از حد استاندارد است

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: معاون وزیر بهداشت در بازدید از دو مرکز بهداشتی ـ درمانی خاورشهر و حسن آباد شهرری، سطح خدمات بهداشتی ارائه شده در این شهرستان را فراتر از حد استاندارد دانست.

به گزارش روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان شهرری، دکتر رخشانی به همراه دکتر دلاوری معاون بهداشتی دانشگاه تهران و معاونان بهداشتی دو دانشگاه شهید بهشتی و ایران از شبکه بهداشتی و درمان شهرری با حضور در دو منطقه حسن آباد و قیامدشت و شرکت در جلسه شورای اداری از نزدیک با مهمترین مسائل و مشکلات این دو بخش آشنا شد.

او مرکز جدید منطقه حسن آباد را نماد تلاش مسئولان دانشگاه برای ارائه خدمات فرا سازمانی برشمرد و از مسئولان دانشگاه و شبکه بهداشت شهرری قدردانی کرد.

جواب دندان شکن «عباس دوران» به صدام

صدام در مصاحبه با روزنامه «الدوره» عراق گفته بود که این جنگ (دفاع مقدس) به خاطر فتح و تصرف چند صد کیلومتر اراضی خاک ایران نیست و همه چیز محدود به اهداف نظامی نمی‌شود. بلکه این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

در این شرایط به طور مسلم یکی از ابزارهای موجود، استفاده از فشارهای سیاسی و افزایش تحرکات سیاسی با هدف جلب حمایت کشورها برای کمک نظامی و سیاسی و تضعیف دشمن بود. به عبارت دیگر، برخورداری هر یک از کشورهای ایران و عراق از یک نظام سیاسی برتر در منطقه مقدمات پیروزی را فراهم می‌کرد.

قبل از فتح خرمشهر، عراق در چنین جایگاهی قرار داشت و یک سر و گردن از ما بالاتر بود و می‌توانست با فشارهای سیاسی، خود را به ما تحمیل کند. ولی با آزادسازی خرمشهر قضیه برعکس و نظام بین‌الملل شاهد شکست نظامی ـسیاسی عراق در این منطقه استراتژیک شد و این در حالی بود که عراق برگ برنده خود را برای اعمال نظرات نامشروع در منطقه از دست داد.

در شرایطی که خرمشهر آزاد شده بود، کشورهای عرب منطقه که روی صدام و ارتش آن تکیه داشتند دچار وحشت شدند. آمریکا و برخی کشورهای عرب توصیه کردند که در این فضا و شرایط حاکم، هرچه سریع‌تر باید آتش‌بس برقرار شود.

در تشریح علل تصمیم برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها در بغداد می‌توان گفت که رژیم صدام که در آن شرایط از لحاظ سیاسی بسیار ضعیف شده بود، بهترین راه خروج از این بحران را برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در بغداد دانست، زیرا از این طریق موفق می‌شد با صدور بیانیه و حربه‌های دیگر همه چیز را به نفع خود و به ضرر نظام جمهوری اسلامی ایران به پایان برساند.

از سوی دیگر، عراق بارها اعلام کرده بود که بغداد کاملاً امن است و حتی پرنده‌ای جرأت ندارد در آسمان بغداد پرواز کند. در این زمان بود که ایجاد ناامنی در استان بغداد در دستور کار نظامی ـسیاسی جمهوری اسلامی قرار گرفت تا ضمن هدف قرار دادن تأسیسات پالایشگاهی «الدوره» در جنوب شرقی شهر بغداد از برگزاری نشست سران غیرمتعهدها جلوگیری شود.

خلبان عباس دوران که بود؟

عباس دوران در سال ۱۳۲۹ در شهر شیراز متولد شد. وی پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی ارتش شد و پس از گذراندن دوره مقدماتی در ایران برای ادامه تحصیل و طی دوره تکمیلی به آمریکا اعزام شد و پس از اخذ نشان و گواهینامه خلبانی به ایران بازگشت.

وقتی جنگ تحمیلی در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد، در پست افسر خلبان شکاری و معاونت عملیاتی فرماندهی پایگاه سوم شکاری (شهید نوژه) انجام وظیفه می‌کرد. او در طول جنگ بیش از ۱۲۰ پرواز جنگی داشت.

بارها می‌گفت اگر هواپیما بال نداشته باشد خودم بال درمی آورم و بر سر دشمن فرود می‌آیم و هرگز تن به اسارت نخواهم داد.

عباس دوران هفتم آذر ۱۳۵۹ در یک عملیات متهورانه دو ناوچه نیروی دریایی عراق را در حوالی اسکله «الامیه» و «البکر» غرق کرد، چنانچه می‌گفتند و به اثبات هم رسید نیروی دریایی عراق را سرهنگ خلبان عباس دوران و سرهنگ خلبان خلعتبری به نابودی کشاندند.

زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد وی نخستین خلبانی بود که آمادگی خود را برای نبرد با صهیونیست‌ها اعلام کرد.

در سال ۱۳۶۱ جنگ تحمیلی هر روز شعله‌ورتر می‌شد و صدام رئیس دولت بعث عراق برای مانور سیاسی از برپایی کنفرانس غیرمتعهدها سخن می‌گفت و از مدت‌ها قبل به کمک آمریکا بغداد را به نظر خود به دژ نفوذناپذیری تبدیل کرده و تبلیغات بسیار وسیعی به راه انداخته بود تا حدی که برای سران غیرمتعهد بنزهای سفارشی‌اش را در بزرگراه های نوساز بغداد راه انداخت، خیلی خرج کرده بود.

از یک طرف هم مدام، تبلیغ می‌کردند که ایران نمی‌تواند بغداد را ناامن کند. در این شرایط بود که سرهنگ خلبان عباس دوران برای جلوگیری از برگزاری کنفرانس سران غیرمتعهدها، بیستم تیر ۱۳۶۱ مأموریت یافت تا پایتخت عراق را ناامن کند.

روز ۳۰ تیر ۱۳۶۱ سه فروند هواپیما که هر کدام دو سرنشین داشتند مأموریت یافتند روی بغداد عملیاتی انجام دهند. هدف آن‌ها بمباران پالایشگاه بغداد، نیروگاه اتمی بغداد و «پایگاه الرشید» یا ساختمان اجلاس در بغداد بود.

هواپیمای شماره یک:
عباس دوران – منصور کاظمیان
هواپیمای شماره دو:
اسکندری – باقری
هواپیمای شماره سه:
توانگریان – خسروشاهی

ماجرای این مأموریت که خلبان عباس دوران در آن به شهادت رسید از زبان همکار و همراهش منصور کاظمیان خواندنی است.

به گزارش ایسنا ،وی می‌گوید: قبل از این که انجام این عملیات را به ما اعلام کنند عباس دوران به «امیدیه» رفته بود و قرار بود در صورتی که در «عملیات رمضان» نیاز شد، پرواز کند زیرا نیروی زمینی ارتش در این عملیات نیاز به حمایت‌های هوانیروز داشت. در نتیجه دو روز قبل از شروع عملیات عباس دوران به ما ملحق شد و به ما توضیح دادند که به علت حساسیت ویژه، این عملیات با سه هواپیما انجام خواهد شد.

«هواپیمای شماره ۱» من بودم و عباس دوران. «هواپیمای شماره ۲» محمود اسکندری بود و ناصر باقری و «هواپیمای شماره ۳»، توانگریان و خسروشاهی که البته قرار شده بود هواپیماهای شماره ۱ و ۲ به عمق خاک عراق و شهر بغداد بروند و علاوه بر بمباران پالایشگاه «الدوره» دیوار صوتی این شهر را نیز بشکنند و هواپیمای شماره ۳ نزدیک مرز به عنوان پشتیبان و نیروی جایگزین مستقر شود تا در صورت بروز هرگونه مشکلی برای این دو هواپیما، عملیات را ادامه دهد.

ما به سمت بغداد پرواز کردیم. تقریباً ۱۵ کیلومتری بغداد بودیم که با دیوار آتش و پدافند دشمن روبه‌رو شدیم و در همین فاصله چند گلوله به هواپیمای ما اصابت کرد. وقتی این گلوله‌ها به هواپیمای ما اصابت کرد عباس به من گفت که چراغ موتور سمت راست روشن شده و ظاهراً موتور از کار افتاده است.

به عباس گفتم چاره‌ای نیست و باید به عملیات ادامه دهیم. زیرا در آن شرایط اگر باز می‌گشتیم دوباره در دیوار آتش دشمن قرار می‌گرفتیم، بنابراین به سمت جنوب شرقی شهر بغداد که پالایشگاه «الدوره» در آنجا بود ادامه مسیر دادیم و با این که پدافند دشمن بسیار قوی بود ،همه بمب‌ها را روی این پالایشگاه تخلیه کردیم.

بعد از تخلیه بمب‌ها مسیری را ادامه دادیم که دقیقاً به سمت همان هتلی ختم می‌شد که قرار بود کنفرانس غیرمتعهدها در آن برگزار شود.

زمانی که ما بمب‌ها را روی پالایشگاه الدوره می‌ریختیم آتش بی‌امان و شدید دشمن قطع نمی‌شد. در همان موقع بود که هواپیما مورد اصابت چند گلوله دیگر قرار گرفت و قسمت عقب آن به طور کلی از بین رفت.

وی می افزاید: وقتی به پشت سرم نگاه کردم پالایشگاه را دیدم که در آتش می‌سوزد. در آن لحظه بود که دیدم قسمت دم هواپیما تا وسط کابین شده بود. نمی‌دانم آیا عباس بود که این کار را کرد (چون چند لحظه قبل از آن به شدت اصرار داشت که من هواپیما را ترک کنم).

یا آتشی که در قسمت وسط کابین بود سبب این قضیه شده بود. در هر صورت چشمانم سیاهی رفت و دیگر هیچ چیز ندیدم. وقتی به هوش آمدم به عنوان اسیر در وزارت دفاع عراق بودم. بعد از دو ماه یک سرباز عراقی که نگهبان وزارت دفاع عراق بود به من گفت که هواپیمای شما را دیدم که آتش گرفته از بین رفته است و در آتش می‌سوزد. دیگر حتی فرصت نشد که به عباس این قضیه را بگویم و نمی‌دانم چطور شد که صندلی من به بیرون پرت شد. درست نمی‌دانم اما قبل از این که بخواهم به عباس بگویم که قسمت عقب هواپیما از بین رفته است، صندلی به بیرون پرت بود، یک چتر باز شد و بعد از چند ثانیه هواپیما به هتل محل برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها برخورد کرد. تازه فهمیدم عباس صندلی خودش را به بیرون پرت نکرده و پس از برخورد هواپیما با ساختمان هتل به شهادت رسیده است.

وقتی خبر شهادت عباس دوران را شنیدم به یاد صحبت‌های شب قبل از عملیات افتادم که به من گفت: «منصور جان اگر یک وقت هواپیما دچار مشکلی شد تو خودت را به بیرون پرت کن و منتظر من نمان، چون من باید در هواپیما بمانم و مأموریتم را به اتمام برسانم.»

کاظمیان درباره عملیات‌های مهمی که با عباس دوران انجام داده است، می‌گوید: من از سال ۱۳۶۰ که عباس دوران به همدان منتقل شده بود با او آشنا شدم و در عملیات‌های زیادی با او شرکت کردم که مهم‌ترین آنها عملیات فتح‌المبین، عملیات بوشهر برای بمباران اسکله‌های «البکر و الامیه» نزدیک بندر بصره و همچنین آخرین عملیات با هدف ناامن کردن شهر بغداد و به هم زدن کنفرانس غیرمتعهدها بود.

عباس بین همه معروف بود. ترس را هیچگاه در وجود او ندیدم. سخت‌ترین مأموریت‌ها را قبول می‌کرد و به تنها چیزی که فکر می‌کرد هدف بود. حتی یادم هست در عملیات بمباران اسکله‌های «البکر» و «الامیه» در نزدیکی بندر بصره، بنا به دلایلی قرار شد که عملیات به صورت نیمه کاره متوقف شود ولی عباس دوران قبول نکرد و عملیات را به آخر رساند. او هیچگاه در کابین صحبت نمی‌کرد و همیشه می‌گفت اگر از مسیر منحرف شدم و یا حالت نامتعادلی را مشاهده کردید آن وقت علاوه بر این که به من اعلام می‌کنید مواظب اطراف باشید.

منصور کاظمیان همزمان با شهادت عباس دوران به اسارت درآمد و پس از هشت سال و دو ماه اسارت، بیست و چهارم شهریور ۱۳۶۹ آزاد شد و به میهن اسلامی بازگشت.

ناامن نشان دادن بغداد

سرهنگ ناصر باقری همرزم دیگر عباس دوران می‌گوید: این عملیات از لحاظ سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم بود، اگر کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در بغداد برگزار می‌شد صدام به مدت هشت سال ریاست آن را به عهده می‌گرفت.

جمهوری اسلامی ایران اعتراض شدید خود را با تحریم کنفرانس نشان داده بود اما این امر کافی نبود و این کنفرانس نباید در بغداد برگزار می‌شد و ریاست آن به مدت هشت سال در دست صدام قرار می‌گرفت.ایران از لحاظ سیاسی نتوانست مانع این امر شود و در نهایت متوسل به حربه نظامی شد. تنها راهی که می‌شد از برگزاری کنفرانس جلوگیری کرد ناامن نشان دادن شهر بغداد بود که صدام به امنیت آن خیلی افتخار می‌کرد. از سوی دیگر در آن زمان (سال ۱۳۶۱) ایران موشک دوربرد نداشت که بغداد را مورد هدف قرار دهد برای همین قرار شد این حرکت توسط هواپیماها انجام شود. این عملیات در ردیف عملیات «حمله به اچ-۳» قرار دارد.[1]

پیش از انجام عملیات به ما اعلام کرده بودند که درصد خطر این عملیات بالای ۸۵ درصد است. شش خلبان این سه هواپیمای (اف-٤) نیز توسط ستاد کل انتخاب شده بودند. من با مرحوم اسکندری، شهید دوران با منصور کاظمیان و توانگریان و خسروشاهی خلبانان سه هواپیمای مذکور بودیم. در این بین من و اسکندری هر کدام شش بار بر فراز بغداد پرواز داشتیم ولی شهید دوران نخستین پرواز بود که بر فراز بغداد انجام می‌داد. به رغم این که تا آن زمان دوران دارای بیشترین پرواز عملیاتی بود.

در این عملیات، نیت، زدن شهر بغداد و مناطق مسکونی نبود بلکه قرار بود با حمله به پالایشگاه «الدوره» بغداد و کوبیدن نقاط حساس آن و شکستن دیوار صوتی، فقط یک جو روانی و ترس ایجاد کنیم. از سوی دیگر پدافند دشمن هم خیلی قوی بود. از بدو ورود ما به خاک عراق با یک دیواره آتش روبرو شدیم که پدافند سبک آنها ایجاد کرده بود. نزدیکی صبح بود که پدافند هوایی بغداد نیز ما را ردگیری کرد و ما در بین دو پدافند زمینی و هوایی قرار گرفتیم، به هر حال عملیات را ادامه دادیم و پالایشگاه را زدیم.

در موقع رفتن، دوران که «لیدر»(سردسته) ما بود جلوی ما حرکت می‌کرد اما پس از عملیات و موقع برگشت از سمت دیگر شهر بغداد هواپیمای من و اسکندری جلو بود و دوران و کاظمیان پشت سر ما بودند.

پدافند سبک عراق هواپیمای ما را که شماره دو بودیم زد و فقط یک گلوله در کابین خلبان منفجر شد ولی در عین حال هواپیما به حرکت خود ادامه داد و فقط سرنشینان آن که من و اسکندری بودیم زخمی شدیم. در همین هنگام از هواپیمای شماره یک که دوران و کاظمیان در آن بودند اطلاع دادند که هواپیما را زدند.

اسکندری به آنها گفت عیب ندارد ما را هم زده‌اند پشت سر ما بیایید. دوران در جواب گفت: موتور شماره دو آتش گرفته است و ما نمی‌توانیم بیائیم.

اسکندری مجدداً گفت: اگر می‌توانید بیائید، وگرنه بپرید بیرون. که بعد از این گفتگو دیگر جوابی از آن طرف نیامد و ما بالاخره با وجود آتش سنگین پدافند دشمن برگشتیم و در همدان به زمین نشستیم. بعدها متوجه شدیم که در آن لحظه کاظمیان توسط دوران (Eject) شده و شهید دوران هم هواپیمای نیمه سوخته را به ساختمان هتل محل برگزاری کنفرانس کوبیده است.

صبح ۳۰ تیر ۱۳۶۱ خلبان شهید عباس دوران که در تعداد پرواز جنگی در نیروی هوایی رکورد داشت و عراق برای سرش جایزه تعیین کرده بود، پس از بمباران پالایشگاه بغداد هواپیما را که آتش گرفته بود به هتل محل برگزاری اجلاس سران غیرمتعهدها کوبید و با شهادت خود، کاری کرد که اجلاس سران غیرمتعهدها به علت فقدان امنیت در بغداد برگزار نشود. پیکر پاک شهید عباس دوران به همراه ۵۷۰ شهید دیگر دوم امرداد ۱۳۸۱ به خاک پاک میهن بازگشت.



*** صبح روز ۳۰ تیر ۶۱ خلبان شهید دوران که عراق برای سرش جایزه تعیین کرده بود، پس از بمباران پالایشگاه بغداد ،هواپیما را به هتل محل برگزاری اجلاس سران غیرمتعهدها کوبید و با شهادت خود، کاری کرد که اجلاس سران غیرمتعهدها به علت فقدان امنیت در بغداد برگزار نشود**

پی نوشت:

۱-در عملیات حمله به «اچ ـ۳» جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با یک حمله غافلگیرکننده تعداد زیادی از هواپیماهای جنگی رژیم بعث عراق را از بین بردند.

عراق این هواپیماها را برای در امان ماندن از حملات تیزپروازان نیروی هوایی ارتش به منطقه‌ای در نزدیکی مرز اردن منتقل کرده بود و هیچگاه تصور نمی‌کرد ایران بتواند در یک منطقه دورافتاده عراق عملیاتی انجام دهد.

مروری بر رشادت لشکر ۱۰ در مرداد ۶۷
درسی که «لشکر سیدالشهدا(ع)» به عراق داد



بعد از پذیرش «قطعنامه ۵۹۸» توسط جمهوری اسلامی ایران، رژیم بعثی عراق حمله سراسری خود را به غرب، جنوب و جبهه میانی کشورمان شروع و در برخی مناطق پیشروی کرد. لشکر ۱۰ سیدالشهدا (علیه‌السلام) در آن زمان و بعد از عملیات پیروزمندانه «بیت‌المقدس ٦»، پدافند(حفظ) «قله شیخ محمد» ماؤوت را بر عهده گرفته بود.

به گزارش ایسنا، با توجه این که نیروهای عراق در منطقه جنوب پیشروی زیادی کرده بودند، به لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) مأموریت داده شد بلافاصله از غرب به جنوب کشور منتقل و در جاده اهواز- خرمشهر با دشمن مقابله کند. به این ترتیب که ابتدا از پیشروی «لشکر ۳ زرهی» عراق جلوگیری کند و سپس در یک عملیات عراق را به پشت مرزها عقب براند.

شهید سعید تراب

اهمیت عملیات بازپس گیری مناطق از دست رفته کشورمان در آن مقطع بسیار زیاد بود. چون عراق به ۱۵ کیلومتری اهواز و سه‌راه «صاحب‌الزمان(عج)» رسیده بود و اگر نیروهایش از محورهای جاده اهواز- جفیر و زید در سه‌راه یاد شده به هم می‌رسیدند ، اهواز سقوط می‌کرد.

در نیمه شب یکم مرداد ٦۷ به «تیپ حضرت زهرا(س) لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع)» به فرماندهی سردار خادم ماموریت داده شد تا به جاده اهواز- خرمشهر اعزام و با لشکر ۳ زرهی گارد ریاست جمهوری عراق مقابله کند.

این لشکر کاملا مسلح و باتجربه در مقابل تیپ حضرت زهرا(س) که حتی هر سه گردان زیرمجموعه آن کامل نبود، قرار گرفت. «گردان امام حسن(ع)» به فرماندهی شهید «سعید تراب»،«گردان امام حسین(ع)» به فرماندهی برادر جانباز «محمد اسماعیلی» و «گردان حضرت زینب(س)» به فرماندهی «حمیدرضا راستگو» زیر نظر و فرماندهی تیپ حضرت زهرا (س) یعنی سردار خادم در حالی وارد منطقه شدند که نمی‌دانستند خط مقدم دقیقا کجاست یعنی کجا باید با دشمن مقابله می‌کنند.اصلا کسی فکر نمی‌کرد عراق تا سه راه امام زمان (عج) پیشروی کرده باشد.

نیمه‌های شب بود که در منطقه «پادگان حمید» و «زید»، درگیری با لشکر ۳ زرهی عراق شروع شد. درگیری در منطقه استقرار دو گردان سمت راست جاده یعنی حمید و زید و گردان مستقر در سمت چپ جاده با دشمن آنقدر شدید و نزدیک بود که شلیک گلوله‌های «آر.پی.جی» روی تانک‌ها کارساز نبود و بعضی از تانک‌ها با پرتاب نارنجک به داخل آنها منهدم می‌شدند.

دیگر جنگ تن به تن شروع شده بود. نیروهای شجاع تیپ حضرت زهرا (س) مردانه جنگیدند و هر چند شمار زیادی از نیروهای اسلام همچون سعید تراب، حسین مرادی، جواد رسولی و... به شهادت رسیدند اما آنها ضمن وارد آوردن تلفات سنگین به لشکر ۳ زرهی عراق و حتی به هلاکت رساندن فرمانده آن لشکر که برادرزاده صدام بود، سبب شدند نیروهای بعثی تا پشت مرز پاسگاه زید عقب‌نشینی کنند. بنابراین هیچگونه الحاقی بین نیروهای عراقی مستقر در جناح‌های درگیری صورت نگرفت و اهواز از خطر سقوط رهایی یافت.

دراین عملیات، رزمندگان اسلام مردانه جنگیدند و شماری از آنها در رزمی نابرابر، مظلومانه شهید شدند. ولی آنچه برتری داشت تقوا و شجاعت رزمندگان دلیر تیپ حضرت زهرا (س) لشکر ۱۰ سیدالشهدا بود.

شهید محمدتقی خلج

لشکر ۱۰، دوم مرداد ٦۷ با سازماندهی تیپ‌های یکم و دوم به فرماندهی حمید تقی‌زاده و حاج عباس قهرودی، عملیات دیگری در شلمچه با نام «الغدیر» انجام داد. در آن عملیات «تیپ ۱۲» مکانیزه عراق منهدم و به سمت مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کرد. لشکر ۱۰ در آن عملیات با دادن کمترین شهید،شمار زیادی از دشمن را به هلاکت و شماری را هم اسیر کرد.



■ نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۲۶۹

بهترین حرفی که کسی می‌توانست بگوید این بود که از اوایل سال ۱۹۸۴، وضعیت در ساحل غربی و غزه نسبتاً آرام بود و غالب فلسطینیان تلاش می‌کردند که برای خود زندگی‌ای درست کنند و از دردسر اجتناب نمایند. اسرائیلی‌ها عموماً وضعیت بهترین داشتند و دوران آرامش را می‌گذراندند.

اما در ماه آوریل ۱۹۸۴، اقدام در مورد ربودن یک اتوبوس، نشان داد که سرویس‌های امنیتی اسرائیل نظرشان درباره مبارزان فلسطینی چیست. افراد مسلح دستگیر و با آنها مثل سوسک‌ها رفتار شد. کاری که آنها با ترسانیدن مسافران بی‌گناه اتوبوس مرتکب شده بودند، هولناک بود، اما سیستم اجرای عدالت در یک کشور آزاد نباید شامل وحشی‌گری‌هایی باشد که «شین‌بت» به آنها دست می‌زد.

در شب وقوع حادثه «اسحاق شامیر» نخست‌وزیر، که به خشونت معروف بود در جلسه حزب دست راستی لیکود حضور داشت. در سال ۱۹۸۳ «شامیر» جانشین «مناخیم بگین» شد که کناره‌گیری‌اش از کار به علت جنگی که او در پنهان آغاز کرده بود و نیز به خاطر مرگ همسر محبوبش، تسریع شده بود.

«شامیر» که خودش را برای پیروزی در انتخابات در تابستان سال ۱۹۸۴ آماده می‌کرد قصد داشت نشان دهد که در مسائل امنیتی به شدت سخت‌گیر است. حزبش به او هشدار داده بود که «شیمون پرز» رهبر حزب کارگر با تروریسم فلسطینی‌ها برخورد ملایمی دارد.

در حالیکه جلسه در جریان برگزاری بود «آوراهام شالوم» به «شامیر» تلفن کرد. «شالوم» مدیر «شین‌بت» بود که در ربودن «آدولف آیشمن»، بازدید اسرارآمیز از تأسیسات اورانیوم در پنسیلوانیا وحل و فصل مشکلاتی که بعد از دستگیری «جاناتان پولارد» به عنوان جاسوس با امریکایی‌ها پیش آمده بود مشارکت داشت.

نخست‌وزیر فکر می‌کرد که به احتمال زیاد می‌داند که موضوع صحبت تلفنی «شالوم» چه خواهد بود. «شین‌بت» در آستانه رویارویی با موضوعی آن‌چنان احساس بود که می‌توانست به جنگ با تمام جهان عرب منجر شود. در این مورد، تروریست‌های تحت تعقیب، یهودیان ساکن آبادیهای یهودی‌نشین بودند که مبارزاتی را برای کشتن سیاستمداران فلسطینی در ساحل غربی آغاز کرده و قصد داشتند مساجد بزرگ را در اورشلیم با بمب نابود کنند. اگر این توطئه به مورد اجرا گذارده می‌شد، مسلمانان سراسر جهان خشمگین می‌شدند؛ هر چند این تماس تلفنی درباره تروریست‌های یهودی نبود، زیرا «شامیر» به «شین‌بت» مجوز داده بود که خبرچین‌هایی را در میان آبادی‌نشین‌ها به کار بگمارد و مدتی بعد توطئه‌کنندگان را دستگیر کند.

«شالوم» در آن شب می‌خواست به «شامیر» گزارش بدهد که اتوبوس خط شماره ۳۰۰ که از تل‌آویو عازم جنوب بوده ربوده شده است. نگرانی آن بود که ربایندگان اتوبوس ممکن است مسافران را به نوار اشغالی غزه ببرند و از آنجا وارد صحرای سینا شوند که در سال ۱۹۸۲ کنترل آن در اختیار مصری‌ها قرار داده شده بود.

به «شامیر» همچنین اطلاع داده شد که به نظامیان دستور داده شده که اتوبوس را متوقف کنند. کوماندوهای «سایرت ماتکال» که در نجات گروگانها تخصص داشتند و تیم عملیاتی «شین‌بت» با عجله عازم محل حادثه شده بودند. نخست‌وزیر احساس آرامش خاصی داشت، زیرا فکر می‌کرد که مأمورین امنیتی خواهند توانست اقدامات لازم را به عمل آورند.

ادامه دارد

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجدجامعی در گفتگو با «خبرآنلاین»:

اخوان المسلمین عامل تضعیف خود بود





٭ اشاره:
شکست اخوان‌المسلمین در مصر، موقعیت و جایگاه اسلام سیاسی معاصر را – که بخشی از آن را اخوانی‌ها نمایندگی می‌کردند – با پرسش‌های متعددی روبرو کرد. زمانی برخی بر این باور بودند که اخوان‌المسلمین چون فضایی برای تنفس وارتقاء جایگاه سیاسی‌اش ندارد، قادر به گسترش دامنهٔ مانورش نیست، اما ساقط شدن اولین حکومت اخوانی که باانتخاباتی دمکراتیک روی کار آمده بود، ابعاد دیگری از ناتوانی و ضعف در اندیشه‌ها و مشی این جریان را آشکار ساخت. حال پرسش اینجاست که بااین کارنامه، آیا اخوان‌المسلمین می‌تواند بازهم محبوبیت گذشته را بدست آورد؟ خبر گزاری «خبر آنلاین» چشم‌انداز سیاسی و موقعیت اخوان‌المسلمین در آینده را در گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجدجامعی مورد بررسی قرار داد. دکتر مسجدجامعی می‌گوید: اخوان‌المسلمین با شکست اخیر، موقعیت خوبی در مصر ندارد و بعید است که در آیندهٔ نزدیک به یک موقعیت قابل قبول و قابل مقایسه با آنچه قبلا داشت، برسد. مشروح این گفتگو در پی از نظر خوانندگان گرامی روزنامه اطلاعات می‌گذرد.

٭٭٭

٭ در ابتدا با کودتای مصر آغاز کنیم. آیا اقدام نظامیان در ساقط کردن مرسی کودتا بود؟

٭٭ با توجه به شرایطی که مصر در هفته‌های اخیر داشته است، آنچه اتفاق افتاد عمدتاً نجات کشور از یک وضعیت بسیار بحرانی و خطرناک بود که ممکن بود به یک جنگ داخلی تمام عیار منجر شود. لذا کودتا در معنای مصطلح کلاسیک آن نبود. کودتا به این معنی است که گروهی از نظامیان (اعم از نظامیان یا متحدان غیر نظامیشان) درشرایط عادی با قهر و غلبه و با جنگ و خونریزی قدرت را قبضه کنند و برمراکز مهم کشور مسلط شوند. در واقع واژهٔ کودتا بیانگر چنین حالت و وضعیتی است. اگرچه بعضا کودتاهای بدون خونریزی هم وجود دارد، اما مهم اینست که گروهی حاکمیت مشروع و پذیرفته شده را به چالش می‌کشند، اما در مصر چنین حالتی نبود. کشور درشرایطی بسیار سخت و بحرانی ودریک کشمکش واقعاً اجتماعی بی‌سرانجام قرار داشت که در این میان ارتش به دلیل موقعیت و جایگاه خاص‌اش درجامعه وتاریخ مصر به عنوان نجات‌دهندهٔ کشور از آن وضعیت بحرانی مداخله کرد و کشور را از درگیری‌های مختلف نجات داد. عنوان کودتا در مورد بعثی‌ها درعراق علیه «عبدالرحمان عارف» یا کودتای «عبدالکریم قاسم» علیه نظام پادشاهی این کشور صدق می‌کند. در اینجا ارتش برای خروج کشور از بحران دخالت کرد وآن هم به درخواست گروه عظیمی که می‌توان آنهارا اکثریت دانست. مضافاً که بیش از ۲۲ میلیون نفر طوماری را برای برکناری مرسی امضا کرده بودند و این عدد بیش از آرایی بود که به وی داده شد. اما صرفنظر از همهٔ این نکات، بهتر این بود که وی استعفا می‌داد، نه آنکه ارتش او را برکنار کند. این به نفع اخوان، مصر و آیندهٔ این کشور بود. این نوع برکناری سابقه‌ای ناخوشایند برای آیندهٔ مصر خواهد داشت.

٭ آیندهٔ سیاسی اخوان‌المسلمین چه خواهد بود؟ با توجه به اینکه اخوان‌المسلمین چند ی پیش شرکت در هر انتخاباتی را تحریم کرد، آیا موقعیت این جریان تضعیف نخواهد شد؟

٭٭ اخوان‌المسلمین یک گروه وسیع القاعده است. بدین معنا که در میان توده‌های مذهبی مخصوصاً در مناطق روستایی و شهرهای کوچک هوادار دارند. نه به آن دلیل که آنها وابسته به این گروه هستند، بلکه به دلیل اینکه مردم به طور طبیعی اسلام را دوست دارند و اینان خودشان را نمایندگان اسلام معرفی کرده‌اند. به همین دلیل، اخوان دارای موقعیت و جایگاه است. واقعیت اینست که اخوان‌المسلمین در شهرهای بزرگ ودراقشار متوسط وتحصیل کرده نیز نفوذ قابل توجهی داشت، ولی در حال حاضر و بعد از تجربهٔ یکسالهٔ حکومتی، میزان نفوذ آنان درشهرهای بزرگ و در میان طبقهٔ متوسط، اقشار تحصیل کرده و دانشجویان بسیار کاهش یافته است و درنتیجه، موقعیت موجود اخوان‌المسلمین بعد از این تجربهٔ یکساله، غیر از موقعیتی است که در گذشته داشت. آنچه که به تضعیف اخوان المسلمین انجامید، سیاست‌های خود آنان بود. آنها در حالیکه ۵۱ درصد آرا را داشتند، به گونه‌ای عمل کردند که گویی اکثریت مطلق را دارند. در برابر همه ایستادند. از نظام قضایی گرفته تا مطبوعات و رسانه‌ها و حتی دانشگاه الازهر و فراموش کردند که رأی آنها در شهرهای بزرگ به مراتب کمتر از رقیب مرسی یعنی «احمد شفیق» بود. در نتیجه حتی گروه های اسلامی غیراخوانی هم به مخالفان‌شان تبدیل شدند. مشکل مهمتر، سرسختی آنها در برابر اعتراضات مردمی بود که در نهایت مرسی نه استعفا را پذیرفت، نه رفراندوم را و این یک اشتباه بزرگ بود؛ یعنی ایستادن در برابر خواست بخش عظیمی از مردم. اگر نظرات و مقالات منتقدان از اخوان را در ماه های اخیر بررسی کنیم، خواهید دید که عموم آنها از سیاست، یا به تعبیر خود آنها، لجاجت مرسی، عصبانی و بلکه بسیار عصبانی هستند. این بدان معنی است که اگرچه اخوان هم اکنون موافقانی دارد، اما مخالفان قسم خورده‌ای نیز دارد که عموماً تحصیل کردگان و جوانان هستند. در این شرایط، بسیار مشکل می‌توان گفت که نقش آنان در آیندهٔ مصر چه خواهد بود. چون مخالفان به هیچ عنوان آماده نیستند که حضور آنان را در صحنهٔ سیاسی تحمل کنند.

٭ برخی کارشناسان براین باورند که ایران باجریان اخوان‌المسلمین می‌تواند تعامل بهتری داشته باشد و دسته‌ای دیگر نیز براین باورند که حکومت سکولارهای معتدل در مصر به شکل بهتری منافع کشورمان را تأمین می‌کند و به لحاظ ایدئولوژیک، تضاد و تقابل مذهبی به وجود نخواهد آمد. به نظر شما کدام حکومت به شکل بهتری منافع ایران را تأمین می‌کند؟

٭٭ لازم است در ابتدا به نکته‌ای اشاره شود و آن اینکه رابطهٔ احزاب اسلامی، هنگامی که در قدرت باشند باما چگونه خواهد بود و اصولاً چگونه می‌تواند باشد. به دلایل مختلف این رابطه چالش برانگیز است و بین دو حد رقابت و خصومت، وبلکه خصومت مطلق، نوسان می‌کند. اینکه چرا چنین است و اینکه آیا اراده و تصمیم قدرت به دستان را در این میان سهمی هست، یا چه می‌توان کرد که این مشکل حاد نشود، بحث دیگری است که عمدتاً ابعاد ژئوپولیتیک دارد. مسئله آنچنان نیست که خوش‌بینانه می‌انگارند که صرف اسلامی بودن، آنها را در کنار ما قرار می‌دهد. بسیاری ازاین گروهها تاقبل ازبه قدرت رسیدن درکنار ما بودند، امااین وضع، دلایل خاص خود را داشت. پس از رسیدن به قدرت، موضعشان نسبت به ما به کلی تغییر کرد و این مساله حتی موجب شد موضع احزاب اسلامی که در قدرت نیستند نیز نسبت به ما تغییر کند. اما در مورد سئوال، هر رژیم و حکومتی که بر مصر حاکم باشد (اعم از مبارک، مرسی، حکومت انتقالی یا حکومت منتخب آینده) مجبور است درچارچوب منافع، مصالح و واقعیت‌های ژئوپولیتیک این کشور عمل کند. البته این منافع ومصالح، متناسب با گرایش‌های رژیم حاکم وجاذبه و دافعه‌ای است که دراطراف خود و به ویژه در جهان عرب می‌آفریند، تااندازه‌ای تغییر می‌کند. لذا رابطه ما با مصر به عکس آنچه اغلب می‌پندارند، از حد معینی تجاوز نمی‌کند و نمی‌تواند تجاوز کند. چنین نیست که نزدیکی ایران و مصر، چنانچه برخی می‌پندارند، می‌گویند و می‌نویسند، زمین و زمان را دگرگون کند. این نزدیکی در بهترین شرایط هم دارای محدودیت های زیادی است، اما باید گفت که هر مقدار منطق روابط دوجانبه به دور از پیش داوری‌های تاریخی و تعصب‌های مذهبی باشد، به نفع ماست.

٭ در این میان چه عواملی بیشترین تأثیر را برشکل دهی به روابط طرفین و منافع آنها دارند؟

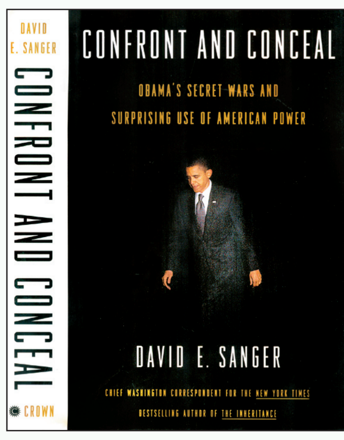
٭٭ مسئله همانست که گفته شد. اولاً منافع ژئوپولیتیک ما و مصر در نقاط فراوانی دراصطکاک و تعارض است. از مسائل مربوط به امنیت خلیج فارس و شیخ‌نشین‌هایش وحکومت سعودی گرفته تا مسئلهٔ فلسطین و اسراییل وخاورمیانهٔ عربی که سوریه کنونی نمونهٔ آنست؛ تا موقعیت مصر در جهان عرب و تعارض‌های مختلف این مجموعه باما، وتاموقعیتش درجهان اسلام واحساس بالقوه‌اش مبنی براینکه پایگاه اصلی اسلامی است. با توجه به این نکات باید گفت در شرایط کنونی ما با گروه های غیر اسلامی بهتر می‌توانیم کار و همکاری کنیم. آنها به لحاظ مواضع سیاسی، چه منطقه‌ای و چه بین‌المللی، به ما نزدیکترند. دربین گروه‌ها و شخصیت‌های اسلامی درکل جهان مسلمان و جهان عرب، شاید هیچ کدام از آنها آن مقدار که اخوان‌المسلمین عملاً علیه ما و متحدان ما موضع گرفتند و حرف زدند، موضع نگرفتند. متأسفانه اینها نادیده گرفته می‌شود. مثلاً «قرضاوی» را به عنوان معتبرترین عالم اخوانی درنظر بگیرید. اگر حرف‌ها و اظهارنظرهای ایشان را در این مدت دنبال کنید، با هرعالم سنی دیگر مقایسه کنید، کم و کیف اظهارات ضدایرانی، ضدحزب‌الله و ضد سوری وی از هر عالم دیگری به لحاظ کمی، بیشتر و به لحاظ کیفی، قوی‌تر بود. چنانکه مواضعی که شخص مرسی عملاً علیه ما داشت، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، ازهر رییس جمهور دیگری در دنیای عرب بیشتر بود. همین آقای قرضاوی بود که در حج سال گذشته به حاجیان توصیه کرد که به سه کشور ایران، روسیه و چین نفرین کنند و هم او بود که حزب‌الله را حزب الشیطان نامید و هم او بود که گفت اشتباه کرده که از حزب‌الله در جریان جنگ ۳۳ روزه با اسراییل دفاع کرده است در حالیکه عالمان سعودی پخته‌تر از او عمل کرده بودند و حزب الله را فقط مجموعه‌ای گمراه می‌دانستند. امکان نداشت در دنیای عرب هیچ رییس دولتی نامه‌ای را که مرسی به پرز نوشت، بنویسد. علیرغم اعتراضات فراوان، از نوشتن آن پوزش نخواست. همچنین هیچ رییس جمهوری این مقدار جسور نیست که از حکومت ما به عنوان «رژیم روافض» نام ببرد. این یک توهین بسیار بزرگ است و نمی‌دانم دراین رابطه اعتراضی شده یا نه؟ مضافاً که پس از برکناری مرسی، مقامات اسرائیلی صریحا گفتند که رابطه بسیار نزدیک وسازنده ای باوی داشته اند. گذشته ازهمه اینها، مشکل بزرگ این بود که آنها می‌کوشیدند اختلافات سیاسی شان را با ما در چارچوب مذهبی و با سابقه مذهبی مطرح کنند. عملا اصلی ترین گروهی که کوشید مشکل سوریه را از شکل اعتراض به فساد و دیکتاتوری نظام حاکم درآورد و به آن صرفا رنگی طائفی و مذهبی بخشد، اخوان بود. آنان و همدستانشان بودند که غربیان وحتی اعراب را تحریک کرده و راه را برای ورود گروه های تکفیری و به تعبیر خودشان، جهادی، بازکردند.

٭ پس چرا اینگونه القاء می‌شود که ایران می‌تواند رابطهٔ بهتری با اخوان‌المسلمین داشته باشد؟

٭٭ این ناشی از یک سلسله اشتباهات تصوری است که در ایران وجود دارد. اول اینکه تلقی شان اینست که گروه های اسلامی حتماً ضداسراییلی و ضدغربی هستند که این کلاً اشتباه است. کسی که در محیط های عربی کار کرده و احزاب اسلامی آنها را از نزدیک می‌شناسد، می‌داند که ضدآمریکایی بودن عموم آنها، تا آنجایی است که آنها را نمی‌پذیرند و به رسمیت نمی‌شناسند. اگر چنین شود، آنان نه تنها همکار، بلکه مطیع آمریکایی ها می‌شوند.

این جریان را دلایل متعددی است که از آن درمی گذریم. نکتهٔ دیگر اینکه اصطلاحاتی چون لائیک و ملی گرا، ازدریچهٔ تلقی ایرانی‌اش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تصور می‌کنند لائیک و ملی گرای مصری همچون لائیک و ملی گرای ایرانی است. بدون شک شباهت‌هایی وجود دارد، ولی در نهایت دو گونهٔ کاملا متفاوت هستند. در دو بستر تاریخی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی متفاوت شکل گرفته‌اند و نسبت‌شان با دین و واقعیات دینی یکسان نیست. درست است که آنان ضداخوان هستند، اما ضداسلام نیستند. اکثر قریب به اتفاق آنان به اسلام علاقه‌مند و حتی به آن عاملند. این سخن حتی در مورد هنرمندان و هنرپیشگان و بازیگران آنها نیز صحیح است. مضافاکه درحال حاضر گروه های فعال غیراسلامی موجود در مصر، دارای گرایش‌های ترقی‌خواهانه، ناسیونالیستی و ناصری و تا حدودی دارای گرایش های ضداستعماری و به ویژه ضداسراییلی هستند. بدین جهت آنان به لحاظ سیاسی به ما نزدیکتر هستند.

رویارویی و پنهانکاری



نوشته: ■ دیوید سَنگر
مترجم: ■ منوچهر بیگدلی خمسه
۸۹

اما البته مطالب فراتر از این بود. آرکیو ـ ۱۷۰ پهپادی بود که آمریکایی ها هفته‌ها بدون تشخیص داده شدن برفراز ابیت‌آباد پرواز می‌دادند و الگوهای زندگی در پیرامون بن لادن در پاکستان را ثبت می‌کردند. پس از افشای رادارگریزی این نوع هواپیما به دنبال شبیخون به بن‌لادن، مقاماتی چون جیمز کلپر، رئیس اطلاعات ملی به خشم آمدند ـ تا حدی به علت اینکه می‌دانستند فقط مدتی زمان لازم است تا پاکستانی‌ها و ایرانی‌ها دریابند که پس چطور آن را به کار می‌گیرند. این تازه کوچکترین مسأله آرکیو ـ ۱۷۰ کلپر بود.

به زعم یک مقام ارشد اطلاعاتی که گزارش کامل حادثه را دریافت کرد، این پهپاد قرضی ضمن پرواز برفراز گوشه‌ای دور افتاده از ایران دچار نقص فنی در حسگر سرعت شد. وی گفت: «گزارش نشان می‌داد که هواپیما ساعتی ۱۵۰۰ مایل را طی می‌کرد»، این مقام در رقم واقعی مبالغه می‌کرد (رقم واقعی هرگز فاش نشده است). یک سیستم خودکار معیوب شد، فرمان‌های خلبان‌هایی را که از راه دور پهپاد را هدایت می‌کردند، نخواند و هواپیما را خیلی آرام در یک ناحیه چراگاهی کم جمعیت ایران برزمین نشاند.

کنترل کننده‌ها با وحشت به یکدیگر نگاه کردند. آنها با درماندگی تماشا می‌کردند که یکی از سری‌ترین هواپیماهای آمریکایی، تقریباً سالم و پوشیده با مواد خاصی که به آن قابلیت جذب سیگنال‌های رادار می‌داد و مانع تشخیص هواپیما می‌شد، وسط گلهٔ بزها نشسته است.

یک مقام نظامی بعدها به من گفت: «قبلاً چنین اتفاقی، حداقل در محلی که ما نگران از دست دادن پهپاد لعنتی بودیم، واقعاً روی نداده بود. می‌شد تقریباً شنید که آن آدم‌ها فریاد می‌کشند [آه، لعنت، حالا دیگر گندزدیم].»

از رئیس جمهوری سؤال شد که حالا چه باید کرد. آیا یک تیم سیل می‌فرستید تا هواپیما را نجات دهد؟ یک مقام ارشد با یادآوری فاجعهٔ معروف «صحرای یک» [واقعهٔ طبس] که جیمی کارتر در سال انتخابات کوشید گروگانها را از ایران نجات دهد، گفت: «چند نفر از ما حدود ۳۰ سال پیش را به خاطر آوردیم. نباید چنین اتفاقی می‌افتاد.»

از انداختن بمبی روی پهپاد سقوط کرده حرف زدند، اما معلوم شد که مادهٔ جذب کنندهٔ رادار در دمای فوق‌العاده بالا ذوب می‌شود. متخصصان پهپاد بیم داشتند که حتی بقایای آن برای روس‌ها یا چینی‌ها قابل استفاده باشد.

اوباما تصمیم گرفت که بهترین کار عدم اقدام به هرگونه عمل است، و مدتی کوتاه بعضی از مقامات به این امید بودند که هیچ یک از چوپان‌های محلی هواپیما را پیدا نخواهند کرد، یا اهمیت آن را نخواهند فهمید. این استراتژی در ظرف چند روز به شکست انجامید و پهپاد رادار گریز از خیابان‌های تهران سر درآورد و به زودی نماد تبلیغات تلویزیونی شد، که نشان می‌داد ایران از سوی یک نیروی هوایی بدون سرنشین اعزامی توسط شیطان بزرگ تحت مراقبت دایمی است.

وقتی که اوباما مبارزات انتخاباتی خود را آغاز کرد، کاخ سفید به تأکید اعلام داشت که پیش از این هیچ رئیس جمهوری هرگز اینهمه ایران را در تنگنا قرار نداده است.

دانیلون تاکید کرد که «بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ایرانی‌ها در تاریخ خود اینهمه در انزوا نبوده‌اند.» این گفته احتمالاً درست بود؛ تحریم‌ها ورود کشتی‌های ایران به بندرهای خارجی، سوختگیری هواپیماهای ایرانی در خارج، جذب سرمایه برای استخراج نفت و حتی انجام معاملات معمولی بانکی را دشوار کرد. تورم از کنترل خارج می‌شد و پول ایران تنزل ارزش پیدا می‌کرد.

ادامه دارد

تعیین مجازات جدید برای مه‌آفرید و همکارانش

سرویس خبر: قاضی رسیدگی کننده به پرونده فساد بزرگ مالی، گفت: گزارش‌هایی که بعداز رسیدگی به پرونده فساداز گمرک رسید، در دادسرا در حال رسیدگی است و بعد از صدور کیفرخواست، پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

قاضی ناصر سراج در گفتگو با ایسنا، درباره اجرای احکام مرحله اول رسیدگی به پرونده فساد بزرگ مالی که در آن مجازات‌هایی نظیر حبس، انفصال از خدمت، جزای نقدی و اعدام تعیین شد، افزود: این احکام به‌ویژه در رابطه با مسائل پولی و مالی در دادسرا در حال اجرا است و کسانی هم که محکوم شده‌اند، در حال تحمل کیفر هستند.وی درباره گزارش‌هایی از گمرک که بعد از رسیدگی به پرونده فساد مالی در رابطه با تخلفات گروه امیرمنصور آریا به دست آمد، اضافه کرد: این گزارش‌ها در دادسرا در حال رسیدگی است که پس از رسیدگی، کیفرخواست صادر شده و پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

او ادامه داد این گزارش‌ها در رابطه با مسائل گمرک و قاچاق است که جداگانه برای آن کیفرخواست صادر می‌شود و موضوعی گمرکی است، ولی آنچه که در ابتدا با آن رسیدگی شد بحث اخلال در نظام اقتصادی کشور بود.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا در صورتی که رسیدگی به موضوع گزارش‌های گمرک منجر به صدور حکم شود این موضوع در حکم قبلی «مه‌آفرید» و همکاران او مؤثر است یا نه؟ گفت: در این رابطه حکم جدیدی صادر و طی آن نقش هرکس مشخص می‌شود و به تناسب نقش افراد برای آنها مجازات تعیین می‌شود.او همچنین گفت که رسیدگی به تخلفات متهمان بانک‌های صادرات و ملت هنوز آغاز نشده است.

کشف سومین معدن طلای آذربایجان غربی در پیرانشهر

پیرانشهر ـ معاون امور معدن و اکتشافات معدنی اداره کل صنعت؛ معدن و تجارت آذربایجان غربی گفت: سومین معدن طلای این استان در شهرستان مرزی پیرانشهر کشف شده است.اکبر طاهری اظهار داشت: این معدن در منطقه‌ای به مساحت ۳۶ کیلومتر مربع و در ۱۲ کیلومتری شرق پیرانشهر در منطقه خرابه شناسایی و کشف شده است.وی افزود: براساس اکتشاف به عمل آمده ذخیره احتمالی این معدن ۱۹۶ هزار و ۲۲۴ تن و ذخیره قطعی آن نیز ۹۸ هزار و ۲۱۲ تن با عیار طلای ۳۸ گرم در تن برآورد شده است.

مهار آتش‌سوزی در پارک ملی بموشیراز

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: آتش‌سوزی پارک ملی بموشیراز باتلاش نیروهای محیط زیست، منابع طبیعی، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی مهار و اطفا شد.ابراهیمی کارنامی، مدیرکل محیط زیست فارس گفت: این حریف که تا نیمه‌های شب ادامه داشت، ۳۰۰ هکتار از پوشش گیاهی منطقه را فراگرفت و از بین برد.او افزود: به منظور برآورد خسارات ناشی از آتش‌سوزی تیمی تشکیل شده است.

گشایش ۱۴ طرح صنعتی و عمرانی در گیلان با حضور رئیس جمهوری



سرویس شهرستانها ـ رئیس‌جمهوری اسلامی ایران صبح دیروز در استان گیلان چندین طرح بزرگ صنعتی و عمرانی را افتتاح کرد.

دکتر احمدی‌نژاد در ابتدای ورود به فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل رشت؛ مورداستقبال کیهان هاشم‌نیا استاندار گیلان؛ آیت‌الله زین‌العابدین قربانی نماینده ولی‌فقیه و سایر مسوولان ارشد استان قرار گرفت.

در سفر دیروز رئیس‌جمهوری به استان گیلان بطور همزمان ۱۴ طرح صنعتی و عمرانی و ۱۶ هزار واحد مسکن مهر به بهره‌برداری رسید.

دو طرح برق‌رسانی و یک بیمارستان در رودبار نیز از جمله طرح‌هایی هستند که در سفر یکروزه رئیس‌جمهوری به گیلان افتتاح شدند.

برای بهره‌برداری از این پروژه‌ها ۱۱ هزار و ۹۰۸ میلیارد ریال هزینه شده است.

سخنان رئیس جمهوری

رئیس‌جمهوری گفت: ایران اسلامی امروز کانون پیشرفت؛ اندیشه و سازندگی شده است.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در مراسم افتتاح همزمان چندین پروژه بزرگ عمرانی و صنعتی در رشت افزود: امروز همه اندیشه‌ها برای ساختن ایران باید متّحد باشد و همه با همفکری به عمران و آبادانی ایران عزیز باید بیندیشیم. رئیس‌جمهوری با بیان این‌که عده‌ای زیاده‌خواهان و آدم‌های کوچک می‌خواهند فکر ملت ایران را از ساختن دور کنند؛ افزود: زمانی در همه خانه‌ها آثار مصنوعات ایرانی و فرهنگ ایرانی وجود داشت و کتب دانشمندان ایرانی در مراکز علمی جهان استفاده می‌شد و اکنون یک همت جمعی لازم است تا به جایگاه شایسته ایران در دنیا برسیم.

وی با اشاره به درخواست مردم گیلان در سفرهای استانی برای رفع موانع توسعه صنعت در این استان افزود: با بالارفتن استانداردهای صنعتی؛ این موانع برداشته شده و می‌بینیم گیلان به سرعت در مسیر صنعتی‌شدن در حرکت است.

دکتر احمدی‌نژاد سرعت توسعه صنعتی گیلان را بسیار خوب و شتابان خواند و گفت: مجموعه کاشی و سرامیک که امروز افتتاح شد، جزو پیشرفته‌ترین کارخانه‌های کاشی دنیاست که به صورت خودکار انواع کاشی و سرامیک موردنیاز کشور را با نقش و نگار ایرانی و بزودی نقش و نگار گیلانی تولید می‌کند.

رئیس‌جمهوری به پروژه مجتمع ذوب‌آهن فولاد نیز اشاره کرد و گفت: پروژه ذوب‌آهن از جمله صنایع سنگین و سخت است که امروز راه‌اندازی شده است و بزودی به ظرفیت اسمی تولید خود می‌رسد. وی با اشاره به سد آیت‌الله بهجت فومنی که آماده بهره‌برداری است؛ گفت: طرح‌های بسیاری در بخش کشاورزی؛ برنج و حوزه شیلات مانند طرح پرورش ماهی در قفس در گیلان انجام شده است که کارهایی بسیار بزرگ و درخشان هستند.

مجتمع ذوب‌آهن فولاد باظرفیت تولید سالانه ۷۰۰ هزار تن شمش فولادی از بزرگترین طرح‌های تولید فولاد بخش خصوصی کشور است که با سرمایه‌گذاری ۱۸۰۰ میلیارد ریال و اشتغالزایی ۵۰۰ نفر در شهر صنعتی رشت ساخته شده است.

طرح توسعه کاشی هم با سرمایه‌گذاری ۴۲۰ میلیارد ریال اجرا شده و ظرفیت تولید سالانه ۴ میلیون متر مربع کاشی و سرامیک را دارد.

رئیس قوه قضائیه:
اسلام منادی واقعی حقوق بشر است

سرویس خبر: غربی‌ها تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا یک نظام حقوق بشری را به تمام دنیا تحمیل و دیکته کنند، اما در صورت تبیین درست حقوق بشر از سوی نظام‌های دینی، مدعیان حقوق بشری که اخلاق را نسبی می‌دانند یا قبول ندارند یا آن را مقوله‌ای کاملاً اجتماعی می‌دانند نمی‌توانند عرض اندام کنند.

آیت الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه درمراسم افتتاح ساختمان جدید ستاد حقوق بشر که با حضور وزیر امورخارجه و در جمع اعضای این ستاد برگزار شد، با بیان این مطلب،رفتارهای دوگانه مدعیان حقوق بشر را کاملاً برملا شده دانست و اظهارداشت: غربی‌ها به اسم حقوق بشر و آزادی، ظلم مضاعفی نسبت به بسیاری از ملت‌ها روا می‌دارند و در گزارش‌های حقوق بشری خود موارد خلاف واقع را منتشر می‌کنند و مسلمانان باید با تقویت مبانی نظری و عملی در برابر مظلومیت حقوق بشری خود دفاع کنند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تشریفات قوه قضاییه، وی با اشاره به اهمیت دفاع و مقابله با هجمه‌های تبلیغی غرب علیه حقوق بشر اسلامی گفت: دفاع از کیان اسلام در برابر هجمه‌های حقوق بشری غرب جهادی عظیم در راه اسلام است.

وی بی‌توجهی به حقوق مردم بحرین و شرایط پیش آمده در مصر را نمونه‌هایی از رفتارهای متناقض غرب در برابر حقوق بشر و آزادی و رعایت لوازم و مسیر دمکراسی بر شمرد و سپس به ادعاهای غرب علیه وضع حقوق بشر در ایران اشاره کرد و گفت: هجمه علیه ایران بر اساس بنیان‌های غلط است، آنان برخی احکام اعدام در ایران را در حالی محکوم می‌کنند که محکومان از افرادی هستند که علیه مردم بی‌گناه و مردمان و کودکان سلاح کشیده و فضا را ناامن کرده‌اند یا از طریق مواد مخدر افراد جامعه را آلوده می‌کنند.

آیت‌الله آملی لاریجانی توجه به تبیین مسأله حقوق بشر در جوامع اسلامی را بسیار مهم ارزیابی کرد و گفت: در ادیان آسمانی به ویژه اسلام کرامت انسانی و توجه به حقوق انسان‌ها بسیار قابل توجه است و در واقع اسلام منادی واقعی حقوق بشر بوده است.

وی تأکید کرد: متأسفانه غربی‌ها با استفاده از جنبه‌های تبلیغاتی و اختاپوس رسانه‌ای خود از حقوق بشر علیه کشورهایی که در خط سیاسی آنها نیستند استفاده می‌کنند و حتی با استفاده از مراکز و بنیادهای علمی و پژوهشی نیز سعی دارند مبانی حقوق بشری خود را به جهان تحمیل کنند در حالیکه به لحاظ تئوری بدون پشتوانه‌های لازم و از بعد عملی دارای رفتارهای دوگانه در این زمینه هستند.

او با اشاره به اعلامیه حقوق بشر، چالش بزرگ این اعلامیه را که نشانگر تناقض‌های فلسفی و نظری حقوق بشر غربی است، نگاه سطحی به موضوع کرامت انسانی اعلام کرد.

حقوق بشر بهانه است

دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه نیزدراین مراسم گفت: غرب اساسا اسلامیت نظام را هدف گرفته و طرح اتهامات حقوق بشری به کشورمان بهانه است.

دکتر محمد جواد لاریجانی افزود: نوعی تلقی از مسائل حقوق بشر، تلقی سیاستمداران غربی است که در این تلقی حقوق بشر صرفا یک عنوان ابزاری است که باید به کمک آن راه را برای سلطه غرب برکشورها و ملت‌های مورد نظر هموار کنندو از این طریق اعمال زور و روش‌های غیرانسانی خود را مشروعیت دهند.

وی افزود: کشوری مانند ایران با بزرگترین دموکراسی درمنطقه که از لحاظ نرم‌های قضایی، کم نظیر و از لحاظ میزان آزادی‌های مدنی و سیاسی که در آن یافت می شود در کل خاورمیانه بی نظیر است، فقط به خاطر ایستادگی قاطع در برابر زیاده خواهی‌های غرب، ۳۵ سال است که آماج حملات حقوق بشری است.

ارسال پرونده گروهک تروریستی اخلالگر در انتخابات به دادگاه

سرویس خبر: رئیس دادگستری استان سیستان و بلوچستان درباره آخرین وضع پرونده گروهک تروریستی اخلالگر انتخابات گفت: اعضای این گروهک تروریستی که قصد ورود به کشور را داشتند در همان بدو ورود دستگیر شدند و اکنون این پرونده از دادسرا به دادگاه ارسال شده است.

حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی اظهار داشت: متهمان اصلی این پرونده متواری‌اند و به زودی آن‌ها نیز دستگیر و تحویل مقامات قضایی می‌شوند و در حال حاضر این پرونده دو متهم دارد.

رئیس دادگستری استان سیستان و بلوچستان اضافه کرد: با توجه به وضع امنیتی استان و رصد اطلاعات از گروهک‌های تروریستی، زمینه فعالیت‌ها و حرکات این گروهک‌ها کاهش یافته است و بسیاری از آن‌ها شناسایی شده و تحویل دستگاه قضایی شده‌اند.

سرقت ۳۰۰میلیون تومانی نظافتچی زن از خانه‌های مردم

سرویس حوادث: خدمتکاری که در پوشش نظافتچی، طلاهای ۱۲نفر از شهروندان تهرانی به ارزش ۳۰۰میلیون تومان را به سرقت برده و سپس با همکاری همسرش اقدام به فروش این اموال کرده بود، درحالی که قصد استخدام دریک شرکت خدماتی را داشت بازداشت شد.

شاکی پرونده به بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه دوم تهران گفت: از طریق آگهی، با یکی از شرکت‌های خدماتی تماس گرفتم و درخواست نظافتچی خانم کردم و آنها نیز یک خانم نسبتا جوان برای انجام امور خدماتی و نظافت برایم فرستادند و از فردای آن‌روز این زن برای انجام نظافت به خانه ام رفت و آمد داشت تا این‌که دریافتم او طلاهایم را به سرقت برده است. با ارسال پرونده شاکی به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران عده‌ای دیگر از شکاتی که به همین شیوه مورد سرقت قرار گرفته بودند، شناسایی شدند و معلوم شدکه سارق آنها نیز یک زن است. با انجام چهره‌نگاری و بهره‌گیری از بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار نزد پلیس هویت این نظافتچی به نام رقیه که دارای سابقه سرقت از خانه بود شناسایی شد تا این‌که چندی قبل هنگامی که رقیه با مراجعه به دفتر شرکت خدماتی در منطقه آریاشهر قصد داشت به عنوان نیروی خدماتی در این شرکت استخدام شود، با حضور کارآگاهان دستگیر شد. رقیه در بازجویی با اعتراف به سرقت طلا و جواهر و اموال با ارزش از منازل مالباختگان، همسرش را به عنوان همدست خود معرفی کرد.به گفته سرهنگ محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران با اشاره به ارزش ۳۰۰ میلیون تومانی این پرونده، گفت: تاکنون ۱۲ مالباخته شناسایی شده‌اند و شهروندانی که به این شیوه از آنها سرقت شده است، می‌توانند برای طرح شکایت به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران در خیابان آزادی، خیابان زنجان شمالی مراجعه کنند.

دستگیری عاملان کلاهبرداری تلفنی از یک پزشک فوق تخصص

سرویس شهرستانها ـ فرمانده انتظامی استان سمنان از شناسایی و دستگیری اعضای یک شبکه کلاهبرداری تلفنی که در آخرین اقدام مجرمانه خود ۲۵۰ میلیون ریال از یک خانم دکتر فوق تخصص در گرمسار سرقت کرده بودند، خبر داد. سردار محمدرضا میرزایی افزود: یک خانم دکتر فوق‌تخصص از کلاهبرداری و سرقت از عابر بانکش به پلیس آگاهی شهرستان گرمسار شکایت کرد. وی گفت: فردی در تماس تلفنی با این دکتر خود را مدیرعامل یک شرکت دولتی معرفی و اعلام کرد جمعی از کارکنان این شرکت؛ برای ویزیت به آن مطب معرفی می‌شوند و برای انعقاد قرارداد با شرکت نیاز فوری به داشتن اطلاعات حساب عابربانک خانم دکتر است.او اضافه کرد: این دکتر نیز کارت عابر بانک خود را همراه رمز آن به منشی داد و با دادن اطلاعات حساب کارت به کلاهبردار؛ سرقت ۲۵۰ میلیون ریالی از حساب خانم دکتر رقم خورد. فرمانده انتظامی استان سمنان افزود: عاملان این کلاهبرداری که سه نفر اهل یکی از شهرستان‌های استان کرمان بودند، شناسایی شدند.وی ادامه داد: پس از هماهنگی‌های لازم و اخذ نیابت قضایی؛ تیم ویژه‌ای از مأموران به شهرستان رفسنجان اعزام شد و در عملیاتی ضربتی هر سه متهم دستگیر شدند.سردار میرزایی گفت: در تحقیقات بعدی مشخص شد؛ سردسته این شبکه کلاهبرداری است که در ندامتگاه قزلحصار تهران دوران حبس را می گذراند.هر چهار عضوشبکه به مرجع قضایی تحویل شدند.

بازداشت ۹۷ نفر از اراذل و اوباش تهران



سرویس حوادث: رئیس پلیس تهران با اشاره به استمرار دستگیری اوباش، سارقان، زورگیران، مزاحمان به عنف و نوامیس مردم و معتادان و خرده فروشان موادمخدر در راستای طرح های امنیت محله محور، از دستگیری ۹۷ نفر از اراذل و اوباش و سارقان زورگیر در عملیات شبانه پلیس خبر داد.

سردار حسین ساجدی‌نیا اظهار داشت: پلیس پایتخت بنا به درخواست شهروندان، پریشب و بامداد دیروز در یک عملیات مشترک با پلیس آگاهی و امنیت در مناطق غرب، مرکز و جنوب غرب این افراد را دستگیر کرد که پس از بازجویی به مراکز قضایی معرفی می‌شوند.

به گفته رئیس پلیس تهران این افراد جرائمی از جمله سرقت، اوباشگری، خرید و فروش موادمخدر، مزاحمت برای نوامیس مردم و زورگیری در پرونده خود دارند و مردم پایتخت بدانند که پلیس قاطعانه طرح های امنیت اجتماعی را اجرا می کند تا رضایت مردم در این حوزه جلب شود.

او در خصوص استمرار فروش داروهای نایاب و قاچاق در خیابان ناصرخسرو گفت: برای برخورد با این موضوع به زودی طرحی را در این منطقه اجرا می کنیم.

سردار ساجدی نیا با بیان اینکه طرح های مقابله با خرده‌فروشان موادمخدر درچند مرحله اجرا شده است، افزود: پس از پاکسازی مناطقی از جمله بازار، فرحزاد و محله هرندی و حاشیه بزرگراه چمران ماموران در این مناطق مستقر هستند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

تبدیل باغ به برج ۱۶ طبقه

علیرغم اینکه شهرداری منطقه ۵ اراضی بسیار و درآمد زیادی ناشی از فروش آنها دارد، اما حتی به یک باغ واقع در انتهای بلوار فردوس، خیابان بهارشمالی هم رحم نشده و ناگهان تابلوی احداث برج ۱۶ طبقه درجلوی این باغ نصب شده است! نکته درخور توجه، تعدد اراضی خالی در اطراف باغ و یا مجتمع‌های بزرگ در دست ساخت است که زمین آن‌ها متعلق به شهرداری بوده است.

از سوی دیگر به دلیل ساخت مجتمع های پر واحد در آینده، منطقه با تراکم و ازدحام بیش از حدی مواجه خواهد شد. با چنین چشم اندازی به جای اینکه شهرداری با خرید باغ یاد شده و تبدیل آن به پارک و فضای سبز در فکر آسایش و سلامت ساکنان محل باشد، مجوز تبدیل این باغ بکر به منطقهٔ مسکونی و آن هم به ۱۷۶ واحد صادرکرده است!

بیگی ـ از اهالی محل

انتقاد از نرخ گذاری کرایه تاکسی‌ها

همه ساله در تهران نرخ گذاری کرایه‌های خطوط تاکسیرانی به نحوی انجام می‌شود که بازندگان آن مسافران هستند!

امسال نیز در ادامه این وضع، نرخ‌ها به گونه‌ای تعیین شدکه حتی صدای استانداری تهران را هم در اورد. به نحوی که به طور مثال کرایه خط ونک به مترو حقانی به مسافت کمتر از ۱/۵ کیلومتر ۷۰۰ تومان تعیین شده است!

نرخ تاکسیمتر نیز به گونه‌ای تعیین می‌شود که در صورت استفادهٔ بین مسافران و رانندگان درگیری به وجود می آید و نرخ‌های نجومی به ثبت می‌رسد.

علاوه بر اینها، در برخی از خطوط رانندگان تاکسی به بهانه نداشتن پول خرد، بقیه کرایه را به مسافران بر نمی گردانند و عملاً درصدی نیز به این شکل به کرایه‌ها اضافه می‌کنند.

امیدواریم شورای شهر تهران در دوره جدید فعالیت‌هایشان نسبت به این موضوع بی توجه نباشد.

مسافرتاکسی

دقیق بودن بانک مرکزی!

مسئولان بانک مرکزی نرخ ارز مبادله‌ای را ۲هزارو ۴۷۹ تومان و ۹ ریال اعلام کرده‌اند. این کار به این معنی است که مسئولان بانک مرکزی خیلی دقیق عمل می‌کنند و حساب خرده‌ها را نیز دارند! لطفاً به مسئولان بانک مرکزی بگوئید مردم پول خرد ندارند، نرخ ارز مبادله‌ای را ۲ هزارو ۵۰۰ تومان اعلام کنید!

تلفن به خط ارتباطی

سهام عدالت برای مددجویان کمیته امداد

به تازگی زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار گرفته‌ام. سؤالم از مسئولان این سازمان این است که آیا می‌توانم برای گرفتن سهام عدالت اقدام کنم و اگر پاسخ مثبت است، باید به کجا مراجعه کنم؟

مهدی شهرودی

موعد پرداخت قبوض و یارانه‌ها

یکی از علل اولیه پرداخت یارانه‌ها، جبران حذف یارانه‌های دولتی از روی قبوض مصرفی آب، برق و گاز بوده است. قبوضی که قبلاً به صورت ۲ ماه یک‌بار صادر می‌شد، با پرداخت یارانه‌ها به صورت ماهیانه برای مشترکان ارسال می‌شود و با تأخیر در پرداخت یارانه‌ها در اغلب موارد موعد پرداخت قبوض نیز سر می‌رسد و باعث مشکلاتی برای مردم می‌شود. از مسئولان ستاد هدفمندسازی یارانه‌ها انتظار می‌رود با توجه به این مورد، یارانه‌ها را در اوایل هر ماه بپردازند.

اصفهان ـ یک شهروند

افزایش کرایه تاکسی‌ها

رانندگان خط تاکسیرانی شهرک قائم ـ تجریش، کرایه دریافتی از مسافران را از ۳۲۵ تومان به ۵۰۰ تومان افزایش داده‌اند. از مسئولان سازمان تاکسیرانی تهران سؤال می‌شود که آیا همچنان مدعی هستند که ۲۰ درصد به نرخ کرایه تاکسی‌ها افزوده شده است؟

مسافر تاکسی

واژگان زنده در جدول‌ها

به طراح جدول‌های روزنامه اطلاعات پیشنهاد می‌شود که از واژگان زنده فارسی در طراحی جدول‌ها استفاده کند؛ لغاتی که ریشه در فرهنگ غنی فارسی دارد و پویایی آنها باعث ارتقاء سطح فرهنگ عمومی خوانندگان می‌شود. به عنوان مثال استفاده از کلمه «اُردُور» به معنای «پیش‌غذا» از لغات غیرفارسی و مرده‌ای است که استناد به آن درست نیست.

حسین عزیزپور

میوه‌های آلوده به فلزات سنگین

بنابر اعلام رسانه‌های گروهی، بیشتر میوه‌های توزیعی در تهران آلوده به فلزات سنگین است. از مسئولان امر در وزارت بهداشت و درمان سؤال می‌کنم که آیا میوه‌های آلوده به فلزات سنگین فقط در تهران مصرف می‌شود و آیا این مشکل در سایر استان‌ها و شهرستان‌های کشور وجود ندارد؟ اگر قسمت بیشتر میوه‌های مصرفی در تهران از سایر نقاط کشور وارد پایتخت می‌شود، چرا در یک ارزش گذاری جهت گیرانه، فقط سلامت شهروندان تهرانی برای مسئولان مهم است و از آلوده بودن میوه‌ها در سایر نقاط کشور و به خطر افتادن سلامت دیگر هموطنان‌مان، سخنی به میان نمی‌آید؟

تلفن به خط ارتباطی

اولین قدم در پیشگیری از وقوع جرایم

اخیراً برخی از مسئولان قوه قضائیه از همه مردم برای پیشگیری از وقوع جرم در کشور، کمک خواسته‌اند. به طور حتم پدیده رانت‌خواری و رواج آن یکی از علل اصلی رشد فقر و بدبختی در جامعه است و بنابر توصیه‌های بزرگان دین، بی‌پولی و گرسنگی باعث ضایع شدن ایمان و گسترش جرم و جنایت در جامعه می‌شود. به مسئولان قضایی کشور توصیه می‌شود پیش از هر اقدامی با جدیت در مقابل رانت‌خواران و مفسدان اقتصادی بایستند و حق مردم را بی‌هیچ ملاحظه‌ای از آنان بستانند، تا ببینند که چگونه امور، سامان خواهد گرفت.

شهروند تهرانی

هوای آلوده، آب آلوده، میوه آلوده!

پس از آلودگی، مزمن هوای تهران و سپس آب مصرفی تهران و بعد از آن برنج‌های آلوده، اکنون نوبت به میوه‌های آلوده رسیده است! به مسئولان وزارت بهداشت و درمان پیشنهاد می‌شود به جای صرف وقت و هزینه برای اعلام آنچه در تهران آلوده است، در مورد مواد غذایی و آنچه که سالم است، اطلاع‌رسانی کنند تا شهروندان نیز تکلیف خود را بهتر بدانند!

خانم شهروند تهرانی

تعلل مخابرات در واگذاری خط تلفن

مرکز مخابرات فجر واقع در چهارراه سلیمانیه تهران، پس از چندماه که از درخواست من برای واگذاری خط تلفن ثابت منزلم، که آن را تخریب کرده و دوباره ساخته‌ام می گذرد، به درخواست من پاسخ نمی‌دهد. از اداره مخابرات مزبور تقاضای رسیدگی می‌شود.

متقاضی خط تلفن

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۲ در باره نصب نیوجرسی در خیابان بهار

احتراماً، بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات درخصوص بستن خیابان به دلیل رانندگان متخلف که در مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶ درج گردیده، بدینوسیله پاسخ این منطقه که بر اساس جوابیه معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه تهیه شده، به شرح ذیل اعلام می گردد.

متن جوابیه: احتراما بازگشت به نامه شماره ۴۲۸۸۵ مورخ ۹۲/۴/۲۶ درخصوص پیام شهروند در روزنامه اطلاعات مبنی بر بستن خیابان بهار به اطلاع می‌رساند: نیوجرسی (بلوک‌های سیمانی) ها موجود در خیابان بهار توسط پلیس راهور جهت جلوگیری از حرکات خلاف و حادثه‌ساز و مخاطره آفرین نصب گردیده که با توجه به اصلاح هندسی در حال اجرا، به زودی نیوجرسی‌ها جمع آوری خواهند شد.

فرماند ـ رئیس اداره روابط عمومی منطقه ۲

پاسخ شهرداری منطقه ۱۱ درخصوص احداث پارکینگ طبقاتی

با سلام و احترام، در پاسخ به پیام شهروند محترم در روزنامه مورخ ۹۲/۴/۱۹ درخصوص احداث پارکینگ در بافت فرسوده خیابان قلمستان، به استحضار می رساند؛ درصورتیکه مالک ملک تمایل به احداث پارکینگ طبقاتی داشته باشد، منطقه آماده همکاری و مساعدت و ارائه تسهیلات طبق ضوابط و مقررات می‌باشد.

مجید شفیعی ـ مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱

بقیه در صفحه ۹

آغاز فصل سیزدهم لیگ برتر فوتبال؛ امروز



آغاز فصل سیزدهم لیگ برتر باشگاه های فوتبال کشور، پس از صعود شیرین تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل، بهترین خبر برای هواداران میلیونی فوتبال است؛ بازی هایی که از امروز پیگیری خواهد شد.

سیزدهمین دوره لیگ برتر فوتبال باشگاه های ایران در حالی از امروز آغاز می شود که حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی، یقینا در انگیزه بازیکنان، موثر خواهد بود. کارشناسان از تیم های استقلال، سپاهان، پرسپولیس، تراکتورسازی و فولاد به عنوان مدعیان اصلی قهرمانی در فصل سیزدهم لیگ برتر فوتبال نام می برند؛ البته نمی توان از شگفتی های احتمالی لیگ غافل بود.

لیگ برتر فوتبال ایران در این دوره، پس از شش سال با ۱۶ تیم برگزار می شود. پر افتخارترین تیم حاضردر لیگ برتر، سپاهان اصفهان با چهارعنوان قهرمانی است. استقلال با سه عنوان قهرمانی در رده دوم ایستاده است.

هرچند این دوره از لیگ برتر فوتبال، مانند سال گذشته، درگیر حواشی مدیران دو باشگاه تهرانی بود و هریک از آنها، دیگری را به هزینه‌های میلیاردی متهم می کرد، سپاهان اصفهان با هوشیاری و در سکوت خبری، خریدهایش را انجام داد.

فصل سیزدهم لیگ برتر فوتبال در غیاب تیم های گهر دورود، پیکان تهران، صنعت نفت آبادان و آلومینیوم هرمزگان و حضور تیم های گسترش فولاد تبریز و استقلال صنعتی خوزستان آغاز خواهد شد. ذوب آهن اصفهان نیز در مرحله پلی آف با پیروزی در دو دیدار رفت و برگشت مقابل پاس همدان در لیگ برتر ماندنی شد.

هفته نخست لیگ برتر فوتبال باشگاه های ایران، ساعت ۲۲ امروز با برگزاری دو دیدار آغاز خواهد شد.

سرخ های تهران و تبریز

حساسترین دیدار هفته نخست لیگ برتر فوتبال را شاگردان علی دایی و مجید جلالی در ورزشگاه آزادی تهران برگزار خواهند کرد. علی دایی که فصل گذشته در راه آهن بود و صراحتا از منتفی شدن حضورش در پرسپولیس سخن گفته بود، به شکلی غیر منتظره، سکان هدایت سرخ های پایتخت رابرعهده گرفت و دست به تغییرات گسترده در این تیم زد. تغییراتی که حتی دامن کریم انصاریفرد را هم گرفت و او این فصل را در تراکتورسازی، توپ خواهد زد.

حساسیت دیدار سرخ های تهران – تبریز در سال های اخیر، زیاد بوده و همواره بازی های این دو تیم در تهران و تبریز از دیدارهای جذاب بوده است. این دو تیم، پیش از آغاز لیگ، یک بازی دوستانه برگزار کردند که پرسپولیس با یک گل، تراکتورسازی را مغلوب کرد.

رونمایی از پرسپولیس دایی همراه با موفقیت؛ این یکی از مهمترین دغدغه‌های هواداران تیم سرخپوش تهرانی است. آنها می خواهند، شاهد آغاز رویایی تیم محبوب‌شان با ستاره‌های جدید و جوان، تحت هدایت علی دایی باشند؛ آنهم با پیروزی مقابل تراکتورسازی تبریز.

این پیروزی، شکست‌های فصل گذشته سرخپوشان مقابل این تیم تبریزی را به فراموشی خواهد سپرد و آغازی شیرین و دور از حاشیه را برای این تیم پرطرفدار، رقم خواهد زد.

در کنار رونمایی از پرسپولیس دایی، همه نگاه‌ها به علی کریمی، کریم انصاریفرد (اگر کارت بازی او صادر شود) است، بازیکنان مطرحی که در فهرست نفرات علی دایی، سرمربی پرسپولیس برای لیگ سیزدهم قرار نگرفتند. علی کریمی که از محبوبیت زایدالوصفی دربین هواداران پرسپولیس برخوردار است، خیلی زود مقابل پرسپولیس و هوادارانش قرار می گیرد و باید به خاطر حرفه‌ای بودن فوتبال و نمایش توانایی‌هایش مقابل دایی، مانع از ناکامی تراکتورسازی و عاملی برای ناکامی پرسپولیس شود.

همچنین کریم انصاریفرد هم از انگیزه سرشار است تا به دایی ثابت کند، برای کنار گذاشتن وی از فهرست سرخپوشان، دچار اشتباه شده است. اما نباید جواد کاظمیان را فراموش کرد، بازیکنی که در این بازی بار دیگر مقابل دایی قرار می گیرد و مجبور است، برای موفقیت تیم خود و رسیدن به اهدافش، برای ناکامی پرسپولیس تلاش مضاعفی را انجام دهد.

مجید جلالی، سرمربی جدید تراکتورسازی هم به احتمال زیاد، روی مثلث هجومی کریمی – کاظمیان – انصاریفرد، برای شروع شیرین در این تیم تبریزی به بهترین شکل استفاده خواهد کرد و همه برنامه‌ریزی‌های کامپیوتری خود را برای شکست شاگردش در ورزشگاه آزادی به کار خواهد بست، موفقیتی که او را در بین هواداران تبریزی، محبوبتر خواهد کرد.

دایی به خوبی می‌داند، پیروزی در این بازی، راهش را برای هدایت موفقیت آمیز پرسپولیس در این فصل هموار می کند اما اگر تیمش در این بازی انتظارات را برآورده نکرده و یا مقابل تراکتورسازی مغلوب شود، شنیدن نام علی کریمی، از روی سکوها بدیهی خواهد بود، اتفاقی که می تواند تا هفته نهم – که پرسپولیس باید ۸ دیدار دیگر را در تهران برگزار کند – یکی از سدهای بزرگ پرسپولیس برای رسیدن به موفقیت را رقم بزنند.

حضور سیدصالحی مقابل تیم پیشین خود، یکی از حاشیه‌های جالب این بازی است. نفراتی چون امید عالیشاه، میثم حسینی، قاسم دهنوی، میلاد غریبی، مهرداد کفشگری، پیام صادقیان، یونس شاکری و محمد عباس‌زاده هم می‌خواهند در این بازی، توانایی‌ها خود را اثبات کرده و جایگاهی ویژه در بین هواداران پرسپولیس بدست آورند.

از دیگر حاشیه‌های پرسپولیس در این مسابقه سخت، انتخاب دروازه‌بان اول از بین نیلسون، علیرضا حقیقی و رضا نورمحمدی است. همچنین انتخاب کاپیتان، از دیگر دغدغه‌های کادرفنی پرسپولیس برای این مسابقه سراسر حساسیت و حاشیه است.

در تراکتورسازی، مجید جلالی با کوله باری از دانش و یکسال کنار ماندن از فوتبال، آمده تا رویای قهرمانی تبریزی‌ها را جامه عمل بپوشاند. آنها در یارگیری، خوب عمل کردند و نمی‌خواهند، تجربه تلخ آسیایی سال گذشته را دوباره تکرار کنند. جلالی که بعد از اختلافاتش با چراغپور، پورغلامی را به عنوان دستیار به تراکتورسازی اضافه کرد، می خواهد با تراکتورسازی قابلیت‌های فنی خود را مثل دورانی که در پاس بود، دوباره اثبات کند.

تقابل لوکا – ویسی

عبدالله ویسی، پس از تجربه ناموفق و تلخ در پیکان تهران – که منجر به سقوط این تیم به دسته پایین تر شد – حالا به استقلال خوزستان آمده است تا نشان دهد، تجربه پیکان، فقط یک اتفاق بود و قابلیت های او، همانی است که صبای قم را آسیایی کرد.

ویسی، با جمع کردن خوزستانی‌های با تجربه لیگ برتر و تلفیق بازیکنان جوان بومی، تلاش می کند تا این استقلال را نیز در دل هواداران اهوازی جابیاندازد. استقلال خوزستان – که پس از احراز تبانی شهرداری تبریز به لیگ برتر راه یافته است – در اولین گام باید مقابل ذوب آهنی به میدان برود که سال گذشته را با کربکندی آغاز کرد و پس از اینکه چند هفته فرهاد کاظمی، روی نیمکت این تیم نشست، یاوری بود که هدایتش را برعهده گرفت تا از سقوط به دسته یک، نجات یابد، ولی مسئولان ذوب آهن در اقدامی عجیب، پس از حفظ این تیم در لیگ برتر، «لوکا بوناچیچ» را به تیمشان آوردند.

شاید تجربه بوناچیچ در سپاهان و پایه گذاری سپاهان به شکل تیمی حرفه ای، از دلایل این امر باشد. ذوب آهنی ها که حدادی فر و مسلمان را با هر سختی که بود در این تیم نگهداشتند، می خواهند از تکرار تجربه سال گذشته، درس بگیرند و مانع از تکرار آن شوند. آنها می خواهند، یکبار دیگر ذوب آهن را در فینال تورنمنت بزرگی مثل لیگ قهرمانان آسیا ببینند و از رقیب همشهریشان عقب نیافتند.

دیدار استقلال خوزستان – ذوب آهن اصفهان در حالی برگزار خواهد شد که تقابل لوکا – ویسی به عنوان استاد و شاگرد، از نکات جالب این دیدار است.

استقلال خوزستان، اولین تجربه حرفه ای خود را در حالی در اهواز تجربه خواهد کرد که گام نخست این تیم، مطمئنا در ایجاد اعتماد بنفس شاگردان ویسی، برای ادامه لیگ، بسیار مهم و حیاتی خواهد بود.

عزیمت ملی پوشان تیر و کمان به رقابت‌های جهانی کلمبیا

تیم ملی تیراندازی باکمان ایران، برای حضور در رقابت‌های جهانی ـ ۲۰۱۳ کلمبیا، بامداد دیروز تهران را به مقصد شهر «کالی» محل برگزاری پیکارهای جهانی ترک کرد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون تیراندازی باکمان، این مسابقات از فردا با حضور برترین کمانداران دنیا آغاز می‌شود و ملی‌پوشان کشورمان از شنبه هفته آینده، سیبل های جهانی را هدف قرار خواهند داد.

امیر کاظم‌پور و مجید قیدی در کامپوند آقایان به همراه مهتاب پارسا مهر و مینو عابدی در کامپوند بانوان، ترکیب ملی‌پوشان کشورمان را در این دوره از رقابت‌های جهانی تشکیل می‌دهند.

تیم ملی بیس بال به گرجستان می‌رود

تیم ملی بیس‌بال ایران، پس فردا راهی تفلیس پایتخت کشور گرجستان می‌شود تا سه بازی در مسابقات «رنکینگ» بیس‌بال کاپ با این تیم اروپایی برگزار کند.

این دیدارها ۵، ۷ و ۹ مرداد در شهر تفلیس برگزار خواهد شد. مهرداد حاجیان(سرمربی)، سیدعلی امامزاده(مربی)، مهدی بهرامپور (مربی)، جلیل چنگیزی، مجید محمدی، ابوالفضل امجد، شهرام ملکی، علیرضا حسنی، سعید باطنی، رضا شبانی، حسام عارف‌زاده، یاسین شریفی، کیوان رانا، مجید پاشوی، محمد طرفه نژاد از تهران، احمد رانگا، عادل مشیریان، ابوالقاسم وفایی‌نژاد، رامین احمدی راسته کناری، ترکیب تیم ملی بیس‌بال ایران را در سفر به تفلیس تشکیل می دهند.

تعیین ووشو کاهای اعزامی به مسابقات جوانان آسیا



اسامی ملی پوشان ووشو جوانان ایران، برای حضور در هفتمین دوره مسابقات قهرمانی آسیا – ۲۰۱۳ فیلیپین، از سوی فدراسیون ووشو، اعلام شد.

این مسابقات از ۱۶ تا ۲۰ مرداد در مانیل پایتخت کشور فیلیپین برگزار می شود وتیم ملی ایران با ۱۹ ووشوکا در دو بخش تالو و ساندا (آقایان و بانوان) ۱۳ مرداد، عازم این مسابقات می شود.

افشین سلیمی در وزن منهای ۵۲ کیلوگرم، یزدان میرزایی در وزن منهای ۶۰ کیلوگرم، جواد قزل سفلو در وزن منهای ۶۵ کیلوگرم، عماد محمدی در وزن منهای ۷۰ کیلوگرم و ابوالفضل دزینی در وزن منهای ۷۵ کیلوگرم ساندای مردان با هدایت رامین موحد نیا به عنوان سرمربی و منصور نوروزی به عنوان مربی به این مسابقات می روند.

طاها بدیعی، محمد علی مجیری، امیر حسین سلطانی، سید سامان احمدی، محمد رضا عزیز خانی با مربیگری تیمور بنی طالبی در رشته تالو مردان، راهی فیلیپین خواهند شد. در بخش بانوان، ماریا قادر نژاد در وزن منهای ۴۸ کیلوگرم، پرستو سهرابی در وزن منهای ۵۲ کیلوگرم، زینب عربی در وزن منهای ۵۶ کیلوگرم تیم ساندا، کوثر رفیعیان، فاطمه جزینی، زهرا کیانی، سپیده شاکریان ،هانیه رجبی و نفیسه پورگنجی درتیم تالو به مسابقات قهرمانی آسیا اعزام می شوند. پانگ یان چینی و ملیحه فضلی سرمربی و مربی تیم ساندا و آمنه احسانی نژاد، مربی تیم تالو ایران در این مسابقات هستند.

صعود ۲ پله‌ای والیبال ایران در رده‌بندی جدید جهانی



ایران در جدیدترین رنکینگ فدراسیون جهانی والیبال با دو پله صعود، بالاتر از حریفان آسیایی در رده دوازدهم جهان قرار گرفت.

تیم ملی والیبال مردان ایران در رده‌بندی جدید فدراسیون جهانی با ۶۸ امتیاز در مکان دوازدهم جهان ایستاد. استرالیا،دیگر نماینده قاره آسیا با همین امتیاز در رده دوازدهم جهان قرار دارد.

تیم‌های چین و ژاپن، از قاره آسیا با ۵۳ و ۴۷ امتیاز در جایگاه‌های شانزده و نوزده جهان قرار گرفتند. در این رده‌بندی تیم ملی والیبال برزیل (نایب قهرمان لیگ جهانی) با ۳۴۵ امتیاز، صدرنشین است و تیم‌های روسیه، قهرمان لیگ جهانی ۲۰۱۳ و المپیک ۲۰۱۲ با ۳۳۰ امتیاز و ایتالیا، دارنده عنوان سوم لیگ جهانی امسال با ۲۸۶ امتیاز در مکانهای دوم و سوم قرار دارند. رده‌بندی جدید فدراسیون بین المللی والیبال (FIVB) به این شرح است:

۱–برزیل ۳۴۵ امتیاز	امتیاز	۱۴–مصر ۶۳ امتیاز
۲–روسیه ۳۳۰ امتیاز	۸–آرژانتین ۱۷۱ امتیاز	۱۵–تونس ۶۲ امتیاز
۳–ایتالیا ۲۸۶ امتیاز	۹–بلغارستان ۱۶۵ امتیاز	۱۶–چین ۵۳ امتیاز
۴–لهستان ۱۹۵ امتیاز	۱۰–آلمان ۱۱۲ امتیاز	۱۶– کامرون ۵۳ امتیاز
۵–ایالات متحده ۱۷۹ امتیاز	۱۱–کانادا ۷۵ امتیاز	۱۸–فرانسه ۵۰ امتیاز
۵–کوبا ۱۷۹ امتیاز	۱۲– استرالیا ۶۸ امتیاز	۱۹–ژاپن ۴۷ امتیاز
۷–صربستان ۱۷۷	۱۲–ایران ۶۸ امتیاز	۲۰– ونزوئلا ۴۵ امتیاز

معرفی پرچمدار ایران در بازی های المپیک ناشنوایان

میثم قبشه دزفولی، قهرمان وزن ۸۴ کیلوگرم کشتی فرنگی به عنوان پرچمدار کاروان ورزشی ایران در بازی های المپیک ناشنوایان – ۲۰۱۳ صوفیه، انتخاب شد.

میثم قبشه دزفولی در حالی به عنوان پرچمدار ایران در بازی های المپیک ناشنوایان، انتخاب شده است که قهرمانی سه دوره گذشته این بازی ها را در کارنامه دارد. او، دوبار مدال طلای مسابقات جهانی ناشنوایان را کسب کرده است تا به عنوان پر افتخارترین ورزشکار اعزامی به صوفیه، پرچمدار کاروان ورزشی ایران در بازی های المپیک ناشنوایان شود. بازی های المپیک ناشنوایان از فردا با مسابقات فوتبال، والیبال و بسکتبال آغاز می‌شود. آیین گشایش این بازی ها، پس فردا برگزار خواهد شد و ۱۳ مرداد، این بازی ها پایان می یابد.

ادامه جستجوی کوهنوردان گمشده ایرانی در ارتفاعات پاکستان

پاکستان: مرحله دوم عملیات جستجوی کوهنوردان گمشده ایرانی در ارتفاعات پاکستان دیروز آغاز شد.

حسین روش کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد اعلام کرد: پس از مرحله اول جستجو که یکشنبه گذشته با استفاده از دو بالگرد و گروه‌های امدادی شامل کوهنوردان پاکستانی، آلمانی و سوئیسی صورت پذیرفت، سه منطقه که احتمال وجود کوهنوردان ایرانی در آنجا وجود داشت شناسایی شد.

وی افزود: پس از این شناسایی و بررسی عکس‌های گرفته شده از منطقه، دو فروند بالگرد پاکستانی به همراه گروه امداد و نجات عازم ارتفاعات «برود پیک» شدند و امیدواریم این عملیات جستجو امیدبخش باشد. کاردار سفارت ایران گفت: ۲۹ تیر خبر مفقود شدن سه کوهنورد ایرانی به سفارت ایران در اسلام آباد اعلام شد و پس از آن پیگیری‌های مختلفی ازسوی سفارت و از طریق وزارت خارجه پاکستان و همچنین مقام‌های ایالتی گلگیت و بلتستان برای انجام عملیات جستجو صورت گرفته است.

برگزاری مسابقات انتخابی در وزن ۹۶ کیلوگرم تیم ملی کشتی آزاد

سرپرست تیم ملی کشتی آزاد، از برگزاری دوباره مسابقات انتخابی در وزن ۹۶ کیلوگرم، برای حضور در رقابت های جهانی – ۲۰۱۳ مجارستان خبرداد.

علی بیات، گفت: اعضای شورای فنی تیم های ملی کشتی آزاد، تصمیم گرفتند با توجه به نقص در برگزاری مرحله نهایی مسابقات انتخابی تیم ملی کشتی آزاد در وزن ۹۶ کیلوگرم، رقابت های این وزن دوباره برگزار شود.



وی، افزود: انجام ندادن آزمایش دوپینگ توسط یکی از شرکت کنندگان در مرحله نهایی انتخابی تیم ملی در این وزن، عملکرد ضعیف و نتیجه نامناسب در یونیورسیاد جهانی دانشجویان از سوی کشتی گیر اعزامی به مسکو، شکست نفر اول رقابت‌های انتخابی تیم ملی از نفر دوم و رقابت نداشتن وی با نفر سوم این وزن، از دیگر دلایل برگزاری دوباره مسابقات انتخابی وزن ۹۶ کیلوگرم است.

عضو شورای فنی تیم های ملی کشتی آزاد، گفت: با توجه به نظر کادر فنی و موافقت اعضای شورای فنی، معیار ما احترام به قانون است و به این دلیل، رقابت های انتخابی وزن ۹۶ کیلوگرم، برای شرکت در مسابقات جهانی ۲۵ مرداد با حضور شش کشتی گیر حاضر در مرحله نهایی مسابقات انتخابی، برگزار می شود.

وی در مورد اینکه آیا به رضا یزدانی، فرصت دوباره ای برای حضور در مسابقات انتخابی داده می‌شود، افزود: با توجه به تصمیم قبلی شورای فنی، در جلسه دیروز صحبتی در این باره نشد.

جمال میرزایی، حسن رحیمی، سعید امیری، حامد طالبی و حامد تاتاری ۲۵ مرداد مسابقه می دهند و نفر برتر با جعفر دلیری (به صورت ۲ برد از ۳ مسابقه) کشتی می گیرد تا نفر برتر وزن ۹۶ کیلوگرم مشخص شود.

رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو خبر داد:

انباشت ۷۰ میلیون دلار دارو در گمرک

رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو با اشاره به این که شرکت‌های واردکننده دارو با کمبود نقدینگی شدید به منظور تامین ارز موردنیاز برای واردات دارو مواجه شده‌اند، گفت: بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار انواع دارو و محصولات دارویی در گمرک‌های داخلی انباشت شده و به آنها اجازه ترخیص داده نمی‌شود.

ناصر ریاحی در گفتگو با ایسنا درباره آخرین وضع داروهای انباشت شده در گمرک‌ها توضیح داد: از زمانی که نرخ ارز واردات دارو از مرجع به مبادله‌ای تغییر یافت نیاز به نقدینگی شرکت‌های واردکننده دارو هم دست کم دو برابر شد.

وی افزود: این در شرایطی است که شرکت‌های واردکننده دارو طلب زیادی از داروخانه‌ها و شرکت‌های بیمه دارند که به دلیل پرداخت نشدن بموقع این طلب واردکنندگان دارو با کمبود شدید نقدینگی مواجه شده‌اند.

ریاحی گفت: از سوی دیگر متاسفانه باوجود وعده‌های داده شده هنوز سیستم پورتال ارزی در زمینه افزایش مدت اعتبار استفاده از ارز تخصیص یافته به واردکنندگان دارو با مشکل مواجه است. به طوری که وزارت بهداشت چندی قبل اعلام کرد که مدت زمان اعتبار استفاده از ارز اختصاص یافته به واردات دارو از ۳۰ به ۴۵ روز افزایش یافته است اما پورتال ارز همچنان براساس همان مدت ۳۰ روز عمل می کند و پس از گذشت این مدت ،سهمیه ارز اختصاص یافته به واردکننده دارو می‌سوزد و او برای واردات دارو مجبور است دوباره فرایند دریافت ارز را از ابتدا طی کند.

رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو با اشاره به این که در صورت ادامه روند موجود ممکن است داروهای انبار شده در گمرک به مرور فاسد شده و از بین بروند، اظهارنظر کرد: سال‌های قبل اختصاص ارز به واردات دارو به سرعت انجام و حتی دارو با تعهد از گمرک ترخیص هم می‌شد، اما امسال سختگیری در این زمینه بسیار زیاد شده است و بانک مرکزی هم همکاری لازم را ندارد.

ریاحی بیان کرد: دولت نباید همان رفتاری را که با اقلامی مانند آهن و فولاد دارد با محصول مهم و استراتژیکی مانند دارو داشته باشد. فاکتور۸ در بازار دچار کمبود شده، چون ۲۰ هزار واحد از این دارو در گمرکها انباشت شده است.

او با اشاره به پیچیده بودن فرایند واردات دارو اظهار داشت: بخشی از دارو با یارانه و بخشی دیگر با ارز مرجع و بخشی دیگر با ارز مبادله‌ای وارد کشور شده است؛ به همین دلیل نمی‌توان به درستی محاسبه کرد که مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع و مبادله‌ای واردات دارو چقدر می‌شود.

رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو با بیان این که بانک مرکزی حتی به نامه‌های وزارت بهداشت در زمینه تسهیل در واردات دارو توجهی نمی‌کند، گفت: اکنون به واردات دارو با ارز آزاد مجور داده نمی‌شود ،مگر در موارد اضطراری و خاص؛ اما اگر ارز واردات دارو آزاد شود به عنوان مثال قیمت فاکتور۸ از ۵۰۰۰ تومان فعلی به ۵۰۰ هزار تومان خواهد رسید.

به گزارش ایسنا، دارو و برخی تجهیزات پزشکی سال قبل در اولویت نخست واردات کالا قرار داشتند و برای واردات نیز ارز مرجع دریافت می‌کردند اما بانک مرکزی از اوایل اردیبهشت امسال ارز مرجع واردات دارو را حذف و اعلام کرد که از این پس دارو صرفا با ارز مبادله‌ای وارد خواهد شد. سازمان غذا و دارو نیز چندی بعد از آغاز روند اختصاص ارز مبادله‌ای به واردات دارو خبر داد.

بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ بیش از سه میلیارد دلار ارز مرجع به واردات دارو اختصاص داده بود. طی دو ماه نخست امسال هم حدود ۵۰۰ میلیون دلار به واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی اختصاص یافت.

با وجود اختصاص این میزان ارز به واردات اما مشکل واردات دارو برطرف نشده و طبق اظهارات مسئولان حوزه بهداشت کمبود اقلام دارویی در کشور امسال سه رقمی هم شده است.

سود ۴۵۰ میلیارد تومانی کرم حلزون

رئیس سازمان غذا و دارو و معاون وزیر بهداشت، رفع مشکل کمبود دارو را نیازمند همکاری دستگاه هایی همچون بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت دانست و گفت: در حال حاضر ۶۳ قلم کمبود دارو در کشور وجود دارد که در صورت همکاری دستگاه‌های مذکور ظرف مدت دو هفته آن را رفع خواهیم کرد.

به گزارش مهر، دکتر عباس حاجی آخوندی در مورد تولید و توزیع کرم حلزون در کشور، افزود: متاسفانه براساس گزارشات به دست آمده، ساخت کرم حلزون در کشور بدون اخذ هر گونه مجوز از سازمان غذا و دارویی بوده است.

وی تاکید کرد: فروش کرم حلزون در کشور در همین مدت کوتاه ۴۵۰ میلیارد تومان کسب درآمد کرده که نشان دهنده آن است که در تولید و عرضه این محصول هیچ حساب و کتاب فنی و اقتصادی و علمی وجود نداشته است.

حاجی آخوندی در ارتباط با کمبود اقلام دارویی در کشور هم گفت: در ابتدای سال جاری حدود ۳۰۰ قلم دارو در کشور کمبود داشت که در حال حاضر به حدود ۶۳ قلم دارو رسیده است.

وی با بیان این که در تمام دنیا کمبود دارو دیده می‌شود، افزود: به طور حتم اگر گمرک، وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی با ما همکاری کند می توانیم این کمبود را ظرف مدت دو هفته برطرف کنیم.

رئیس سازمان غذا و دارو گفت: بانک مرکزی نباید در تامین ارز، وزارت بهداشت را دور بزند چراکه این اقدام باعث مشکلات دارویی و واردات دارو در کشور می‌شود.

شناسایی ۵ هزار کودک پروانه ای

مدیرعامل بنیاد بیماری های نادر، از حمایت ۲۰ هزار بیمار نادر در کشور توسط این بنیاد خبر داد و گفت: در صورت مراجعه بیمارانی که تحت پوشش سه نوع بیمه پایه رایج در کشور همچون خدمات درمانی، تامین اجتماعی و نیروهای مسلح نباشند، دفترچه خدمات درمانی برای آنان صادر و هر سال آن را تمدید می‌کنیم که قابل استفاده در مراکز بنیاد سراسر ایران است.

به گزارش خبرنگار مهر، علی داوودیان بعد از ظهر دوشنبه در بازدید نماینده یونیسف از بنیاد بیماری های نادر، افزود: بنیاد بیماری های نادر هیچ گونه بودجه‌ای از دولت در قالب پول، اعانات و کالا ندارد و اقدام به تشکیل ساختار این بنیاد به دلیل نداشتن متولی رسمی در این حوزه بود.

داوودیان در رابطه با این انجمن گفت: به کودکان مبتلا به EB که «کودکان پروانه‌ای» اطلاق می‌شوند، ۲۱ هزار نفر در کشور هستند و ۵۰۰۰ نفر را شناسایی کردیم و تحت پوشش قرار دادیم.

مدیرعامل بنیاد بیماری‌های نادر ادامه داد: به طور کلی بیماری هایی را که بر اساس نقص سیستم ایمنی در ایران شیوع پیدا کرده است، در قالب ۸ انجمن در بنیاد بیماری های نادر ساماندهی کردیم.

ترحیم

به نام خداوند هستی بخش

با کمال تأسف و تألم درگذشت شادروان **مهندس علاءالدین روحانی** فرزند آقا شیخ علی‌اکبر و بزرگ خانواده‌های روحانی و شهابی را به‌اطلاع فامیل و دوستان و آشنایان محترم میرساند. بهمین مناسبت مجلس ترحیمی در روز شنبه ۱۳۹۲/۵/۵ از ساعت ۶/۳۰ الی ۸ عصر در مسجد جامع شهرک غرب تهران برگزار میگردد. حضور سروران محترم باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: روحانی، حبیب خراسانی و شهابی

بسمه تعالی

با کمال تأسف و تألم درگذشت جناب آقای **مهندس علاءالدین روحانی** را به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند، مهندس علاءالدین روحانی از صاحب‌منصبان وزارت راه و ترابری بوده و سپس با سمت مدیرعاملی شرکتهای سینوس و شادسر در تمام طول عمر کاری خود در پیشبرد پروژه‌های عمرانی مشغول و فعال بودند. به مناسبت درگذشت این همکار گرانقدر مجلس ترحیمی از ساعت ۶/۳۰ الی ۸ عصر روز شنبه ۱۳۹۲/۵/۵ در مسجد جامع شهرک غرب تهران منعقد می‌باشد.

هیأت‌مدیره و بازرسان انجمن شرکتهای ساختمانی

بسمه تعالی

با کمال تأسف درگذشت شادروان **مهندس علاءالدین روحانی** از فارغ‌التحصیلان دوره اول رشته راه و ساختمان دانشکده فنی دانشگاه تهران را به اطلاع کلیه هم‌دانشکده‌ای‌های عزیز میرساند. بهمین مناسبت مجلس ترحیمی از ساعت ۶/۳۰ الی ۸ عصر روز شنبه ۱۳۹۲/۵/۵ در مسجد جامع شهرک غرب تهران برگزار میگردد.

کانون فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران

بگو به خضر که جز مرگ دوستان دیدن
چه بهره برده‌ای از عمر جاودانی خویش

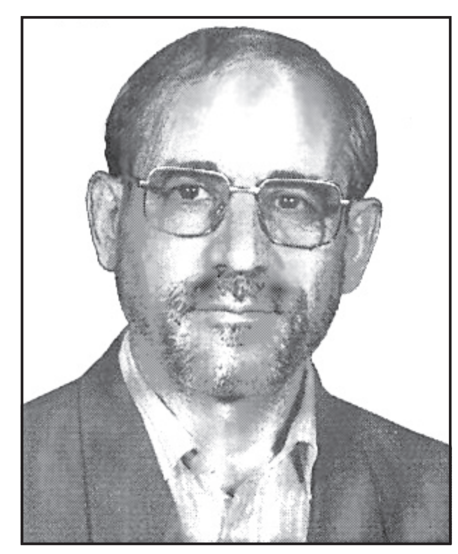
اعضاء انجمن ادبی و پژوهشی آفتاب حقیقت درگذشت ناگهانی و غم‌انگیز شادروان **سرهنگ هوشنگ وزیری فراهانی** عضو صدیق و دیرین خود را ضمن عرض تسلیت به همسر، فرزندان و مادر آن مرحوم، به آگاهی عموم فرهنگ‌دوستان می‌رساند. مجلس یادبود آن شادروان در روز پنجشنبه سوم مرداد از ساعت ۵/۳۰ تا ۷ بعدازظهر در مسجد الزهراء(س) واقع در خیابان دکتر شریعتی ـ خیابان خواجه عبدالله انصاری خیابان شهید عراقی منعقد می گردد.

مدیر انجمن، عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی و دردآور **خانم سولماز ابراهیم‌زاده** همسر دلسوز و مادر عزیز و فداکارمان را به اطلاع بستگان و دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. طبق وصیت آن مرحومه هزینه‌های مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.

دکتر نورالدین نجات ـ گلزار نجات ـ شهاب‌الدین نجات

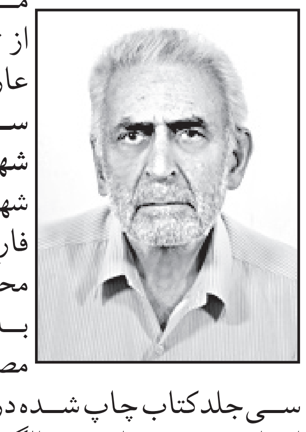
بازگشت همه بسوی اوست



ضمن عرض تسلیت به خاندان محترم مرحوم مغفور **حاج علی فرهمندزاد** معاون آموزشی جامعه تعلیمات اسلامی به اطلاع کلیه همکاران، دوستان و آشنایان می‌رسانیم. مراسم ختم آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۹۲/۵/۳ ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۹ در مسجد زعیم واقع در میدان منیریه ـ خیابان شهید معیری، جنب جامعه تعلیمات اسلامی برگزار می گردد. حضور شما سروران باعث شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

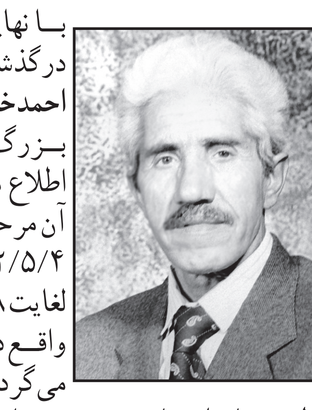
جامعه تعلیمات اسلامی

هوالباقی



مردی از سلاله‌ی پاکان و از تبار عالمان دین جان عاریت به دوست سپرد. **سید محمد اسماعیل طالب شهرستانی**، بزرگ خاندان شهرستانی، دبیر بازنشسته، فارغ‌التحصیل فلسفه‌ی محض از دانشگاه تهران، با درجه اجتهاد، مؤلف و مصنف بیش از یکصد و سی جلد کتاب چاپ شده در عرصه‌ی دین، فلسفه و ادبیات، در هشتاد و نه سالگی رخت از جهان بربست و بنا به وصیت عاشقانه‌اش کالبد پاک او به کربلای معلی انتقال داده شد. مجلس ترحیم این بزرگوار روز شنبه ۹۲/۵/۵ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد نور ـ میدان جهاد (فاطمی) برگزار خواهد شد. حضور فامیل و دوستان و علاقه‌مندان موجب شادی روح آن مرحوم و امتنان خاطر بازماندگان خواهد شد.

خانواده‌های: شهرستانی، اسکندانیان، آل آقا، اقبال آل آقا، معین شیرازی، میرزادگان، امینی آل آقا، امامی آل آقا، نبوی آل آقا، شیخ‌الاسلامی آل آقا، شریفی آل آقا، نوری آل آقا، جلیلی، بیدار، سالمی، صمیمی، تقوی، کاظم‌زاده، جورابی، مشیرپور، دشتی، دباغ، افسیه زاده، دقیقی

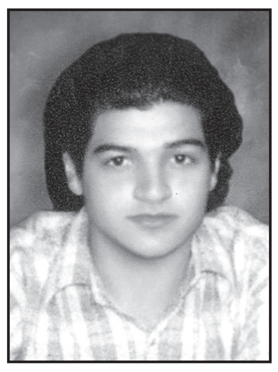


با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **حاج احمدخان مومنی ازندریانی** بزرگ خاندان مومنی را به اطلاع می‌رساند مجلس ختم آن مرحوم در تاریخ جمعه ۹۲/۵/۴ ساعت ۱۶/۳۰ لغایت ۱۸ در مسجدالجواد(ع) واقع در میدان هفتم تیر منعقد می گردد.

ازطرف خانواده‌های: مومنی، پریان، محمدی، طهماسبی، آزادی، محمودی امینی، تاج‌بخش، میرمعینی و سایر وابستگان

یادبود

ای روشنی باغ و بهاران که تو بودی
وی خرمی خاطر یاران که تو بودی
ای سرو! که در پیرهن صبح نگنجید
جان تو و ای جان بهاران که تو بودی
ای در غم و اندوه که مائیم پس از تو
وی شادی اندوهگزاران که تو بودی



یازده سال از سفر بی‌برگشت فرزند دلبندمان **آرش قلیچ‌نیا عمران** می گذرد. یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.

خانواده قلیچ‌نیا عمران و پاکراد

چهل غروب غمبار گذشت

کاش باز آیی و ما پای تو بوسیم
در سجده رویم صورت زیبای تو بوسیم
هر جا که گذشتی و دمی جای گرفتی
آنجا رویم و گریه‌کنان جای تو بوسیم

بانهایت غم و اندوه چهلمین روز درگذشت گوهری گرانبها، مادری شایسته، صبور و فداکار بزرگ خاندان **حاجیه خانم گوهرتاج علیمی** را به اطلاع کلیه دوستان و بستگان محترم می‌رساند. به همین مناسبت عصر روز جمعه ۹۲/۵/۴ ساعت ۱۸/۳۰ برای زیارت تربت پاکش واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۲۱۱ ردیف ۲۷ شماره ۵۰ گردهم می آییم و یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.

دکتر فریدون یوسفی و سایر فرزندان

یادوخاطره‌ی مادرعزیزمان **فاطمه‌آقانوری (نورعلیشاهی)** را در چهلمین روز درگذشتش گرامی می‌داریم. هزینه‌ی مراسم صرف امور خیریه خواهد شد. روحش شاد.

فرزندان: کیومرث ـ پروانه ـ فرزانه ـ سیامک و بهروز

تسلیت

جناب آقای توفیق مجدپور
عضو محترم هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای کلیه بازماندگان صبر جمیل آرزومندم.

اسدا... عسگراولادی

«بازگشت همه به سوی خداست»

دوست گرامی جناب آقای سید بدرالدین رضوی

تسلیت واژه کوچکی است، در غمی که بر شما نازل شده، چه می توانیم بکنیم، جز آنکه با شما همدرد باشیم و برایتان صبوری و بردباری آرزو کنیم.

هیئت‌مدیره شرکت تولیدی و صنعتی صنعت یاران

دوست گرامی جناب آقای سیدبدرالدین رضوی

مصیبت وارده را به شما و خانواده‌ی گرامی تسلیت گفته و صبر و بردباری برای شما آرزومندیم.

مدیریت و پرسنل کارخانه صنعت یاران

جناب آقای ناخدا حشمت‌اله سهراب‌نیا

مصیبت‌وارده‌را‌تسلیت‌عرض‌نموده، بقاءعمربازماندگان را از درگاه خداوند منان خواستاریم.

مهندسین مشاور فردانو

جناب آقای دکتر رحمت‌الله خسروی

با کمال تأسف درگذشت برادر جانبازتان جناب **حاج نعمت‌الله خسروی** را تسلیت گفته، از خداوند کریم رحمت واسعه الهی و علو درجات آن مرحوم مغفور و سلامتی و صبر جمیل برای جنابعالی و خانواده محترمتان مسئلت می‌نماییم.

ابوالقاسم آشوری ـ محمد علی ترکش دوز ـ جلیل حبیب‌اللهیان ـ محمد شهاب گنابادی ـ حسام سید جلالی ـ اصغر ستاریان ـ جعفر شریعتی ـ جعفر فلاح‌پور ـ محمد یزدی

همکار و دوست گرامی جناب آقای دکتر اباذری

با کمال اندوه درگذشت مادر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.
ما را در غم خود شریک بدانید.

دکتر علیرضا میرشمیرانی ـ دکتر پرویز مافی

جناب آقای دکتر محمدتقی نظرپور

درگذشت والده گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه آمرزش الهی و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.

مهندسین مشاور آرپه

دوست عزیزم
جناب آقای توفیق مجدپور

مرا نیز در این غم سنگین شریک بدانید. خدای بزرگ کمک خواهد کرد که آرامش به شما، همسر ارجمندتان و فرزندان دلبندتان برگردد. بپذیریم که گریزی از آنچه که برایمان رقم زده شده نمی‌باشد. روحشان شاد.

احمد پورفلاح

سپاسگزاری

من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق

بانهایت ادب و احترام بدینوسیله از یکایک سروران گرامی بستگان، دوستان، آشنایان، مدیران و همکاران ارجمندی که در مراسم خاکسپاری و ترحیم همسر و مادر عزیزمان مرحومه مغفوره **حاجیه خانم وجیهه پورآزاد** شرکت کرده و یا با درج آگهی در روزنامه، ارسال تاج گل، دیدار حضوری، تماس تلفنی و ارسال پیامک ابراز همدردی نموده و موجب تسلی خاطرمان شده‌اند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری می‌نمائیم و از درگاه ایزدمنان آرزوی سلامتی و تندرستی برای ایشان داریم.

از طرف همسر و فرزندان مرحومه

سخنرانی

شَهرُ رَمَضانَ الَّذِي أُنزِلَ فيهِ القُرآنُ هُدیً لِلناسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الهُدي وَالفُرقانِ
آیه ۱۸۵ سوره بقره

بمنظور بهره گیری معنوی هرچه بیشتر از فیوضات ماه مبارک و پربرکت رمضان، ماه ضیافت الله، و بهره مندی کامل از رحمت واسعه الهی، و فیض بردن از تعالیم انسان ساز گرانسنگ ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید، و مکتب رهائی بخش اهل بیت عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین، علیهم آلاف التحیة والثناء، هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد **حضرت امام خمینی (ره)**، مجلس سخنرانی برگزار و وعاظ محترم بشرح زیر مستفیض خواهند نمود سپس جلسه قرائت یک جزء از قرآن کریم همراه با آموزش لازم منعقد خواهد گردید.

شایسته است مومنین و مومنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.

دهه دوم: واعظ گرامی حجة‌الاسلام والمسلمین آقای **سید حمید میرباقری** دامت افاضاته

دهه سوم: واعظ گرامی حجة‌الاسلام والمسلمین آقای **سید محمد علی غروی** دامت افاضاته

دفتر مسجد امام خمینی (ره) ـ بازار تهران

آگهی تصمیمات شرکت آفرینندگان محیط نوین سهامی خاص
به‌شماره ثبت ۱۷۸۱۱۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۴۲۲۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۰/۲/۱۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۴/۲۰ واصل گردید: مرتضی کاظمی به کدملی ۰۰۷۶۰۹۰۱۳۲ به‌سمت بازرس اصلی و نادیا امیری به کدملی ۰۰۸۱۴۰۲۶۶۱ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: محمد انوری به کدملی ۰۳۸۰۹۰۵۶۵۵ – روح اله مجتهدی به کدملی ۰۳۸۱۷۳۶۰۱۶ – سعیده قابل به کدملی ۰۹۴۲۶۳۳۶۲۸ - به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۲/۱۰ محمدانوری به‌سمت رئیس هیئت مدیره وروح اله مجتهدی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آرش سلطانی به کدملی ۰۰۸۳۳۸۹۶۳۶ به‌سمت مدیرعامل خارج از اعضای هیات مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها با امضاء مدیرعامل و یک نفر از اعضای هیات مدیره تواما همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۹۳۶۵۱ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت سی‌پی‌دی سهامی خاص
ثبت شده به‌شماره ۲۸۳۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۸۳۴۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۱۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۲۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به‌تصویب رسید. محبوبه شرکا به ک‌م ۰۰۴۱۱۲۸۴۱۹ به‌سمت بازرس اصلی و محمدرضا خاوری به ک‌م ۲۲۹۶۴۲۵۲۴ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: مهندس غلامرضا پدر به ک‌م ۴۴۳۱۹۴۹۳۴۸ فرزین درافشان به ک‌م ۰۰۳۳۳۲۱۸۱۷ آرش پشوتن به ک‌م ۰۰۵۵۲۹۵۸۶۱ و میناکریمی به ک‌م ۲۹۹۱۲۰۴۶۴۸ به‌عنوان عضو علی‌البدل. به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۱۳ غلامرضا پدر به‌سمت رئیس هیئت مدیره و فرزین درافشان به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و سیروس پشوتن به‌سمت قائم مقام مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء مشترک ۲ نفر از ۴ نفر مهندسان غلامرضا پدر سیروس پشوتن فرزین درافشان آرش پشوتن همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء منفرد یک نفر از ۴ نفر فوق همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۹۳۶۵۶ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت پیشتاز لاستیک گستر
به شماره ثبت ۲۶۷۰۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۰۵۹۷۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه و عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۹ شرکت مزبور که در تاریخ واصل گردید: عنایت اله سلیمانی‌فرد به ک‌م ۱۶۵۱۶۵۳۴۲۹ به‌سمت بازرس اصلی و ژیلا سلیمانی فرد به ک‌م ۰۰۵۷۱۷۶۰۶۱ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: حسین عباسی به ک‌م ۵۳۸۹۸۷۳۴۲۴ محمد آقا عباسی به ک‌م ۵۳۸۹۸۷۶۵۱۲ احمد عباسی به ک‌م ۵۳۸۹۳۹۳۷۴۰ حسین عباسی به‌سمت رئیس هیئت مدیره، محمدآقا عباسی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره، احمد عباسی به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء منفرد رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۹۳۴۵۶ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت آهک سرگیلاوند سهامی خاص
ثبت شده به‌شماره ۲۰۲۳۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۴۰۴۱۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۳۰ واصل گردید: سهراب ناصر مستوفی به کدملی ۰۴۵۱۲۳۳۰۷۷ به‌سمت بازرس اصلی و مهشید مستجاب الدعوه به کدملی ۴۱۳۲۴۸۰۹۳۴ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: سهراب قراگزلو به کدملی ۰۳۲۱۱۲۵۲۲۳ – فرشید منوچهر طیبی به کدملی ۰۰۶۸۹۴۹۰۱۴ – رضا قراگزلو به کدملی ۰۰۵۹۲۱۲۵۸۶ – به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۱۶ فرشید منوچهر طیبی به‌سمت رئیس هیئت مدیره و رضا قراگزلو به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و سهراب قراگزلو به‌سمت مدیرعامل و عضو هیات مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور و قراردادها و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و رئیس هیات مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۸۸۱۶۶ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت صنعتی و بازرگانی صنام سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۷۶۸۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۹۱۸۹۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۱۸ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: حجت اله شیخی به ک‌م ۰۰۳۷۱۹۵۷۱۹ و رضا قلی اسماعیلی به ک‌م ۰۰۴۲۷۲۹۵۹۹ و مجید عبدی به ک‌م ۶۳۱۹۶۵۱۴۳۱ و محمود قاسمی به ک‌م ۲۱۲۲۴۰۶۸۶۰ و صفدرعلی اسدی به ک‌م ۵۳۹۹۳۸۹۲۰۷ که به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲۲ حجت‌اله شیخی به‌سمت رئیس هیئت مدیره و رضا قلی اسماعیلی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و صفدرعلی اسدی به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۹۳۴۴۵ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت پارس سامان مهر سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۴۷۶۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۸۲۸۹۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۵/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۲۵ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت سرمایه‌گذاری ری به شم ۱۰۱۰۲۳۲۹۵۲۹ به‌نمایندگی سید محمد باقر مرتضوی به ک‌م ۱۸۶۰۹۶۲۴۶۷ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و شرکت نوسازی و عمران به شم ۱۰۱۰۱۹۷۶۰۶۳ به‌نمایندگی مجتبی محبی به ک‌م ۰۰۴۱۸۷۰۳۶۰ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و شرکت پارس ام‌سی‌اس به شم ۱۰۱۰۱۶۲۲۳۱۷ به‌نمایندگی مرتضی یوسفی به ک‌م ۰۰۳۶۲۷۹۳۹۰ به‌سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل به اتفاق یکی از اعضای هیئت مدیره و یا با امضای رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۸۸۵۷۳ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت تکوین ساخته‌های فلزی کارا سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۰۸۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۹۷۱۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده و فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۵ و ۹۱/۹/۹ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۲ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به‌تصویب رسید. موسسه حسابرسی رهیافت حساب تهران به شم ۱۰۱۰۰۴۷۴۱۰۴ به‌سمت بازرس قانونی و عبدالله تمدنی جهرمی به ک‌م ۲۴۷۱۱۰۹۳۳۰ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: بتول بیگ‌زاده به ک‌م ۳۰۷۰۹۶۹۶۲۳ و محمدرضا شریف به ک‌م ۳۰۷۰۹۲۸۳۳۱ و آرش شریف به ک‌م ۳۰۷۱۲۶۲۰۵۱ و سرمایه شرکت از مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۶/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی با نام که تمام پرداخت شده است از طریق مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۰/۱۰/۲ تکمیل امضاء گردیده است. آرش شریف به‌سمت رئیس هیئت مدیره و محمدرضا شریف به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محمدرضا شریف به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء مدیرعامل و یک نفر از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۹۱۰۴۲ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت خدمات مهندسی و بازرگانی مکرر سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۵۷۵۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۷۸۳۷۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده و فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۳ و ۹۱/۸/۲۴ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۱۳ واصل گردید: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: بهرام مواسات با ک‌م ۰۰۳۳۸۸۷۷۲۱ به‌نمایندگی شرکت مواد مهندسی مکرر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۵۸۶۱۱ – محسن گل‌پور با ک‌م ۰۰۳۹۷۹۹۴۳۷ به‌نمایندگی شرکت گروه سرمایه‌گذاری صنعتی مکرر با شم ۱۰۱۰۲۶۳۷۶۹۰ – محسن دائی‌دائی با ک‌م ۴۳۲۲۶۸۲۷۷۴ – بهرام مواسات محسن گل‌پور با ک‌م ۰۰۳۹۷۹۹۴۳۷ – عباسعلی میرزائیان با ک‌م ۶۲۲۹۹۶۲۵۶۱ – مجید اعتماد سعید با ک‌م ۰۴۰۲۵۷۱۰۷۳ به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲۵ عباسعلی میرزائیان به‌سمت رئیس هیئت مدیره و مجید اعتماد سعید به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محسن گل‌پور به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۸۸۰۹۱ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت راه و ساختمان سازه سازان سهامی خاص
به شماره ثبت ۶۲۳۴۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۷۳۶۰۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۲۱ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: رضا حدادیان با ک‌م ۰۴۵۰۹۶۴۴۷۷ – وحید حدادیان با ک‌م ۰۴۵۱۶۶۹۸۹۴ – عبدالرضا کرد با ک‌م ۵۲۶۹۶۲۷۸۹۲ – به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۹/۲۰ رضا حدادیان به‌سمت رئیس هیئت مدیره و وحید حدادیان به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و عبدالرضا کرد به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء مشترک مدیرعامل و محمدرضا اخوان با ک‌م ۴۲۸۴۱۶۲۸۵۳ و درغیاب ایشان با امضای یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است. هیئت مدیره اختیارات خود را به‌شرح مندرج در صورتجلسه به مدیرعامل تفویض نمود.

۹۱/۱۹۲۹۴۲ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت کشت و صنعت لاله آراد سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۱۲۳۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۴۵۹۴۸

طبق صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۱۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۲ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: مرتضی یوسفی به ک‌م ۰۰۳۶۲۷۹۳۹۰ به‌نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری ری به شم ۱۰۱۰۲۳۲۹۵۲۹ به‌سمت رئیس هیئت مدیره مجتبی محبی به ک‌م ۰۰۴۱۸۷۰۳۶۰ به‌نمایندگی از شرکت پارس‌ام‌سی‌اس به شم ۱۰۱۰۱۶۲۲۳۱۷ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره علی اصغر شعبانپور به ک‌م ۰۰۴۰۳۱۴۰۹۱ به‌نمایندگی از شرکت توسعه صنایع مس جیرفت به شم ۱۰۱۰۲۰۸۲۳۳۰ به‌سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره - امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و چکها با امضاء مدیرعامل و درغیاب مدیرعامل با امضای رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضا متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مکاتبات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۸۸۵۷۶ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت ساختمانی نوین تراس سهامی خاص
به شماره ثبت ۹۱۴۷۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۸۰۹۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی آروین پیام به شم ۱۰۱۰۰۵۲۴۸۰۹ به‌سمت بازرس اصلی و محمد سعید گلچوبیان به ک‌م ۴۹۸۹۰۲۸۱۵۵ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند.

۹۱/۱۹۱۲۷۵ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت صنایع ناب گستر شرق سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۱۹۰۵۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۰۳۷۳۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده و فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۶ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: مراد بختیاری به ک‌م ۵۸۴۹۷۲۶۷۱۳ و محمدعلی تاج‌الدین به ک‌م ۴۵۶۹۳۳۰۳۷ در نتیجه ماده ۳۱ اساسنامه به شرح مندرج در صورتجلسه اصلاح گردید. به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲۱ محمدعلی تاج‌الدین به‌سمت رئیس هیئت مدیره و مراد بختیاری به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره ومدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۸۷۵۱۳ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت نور پلاست پیام سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۶۶۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۱۵۶۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۴ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۷ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت کابل افشان ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۸۵۳۴ و شرکت صنایع جوشکاب یزد به شم ۱۰۱۰۰۹۶۷۰۹۸ و شرکت بسته‌بندی پارس به شم ۱۰۸۶۱۴۲۷۷۸۰

۹۱/۱۸۷۵۵۳ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت فنی مهندسی سمافراز سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۴۲۴۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۸۵۴۱۹۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۱۲ واصل گردید: محمد علی صادقی به کدملی ۲۲۹۵۲۹۰۱۵۵ به‌سمت بازرس اصلی و مریم قنوئی رستگار به کدملی ۰۰۷۶۲۵۶۴۶۴ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: آریا مرعشی به کدملی ۰۰۴۰۷۶۳۲۱۸ و سید محمدمرعشی به کدملی ۱۸۸۱۴۸۲۸۵۵ و علی مرعشی به کدملی ۱۷۵۳۵۹۰۲۶۴

۹۱/۱۸۷۱۶۹ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت تولیدی زرخیزان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۸۰۲۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۴۸۴۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۱۹ واصل گردید: حسن زرکش به ک‌م ۰۰۴۱۴۹۱۵۰۵ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و حیمد زرکش به ک‌م ۰۴۵۰۹۶۳۸۲۹ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و عباس نادری به ک‌م ۰۰۴۶۵۲۹۹۵۰ به‌سمت مدیرعامل خارج از هیئت مدیره و محمدعلی زرکش به ک‌م ۰۰۳۹۷۴۳۹۵۰ به‌سمت اعضاء هیئت مدیره برای مدت ۲ سال تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مکاتبات عادی و روزمره اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۸۹۷۸۹ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت کارگزاری سرمایه و دانش سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۳۲۱۰۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۲۱۲۹۱

بهاستناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۶/۲۰ امیرعلی مستخدمین حسینی به ک‌م ۰۰۶۹۹۱۸۹۰۲ و محمد ابراهیم آقا بابایی به ک‌م ۵۶۵۹۶۳۹۹۶۸ به‌عنوان اعضاء جدید هیئت مدیره برای بقیه مدت هیئت مدیره تعیین شدند.

۹۱/۱۹۳۲۵۹ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت امن افزار گستر شریف سهامی خاص
ثبت شده به شماره ۱۹۱۵۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۳۵۰۰۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۱۴ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۱۹ واصل گردید و موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: ماده ۵۱ اساسنامه به شرح مندرج در صورتجلسه اصلاح گردید.

۹۱/۱۹۰۷۲۲ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت پرشین ابزار یدک سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۶۵۹۴۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۳۶۶۹۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۲۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به‌تصویب رسید. مجید زمانی به ک‌م ۰۰۶۷۳۶۹۳۱۶ به‌سمت بازرس اصلی و غلامرضا زادعلی به ک‌م ۰۰۳۵۳۷۲۸۷۷ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند.

۹۱/۱۹۳۷۴۸ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت سیمان فارس و خوزستان سهامی عام
به شماره ثبت ۴۰۸۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۳۵۶۱۵

بهموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲۰ هیئت مدیره حدود اختیارات خود را مشتمل بر ۱۹ بند به شرح پیوست در صورتجلسه مزبور را به مدیرعامل تفویض نمود.

۹۱/۱۸۵۱۱۰ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت صنایع فلزی سپیدکاران پرند سهامی خاص
ثبت شده به شماره ۱۸۹۹۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۱۹۷۵۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۷ و ۹۱/۸/۱۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۰ واصل گردید: ستاره نامداری به کدملی ۱۲۸۹۷۵۴۱۷۹ به سمت بازرس اصلی و سارا نامداری به کدملی ۱۲۹۰۶۹۲۱۳۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: علیرضا فدائی تهرانی به کدملی ۱۲۸۴۶۵۲۷۵ ـ نیما نوری به کدملی ۱۲۸۵۱۷۳۴۶۵ ـ عبداله حکمت‌نیا به کدملی ۱۲۸۵۶۸۶۳۱۴ ـ ماده ۳۱ اساسنامه به شرح مندرج در صورتجلسه اصلاح گردید. به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۱۸ علیرضا فدائی تهرانی به سمت رئیس هیئت مدیره و عبداله حکمت‌نیا به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و نیما نوری به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیات مدیر همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۷۴۸۸۸ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت صنایع راما پارسیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۵۱۶۷۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۴۴۸۳۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طورفوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۴ واصل گردید: سیدمحمدرضا ده دشتی به ک م ۲۹۷۱۷۰۰۸۱۱ به سمت بازرس اصلی و ربابه چارگاهی به ک م ۶۳۰۹۲۱۵۰۹۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. کامیار قمی اسکوئی به ک م ۰۰۷۷۵۳۳۵۳۴ به جای رسول رادور به عنوان عضو هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی انتخاب شدند به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۱۸ کاوه قمی اسکوئی به سمت رئیس هیئت مدیره، علی قمی اسکوئی به سمت مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره، کامیار قمی اسکوئی به سمت عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات مراسلات و مکاتبات اداری با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل منفردا همراه بامهر شرکت و قراردادها و عقود اسلامی و خرید و فروش اموال غیرمعقول با امضا مدیرعامل به تنهایی و یا با امضا مدیرعامل به تنهایی و یا با امضا کاوه قمی اسکوئی و کامیار قمی اسکوئی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۷۷۵۲۰ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت باژن پروتئین تهران سهامی خاص
ثبت شده به شماره ۲۶۳۸۱۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۱۲۰۴۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طورفوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۴ واصل گردید: اعضاءهیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: هاشم صرافی ملایری به کدملی ۳۹۳۲۵۰۱۳۴۹ ـ مسعود رشیدی به کدملی ۳۹۳۲۶۲۷۴۰۷ ـ محمودرضا شاملو به کدملی ۳۹۳۲۶۶۳۶۶۷ ـ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲۱ هاشم صرافی ملایری به سمت رئیس هیئت مدیره و مسعود رشیدی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محمودرضا شاملو به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات وعقود اسلامی با امضاء مدیرعامل به اتفاق رئیس هیات مدیره یا نایب رئیس هیئت مدیره (دو امضا) همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل و یا یکی از اعضای هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۷۳۸۳۱ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت لیزینگ گلدیران نوین سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۰۴۹۷۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۶۶۴۷۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه و هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۳۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی بهبود ارقام به ش م ۱۰۱۰۰۵۸۰۵۶۸ به سمت بازرس اصلی و جمشید اسکندری به ک م ۰۳۲۱۴۲۹۳۰۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل سرمایه‌گذاری گلدیران نوین به ش م ۱۰۱۰۳۵۶۸۱۰۶ به نمایندگی محمدعلی اسدی به ک م ۰۰۷۹۳۸۸۴۱۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره شرکت توسعه تجاری اسپیدان نگر به ش م ۱۰۳۲۰۲۱۰۴۶۶ به نمایندگی بهادر نایبی به ک م ۰۰۶۸۴۲۰۸۱۱ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل و غلامحسین اسدی به ک م ۴۶۰۹۳۴۶۵۰۸ به سمت رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند حق امضاکلیه اوراق و اسناد بهادار و بانکی با امضای ۲ نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و سایر مکاتبات اداری با امضای منفرد مدیرعامل با مهر شرکت معتبر می‌باشد و محل شرکت به الهیه انتهای خ مریم شرقی پ ۶۸ ک پ ۱۹۶۸۶۵۵۸۸۸ انتقال یافت.

۹۱/۱۷۳۹۳۳ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت لیزینگ پارسیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۷۰۹۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۳۹۶۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۹/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۳/۹ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت بانک پارسیان به ش م ۱۰۱۰۲۲۰۳۴۰۱ بنمایندگی فرهاد حنیفی به ک م ۳۲۵۵۲۳۸۱۸۸ شرکت تامین خدمات سیستمهای کاربردی کاسپین به ش م ۱۰۱۰۲۵۶۳۷۸۶ به نمایندگی جواد نجم‌الدین به ک م ۴۵۶۹۲۴۷۹۸۹ شرکت تجارت اکترونیک پارسیان به ش م ۱۰۱۰۱۸۵۰۴۳۳ بنمایندگی سید حسام شمس عالم به ک م ۲۳۷۱۸۹۶۲۴۱ شرکت توسعه ساختمانی پارسیان به ش م ۱۰۱۰۲۸۳۷۲۳۶ به نمایندگی محمد بیگدلی به ک م ۰۰۴۷۰۴۷۶۰۷ شرکت کارگزاری پارسیان به ش م ۱۰۳۸۰۳۹۳۵۱۰ بنمایندگی نادر خواجه حقوردی به ک م ۵۵۹۹۳۲۶۵۴۳ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۱۰/۴ جواد نجم‌الدین به سمت رئیس هیئت مدیره، سید حسام شمس عالم به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، فرهاد حنیفی به سمت مدیره عامل تعیین گردیدند. امضاکلیه اوراق و اسناد تعهدآور و چکها با امضاء متفق مدیر عامل و یم نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضا متفق دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. و کلیه چکهای صادره تا مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با امضا ثابت مدیرعامل و امضای سید امیرحسین موسوی (معاون امور مالی) به ک م ۰۰۴۰۷۸۸۹۵۴ متفقا همراه با مهر شرکت و کلیه اوراق نقل و انتقال اسناد مالکیت محصولات اموال و خودروهای واگذار شده به مشتریان شرکت تحت قراردادهای اجاره به شرط تملیک و یا فروش اقساطی با امضا هر یک از اعضا هیئت مدیره مدیر عامل معاون امور مالی معاون لیزینگ خودرو و ماشین‌الات سنگین یداله زحمتکش علی‌آبادی به ک م ۲۹۹۱۴۵۱۱۷۳ و معاون لیزینگ غیر خودرویی رضا آقا محمدیان به ک م ۴۸۹۹۷۲۱۴۵۵ به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است. کلیه اوراق و اسناد نقل و انتقال و فک پلاک خودروهای واگذاری شده به مشتریان تحت قراردادهای اجاره به شرط تملیک یا فروش اقساطی با امضای هر یک از اعضای هیئت مدیره مدیرعامل معاون امور مالی معاون لیزینگ خودرو و ماشین‌آلات سنگین مدیر لیزینگ خودرو میرحسین یوزباشی به ک م ۲۷۵۰۵۷۹۵۴۶ و مدیر خدمات مشتریان مهدی حسین‌زاده امام به ک م ۶۳۰۹۱۸۵۴۶۲ به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است. هیئت مدیره با توجه به مفاد ماده ۴۴ اساسنامه شرکت اختیارات مذکور در بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ ماده ۴۰ اساسنامه را عینا به مدیرعامل تفویض نمودند.

۱۷۲۰۴-۰۲۵۸۰۷۱/م الف **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی افزایش سرمایه شرکت پاکدشت ما سه سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۰۳۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۵۰۲۱۶

بموجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۱۰ و هیئت مدیره مور خ ۹۱/۱۰/۱۱ سرمایه شرکت از مبلغ ۱/۶۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۶/۵۲۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۳۲۶/۴۰۰ سهم ۲۰/۰۰۰ ریالی با نام که تماما پرداخت شده از طریق نقدی تامین گردیده افزایش یافته و مبلغ ۴/۸۹۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال بموجب گواهی شماره ۴۳۸۷/۲ مورخ ۹۱/۱۰/۲۷ بانک ملی ایران شعبه خشایار پرداخت گردیده است. ماده مربوطه اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۴ تکمیل امضاء گردیده است.

۱۶۸۳۱-۹۸۲۲۳۰۸/م الف **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت واحد صنعتی پوشاک هاکوپیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۷۳۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۱۷۷۶۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۱/۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۱ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: سومبات هاکوپیانس تازه‌کند به ک م ۱۳۷۲۶۳۴۶۸۱ ویکتوریا یکانیانس تازه‌کندی به ک م ۱۳۸۰۷۲۹۹۸۶۶ یوریک هاکوپیانس تازه‌کند به ک م ۰۰۶۴۴۴۳۳۰۲ آرمیک‌هاکوپیانس به ک م ۰۱۳۷۲۷۱۲۴۸۸ انتخاب گردیدند. بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱۱/۷ سومبات هاکوپیانس تازه‌کند به سمت رئیس هیئت مدیره، ویکتوریا یکانیانس تازه‌کندی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل به تنهایی و در غیاب با امضا هر یک از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۱۷۲۰۳-۰۲۲۵۹۸۹/م الف **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت بازرگانی ایران سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۰۳۵۵۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۷۴۶۸۲

بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۷/۱۳ مرتضی اسلامی به ک م ۰۰۴۰۴۲۴۳۵۹ به سمت رئیس هیئت مدیره، محمدحسین تقوایی به ک م ۰۶۲۲۰۲۵۴۰۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، مهدی ساعتچی اصل به ک م ۵۳۳۱۱۱۰۳۶ به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و عقود اسلامی و قراردادها با امضاء دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء منفرد مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۱۷۲۰۲-۰۲۳۲۴۶۲/م الف **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت بیمه توسعه سهامی عام
به شماره ثبت ۲۰۰۷۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۵۰۴۴

طبق صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۵/۱۸ خلیل خلیل‌زاده به ک م ۰۰۴۲۰۸۶۶۵ به نمایندگی از شرکت اعتباری توسعه به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۶۷۲۱۹ به سمت رئیس هیئت مدیره، قدرت‌اله اسدی به ک م ۱۵۳۲۶۸۹۹۷ به نمایندگی شرکت شادان شهرباختر ش م ۱۰۱۰۳۰۴۹۳۸۰ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل و پدرام خلیل‌زاده به ک م ۰۰۶۸۵۴۸۹۷۴ به نمایندگی شرکت گسترش انفورماتیک ایرانیان به ش م ۱۰۱۰۲۰۴۴۰۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، سیدداود سیدمهدی به ک م ۰۰۴۳۱۹۱۲۲۳ به نمایندگی از شرکت زرین ساختمان خاور به ش م ۱۰۱۰۲۴۰۰۴۵۱ غلامرضا خلیل ارجمندی به ک م ۶۵۹۹۳۹۳۹۷۷ به نمایندگی شرکت سرمایه‌گذاری توسعه و ساختمان برج‌آوران به ش م ۱۰۱۰۱۹۱۵۷۴۷ به سمت عضو هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین گردیدند حق امضا شرکت به شرح ذیل می‌باشد امضاء ثابت شرکت خلیل‌زاده و قدرت‌اله اسدی. امضا دوم شرکت پدرام خلیل زاده و غلامرضا خلیل ارجمندی و سید داود سید مهدی. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، با یک امضا ثابت خلیل خلیل‌زاده و امضا دوم سید داود سیدمهدی یا غلامرضا خلیل ارجمندی یا امضا ثابت قدرت‌اله اسدی و امضا دوم پدرام خلیل‌زاده همراه با مهر شرکت معتبر است و کلیه مکاتبات عادی با امضا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۷۵۲۱۷ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت گسترش اندیشه پویا سهامی خاص
ثبت شده به شماره ۲۱۰۶۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۲۱۲۹۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طورفوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۱۵ واصل گردید: علیرضا قربانی اصل به کدملی ۲۸۳۹۰۰۵۱۵۱ به سمت بازرس اصلی و طاهره احمدی به کدملی ۰۰۵۹۱۳۹۸۱۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: فرشاد ارجمند کرمانی به کدملی ۰۰۳۷۸۲۰۷۲ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و امیرادیب زاده به کدملی ۰۰۶۱۵۸۵۷۸۵ به سمت نایب رئیس هیئت مدیر و ارنواز شفیقی اصفهانی به کدملی ۲۲۹۵۳۳۷۲۲۴ به سمت عضو هیات مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء جداگانه فقط یکی از دو نفر مدیرعامل یا نایب رئیس هیات مدیره هر یک به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۷۶۹۶۰ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت شتابکار سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۰۵۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۶۹۴۵

به موجب صورتجلسه هیئت مدیر مورخ ۹۱/۷/۲۹ غلامرضا حقیقت به ک م ۲۴۷۱۲۳۶۲۸۶ به سمت رئیس هیئت مدیره علی‌عالیانی به ک م ۰۰۶۳۱۱۵۷۵۱ به نمایندگی شرکت صنایع فورج البرز به ش م ۱۰۱۰۱۱۰۰۵۳۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره سعید ضابط نیا به ک م ۰۹۴۳۲۲۱۶۷۶ به نمایندگی شرکت یاتاقان بوش ایران به ش م ۱۰۱۰۱۱۷۱۴۹۰ به سمت مدیرعامل وعضو هیئت مدیره مهران راسخ جهرمی به ک م ۲۴۷۰۷۰۴۴۷۲ به نمایندگی شرکت فرزانگان فارس نیکو به ش م ۱۰۵۳۰۱۹۶۹۴۸ و بابک یونسی‌زاده به ک م ۰۰۵۵۱۰۷۶۰۵ به نمایندگی شرکت گسترش طراحی و تولید قطعات آهنگری خودرو به ش م ۱۰۱۰۲۰۸۷۴۸۵ به سمت اعضای هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردیدند امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات قراردادها و عقود اسلامی با امضاء متفق رئیس هیئت مدیره به همراه یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اسناد و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۷۱۴۸۶ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت راهگزین رایانه سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۰۸۱۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۲۰۲۱۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۹ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی آروین حساب رسا به ش م ۱۰۳۲۰۳۵۵۰۵۱ به سمت بازرس اصلی و مهدی عسگری به ک م ۰۰۴۵۳۸۵۶۰۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: جمال غضنفری نصرآباد به ک م ۴۴۵۹۵۱۲۰۴۱ محسن مومنی به ک م ۳۶۲۱۰۲۶۴۹۵ مزدا صدیقی مقدم به ک م ۰۰۶۱۳۹۰۲۴۰ جمال غضنفری نصرآباد به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و محسن مومنی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاءکلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک سفته برات با امضاء متفق دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۹۱/۱۷۰۹۵۵ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تصمیمات شرکت دارویی و بهداشتی آینه سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۲۰۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۵۵۰۴۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۷/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۳۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید. محمد ابراهیم منتظری جویباری به ک م ۲۱۶۱۳۹۱۲۰۸ به سمت بازرس اصلی و سعید احمدی‌نیا به ک م ۰۰۶۲۸۴۱۴۶۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال بقرار ذیل انتخاب گردیدند. محمد امیر دستمالچی به ک م ۰۰۴۱۱۰۱۵۱۰ مهدی ابراهیم کرمانی به ک م ۰۰۴۰۲۰۶۳۲۷ آرمین اکبری به ک م ۰۰۶۱۸۱۳۲۱۴ و ساسان موذنی به ک م ۰۰۴۷۷۷۲۲۶۳ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۷/۱۵ محمد امیر دستمالچی بسمت رئیس هیئت مدیره و آرمین اکبری بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و ساسان موذنی بسمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء دو نفر از اعضای هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

۹۱/۱۷۰۱۸۴ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۲
۱۵ رمضان ۱۴۳۴ ـ ۲۴ جولای ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۱۱ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۵ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۲۷ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۰۷ دقیقه

حمله توپخانه ای ارتش ترکیه به مناطق کردنشین سوریه



سرویس خارجی: منابع آگاه کرد در شمال شرقی سوریه از حملات توپخانه ای ارتش ترکیه به مواضع کردهای سوریه در نقاط مرزی در راستای حمایت از گروه تروریستی جبهه النصره وابسته به القاعده خبر می دهند. یک منبع کرد سوریه اعلام کرد: نیروهای ارتش ترکیه حمله به مواضع کردها در شمال سوریه را در دستور کار قرار داده اند. وی تاکید کرد: ارتش ترکیه پس از آغاز عملیات نظامی کردهای سوریه علیه جبهه النصره، نیروهایش را در حمایت از این گروه تروریستی بسیج کرده است. وی گفت: ارتش ترکیه در گام نخست با پیشروی به نقاط صفر مرزی، مواضع کردهای سوریه در تل ابیض، تل فندر، تل احمر و تل اخضر را هدف حملات توپخانه‌ای قرار داد. این منبع کرد افزود: ترکیه با حمایت همه جانبه از جبهه النصره در صدد دخالت نظامی در سوریه از طریق نقاط مرزی است تا این نقطه استراتژیک را از دست ندهد.

دراین حال نخست‌وزیر ترکیه با تاکید بر اینکه دولتش تحولات سوریه را تحمل می کند اما نمی‌داند این آستانه تحمل چقدر طول می کشد، گفت با تشدید درگیری میان کردهای سوریه و شبه نظامیان جبهه النصره در مرز ترکیه، آنکارا وارد عمل می‌شود. رجب طیب اردوغان گفت: تحولات سوریه به مرزهای ما کشیده شده و تلفاتی در کشور ما به وجود آورده است. در حال حاضر این مساله را تحمل می کنیم اما نمی دانیم چقدر می‌توانیم صبور باشیم و تحمل کنیم.

همچنین ارتش ترکیه در بیانیه‌ای اعلام کرد، اقدامات امنیتی ضروری را برای مقابله با تهدیدهای موجود در سراسر مرز این کشور با سوریه انجام داده و یگان‌هایش در سراسر مرز بر اساس قوانین نظامی اقدام به تیراندازی می‌کنند. این درحالی است که باوجود مخالفت‌های پیشین کنگره آمریکا، کمیته اطلاعات سنای این کشور با مسلح کردن تروریست‌های سوریه موافقت کرد و ماه آتی میلادی مهمات به دست آنها می رسد. اعضای کمیته اطلاعات سنای آمریکا با مسلح کردن مخالفان بشار اسد در یک پروسه آزمایشی موافقت کردند. طبق این تصمیم، تروریست‌های سوریه از ماه آتی میلادی مهمات دریافت می کنند و این در حالی است که کنگره پیشتر با تصمیم اوباما برای ارسال سلاح برای مخالفان سوریه مخالفت کرده بود زیرا این نگرانی مطرح شده بود که این سلاح‌ها به دست گروههای مرتبط با القاعده در سوریه بیفتد. مایک راجرز رئیس کمیته اطلاعات سنا به خبرنگاران گفت باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا می تواند طرح خود را برای مسلح کردن مخالفان سوریه در این شرایط که نگرانی های کنگره برطرف شده است، پیش ببرد. ازسویی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا اعلام کرد درصورت درخواست کاخ سفید، نیروهای آمریکایی دخالت نظامی و انجام ماموریت در سوریه را برعهده می گیرند. ژنرال مارتین دمپسی گفت گزینه‌های پیش روی آمریکا می تواند از ایجاد منطقه پرواز ممنوع تا حملات محدود علیه اهداف نظامی درسوریه را در برگیرد. وی در گزارشی به کمیته نیروهای مسلح سنا اعلام کرد در صورت دستور رئیس جمهوری آمریکا، ارتش این کشور آمادگی دارد اقدامات مختلف نظامی را در حمایت از مخالفان مسلح حکومت سوریه به اجرا بگذارد. به گفته دمپسی، هزینه استفاده از این گزینه به نوع و دامنه حملات و همچنین مدت زمان اجرای آن بستگی دارد و ممکن است به چند میلیارد دلار بالغ شود. وی هزینه اولیه حمله به سوریه را حدود ۵۰۰ میلیون دلار و هزینه اجرای موثر طرح پرواز ممنوع بر فراز این کشور را ماهانه یک میلیارد دلار برآورد کرده و افزوده است این گزینه ممکن است شامل خسارات مادی و تلفات انسانی احتمالی به نیروهای آمریکایی هم باشد.

گشایش دفتر مخالفان در آلمان

یک نشریه آلمانی از گشایش دفتر نمایندگی رسمی مخالفان سوریه در برلین با حمایت دولت آلمان خبر داد. نشریه فوکوس اعلام کرد این سفارتخانه غیر رسمی مخالفان سوری از طرف دولت آلمان حمایت شده و به افراد سیاسی تحت تعقیب دولت سوریه برای مهاجرت به آلمان کمک می کند. در این دفتر نمایندگی، گروههای سیاسی مخالف از سوریه گرد هم می آیند که از طرف برخی کشورها و اتحادیه اروپا به عنوان نمایندگان مشروع ملت سوریه به رسمیت شناخته شده‌اند. همچنین وزارت امور خارجه آلمان از این پروژه حمایت مالی می کند. یکی از وظایف این دفتر این است که پناهندگان سیاسی دیگری را هم از سوریه به آلمان منتقل کند. خبر دیگر اینکه «هیثم مناع» رییس هیات هماهنگی ائتلاف مخالفان سوریه اعلام کرد آمریکا مسئولیت پرونده سوریه را به سازمان جاسوسی و اطلاعات عربستان سپرده است. مناع گفت: از تغییر مواضع به ستوه آمده ایم و یادآور می شویم که آمریکا در بیش از ۳۰ سخنرانی مقامات بلندپایه آن خواستار برکناری فوری بشار اسد از قدرت شد، پس چگونه این مواضع مقتدرانه ظرف دو ماه رنگ باخت. وی افزود: موضع غرب گرفتار تعارض میان داده های میدانی عرصه های نبرد و اطلاعات دریافتی از هم پیمانش یعنی ائتلاف مخالفان سوریه شده است. درچنین شرایطی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر پایبندی کشورهای عضو این اتحادیه برای حل وفصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه تاکید کرد. کاترین اشتون گفت: اتحادیه اروپا امید خود را جهت برگزاری نشست بین‌المللی «ژنو۲» در خصوص سوریه از دست نداده و این اتحادیه درصدد است از تمامی طرف‌های مربوطه جهت مشارکت در این نشست دعوت به عمل آورد. ازسویی نبیل العربی دبیرکل اتحادیه عرب در نامه‌ای به سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه از وی خواست فعالیت‌های خود را برای برگزاری نشست «ژنو ۲» از سر گیرد تا با توجه به خطرهای روز افزونی که نظام و کشور سوریه را تهدید می کند بحران سوریه از طریق راهکار سیاسی حل و فصل شود.

فتوای جدید جبهه النصره

سرکرده گروه تروریستی جبهه النصره در سوریه با بیان اینکه این گروه با روند سیاسی و برگزاری انتخابات مخالف است، خواهان تشکیل حکومتی دینی مطابق دیدگاه خود در سوریه شد. «ابومحمدالجولانی» اعلام کرد: ما با روند و احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات مخالفیم و می خواهیم نظامی روی کار آید که عدالت در سایه آن محقق شود. وی گفت: جهاد در راه خدا، روش ما برای تحکیم شریعت است و شریعت، همه انسان‌ها را از قوانینی که بشر آن را وضع کرده آزاد می‌کند. الجولانی تصریح کرد: آمریکا و کشورهای غربی همپیمان آن به سرعت ما را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند و این بهانه را تراشیدند که ما خواهان اجرای شریعت هستیم، آنها درست گفتند ما خواهان اجرای شریعت و دفاع از دین و خون مسلمانان هستیم. درتحولی دیگر مقام‌های هلند یک زن ۱۹ ساله را به اتهام جذب نیرو برای مقابله با نیروهای دولتی سوریه دستگیر کردند.

ادامه پیشرفت ارتش سوریه

آخرین تحولات نظامی در سوریه حاکی از پیشرفت ارتش در استان های مختلف این کشور است. ارتش سوریه شمار زیادی از تروریست ها را در منطقه القابون در حومه دمشق کشت و شماری را نیز زخمی کرد. ارتش همچنین یک تونل تروریست‌ها را در منطقه جوبر در حومه دمشق کشف کرد. این تونل کشف شده مجهز به دوربین های مدار بسته بود که در داخل آن تعداد زیادی بسته های مواد منفجره یافت شد. ارتش سوریه درعین حال یک تجمع تروریستی را در منطقه جوبر که به نام لواء الاسلام معروف بود نابود کرد و سلاح و مهمات ذخیره شده آنان را از بین برد.

۹ کشته در تازه ترین درگیری هواداران و مخالفان مرسی

سرویس خارجی: رسانه های خارجی از کشته شدن ۹ نفر و زخمی شدن ۸۶ نفر در درگیری طرفداران و مخالفان محمد مرسی در النهضه و الجیزه خبر دادند. «خالد الخطیب» یکی از مسئولان مصری با اعلام این خبر افزود: این درگیری ها در میدان التحریر و رابعه العدویه قاهره و میدان النهضه استان الجیزه رخ داد. علاوه بر قاهره، قلیوبیه و دمیاط نیز شاهد درگیری میان طرفداران و مخالفان محمد مرسی بود. اغلب کشته شدگان از ناحیه سر و سینه هدف تیراندازی قرار گرفته اند. خبرنگار شبکه خبری الجزیره گزارش داد، گروهی از شورشیان با بمب‌های دست‌ساز و سلاح به تحصن کنندگان حامی محمد مرسی، رئیس جمهوری برکنار شده مصر در میدان الجیزه حمله کردند. منابع در ادامه اعلام کردند که دهها خودروی تحصن کنندگان درمیدان النهضهٔ نیز به آتش کشیده شد. از سوی دیگر، نیروهای امنیتی مصر راهپیمایی طرفداران مرسی را که در مسیر بازگشت به میدان رابعه العدویهٔ بود، هدف شلیک گلوله قرار دادند و یک تن را کشتند و دهها تن دیگر را زخمی کردند.

در همین حال، محمد البلتاجی، از رهبران حزب آزادی و عدالت اظهار کرد که برخورد نیروهای امنیتی و شورشیان به تحصن کنندگان در میدان النهضهٔ نشانگر تلاش‌های نظام کودتاچی در مصر است که تلاش می‌کند به هر هزینه‌ای و حتی با ریختن خون مصری‌ها، تحصن‌های حامیان محمد مرسی را متفرق کند. وی تصریح کرد که شورشیان و نیروهای پلیس تلاش کردند تا تحصن کنندگان در میدان رابعه العدویهٔ را متفرق کنند. زمانی که حامیان مرسی به سمت سفارتخانه آمریکا در حرکت بودند، درگیری‌هایی میان آنها با مخالفان رئیس جمهوری برکنار شده مصر در شمال قاهره رخ داد. این در حالی است که، رئیس حزب آزادی و عدالت و یکی از رهبران گروه اخوان المسلمین از حامیان مرسی خواست سفارت آمریکا در قاهره را محاصره کنند و خواستار اخراج «آن پترسون» از کشور شوند. وی همچنین از مخالفان مرسی خواست که از مصر خارج شوند زیرا مردم به آنها رحم نخواهند کرد.

موضع اتحادیه اروپا

اتحادیه‌اروپا خواهان آزادی محمدمرسی شد و از ارتش مصر خواست تا در صحنه سیاسی این کشور به ایفای نقش نپردازد. وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای که پس از نشست آن‌ها در بروکسل صادر شد، خواهان آزادی محمد مرسی، رئیس جمهوری برکنار شده مصر شدند. وزیران خارجه اتحادیه اروپا از نیروهای مسلح مصر خواستند تا در صحنه سیاسی این کشور نقشی نداشته باشند و به حکومت مدنی احترام بگذارند. این وزراء تاکید کردند که از روابط برجسته خود با مصر خرسند هستند و به حمایت خود از مردم مصر در مبارزاتشان جهت دستیابی به عزت، دموکراسی و عدالت اجتماعی ادامه می دهند. وزیران خارجه اتحادیه اروپا با ابراز نگرانی شدید خود نسبت به اوضاع مصر اعلام کردند: نیروهای مسلح مصر نباید در صحنه سیاسی مصر ایفای نقش کنند. آن‌ها باید نظام مبتنی بر قانون اساسی را بپذیرند و به آن احترام بگذارند. اتحادیه اروپا از تمام گروه‌های سیاسی در مصر خواست که روند آشتی ملی را آغاز کنند و در راستای تحقق منافع کشور و دموکراسی به اعتمادسازی بپردازند.

شکایت خانواده مرسی

خانواده محمد مرسی در نشستی خبری تأکید کردند که اقدامات لازم را برای شکایت از وزیر دفاع به اتهام ربودن مرسی اتخاذ کرده‌اند. خانواده محمد مرسی، رئیس جمهوری برکنار شده مصر تأکید کردند که اقدامات قانونی برای شکایت از عبدالفتاح السیسی وزیر دفاع این کشور به اتهام ربودن مرسی را آغاز کرده‌اند. اعضای خانواده مرسی در نشستی خبری که در قاهره برگزار کرده بودند، تأکید کردند که نه از راه‌های قانونی و نه غیر قانونی تاکنون نتوانسته‌اند که با رئیس جمهوری برکنار شده تماس برقرار کنند و از محل بازداشت او اطلاعی ندارند. اسامه مرسی پسر محمد مرسی در این نشست خبری گفت: همانگونه که ارتش وطن و اراده ملی را ربوده پدر مرا نیز ربوده است. وی همچنین به وزیر دفاع مصر هشدار داد که درصورتی که زندگی مرسی به خطر بیافتد، خانواده او همه اقدامات لازم داخلی و بین المللی برای محکوم کردن السیسی راانجام خواهد داد. اسامه مرسی، پسر رئیس جمهوری برکنار شده مصر اعلام کرد، خانواده مرسی برای تحقیق در خصوص ربوده شدن پدرش و بازداشت وی به دادگاه کیفری بین المللی شکایت خواهد کرد.

فرار به غزه

بنابراعلام منابع اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، برخی اعضای اخوان المسلمین طی هفته گذشته توانستند به نوار غزه فرار کنند. به گزارش پایگاه اینترنتی عبری زبان «دبکا» برخی از رهبران اخوان المسلمین مصر از جمله محمود عزت، معاون محمد بدیع، رهبر اخوان المسلمین این کشور به نوار غزه گریخته‌اند. محمود عزت نقشه انجام اقدامات خشونت آمیزی که مصر اکنون شاهد آن است، کشیده است و اعضای اخوان هم دست به اجرای نقشه‌های او زده‌اند.

در چنین شرایطی، رئیس جمهوری موقت مصر اعلام کرد که انقلاب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ یک اقدام استثنایی در تاریخ مصر نبود بلکه امتداد مبارزات مردم این کشور علیه اشغالگری بوده است. در این حال، وزیر خارجه دولت موقت مصر تأکید کرد برکناری محمد مرسی از قدرت، بهترین گزینه برای پیشگیری از وقوع جنگ داخلی در مصر بود.

گفتگوی تلفنی

وزیر خارجه کشورمان با ابراز اطمینان از اینکه ملت مصر با هوشیاری و درایت سیاسی خود به سلامت از این بحران عبور خواهد کرد، گفت: مصر دارای جایگاه مهمی در منطقه است. علی اکبر صالحی وزیر خارجه کشورمان در گفت‌وگوی تلفنی با همتای مصری خود، مسائل مورد علاقه دو طرف را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. صالحی در این گفت‌وگوی تلفنی با ابراز اطمینان از اینکه ملت مصر با هوشیاری و درایت سیاسی خود به سلامت از این بحران عبور خواهد کرد، گفت: مصر دارای جایگاه مهمی در منطقه است و امیدواریم همه طرف‌ها و نخبگان سیاسی بتوانند با همدلی در راستای تقویت انسجام و وحدت ملی کشور گام بردارند. «نبیل فهمی» وزیر خارجه مصر نیز با ابراز خرسندی از گفت‌وگوهای انجام شده در این تماس تلفنی، تاکید کرد: امیدواریم بتوانیم هرچه زودتر در فرصتی مناسب در خصوص مسائل مورد علاقه و تحولات مهم منطقه‌ای تبادل نظر کنیم.

اظهارات هنیه

نخست‌وزیر دولت منتخب فلسطین در غزه اعلام کرد که ارتباط حماس با اخوان‌المسلمین به معنای دخالت این جنبش در امور داخلی مصر نیست. «اسماعیل هنیه» که در تظاهرات همبستگی آمیز بااسرای فلسطینی دربندزندان‌های رژیم صهیونیستی در مقابل دفتر سازمان ملل در غزه شرکت کرده بود گفت: ارتباط حماس با مکتب فکری اخوان‌المسلمین و ارتباط قوی با این جماعت به معنای دخالت حماس در امور داخلی مصر نیست. یکی از رهبران جنبش حماس نیز تاکید کرد که این جنبش هیچ دخالتی در حوادث سینا ندارد و هیچ یک از اعضای حماس در مصر حضور ندارند. «محمود الزهار» گفت که حماس هیچ دخالتی در حوادث سینا ندارد و این جنبش فتح است که پای حماس را به مصر می کشاند و اطلاعات غلط را به رسانه‌های خبری مصر ارائه می کند تا با انتشار آن حماس را در میان مصری‌ها بدنام کنند. در این حال، موسی ابو مرزوق عضو دفتر سیاسی جنبش حماس تاکید کرد که پرواز بالگردهای مصری در آسمان نوار غزه حاکی از آن است که مصر درصدد سیطره مجدد بر این منطقه است. از سویی، رئیس رژیم صهیونیستی نگرانی شدید خود را از تبعات فاجعه بار حمایت آشکار این رژیم از کودتا علیه محمد مرسی ابراز داشت. از طرفی، بر اساس برخی گزارش‌های تایید نشده رئیس سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی مدتی پیش از کودتای مصر و سقوط دولت محمد مرسی به دیدار رهبران و مقام‌های کشورهای عربی رفته بود. خبر دیگر اینکه، درپی تداوم درگیری‌ها بین نیروهای مسلح مصر با افراد مسلح در منطقه سینا، یک نیروی پلیس دیگر کشته شد.

از سویی، منابع آگاه در استان سینا تأکید کردند که اخبار منتشر شده درباره انفجار خط لوله انتقال گاز مصر و اردن در منطقه «العریش» صحت ندارد.

برزیلی ها با اعتراض از «پاپ» استقبال کردند



سرویس خارجی: «پاپ فرانسیس اول»، رهبر کاتولیک‌های جهان، در اولین سفر خارجی خود بعنوان پاپ، بعد از ورود به برزیل، با استقبال معترضان این شهر روبرو شد. رهبر ۷۶ ساله کاتولیک‌های جهان با خودروی ویژه خود از مرکز «ریودوژانیرو» عبور و سفر یک هفته‌ای خود را به کشوری آغاز کرد که پیشرفت‌های اقتصادی آن اخیراً دستخوش مشکلات شده است. این انتخاب ممکن است بازتاب نگرانی های کلیسای کاتولیک‌های جهان در واتیکان نسبت به کاهش نفوذ این مذهب در برزیل باشد.

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان برای شرکت در بیست‌وهشتمین مراسم روز جهانی جوانان به برزیل سفر کرده است.

دیلما روسف، رئیس جمهوری برزیل هنگام ورود پاپ در فرودگاه حضور داشت. علیرغم آنکه برخی از مردم برزیل از ورود پاپ فرانسیس استقبال اما جمع زیادی از معترضان به ورود او، تظاهرات برپا کردند. مأموران پلیس با استفاده از گاز اشک آور و ماشین‌های آبپاش و نارنجک‌های بی حس کننده برای متفرق کردن معترضان استفاده کردند.

شماری از معترضان بعد آنکه رهبر کاتولیک‌های جهان با «دیلما روسف» رئیس جمهوری برزیل در کاخ فرماندار دولت دیدار کرد، به سمت محل دیدار آنها بمب‌های آتش زا پرتاب کردند.

مذاکرات صلح خاورمیانه به تعویق افتاد

سرویس خارجی: رسانه‌های خبری از تعویق تاریخ آغاز مذاکرات صلح بین تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم‌صهیونیستی خبر دادند. این مذاکرات قرار بود امروز در واشنگتن برگزار شود و نمایندگانی از تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم‌صهیونیستی در این مذاکرات حضور داشته باشند. رسانه ها به تاریخ جدید مذاکرات اشاره‌ای نکرده‌اند. گفتنی است مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین از سال ۲۰۱۰ تعلیق شده و هفته قبل جان کری وزیر خارجه آمریکا موافقت تشکیلات خودگردان و رژیم‌صهیونیستی برای آغاز مجدد این مذاکرات را کسب کرد. دراین حال سخنگوی ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کرد آمریکا هنوز از صائب عریقات مسئول فلسطینی پرونده مذاکرات سازش برای دیدار با تیم اسرائیلی دعوت نکرده است. نبیل ابوردینه گفت ما منتظر دعوت واشنگتن از هیات‌های اسرائیلی و فلسطینی برای بررسی جزئیات و مسائل حل نشده هستیم و در صورت توافق بر سر جزئیات به گونه‌ای که خواست‌های فلسطینیان را محقق سازد، آغاز مذاکرات اعلام خواهد شد. ازسویی رئیس کمیسیون امورخارجی و امنیت پارلمان رژیم صهیونیستی اعلام کرد ازسرگیری مذاکرات صلح بین این رژیم و فلسطینیان قطعی نیست. آویگدور لیبرمن گفت راه‌حل مسئله در دستیابی به توافق مرحله‌ای بلندمدت است. درچنین شرایطی یکی از مقام‌های رسمی اسرائیل گفت، آماده آزادی حدود ۸۰ اسیر با سابقه فلسطینی پیش از آغاز مجدد مذاکرات صلح هستیم.

واکنش جهانی به اقدام اتحادیه اروپا علیه حزب الله

سرویس خارجی: اقدام سیاسی اتحادیه اروپا علیه حزب الله لبنان واکنش های زیادی را در جهان به دنبال داشت که شامل موافقان طرح از کشورهای غربی و وابستگان آنها و مخالفان طرح شامل حامیان محور مقاومت منطقه است. اتحادیه اروپا در اقدامی تحمیل شده از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی بعد از اینکه بیش از یک ماه برای متقاعد کردن کشورهای مخالف با درج نام حزب‌الله لبنان در لیست تروریسم این اتحادیه شکست خورده بود، در نهایت شاخه نظامی این حزب را در لیست تروریسم خود قرار داد. شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی با ارسال پیامی برای اتحادیه اروپا، از کشورهای اروپایی برای درج نام شاخه نظامی حزب‌الله لبنان در لیست گروه‌های تروریستی تقدیر کرد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز آن را دستاوردی برای سیاست خارجی اسرائیل دانست. همچنین وزارت خارجه رژیم صهیونیستی ادعا کرد اسناد و مدارک مهمی را در اختیار اتحادیه اروپا قرار داد و همین مدارک به تصمیم این اتحادیه برای قرار دادن نام شاخه نظامی حزب‌الله در لیست گروه‌های تروریستی، منجر شد.

جان کری وزیر امور خارجه آمریکا هم با استقبال از اقدام اتحادیه اروپا آن را گامی مهم توصیف کرد. همچنین ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلیس با انتشار پیامی از تصمیم اتحادیه اروپا برای ورود نام شاخه نظامی حزب‌الله لبنان به لیست گروه‌های تروریستی، ابراز رضایت کرد. گیدو وستروله وزیر خارجه آلمان نیز در حاشیه نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل گفت: ما نمی توانیم بگذاریم شاخه نظامی حزب‌الله اینجا در اتحادیه اروپا عملیات نظامی انجام دهد. این درحالی است که منابع دیپلماتیک در بیروت اعلام کردند در نشست اخیر این اتحادیه آشکارا مشخص شد کشورهای ایتالیا، نروژ، سوئد، فنلاند، چک و ایرلند با اتخاذ چنین تصمیمی مخالف بودند.

واکنش حزب الله و دولت لبنان

حزب‌الله لبنان با صدور بیانیه ای به تصمیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا مبنی بر قرار دادن شاخه نظامی این جنبش در لیست تروریسم، واکنش نشان داد و این تصمیم را خصمانه و ظالمانه بدون استناد به هیچ دلیل و اسنادی دانست. حزب‌الله تسلیم شدن کشورهای عضو اتحادیه اروپا در برابر فشارهای آمریکایی – صهیونیستی را مسیر خطرناکی در تبعیت این کشورها و بیانگر تن دادن آنها به دستورات دیکته شده کاخ سفید دانست و اعلام کرد به نظر می رسد این تصمیم با دستهای آمریکایی و جوهر صهیونیستی نوشته شده است و تنها اروپایی ها مهر تایید آن را زده‌اند. در بیانیه حزب‌الله آمده است: این تصمیم ظالمانه بود و به هیچ وجه به نفع مردم کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیست. این تصمیم ناقض ارزشهای آنها و حمایت آنها از اصول آزادی و استقلال است. اگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا گمان می کنند با تن دادن به منطق تهدید آمریکا و سرایت دادن آن به این تصمیم، می توانند در منطقه عربی و اسلامی ما به جایگاهی دست یابند، ما به آنها تاکید می کنیم که واشنگتن نیز پیش از آنها چنین تصمیمی را گرفته بود و در نهایت چیزی جز خسران و ناامیدی درو نکرد. دراین حال میشل سلیمان رئیس جمهوری لبنان ابراز امیدواری کرد اتحادیه اروپا در تصمیم خود تجدیدنظر کند. نجیب میقاتی نخست‌وزیر لبنان نیز در واکنش به اقدام اتحادیه اروپا گفت ما این موضوع را از کانال دیپلماسی پیگیری می کنیم.

عدنان منصور وزیر خارجه لبنان هم اقدام اتحادیه اروپا را شتاب‌زده خواند و گفت انتظار می‌رفت این اتحادیه اندکی در این باره درنگ کند تا این اقدام تاثیر منفی بر لبنان نداشته باشد و پیامدهای بدی برای این کشور باقی نگذارد. علامه شیخ عفیف النابلسی از علمای لبنان نیز تصمیم اتحادیه اروپا در درج نام شاخه نظامی حزب‌الله لبنان در لیست تروریسم خود را محکوم کرد. شیخ عبدالامیر قبلان نایب رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان هم تصمیم اتحادیه اروپا را در راستای وابستگی کامل کشورهای اروپایی به صهیونیسم دانست که در لبنان شکست خورده و پروژه های صهیونیستی و اشغالگرانه و تجاوزطلبانه آن به دست مقاومت قهرمان از بین رفته است. شبکه الجزیره هم اعلام کرد سوریه بهانه اتحادیه اروپا برای قرار دادن نام حزب الله در لیست سیاه است.

ایران محکوم کرد

علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران در واکنش به اقدام اتحادیه اروپا در قرار دادن شاخه نظامی حزب الله در لیست تروریسم خود، اظهارداشت: این اقدام جهت‌دار که با فشار برخی اعضای متنفذ اتحادیه اروپا انجام شد، بر خلاف موازین سیاسی و حقوقی است و باعث تعجب و غیر قابل قبول است. صالحی افزود: اینکه به یک گروه مقاومت که علیه تجاوز و اشغالگری مبارزه کرده و حضوری قانونی با پشتوانه مردمی در حاکمیت لبنان دارد، برچسب تروریست زده شود؛ سست بودن مبانی منطقی این اقدام را روشن می کند.

وی تاکید کرد: وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا به زعم خود با این کار در صدد اثر گذاری بر تحولات منطقه‌ای هستند در حالی که به دلیل فقدان تحلیل صحیح از این بحرانها، رویکرد اشتباهی اتخاذ کرده و سیاست برخورد دوگانه را به نمایش گذاشته‌اند. صالحی خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی ایران ضمن تقبیح شدید این تصمیم وزرای خارجه اتحادیه اروپا، معتقد است این گونه اقدامات تغییری در ماهیت مردمی و حق طلبانه مبارزه حزب الله نخواهد داد و قطعاً این اقدام در جهت منافع نامشروع رژیم صهیونیستی و فشارهای حامیان این رژیم در اروپا خواهد بود.

یادداشت

چالش‌های بغداد با اقلیم کردستان عراق

دکتر محمودرضا امینی

سال ۱۹۷۰ نقطه عطفی در تاریخ کردهای عراق است. سالی که میان دولت مرکزی و کردها توافقی مبنی بر ایجاد اقلیم کردستان عراق به ثمر رسید. شناسایی این وضعیت تأییدی بر قدرت احزاب کرد در حال مبارزه با دولت متمرکز بغداد بود. بدین صورت که در نتیجه جنگ اول خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۰ و تعیین مناطق پرواز ممنوع در عراق، کردها توانستند به خودمختاری دست یابند. این در حالی بود که ۱۳ درصد درآمد حاصل از فروش نفت در زمان حکومت صدام نیز به این اقلیم اختصاص داده شده بود، اما حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تاریخ جدیدی را در سرنوشت کردهای عراقی رقم زد.

در این راستا نیز دو حزب اصلی کردها، «اتحادیه میهنی» و «دموکرات کردستان» توانستند با حل اختلافات داخلی خود، نقش مؤثرتری در معادلات سیاسی و در نتیجه کسب جایگاه ارزشمند در ساختار سیاسی عراق بازی کنند. یکی از بزرگترین دستاوردهای این ائتلاف، انتخاب رئیس جمهوری این کشور، از میان کردها بود. اتحاد میان گروه‌های اقلیم کردستان عراق باعث شد آنها بتوانند سیستم فدرالیسم را در عراق شبیه‌سازی کنند. وضعیت پیش آمده باعث شد رهبران حکومت کردستان عراق خود را در جایگاهی ببینند که بتوانند با سایر کشورها، ورای نظرات و جهت گیری‌های دولت مرکزی عراق به رابطه بپردازند. تبادلات تجاری و گردشگری با جمهوری اسلامی ایران مبادلات نفت و گازی با ترکیه، ارتباطات سیاسی و نظامی با روسیه، صدور مجوز برای شرکتهای بین‌المللی و ملی برای حضور در این اقلیم در راستای کارهای عمرانی و کشف و استخراج نفت و گاز، نقش آفرینی در تحولات سوریه و خط‌دهی به کردهای سوری، جزو مواردی است که رئیس منطقه کردستان عراق، مسعود بارزانی به آنها اقدام کرده است. مواردی که برخی از آنها نه تنها مورد تایید دولت بغداد و نوری مالکی در جایگاه نخست وزیر نیست که برخلاف استراتژی کلان این کشورها نیز صورت گرفته است. این در حالی است که جلال طالبانی از حزب اتحادیه میهنی در نقش رئیس جمهور عراق و نیز به عنوان یکی از مهمترین استراتژیست‌های این کشور، به عنوان حلقه واسطه بغداد و اربیل در صدد تعادل جریان‌های سیاسی عراق بود و تلاش می کرد تا رئیس منطقه کردستان را به نرمش در مقابل خواسته‌های حکومت مرکزی ترغیب کند. هرچند که او اکنون به دلیل بیماری از حوزه فعالیت سیاسی خارج شده است، اما حزب متبوعش در پی آن است که فردی را جانشین او کند که توان بالانس قدرت میان سیاست‌های بارزانی و حکومت بغداد را داشته باشد. با این اوصاف، رهبران حزب اتحادیه میهنی به دلیل مسائل مربوط به انتخابات پارلمانی کردستان عراق، جانشینی مسعود بارزانی و مخالفت سایر احزاب کرد با استمرار قدرت در حزب دموکرات کردستان عراق، ترجیح داده‌اند ابتکار خط و مشی‌های سیاسی و اقتصادی کردستان عراق را به رهبر این اقلیم بسپارند تا از این طریق، ضمن جلوگیری از تشنج بیشتر در روابط احزاب کرد با یکدیگر بر سر مسائل داخلی و حکومت اقلیم با دولت مرکزی، حساسیت بارزانی‌ها را برای تصدی مجدد پست ریاست جمهوری از اتحادیه میهنی برنیانگیزند.

در این میان، حکومت کردستان عراق که عملاً در دست بارزانی‌ها است، علاوه بر مسائل مربوط به تقسیم قدرت در داخل و مخالفت اپوزیسون با رهبری این حزب، به واسطه نوع جهت گیری‌های رهبر اقلیم، اختلافات مهمی با دولت نوری مالکی پیدا کرده است. یکی از چالش‌های بسیار کلیدی میان دولت اقلیم کردستان عراق و بغداد، نوع برخورد با بحران داخلی سوریه است. دولت عراق با در پیش گرفتن موضع بی‌طرفی، تلاش دارد از شعله‌ور کردن این آتش که ممکن است دامن سایر همسایگانش را نیز بگیرد، خودداری کند، اما بارزانی از ابتدای وقوع ناآرامی‌ها، به اشکال مختلف مانند تشکیل «شورای ملی کرد» سعی کرد بر اعتبار سیاسی خودنزد کردهای منطقه بیفزاید. این برخورد دوگانه با مسائل مربوط به سیاست خارجی، به زعم نگارنده، تنها چیزی را که به ذهن متبادر می‌سازد، تلاش کردستان عراق برای نشان دادن استقلال رأی خود در معادلات جهانی است. این پارامتر در کنار مباحث مربوط به فروش، انتقال و در اختیارگیری منابع نفتی این اقلیم توسط دولتمردان کرد، بدون در نظر گرفتن سیاست‌های دولت مرکزی، در واقع تکیه بر عناصر سیاست و اقتصاد به عنوان دو ستون اصلی منازعه با دولت بغداد است. علاوه بر این بارزانی نشان داد که کردستان عراق را می توان سرزمینی مجزا از حوزه اعمال قوانین دولت مرکزی در نظر گرفت. این امر با پناهنده شدن «طارق الهاشمی» به کردستان عراق خود را نشان داد. مصونیت این شخص در ایالتی از ایالات عراق، نشان از عدم قدرت اجرایی قوانین دولت مرکزی در این اقلیم داشت. به واقع، نوعی تأیید بر خودمختاری روزافزون کردستان عراق بود. دولتمردان کردستان عراق همچنین درصدد تجهیز نیروهای پیشمرگ کرد به سلاح‌های روسی هستند. سفر بارزانی به مسکو و توافق برای خرید سلاح، با واکنش منفی دولت بغداد روبرو شد، زیرا دولت مرکزی معتقد است انعقاد توافقنامه‌های مربوط به تجهیزات نظامی و منابع نفتی و گازی در حوزه کاری اوست. این نوع تقسیم وظیفه در واقع برگرفته از اصول فدرالیسم است. درکشورهایی که سیستم فدرال حاکم است، اموری همچون روابط خارجی، مسائل پولی، ارزی و گمرکی، مبادلات لجستیکی ـ نظامی و امور مربوط به منابع طبیعی در حوزه وظایف و اختیارات دولت مرکزی تعریف شده است. عدول از این اصول توسط رهبران کرد شمال عراق، در واقع نوعی تلاش برای مطرح کردن خود به عنوان یک حاکمیت جدید، جدا از عراق محسوب می‌شود؛ هرچند که در سخنان کارشناسان، سیاستمداران و نظامیان کرد عراق، پیگیری پروژه مستقل شدن از عراق، رد شده است. بر این اساس، می‌توان آنگونه که برخی ایده‌پردازان عنوان کرده‌اند؛ سیستم سیاسی کردستان عراق را فرا فدرالی تعریف کرد؛ امری که مورد مخالفت دولت مرکزی این کشور است و از دید سیاستمداران عراقی، در بلندمدت می تواند یکپارچگی کشورشان را خدشه‌دار کند. بنابراین برای جلوگیری از این وضعیت، نیاز به رابطه‌ای سازنده و درعین حال پیوسته میان سران دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق برای حل و فصل امور هست. وجود تنش و قهر سیاسی آنگونه که چند ماه قبل بین نوری مالکی و بارزانی رخ داد، صرفاً به یکجانبه‌عمل کردن حکومت کردستان عراق منتهی می‌شود. در این راستا، عمل به اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق برای تعیین سرنوشت کرکوک و سایر اصول قانون اساسی، نوعی ضمانت به رهبران کرد عراق است مبنی بر اینکه دولت مرکزی در انجام تعهدات خود، اصل وفاداری را رعایت می کند و نیازی به انجام اموری ورای صلاحیت یک دولت خودمختار، مانند تصمیم به احداث خط لوله نفت میان کردستان عراق و ترکیه، بدون هماهنگی با دولت عراق نیست. در واقع دولت مرکزی می تواند با مبنا قرار دادن قانون اساسی، اقلیم کردستان عراق را بیش از پیش درگیر ساختار سیاسی عراق و عمل در چارچوب آن کند.

اختلاف کنگره و دولت آمریکا در وضع تحریم علیه ایران

بقیه از صفحه اول

از تحریم ها علیه ایران است در حالی که دولت «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا نگران است که اقداماتی از جمله تحریم علیه ایران منجر به مختل شدن مذاکرات هسته‌ای با تهران شود.

بر اساس این خبر، لوایح ضد ایرانی مجلس نمایندگان و سنای کنگره آمریکا در حالی ارائه می شوند که تیم امنیت ملی اوباما در حال سنجش جدیت «حسن روحانی» رئیس جمهوری جدید ایران در توقف برخی از عناصر فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم است. برخی از مقامات آگاه می گویند که دولت آمریکا می خواهد طرح های ضد ایرانی کنگره این کشور را تا زمان آغاز ریاست روحانی در ماه آگوست سال جاری میلادی تعدیل کند تا رئیس جمهوری جدید ایران فرصت داشته باشد امتیازات دولت خود در موضوع هسته ای را به نمایش بگذارد.

آسوشیتدپرس مدعی شدتحریم هایی که آمریکا سال گذشته میلادی علیه ایران تحمیل کرد، صادرات نفتی ان را به نصف کاهش داده است اما با این حال همچنان ماهانه میلیاردها دلار از طریق ترکیه، چین و چند کشور آسیایی دیگر در زمینه فروش نفت عاید ایران می شود. بر اساس این خبر، ممکن است لایحه ضد ایرانی مجلس نمایندگان آمریکا پیش از تعطیلی ماه آگوست کنگره تصویب شود. «باب منندز» رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا و یکی از حامیان پیشرو در زمینه وضع تحریم های شدیدتر علیه ایران گفته است که لایحه سنا حداقل تا سپتامبر سال جاری به رای گذاشته نخواهد شد.

وزارت امور خارجه آمریکا اظهار نظر خاصی درباره لوایح ضد ایرانی کنگره آمریکا نداشته و صرفا اعلام کرده است که منتظر می ماند تا روحانی ریاست خود را آغاز کند. یکی از مقامات ارشد آمریکایی که تمایلی به افشای نامش نداشت، با اشاره به این که دولت واشنگتن نگران زمان و محتوای لوایح ضد ایرانی کنگره این کشور است، گفت: اگر روحانی درباره توافق و مصالحه جدی باشد، تنظیم تحریم های جدید پیش از مذاکرات می تواند منجر به تضعیف وی (روحانی) شود.

حتی اگر رئیس جمهوری جدید ایران جدی نباشد، اقدامات نفتی (تحریم های نفتی) به خصوص دردسر ساز هستند و موفقت دیپلماتیک بالقوه آمریکا در قبال ایران را با شکست مواجه خواهند کرد. بر اساس گفته این مقام آگاه، اگر چین و ژاپن هم تصمیم بگیرند درخواست آمریکا برای متوقف کردن تمام واردات نفتی را زیر پا بگذارند، در این صورت دولت آمریکا مجبور خواهد شد اجرای این قانون (توقف واردات نفتی ایران) را از طریق قرار دادن نام بانک ها و شرکت‌های چین و ژاپن در فهرست سیاه قرار دهد و این امر منجر به ضرر اقتصادی گسترده از جمله برای آمریکایی ها خواهد شد بنابراین، نتیجه محتمل این است که آمریکا هیچ کاری انجام ندهد و تحریم ها را توخالی نشان دهد و همبستگی بین المللی برای تحت فشار قرار دادن ایران را از بین ببرد. در ادامه این خبر آمده است که با وجود حمایت دو حزبی گسترده ای که میان قانونگذاران کنگره آمریکا برای وضع تحریم های شدیدتر علیه ایران وجود دارد، اما برخی از دموکرات‌ها و جمهوریخواهان از رویکرد محتاطانه دولت آمریکا در قبال ایران استقبال می کنند.

دیپلماسی؛ راه حل بلند مدت

یک ژنرال بازنشسته نیروی دریایی آمریکا هم با تاکید بر این که اقدام نظامی صرفاً منجر به تأخیر در پیشرفت‌های هسته‌ای ایران می‌شود و نه نابودی آن، اعلام کرد که دیپلماسی یگانه راه حل بلند مدت در قبال ایران محسوب می‌شود. به گزارش فارس به نقل از روزنامه آمریکایی «واشنگتن تایمز»، یکی از رؤسای فرماندهی مرکزی آمریکا که به تازگی بازنشسته شده است، هشدار داد که برنامه هسته‌ای ایران را نمی توان از طریق ابزار نظامی آمریکا یا اسرائیل متوقف کرد. «جیمز ماتیس» اعلام کرد: من فکر نمی کنم که کسی بتواند برنامه ای که از تهران تا کوه ها گسترش یافته است و شامل تاسیسات زیر زمینی و روی زمین می شود را نابود کند.

این ژنرال بازنشسته آمریکایی در ادامه با اشاره به این که حملات نظامی موفقیت آمیز صرفا می تواند منجر به نابودی و مسدود شدن ورودی های تاسیسات زیر زمینی مقاوم ایران شوند، در ادامه سخنان خود در انجمن امنیتی «آسپن» اعلام کرد که تمام آن کاری را که آمریکا و یا سایر کشورهای منطقه می توانند از طریق اقدام نظامی علیه ایران محقق کنند، ایجاد تاخیر موقت در پیشرفت برنامه هسته ای است. ماتیس اعلام کرد: قطعا، می توان برنامه هسته ای ایران را یک ماه، ۶ ماه یا ۱۸ ماه به تاخیر انداخت، اما شما با تاخیر در این موضوع چه کاری خواهید کرد؟ ارتش می تواند گاهی اوقات دیپلمات‌های ما را بخرد، اما حقیقتا نمی تواند این مشکل را حل کند.

کوتاه از سراسر جهان

اظهارات «زرداری» علیه حمله به حرم حضرت زینب(س)



ایرنا: آصف علی زرداری رئیس جمهوری پاکستان در پیامی، هتک حرمت حرم حضرت زینب(س) در سوریه را محکوم و آن را اقدامی «درد‌آور و شنیع» خواند. وی تصریح کرد که اینگونه اقدامات تنها از سوی پست ترین و حقیرترین افراد سر می‌زند. زرداری افزود: بی حرمتی به این حرم مقدس و سایر اماکن متبرکه نه تنها قلب مسلمانان پاکستان و سراسر جهان را به درد آورده بلکه می تواند تهدیدی برای افزایش شکاف‌های فرقه‌ای شود. رئیس جمهوری پاکستان همچنین از همه طرف‌های درگیر در سوریه خواست تا با حفظ حرمت اماکن مقدس، مانع بی احترامی به این مکان‌ها شوند. وزارت خارجه پاکستان نیز با احضار کاردار سفارت سوریه در اسلام‌آباد، این حمله تروریستی را محکوم کرد.

«راخوی» توضیح می‌دهد

فارس: «ماریانو راخوی»، نخست وزیر اسپانیا که در پی رسوایی اخیر مالی با انتقادهای فراوانی مواجه شده است اعلام کرد که در روزهای آینده در پارلمان در این مورد توضیح خواهد داد. فشار ها بر نخست وزیر اسپانیا از زمانی آغاز شد که روزنامه «ال موندو» از این موضوع پرده برداشت که راخوی با ارسال پیامکی به «لوییس بارسناس» متهم به فساد مالی، از او خواسته بود تا وجود حساب بانکی پنهانی و پرداخت پاداش به اعضای حزب خود را انکار کند.

خلف وعده دولت ترکیه

ایرنا: دادگاهی در استانبول حکم تعلیق طرح ساخت و ساز در پارک گزی میدان تکسیم استانبول را لغو کرد. باصدور این حکم دولت آنکارا می تواند به ساخت و ساز در پارک گزی که محل آغاز تظاهرات ضددولتی در ترکیه بود، اقدام کند. دادگاه دیوان اداری منطقه ای استانبول در حکم خود تصمیم دادگاه پایین تر مبنی بر تعلیق این طرح تا زمان صدور حکم شورای عالی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی را لغو کرد. این در حالی است که مقامات دولتی ترکیه پیش از این اعلام کرده بودند در صورتی که دادگاه حکم به ساخت و ساز در پارک گزی را نیز بدهد، اجرای آن را به همه پرسی در استانبول خواهند گذاشت.

«اسنودن»؛ برنده جایزه «افشاگر» آلمان



ایسنا: مرکز شفافیت بین المللی در آلمان در بیانیه‌ای اعلام کرد، افشاگر و پیمانکار پیشین آژانس امنیت ملی آمریکا، برنده امسال جایزه «افشاگر» سازمان‌های حقوق بشری آلمان شده است. انجمن دانشمندان آلمان و شعبه انجمن بین المللی وکلای مخالف با تسلیحات اتمی در آلمان بانیان این جایزه که در سال ۱۹۹۹ میلادی بنیان گذاری شده، هستند. یکی از سخنگویان انجمن دانشمندان آلمان اعلام کرد؛ این جایزه نقدی به ارزش ۳۰۰۰ یورو به اسنودن اعطا می‌شود.

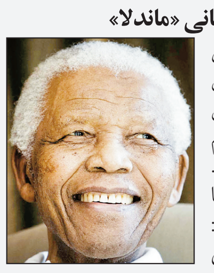
دفاع وزیر کشور فرانسه از ممنوعیت حجاب

مهر: «مانوئل والس»، وزیر کشور فرانسه از قانون ممنوعیت استفاده از پوشش زنان مسلمان در فرانسه در حالی دفاع کرد که مسلمانان این کشور به شدت از این اقدام ضد انسانی خشمگین هستند. وی بعد از چند روز ناآرامی در حومه پاریس که به علت کنترل هویت یک زن مسلمان محجبه توسط پلیس فرانسه ایجاد شده بود، از عملکرد پلیس فرانسه دفاع کرد و گفت: پلیس کارش را به خوبی انجام داد. وزیر فرانسوی همچنین با اشاره به قانونی که در سال ۲۰۱۰ در این کشور درباره حجاب به تصویب رسید و اعتراضات گسترده ای را در پی داشت، اظهار داشت: این قانون به نفع زنان است و در تضاد با ارزش هایی است که هیچ ارتباطی به ارزش ها و سنت‌های ما ندارند. وی در ادامه خواستار اجرای این قانون در همه جا شد.

درخواست «اوجالان» رد شد

ایرنا: «بولنت آرنیچ»، معاون نخست وزیر و سخنگوی هیئت دولت ترکیه در پاسخ به خبرنگار روزنامه «حریت» که پرسید: آیا در جلسه هیئت دولت، موضوع درخواست اوجالان برای برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در زندان ایمرالی با روزنامه‌نگاران ترکیه را بررسی کردید یا خیر؟ اعلام کرد: به محض این که این درخواست از سوی اوجالان مطرح شد، مقامات مرتبط درباره آن تصمیم گیری کردند. وزیر دادگستری اعلام کرد که از نظر حقوقی، عبدالله اوجالان یک فرد محکوم به حبس ابد با شرایط سنگین است و لذا امکان برگزاری کنفرانس مطبوعاتی و دیدار وی با روزنامه نگاران مطلقا وجود ندارد و چنین چیزی غیر ممکن است.

پیشرفت مداوم وضع جسمانی «ماندلا»



فارس: ریاست جمهوری آفریقای جنوبی اعلام کرد: وضع سلامت نلسون ماندلا رئیس جمهور پیشین این کشور که از یک ماه و نیم پیش در بیمارستان پریتوریا بستری است همچنان وخیم است ولی پیشرفت های مداومی حاصل کرده است. بر اساس بیانیه ای که پس از عیادت جاکوب زوما رئیس جمهوری آفریقای جنوبی از ماندلا منتشر شد: حال ماندلا همچنان وخیم است ولی پیشرفت های مداومی داشته است.

تمجید اوباما از خبرنگاری که خودش اخراج کرد

فارس: رئیس جمهور آمریکا، بیانیه‌ای را در تمجید از خبرنگار ۹۲ ساله کاخ سفید که در دوران ریاست جمهوری خودش، به دلیل اظهارات ضد اسرائیلی اش اخراج شد، صادر کرد. باراک اوباما در بیانیه‌ای پس از مرگ «هلن توماس» خبرنگار منتقد مواضع اسرائیل گفت: او تمامی اخبار کاخ سفید را از زمان ریاست جمهوری کندی تاکنون پوشش داده است و در آن دوران، او هرگز در جلب توجه روسای جمهوری و همچنین من ناموفق نبوده است. وی ادامه داد: هلن یک پیشگام واقعی بود، درها را باز می کرد و موانع را برای نسل زنان در خبرنگاری برمی داشت. رئیس جمهوری آمریکا تصریح کرد: آنچه که «هلن» را رئیس سپاه مطبوعات کاخ سفید کرده بود، طول عمر پاپیشکسوتی او نبود بلکه، اعتقاد راسخ او به این بود که دموکراسی ما در مواجهه با سئوالات سخت، بهتر عمل خواهد کرد.

سومین جانشین ملکه انگلیس به دنیا آمد

ایرنا: برای دومین بار در تاریخ خاندان سلطنتی انگلیس، وارث جدیدی برای تاج و تخت به دنیا آمده که هنوز سه نسل قبل از او در قید حیات هستند. نسل جدید خاندان سلطنتی انگلیس بعد از مدت‌ها جنجال رسانه‌ای به دنیا آمد. بنا بر اعلام کاخ «باکینگهام»، نوزاد جدید خاندان سلطنتی یک پسر است.

هنوز نام وی اعلام نشده و قرار است در مراسمی رسمی نام او اعلام شود. این نوزاد، نتیجه ملکه الیزابت و فرزند شاهزاده ویلیام و «کیت میدلتون» است. وی برای رسیدن به تاج و تخت راهی طولانی در پیش دارد، چراکه دو نسل قبل از وی یعنی پدربزرگش شاهزاده «چارلز» و پدرش شاهزاده ویلیام به لطف سلطنت طولانی ملکه الیزابت هنوز در صف سلطنت قرار دارند.

اعضای ارشد القاعده در میان ۱۰۰۰ فراری زندان‌های «ابوغریب» و «التاجی» هستند

سرویس خارجی: با حمله گروه القاعده به دو زندان امنیتی مهم عراق به نام‌های «ابوغریب» و «التاجی» در نزدیکی بغداد، بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تن از زندانیان موفق به فرار از این زندان‌ها شدند که عملیات جستجو برای یافتن آن‌ها همچنان ادامه دارد. عملیات جستجو برای دستگیری این زندانیان همچنان ادامه دارد و در میان فراری‌ها نام مقام‌های ارشد القاعده نیز به چشم می خورد. این حمله منجر به کشته شدن ۳۶ تن و زخمی شدن دهها تن دیگر شده است. یکی از اعضای ارشد کمیته امنیتی و دفاعی در پارلمان عراق اظهار داشت: بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ زندانی در نتیجه این حملات گریخته‌اند. بیشتر این افراد از اعضای ارشد القاعده بودند که محکوم به مرگ بودند. نیروهای القاعده عراق با حمله به دو زندان ابوغریب و تاجی، پس از ساعت‌ها درگیری با نیروهای امنیتی عراق، با استفاده از خمپاره و عملیات انتحاری موفق به آزاد کردن صدها تن از زندانیان شدند. در میان فراریان از زندان ابوغریب شماری از زندانیان اعضای القاعده هستند که محکوم به اعدام شده بودند.

از سویی، القاعده مسئولیت حمله به دو زندان «ابوغریب» و «التاجی» عراق را بر عهده گرفت. از دیگر سو، منابع امنیتی عراقی اعلام کردند: در اثر انفجار ساختمان شورای محلی ناحیه الرشاد در جنوب غربی کرکوک، شماری کشته و زخمی شدند.

این منابع بیان کردند: افراد مسلح ناشناس اقدام به انفجار ساختمان شورای محلی در ناحیه الرشاد با بمب کردند که در نتیجه آن دو پلیس کشته و چهار نفر زخمی شدند. از سوی دیگر منابع عراقی در استان دیاله عراق اعلام کردند: نیروهای امنیتی عاملان انفجار مسجد ابوبکر در منطق المقدادیه در شمال شرق بعقوبه را که دهها کشته و زخمی به دنبال داشت دستگیر کرده اند.

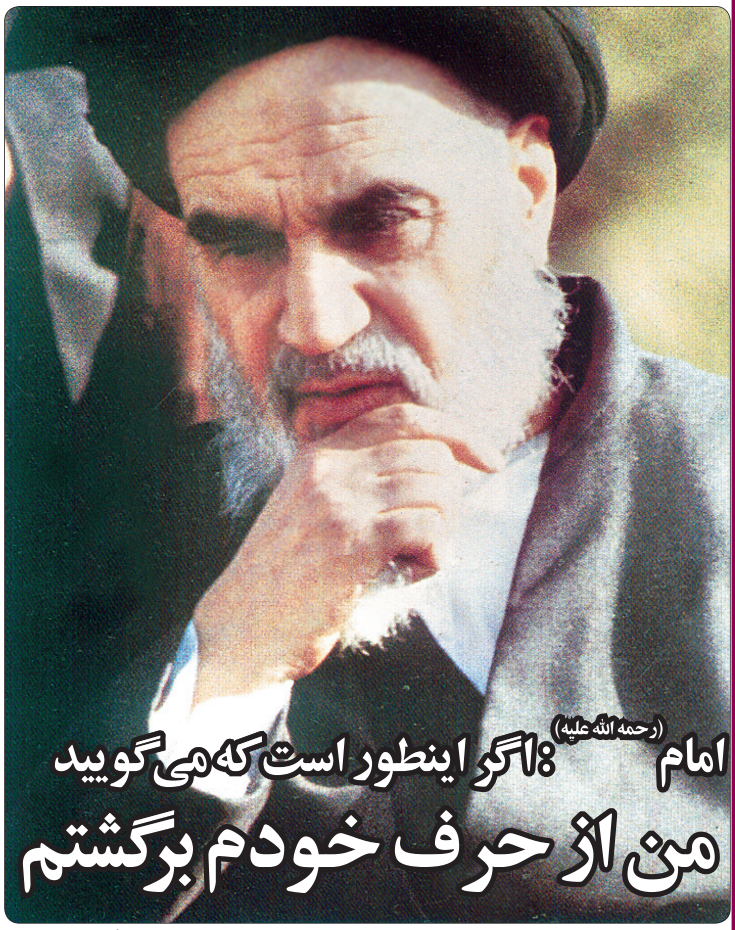
مرحله جدید سرکوب بحرینی‌ها توسط رژیم آل خلیفه

سرویس خارجی: منابع بحرینی از تعرض به پنج مسجد در بحرین و یورش به خانه‌ها و زخمی شدن هشت شهروند این کشور با گلوله‌های ساچمه‌ای خبر دادند. یوسف المحافظه عضو مرکز حقوق بشر بحرین گفت: هشت نفر بر اثر استفاده نیروهای رژیم بحرین از گلوله های ساچمه ای در دو منطقه السهله و ابوصیبع زخمی شدند. وی همچنین از حمله به خودروهای ساکنان منطقه العکر و شکسته شدن شیشه های آنها و شلیک گاز اشک آور به منطقه دمستان و مناطق دیگر نظیر کرباباد و کرانه خبر دادند. المحافظه گفت: یک گلوله گاز اشک آور نیز به منزل یکی از خانواده‌های منطقه عذاری اصابت کرد و باعث ایجاد احساس خفگی در اعضای این خانواده شد. وی تصریح کرد: شماری از اهالی منطقه ستره نیز تظاهرات مسالمت آمیزی را برای همبستگی با فعالان حقوق بشر زندانی برگزار کردند و خواستار آزادی آنها شدند. به گفته المحافظه، نیروهای امنیتی همچنین به خانه های مردم در مناطق العکر، ستره، سماهیج، سار، بنی جمرهٔ، جدحفص، بوری و عالی یورش بردند. در همین حال، شیخ میثم سلمان مسئول بخش آزادی‌های دینی در دیدبان حقوق بشر بحرین اعلام کرد که از چهارشنبه گذشته درپی انتشار خبر وزارت کشور بحرین در خصوص انفجار خودرو در پارکینگ یکی از مساجد منطقه الرفاع، به پنج مسجد تعرض شده است. وی گفت که در این مدت به سمت دو مسجد امام صادق (ع) در منطقه سلماباد و امام باقر (ع) در البربوره در منطقه النویدرات تیراندازی شده است. شیخ میثم سلمان افزود: مسجد شیخ امیر محمدالبربغی نیز هدف تخریب قرار گرفت و روی دیوارهای آن مطالبی با رنگ و بوی طائفه ای نوشته شده است.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۳۷

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۲ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۶۴۸



امام (رحمه الله علیه): اگر اینطور است که می گویید
من از حرف خودم برگشتم

اشاره: هفته گذشته استاد سید هادی خسروشاهی نامه‌ای به سرپرست موسسه اطلاعات درباره محتوای پاره‌ای از مطالب ضمیمه فرهنگی ارسال کردند که ذیلاً عین نامه ایشان را به همراه پاسخ دبیر ضمیمه فرهنگی می خوانید:

...هفته قبل که خدمت رسیدم می خواستم درباره محتوای مکرر مصدقی نامه موسوم به ضمیمه «فرهنگی»! توضیحی دهم که متأسفانه میهمانان شما آمدند و توفیق بیان حضوری حاصل نشد... دو سه شماره از ویژه‌نامه! فرهنگی را همانروز روی میز مبارک قرار دادم که شامل عکس سرلشکر افشار طوس و سرهنگ‌های دیگر و دکتر فاطمی و غیره بود... تصدیق می‌فرمایند که نه سرلشکر افشار طوس فرهنگی است و نه افسران دیگر و نه دکتر فاطمی فرهنگی است و نه نامه‌های دکتر مصدق در مورد تصفیه حساب با مشهدی غضنفر باغبان و پرداخت پنج تومان به نوکر خانه و احوالپرسی از آبجی فلان دوست!...

حیف است که ویژه‌نامه فرهنگی شامل این قبیل مباحث باشد و اگر ضرورتی! هم نشر آنها را ایجاب می کند، می‌توان از دیگر ضمیمه‌های اطلاعات استفاده کرد.

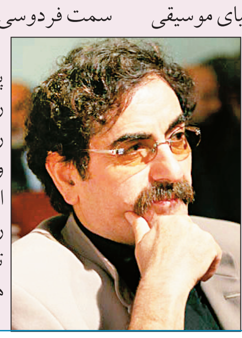
اما پیشنهاد: نامه‌های آیت‌الله کاشانی، با محتوای کاملاً فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... توسط آقای محمد ترکمان ـ مصدقی خالص و صد درصد! ـ جمع‌آوری شده بود که در اوائل انقلاب در ۵ جلد منتشر گردید و دیگر نایاب شد و این دوست عزیز ما هم از همه چیز قهر! کرد و کنار رفت و دیگر دست به قلم نیست که حیف... برای رفع ظلم از آیت‌الله کاشانی که سرانجام و پس از اتهامات ملی گرایان ظالمانه لقب ـ سید کاشی! ـ گرفت؛ توسط سرتیپ فرزانگان وزیر کشور رژیم کودتا ـ یک مدتی هم از نامه‌های آن سید، که مورد احترام شدید و تمام و کمال امام(ره) بود، نقل کنند که هم فرهنگی است هم اسلامی و یا به قول بعضی‌ها! «انسانی»؟ یکی دو ماه قبل دیدم که حضرت آقای حجتی کرمانی هم، عقیده بنده را دارد ولی گویا تذکار نداده و یا تذکارش بی‌ثمر بوده است؟..

این هفته که به قم آمدم، چند نفر از فضلای محترم به دفتر حقیر آمده بودند و چون می‌دانستند که «اطلاعات» در واقع شعبه‌ای از «بعثت» است! و استمرار آن، و یا بالعکس! از سکوت حقیر در این باره اظهار تعجب می کردند که گفتم بنده یکی دو بار تذکر داده‌ام...

بقیه در صفحات ٤و٥

مرحوم داریوش صفوت به روایت شهرام ناظری
حماسه موسیقی ایران

استاد داریوش صفوت که شبانگاه دوشنبه ۲٦ فروردین پس از چند سال بیماری در سن ۸۵ سالگی درگذشت، در نوزایی موسیقی ایرانی در نیم قرن گذشته، نقش اصلی و اساسی را بر عهده داشته است. او در اواخر دهه ٤۰ خورشیدی، با راه اندازی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، استادان پیشکسوت موسیقی ردیف دستگاهی را دعوت به همکاری کرد و زمینه انتقال هنر، فن، تجربه و دانش آنان را به نسل جوان و تحصیل کرده فراهم ساخت. شناخت ریشه‌های تاریخی موسیقی ایرانی در دوره پیش از قاجار و احترام به سنت‌ها به همراه خون تازه‌ای که هنرمندان جوان به این عرصه دمیدند، موجی بلند را پدید آورد که ادامه آن تا امروز نیز کشیده شده است. بیشتر نامداران و چهره‌های سرشناس امروز موسیقی ایرانی، یا دانش آموخته مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بوده‌اند یا به نوعی وامدار موجی هستند که ٤۵ سال پیش از سوی استاد صفوت شکل گرفت و در سطح جامعه گسترش یافت. شهرام ناظری که یکی از آن جوانان دهه ۵۰ و استادان امروز موسیقی کشورمان است، در باره نقش داریوش صفوت در رشد و احیای موسیقی ایرانی سخن می گوید:



در باره تاثیر پذیری خودم از راهنمایی‌های داریوش صفوت باید بگویم در سال‌های ۱۳۵۲ و ۵۳ که از محضر ایشان کسب فیض می کردم، دکتر صفوت بر لحن حماسی صدای من انگشت نهاد و تاکید کرد باید این راه را ادامه دهم و از نوحه خوانی دوری کنم. او می گفت به دلیل مشکلات اجتماعی، تاریخ و سیاسی، چهار قرن است لحن حماسی از آواز ایران گم شده که باید دوباره زنده شود. در واقع به خاطر راهنمایی های استاد بود که فهمیدم چگونه باید مولانا را اجرا کنم و چطور به سمت فردوسی بروم.

استاد صفوت برای من پرده‌های موسیقی ایرانی را بالا زد و دنیایی دیگر را پیش چشمم آورد. او وجه حماسی موسیقی ایرانی و رنگ در دستگاه‌ها و ردیف‌های آن را جوری برایم توضیح داد که تا پیش از آن از هیچ کس نشنیده بود.

بقیه در صفحه ٦

گفتگو با دکتر قمر آریان همسر دکتر زرین کوب
استثنای یک نسل

در شهر مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرای مقدماتی را در مشهد و قوچان گذراند و بعدها برای ادامه تحصیل به تهران آمد. بعد از اخذ لیسانس در سال ۱۳۳۷، رساله دکتری خود را به عنوان چهره مسیحیت و تاثیر آن در ادب فارسی گرفت. در سال ۱۳۳۲ با دکتر عبدالحسین زرین کوب ازدواج کرد که حاصل آن، یک عمر زندگی سراسر علاقه و عشق، تحقیق، تالیف، پژوهش و سفرهای علمی بود. از آثار ایشان می توان به شرح حال و نقد آثار کمال الدین بهزاد، ترجمه کتاب شرق نزدیک در تاریخ نوشته پروفسور هیتی، ترجمه کتاب جهان اسلام نوشته دانشمند آلمانی پروفسور اشپولر و ترجمه آثار نویسندگان مختلف اروپا از جمله گی دوموپاسان، ادگار آلن پو، اسکار وایلد و آندره ژید اشاره کرد.



شما در دانشگاه شاگرد استاد فروزانفر بودید. چه تفاوتی بین گذشته و حال دانشگاه می بینید؟

دانشگاه الان که دانشگاه نیست. فروزانفر فردی استثنایی بود، به طوری که جلسات درس او هیچ غایبی نداشت. اگر کسی یک جلسه از کلاس درس او غیبت داشت، چنان ضرری می کرد که در هیچ کتابی نمی توانست جبرانش کند. وقتی راجع به عطار صحبت می کرد، عصاره کار عطار را می گفت. تمام آثار عطار را زیرورو می کرد. از شرح حال و آثار تا نقد تمامی کتابهایش. ما از روی آنچه او می گفت نت برمی داشتیم. او نابغه ای از شهر کوچک بشرویه بود.

در حوزه درس ادیب نیشابوری درس خوانده بود؛ جایی که تمامی افراد اهل علم و درجه یک در آن درس می خواندند. او اشعار بسیاری را از حفظ داشت.

زمانی عده ای برای زیارت به مکه مشرف شده بودند. بالای قبر حضرت رسول (ص) یک بیت شعر بود که هیچ کس نمی توانست آن را بفهمد.

همه از هم سوال می کردند که این چیست، فروزانفر جلو آمد و گفت این قصیده از برده بوسیری از شاعران عرب است و نه تنها آن بیت بلکه ۲۰ بیت از شعر را شروع به خواندن کرد. تمامی اعراب و ایرانی ها متعجب به هم نگاه می کردند. من و شوهرم به مدت ۳ماه با استاد فروزانفر همسفر بودیم.

وقتی در کنگره مستشرقین شروع به صحبت کرد، همگان معترف بودند که همه جا ایشان اسباب سرافرازی ایرانیان است.

از ازدواجتان با دکتر زرین کوب بگویید؟

من در دانشکده ادبیات فارسی با دکتر زرین کوب آشنا شدم. ایشان سال پیش از آن هم به دانشگاه آمده بود، اما دوباره برگشته بود. چون آن زمان قوای متحدین در ایران بودند و شهر خیلی شلوغ بود. ما هر دو آن سال اسم نوشته بودیم. او شاگرد فوق العاده ای بود. من هم شاگرد نسبتا خوبی بودم.

بقیه در صفحه۲

آموزه



مهاتما گاندی:

من نمی‌خواهم و نمی‌توانم برده و غلامی برای سنت‌ها یا مراسمی باشم که نمی‌توانم آنها را بفهمم و قبول داشته باشم یا از لحاظ اخلاقی از آنها دفاع کنم

کشف هند / ج ۳ ص ٦۰۵

سر سخن

کریم فیضی

حواشی دیجیتالیسم خام و بدون زیربنا

پایان تعجب با فتوشاپ!

در این فرآیند، حرف‌های مخذوف زیادی وجود دارد که بخش عمدهٔ آن به فتوشاپ باز می گردد و نقش مهمی که ایفا می کند. در اینجا فتوشاپ صرفاً یک برنامه برای طراحی نیست بلکه از ماده و ماتریالی خام و بی شکل، به شما یک شیء را می‌دهد، نه تصویر یک شیء. تفاوت فتوشاپ در اینجاست که ما با فتوشاپ اول، عکس هر چیزی را به اشکال مختلف دریافت می کنیم اما در فتوشاپ دوم، بحث تصویر و عکس در میان نیست، خود شیء است که به صورتهای مختلف و اشکال گوناگون ساخته و پرداخته می‌شود و بعد هم به صورت واقعی به کار گرفته می‌شود. روشن است که میان این دو تفاوت بسیار است و دشوار می‌توان این تفاوت را انکار کرد.

در دیجیتالیسم واقعی ـ و نه صوری ـ حضور مسائلی از نوع فتوشاپ، حضوری خلاقانه است و از هر چیز و هر دستگاه و هر ذهنی که میان این دو الفت برقرار می کند، استفادهٔ خلاقانه می‌شود در حالی که همین فرایند در جوامعی که صورتی از دیجیتالیسم خام و بدون زیربنا و فرهنگ به آنها رسیده، سطح بسیار پایینی دارد. بماند که در برخی از کشورهای همین گروه نیز، حضور ابزارهای نو و شیوه‌های دیجیتال ـ از جمله فتوشاپ ـ بیش از مصارف انسانی و اجتماعی، مصارف ضد انسانی و ضد اجتماعی دارد. بر پایهٔ برخی از گزارشهایی که می‌توان درست بودن آنها را احراز کرد، در کشوری مانند پاکستان بخش عمده‌ای از زیرساخت‌های الکترونیکی ـ از جمله فتوشاپ ـ در خدمت اشخاص ذی‌نفوذی است که از آن بیشتر برای جعل مدارک علمی و اسناد ملک و زمین استفاده می کنند.

به همین جهت، در یک آمار جمع‌بندی شده، نتیجه زیر در سطح بین‌المللی مسجل شناخته می‌شود که: در یک سال گذشته مدارک بیش از ۱۰۰ نماینده پارلمان و دیگر مراکز سیاسی و علمی آن کشور جعلی و غیر معتبر شناخته می‌شود. ممکن است این آمار و ارقام درست نباشد و وضع به همین منوال نباشد. در مجموع، امکان چنین استفاده‌ای از ابزارهای دیجیتال و فتوشاپ وجود دارد و همین کافی است که از وجود دو فتوشاپ سخن به میان بیاوریم.

اجازه بدهید این بحث را با سخنی کوتاه به پایان ببریم و آن اینکه: فتوشاپ به طور کلی در مسیر از بین بردن «تعجب» گام می‌زند و می‌رود که تعجب‌ها را برطرف کند. به زودی، ما با پدیده‌ای به نام تعجب خداحافظی خواهیم کرد. بخش مهمی از این موضوع، چه بدانیم و چه ندانیم به دست فتوشاپ روی خواهد داد، چرا که فعلاً هیچ عاملی به اندازهٔ فتوشاپ در حال کندن و دور انداختن ریشه‌های تعجب و مات و بی‌رنگ کردن شاخه‌ها و ساقه‌های آن نیست. جالب است که وقتی تأمل می کنیم، می‌بینیم که در پایان یافتن تعجب به دست فتوشاپ، هر دو نوع فتوشاپ در حال ایفای نقش هستند. به این معنا که هم فتوشاپ ناقص و منفعل با تعجب در افتاده و در حال نبرد با اصول و فروع آن است، هم فتوشاپ کامل و فعال؛ فتوشاپ اول با درست کردن دندهٔ شکستهٔ اشخاص مصدوم روی کاغذ، تعجب آنها را از بین می‌برد و کم‌کم این نوع مکانسیم را برای آنها معمولی و متعارف می کند، فتوشاپ دوم با ساختن دنده‌های جدید! بنابراین، دور نیست روز و روزگار و ایام و عهدی که تعجب بی‌رنگ و بی‌معنی شود و از بین برود و شما دیگر انسانی را پیدا نتوانید بکنید که تعجب‌زده باشد و شما بتوانید او را شخصی متعجب بنامید و به دیگران هم نشانش بدهید. شاید آن روز، انسانها از دیدن انسان متعجب، تعجب کنند، البته اگر زمینه‌های روانی تعجب همچنان در نهاد انسان‌ها باقی مانده باشد. کوتاه سخن اینکه: تعجب‌ها در حال از بین رفتن است و انسان‌ها، کم‌کم در حال از دست دادن تعجب هستند. اگر حال و روز امروز را در نظر بگیریم، خواهیم دید که از تعجب‌های گذشته اثر زیادی باقی نمانده و انسان‌ها نسبت به گذشته کمتر تعجب می کنند. درگذشته، عوامل تعجب زیاد بود و آنچه انسان را متعجب می کرد، فراوانی داشت اما امروزه چنین نیست و روشن است که با تداوم شرایط جدید و شدت و اشتداد ابزارهای نوینی که به طور مشخص در جهت از بین بردن تعجب گام برمی‌دارند، به تدریج عوامل و ریشه‌های تعجب منتفی خواهد شد و شما دیگر انسانی را نخواهید یافت که تعجب در ذهن و زندگی او حضوری چشمگیر داشته باشد. فتوشاپ‌ها با سیطرهٔ همه جانبهٔ دیجیتالیسم در جای جای عالم و مهمتر از آن در جهان‌ها و قاره‌های ذهن‌ها، پل‌هایی زده‌اند که انسان‌ها هر روز روی آنها راه می‌روند و این پل و این راه، به دیار و قصبه‌ای راه نمی‌برد، جز جایی که رویش نوشته شده است: پایان تعجب، یا تعجب نکنید، یا در این مکان استعمال تعجب ممنوع است! وقتی با وارد شدن به هر سایتی، می‌توانید تصاویری ببینید واقعی‌تر از واقعی و تعجب نمی کنید که آنها را دیده‌اید، وجود شما و نگاه و نظارهٔ شما، استدلالی برهانی است بر نفی تعجب. با طلوع شیوه‌ها و شگردهای دیجیتال، تقریباً در همه حوزه‌ها، تعجب خواه ناخواه کنار می‌رود و ما عادت می کنیم که: می‌توان در یک چشم به هم زدن از شرق به غرب رفت و برعکس می‌توان به سهولت آب خوردن جای شرق و غرب را عوض کرد و گوشه‌های این دو را به هم دوخت. آری، عادت کردن به تعجب، جایی برای تعجب نخواهد گذاشت و این سیر طبیعی روندی است که هر کجا پای ابزارهای دیجیتال به آن رسیده باشد، مورد قبول قرار می گیرد و منکرش، کاری نمی‌تواند بکند جز آب در هاون کوبیدن.

آیینه



چکیده‌ای از یک زندگی
زنی به نام کوکب
صفحات ٤ و۵

نگارستان



درنگی در هنر اصیل ایران
حرکت در مینیاتور ایرانی
صفحه ۵

روزگار



ویلیام چیتیک
به روایت چیتیک
صفحه ۳

خاطره



خاطرات دکتر حدیدی
ایام انگلستان
صفحه ۳

پرتره



خوانش عکس های تاریخی
هشترودی به روایت شهریاری
صفحه ۵

حضور



از خاطرات دکتر رضا داوری
در خدمت علامه طباطبایی
صفحه ۷

شرح



بازی های چرچیل با ترومن
رفتار دموکراتیک ایران
صفحه ٦

هنر



فرد زینه‌من در ترجمه خسرو سینایی
مردی برای تمام فصول
صفحه ۴


■ استاد زرین کوب

ادامه از صفحه اول

همیشه شاهد بودم که بسیاری از مسائل را از اساتید بهتر می دانست. من در درسهایم از او کمک می گرفتم. در بیشتر دروس ما با هم همکلاس بودیم حتی در دوره دکتری. زمانی دیدم که خیلی به او احتیاج دارم، برای این که هزار مساله بود که من می خواستم بدانم و تنها او می دانست. وقتی از من خواستگاری کرد، قبول کردم و همراه با هم به مشهد پیش پدر و مادرم رفتیم. وقتی به پدرم گفتم آقای عبدالحسین زرین کوب که اهل علم و مطالعه است از من چنین خواهشی کرده است، پدرم گفت: من مقالات ایشان را خوانده ام. ایشان باید پیرمرد باشد. گفتم: ایشان فقط ۳۰ سالشان است. پدرم گفت : نویسنده این مقاله ها پخته تر از آن است که ایشان نشان می دهند. همه این را می گفتند.

بسیار مودب و باوقار بود. من و دکتر در سال ۱۳۳۲ ازدواج کردیم و همراه با او سفرهای متعددی رفتیم. متعجبم که او با این همه دید و بازدید، این همه مسافرت و مطالعه و تحقیق، بیش از چهل، پنجاه کتاب درجه یک و حدود ۴۰۰ مقاله فوق العاده تالیف کرد. آخرین کتاب ایشان که در ۵۰ سالگی نوشت، کتاب تصوف در ایران است که بتازگی آقای کیوانی آن را از روی ۸ کنفرانس انگلیسی دکتر که در امریکا برگزار شده بود، ترجمه کرده اند. به خاطر می آورم که وقتی دکتر کتابی را در دست می گرفت، آن را زمین نمی گذاشت تا تمام می شد.

از سفرهایتان که همراه با دکتر می رفتید بیشتر صحبت کنید؟

به کشورهای عربی، اروپایی، هندوستان و لبنان سفر کرده ام.

در کنگره مستشرقین هند هم شرکت کردید؟

کنگره مستشرقین هر چهار سال یکبار برگزار می شود. محققان در یک جا جمع می شوند و راجع به کارهای تحقیقاتی شان با هم صحبت می کنند. آن سال در دهلی نو برگزار شد. از ایران هم عده ای از جمله دکتر زرین کوب، فروزانفر و من به عنوان نماینده فرهنگ و هنر شرکت کرده بودیم.

در کنگره مستشرقین همه چیز دقیق و حساب شده بود و اصلا بریز و بپاش وجود نداشت. می گفتند مملکت ما، مملکت فقیری است، ما نمی توانیم اسراف کنیم و چه خوب از عهده بر آمدند. زبان فارسی در هند تا حدی عمومیت داشت. وقتی برای خرید به مغازه ای رفتم تا فروشنده فهمید که ما ایرانی هستیم، گفت:

تا تریاق از عراق آرم / مار گزیده مرده باشد

او شعری از سعدی را خواند و گفت که شعر را از پدربزرگش یاد گرفته است. بسیاری از رجال سیاسی هند هم شعر فارسی از بر بودند که وقتی می شنیدیم احساس هموطنی می کردیم.

این اواخر بزرگداشت استاد عبدالحسین زرین کوب در زادگاهش بروجرد برگزار شد. می خواهیم جزییات این مراسم را از زبان شما بشنویم.

من تازه از بستر بیماری بلند شده بودم که تلفن کردند و گفتند شما باید در این مراسم حضور داشته باشید. بروجرد، آن بروجرد زمان حیات دکتر زرین کوب نبود و به کلی عوض شده بود. آن زمان وقتی در را باز کردیم، بیرون تمام جنگل بود؛ اما امروزه ساختمان ها و خانه های آهنی مثل تهران دیگر جایی برای نفس کشیدن نگذاشته اند. در بزرگداشت خیلی صمیمیت وجود داشت و خیلی خوب برگزار شد.

گفت

گفتگو با دکتر قمر آریان

استثنای یک نسل

استاد همیشه آرزو داشت کتابی درباره حضرت علی (ع) بنویسد. سرانجام این کتاب به کجا رسید؟

این کتاب را به همراه خیلی دیگر از کتابها از دانشکده ادبیات دزدیدند. دکتر این کتاب را به توصیه استاد مطهری نوشتند. زمانی که استاد به منزل ما آمد، دقیقا همین جا که شما نشسته اید، نشست و گفت به تازگی کتابی بر ضد اسلام و تاریخ آن نوشته اند. بهتر است شما مقاله ای در رد آن بنویسید. دکتر گفت اگر من بنویسم، یک کتاب می شود. و چنین هم شد. اما چه فایده که کتاب را دزدیدند. یک روز شخصی به منزلمان تلفن کرد و گفت این کتاب را در اختیار دارد و در ازای ٤ میلیون تومان پس می دهد. دکتر گفت من پول ندارم. شما آن کتاب را چاپ کن با نام خودت و هرچه داشت برای خودت.

از استاد شهید مطهری گفتید. از این دوستی بیشتر صحبت کنید؟

استاد مطهری اول با برادرم آشنا بود. ایشان از دانشگاه سوربن دکترای فیزیک داشت. اما پس از آشنایی با شهید مطهری، عرفان می خواند. یک روز همراه با برادرم پیش دکتر آمدند و این طوری با هم آشنا شدند. هنوز انقلاب نشده بود که استاد مطهری به دکتر گفتند که آن کتاب را در مورد حضرت علی (ع) بنویسند و معتقد بودند که مردم کتاب را می خوانند. استاد مطهری مرد بسیار خوبی بود. روشنفکر و اهل علم. در این دنیا امثال مطهری واقعا جایشان خالی است.

دکتر زرین کوب، جدا از شخصیت علمی ایشان، چگونه انسانی بود؟

پدرم همیشه می گفت: عالم شدن چه آسان آدم شدن چه مشکل عالم شدن برای دکتر، با استعداد فوق العاده ای که داشت، کاری نداشت؛ اما برای من انسانیت و شخصیت او مهم بود. همیشه به مادرش احترام می گذاشت، به تمامی برادرانش کمک می کرد و به فامیل من احترام می گذاشت. بارها دیده ام که موقع تلفن کردن به پدرش می گفت پدرجان شما چه حرفهایی را پای منبر یاد گرفتید که من باید دنبال آنها توی کتابها بگردم.

هیچ وقت نزد دیگران اظهار وجود نمی کرد. دکتر در نسل خودش استثنا بود. چه در اخلاق و کمال، چه در علم. او به زبانهای زیادی می توانست صحبت کند؛ انگلیسی، عربی، ایتالیایی، فرانسه و اسپانیایی را مثل زبان مادری صحبت می کرد.

او چهره شناخته شده ای در دنیا بود. درست است؟

دکتر در تمام کشورها شناخته شده است. در دایره المعارف اسلام و در ایرانیکا، مقاله های دکتر مورد استفاده قرار گرفته بود. ۳ فصل اول تاریخ کمبریج را ایشان نوشت.

یاد

خاطرات ابوالحسن ابتهاج/۱۸

مناظره با تقی زاده

...لایحه تقدیمی ۲٦ اسفند ۱۳۲۷ قبلا در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی که با نهایت تأسف جنابعالی در آن شرکت نفرمودید در روز سه‌شنبه ۲٤ اسفند و بعد در همان روز و در روز بعد (۲۵ اسفند) در کمیسیونی که از آقایان نمایندگان فراکسیونها انتخاب شده بود مطرح و موردمذاکره و تبادل‌نظر قرار گرفت و ساعتها وقت صرف رسیدگی به آن شد و فقط پس از موافقت آقایان نمایندگان فراکسیونها تقدیم مجلس گردید.

اما در باب اصل موضوع لایحه و اینکه چندین بار و به عناوین مختلف تقلیل پشتوانه را از میزان فعلی (که برای اسکناسهای منتشره از تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۲۱ ببعد صددرصد ولی نسبت به کل اسکناسهای منتشره تا این تاریخ در حدود ۷۷درصد است) نظرتان را بهمان لایحه‌ای که خود جنابعالی در اسفند ۱۳۱۰ در یک جلسه بدون هیچگونه تغییر و اصلاحی به تصویب مجلس رسانده‌اید معطوف میدارم.

ماده ٦ قانون مزبور میگوید: «دولت مکلف است که لااقل به میزان صدی شصت اسکناسهای رایج مسکوک نقره در جریان داشته باشد.»

ماده ۸ همین قانون چنین مقرر میدارد: «دولت مکلف است که معادل مبلغ کل اسکناسهای منتشره و مسکوک نیکل ذخیره که عبارت از مسکوک و شمش طلا و مسکوک و شمش نقره و اسعار خارجی ممالکی که خرید و فروش و صدور معاملات طلا در آنجا آزاد باشد موجود داشته باشد. آن قسمت از ذخیره مذکور که در جریان نباشد در بانک ملی به امانت گذارده میشود.»

مطابق این دو ماده لااقل به میزان شصت درصد اسکناسهای منتشره میبایستی مسکوک نقره در جریان باشد و از صددرصد ذخیره (که در آن تاریخ بجای کلمه پشتوانه بکار رفته) آن قسمت که در جریان نباشد (یعنی همان شصت درصد مسکوک نقره مندرج در ماده ٦) در بانک ملی به امانت سپرده شود. بنابراین حداکثر پشتوانه اسکناسهای ایران در زمان تصدی وزارت مالیه جنابعالی فقط چهل درصد بوده است زیرا تصدیق خواهید فرمود مسکوک نقره‌ای که طبق ماده ٦ قانون سابق‌الذکر در جریان یعنی در دست مردم میباشد نمیتوان جزو پشتوانه محسوب گردد.


■ ابتهاج

بنا به جهات مذکور در فوق و باتوجه به اینکه از شصت سال قبل که امتیاز نشر اسکناس به یک بانک خارجی داده شد میزان پشتوانه اسکناس سی و سه و یک سوم درصد معین گردید و نظر به اینکه قوانین بعدی جواهرات واگذاری به بانک را جزو پشتوانه پذیرفته و بالنتیجه در عمل میزان پشتوانه واقعی (طلا و نقره) قبلاً از شهریور ۱۳۲۰ به سی و سه و یک سوم درصد و بعد از آن به ۲۲درصد تقلیل یافت و نظر به اینکه هیچ کشوری امروز صددرصد پشتوانه برای پول خود نگاه نمیدارد و آمریکا که ثروتمندترین مملکت دنیاست قانوناً موظف است فقط ۲۵درصد پشتوانه طلا داشته باشد فرمایشات جنابعالی در جلسه ۲٦ اسفند ۱۳۲۷ برخلاف انصاف بوده و چون عده‌ای در ایران به جنابعالی معتقد هستند قطعاً آنها را نگران و گمراه کرده است.

اگر اوضاع ایران پس از وقایع شهریور ۱۳۲۱ و نگرانی فوق‌العاده مردم درنظر گرفته شود آنوقت معلوم خواهد شد که به چه جهت در آبان ۱۳۲۱ پشتوانه ایران به صددرصد ترقی داده شد. این عمل آن روز اقدام بسیار عاقلانه‌ای بود زیرا به واسطه جنگ این کشور قادر نبود با طلا و ارزهائی که از متفقین در مقابل ریال دریافت میکرد حوائج وارداتی خود را تأمین نماید و افزایش میزان پشتوانه در چنین ایامی نه تنها اشکالی تولید نمیکرد، بلکه تا حدی از نگرانی عمومی نسبت به پول می‌کاست ولی اکنون که این کشور در مقابل اجرای اصلاحات وسیعی واقع گشته است که به تصویب مجلس شورای ملی رسید و بدون شک برای ایران حیاتی و ضروری و فوری و فوتی میباشد شایسته و عقلانی نیست که مبالغی از ذخائر ارزی کشور راکد و بلااستفاده بماند و برای انجام این اصلاحات این مملکت متوسل به قرضه از خارجه گردد.

تا زمانی که عمل تقلیل پشتوانه (به میزانی که باز هم از غالب کشورهای دیگر بیشتر است) به منظور ایجاد کارهای تولیدی و عمرانی است نه تنها خالی از هرگونه ضرر و زیانی است بلکه خودداری از این عمل مخالف مصالح مملکت است.

در ضمن ملاقاتی که روز یکشنبه ۱۲ دی ۱۳۲۷ از جنابعالی کردم و در این موضوع بطور تفصیل مذاکره شد اگر بخاطر داشته باشید در پایان (البته پس از آنکه شدیداً با تقلیل میزان پشتوانه مخالفت فرمودید) فرمودید که خوب است بهمان شصت درصد که در زمان اعلیحضرت شاهنشاه فقید تعیین شده بود اکتفا کنیم. یکی دو روز قبل از تقدیم لایحه اخیر به مجلس شورای ملی نیز شنیدم همین نظر به یکی از آقایان وزیران بیان فرموده بودید.

در عالم ارادتی که به جنابعالی دارم آیا حق ندارم از جنابعالی گله کنم که تفاوت بین شصت درصد (آنهم در عمل به کمتر از نصف آن تقلیل یافت) و پنجاه درصد یعنی ده درصد چیزی نیست که جنابعالی را وادار کند که در مقابل ملت ایران بخدای لایزال قسم یاد کنید که لایحه تقلیل پشتوانه بحدی مضر بحال مملکت است که نمیتوان مضار آن را گفت؟

لایحه تقدیمی به مجلس پس از مطالعات زیاد و از طرف اشخاص علاقمند به وطنشان تهیه شده است. با تقلیل پشتوانه به ۵۰ درصد (۲۷ درصد کمتر از آنچه که فعلاً هست) مبلغی ارز و طلا از پشتوانه آزاد خواهد شد که امید میرود هم احتیاجات ریالی کشور را برای کارهای عمرانی تأمین خواهد کرد و هم مبلغی ارز برای خریدهای در خارجه تهیه خواهد نمود در حالی که اگر پشتوانه ٦۰ درصد تعیین گردد آنچه آزاد میشود باید برای تأمین احتیاجات ریالی کنار گذاشته شود و این عمل به صلاح کشور نیست زیرا...

دکتر محمود خاتمی / ملاحظات پایانی



دکارت معمولاً توسط اغلب فلاسفهٔ غربی با صبغهٔ عقلانی، صرف‌نظر از استثناهایی مانند هوسرل، خوانده می‌شود. آن‌ها حتی مطرح نمی کنند که کوشیده‌اند تا آنچه دکارت توضیح داد را انجام دهند، یعنی حواس خود را از اشیاء فیزیکی «منصرف کنند» و «حتی صور اشیاء جسمانی را» از آگاهی‌شان «محو کنند». اما اغلب این ایده را به اندازهٔ کافی جدی گرفته‌اند که آنچه ممکن است «آزمون فکری نامیده شود را پیشنهاد کنند که در آن می کوشند تصور کنند. انجام روندی که دکارت توضیح داد چگونه خواهد بود. و سپس از آن نتیجهٔ تحلیلی، نتایجی استنباط می کنند. هرچند که آزمون‌های فکری می تواند سودمند باشد، نتایج آن اغلب به دور از وضوح و صراحت است. دو آزمون فکری که توسط فلاسفهٔ نام برده در موضوع مورد بحث به روشنی بیان شده، این دشواری را نشان خواهد داد. نخست سینویان بودند؛ در این آزمون فکری ابن‌سینا از ما می خواهد فردی را تصور کنیم که یک‌باره پدید آمده و شناور در فضای خالی است و حواس گوناگون او یا ذاتاً عمل نمی کنند یا ابژه متعلقی ندارند که روی آن عمل کنند. چنین فردی، با همهٔ این احوال، همچنان از وجودش آگاه است. اما این شیوه از استدلال هرگز مورد پذیرش هیوم واقع نخواهد شد. زیرا در تجربهٔ فکری خودِ هیوم، وی مکرراً بحث کرده که اگر تمام ادراکات او حذف می‌شد، از خودش «ناآگاه» می‌بود و «به درستی گفته می‌شد که وجود ندارد» طبق نظر هیوم بدون هرگونه ادارک حسی یا انطباع. «من باید کاملاً معدوم شوم، یا اینکه آنچه را برای اینکه مرا یک ناموجود کامل می‌سازد بیشتر ضروری است تصور نمی‌کنم.»

این امر که هیوم و ابن‌سینا به چنان نتایج متفاوتی رسیدند از آنچه برای اهداف ما آزمون‌های فکری قابل قیاسی هستند، نشان می‌دهد که آنها مسلماً شهودهای بسیار متفاوتی دربارهٔ ماهیت خود و نسبت معرفت به خود با مفاهیم تجربهٔ معمولی داشتند. پاسخ‌های گوناگونی به شهودها و نتایج متفاوت آنها می‌توان داد.

روایت

حسن جوادی

ادوارد براون؛خائن یا خادم؟/۵

نامه به معاضدالسلطنه


■ ادوارد براون

براون می گوید می خواسته است به مستشرقان اروپایی نشان دهد که «روح شعر و طبع سخن‌پروری در ایران نمرده است، سهل است که به واسطهٔ سوق انقلاب اخیر رونق تازه‌ای یافته و تأثیر بزرگی در آتیهٔ این ملت به ظهور خواهد آورد». مجموعه‌ای از مراسلات دوستان براون به شمارهٔ Add.۷٦۰٤ در کتابخانهٔ دانشگاه کیمبریج محفوظ است که بیشتر به سالهای ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱ مربوط می‌شود و نامه‌هایی جالب دربارهٔ اوضاع ایران دارد. از جملهٔ کسانی که بدو نامه نوشته‌اند یکی «و. ا. اسمارت» است که سابقاً شاگرد براون بوده و سپس کنسول انگلیس در تبریز، و در شیراز گردیده است. دیگری شخصی به‌نام «و. ا. مور ۲٤» که در اوت ۱۹۱۰ برای مدتی خبرنگار «تایمز» در تهران بوده و به براون نوشته است، که با در دست داشتن این روزنامه «لااقل یکی از دشمنان خود را خلع سلاح کرده‌ایم». دو نفر دیگر به‌نام «میجراستوکس» و «چرچیل» هر دو وابستهٔ سفارت بریتانیا در تهران بوده‌اند. گرچه بعضی از این عده با براون در بسیاری از امور هم عقیده نبوده‌اند، بازهریک به نحوی کمک می کرده‌اند، و براون در مورد وقایع مذکور در سه فصل اول کتاب حاضر، و همچنین در جزوات متعددی که دربارهٔ وقایع دورهٔ مشروطه چاپ کرده است از این نامه‌ها سود جسته است. مثلا استوکس در نامه‌ای که به تاریخ هفتم ژانویهٔ ۱۹۱۱ از تهران نوشته است و همراه آن گزارش مفصلی دربارهٔ سیاست انگلیس در ایران فرستاده، می گوید:

«این شرح را به نحوی نوشته‌ام که اگر من نمایندهٔ پارلمان بودم ممکن بود سیاست سر ادوارد گری را چنین مورد حمله قرار دهم. دربارهٔ این شرح باید یادآور شوم که به کمک حسین‌خان [نواب] نوشته شده است، و این خود پرواضح است، زیرا چه کس دیگری می‌توانست بگوید که پوکلوسکی دربارهٔ مطالب مورد بحث چه گفت؟ حسین خان می‌داند که من آن را برای شما می‌فرستم ـ عقیده‌ام این است که بعضی از نمایندگان پارلمان را وادار کنید که راجع به ایران بحثی در مجلس عوام به راه اندازند و یکی از آنها می‌تواند از اطلاعاتی که در این شرح داده شده است استفاده کرده سیاست‌گری را بکوبد... هر قدر عین کلمات را کمتر بکار ببرید بهتر خواهد بود، چون امکان شناخته شدن من کمتر می‌شود. به‌نظر من فوق‌العاده اهمیت دارد که گری با تمام قوا و از روی اطلاعات درست مورد حمله قرار گیرد و مجبور شود از روسها بخواهد که قشون خود را از این مملکت بیرون ببرند. ترس من این است که سیاست مشترک روس و انگلیس چنان حکومت مرکزی ایران را ضعیف کند که دیگر نتواند به حال اول باز گردد...» در بعضی از نامه‌ها مور و استوکس تأکید می کنند که نام آنها افشا نگردد. استوکس در یکی از نامه‌هایش می گوید که وزارت خارجهٔ انگلیس از اینکه اسرار سفارت به خارج درز می کند عصبانی است و اگر موضوع را بدانند ممکن است شغل خود را از دست بدهم. ولی هر دو مخالفت جالبی نسبت به سیاست ادوارد گری نشان می‌دهند.

روابط براون با مشروطه خواهان کمی قبل از به توپ بستن مجلس شروع می‌شود. اول او با میرزا آقای اصفهانی مشهور به نفتی که سابقاً وکیل تبریز بود در لندن آشنا می‌شود و او را یکی از مشروطه خواهان می‌پندارد و در محافل انگلیسی به معرفی او می کوشد، ولی پس از به توپ بستن مجلس، میرزاآقای اصفهانی مقالاتی در تنقید از مشروطه خواهان منتشر می کند و براون ناراحت می‌شود و به جوابگویی برمی خیزد و با او قطع رابطه می کند. یکی از دوستان براون شیخ حسن تبریزی (مشهور به کیمبریجی) بود که از استانبول تبعید گشته بود و با ارفع الدوله سفیر ایران در آنجا سخت دشمنی می‌ورزید. شیخ حسن در سالهای ۹-۱۹۰۷ در کیمبریج به تدریس فارسی اشتغال داشت و قبل از آن در ۷-۱۹۰٦ به کمک پناهنده‌ای مصری به نام «نجیب هندیه» روزنامهٔ «خلافت» را گاهی به فارسی، زمانی به عربی و گاهی به ترکی در لندن منتشر می‌کرد.

شیخ حسن در اوایل ۱۹۱۰ به ایران برمی گردد و قریب یک سال روزنامه‌ای به نام «عصر» در تهران منتشر می‌سازد. در ضمن نامه‌هایی دربارهٔ اوضاع ایران نیز به براون می‌نوشته است.

پس از اینکه مجلس به توپ بسته شد عده‌ای از آزادیخواهان، کسانی چون معاضد السلطنه، دهخدا، تقی‌زاده و غیره به پاریس آمدند. براون با آنها مکاتبه داشت و اصرار می‌کرد که به انگلستان بروند و در آنجا فعالیت بکنند. هنگامی که ادارهٔ صور اسرافیل به ایوردون منتقل شد، براون به فارسی به معاضدالسلطنه نوشت: «حقیقتاً جای افسوس است که مرکز صوراسرافیل را اینجا قرار ندادند، زیرا اینجا هم آزادی هست و هم اهمیتش بیشتر از سویس است. حالا ما بکلی محروم مانده‌ایم.

کسی نیست که در صورت احتیاج بتوانیم از او استشاره کنیم... می‌دانید که بودن جنابعالی و جناب سید تقی‌زاده در مجلس‌های اینجا [آنها را] چقدر تقویت می‌کرد. دیگر جنابعالی بهتر می‌دانید، ولی به‌نظر مخلص قراردادن مرکز در ایوردون جای تأسف است مگر در صورتی که اینجا هم شخص با کفایت شایسته‌ای مقیم باشد...».



جدید

یونان نوشت دکتر شرف‌الدین خراسانی

دو حماسهٔ بزرگ هومروس

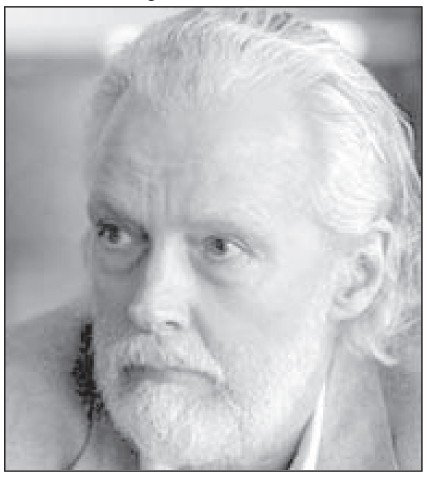
سولون از هر سو هدف انتقاد و فریاد ناخرسندی می‌شد و چنانکه خود وی در یکی از شعرهایش می گوید:«بدین سبب از هر سویی از خود دفاع کردم/مانند گرگی در میان گله‌ای از سگان شکاری.»

طبیعی است که در این میان، سرسخت‌ترین دشمنان وی، در میان طبقهٔ اشراف یافت می‌شدند. ایشان با وجود دگرگون شدن نظام اجتماعی، همچنان تنها به سود خود می‌اندیشیدند و حتی برای خود سکهٔ ویژه می‌زدند. با این همه آزادشدگی کشاورزان بیگاریده و از میان رفتن وامها و گروگانها زیان بزرگی به منافع اشراف زده بود و روز به روز بر ناخشنودیشان افزوده می‌شد و بدین علت برای بازگرداندن همان نظام اجتماعی و سیاسی ارتجاعی پیشین می‌کوشیدند. در آتیکای آن روز، جامعه از لحاظ جای سکونت و کار خود به سه دسته تقسیم می‌شد. نخست اشراف و توانگران بزرگ زمیندار که املاک ایشان در زمین‌های هموار دشت آتن جای داشت که بهترین و حاصلخیزترین زمین‌های شهر بود و به این علت ایشان را پدیاکوی Pediakoi یا دشت‌نشینان می‌نامیدند و ارتجاعی‌ترین طبقهٔ جامعه بشمار می‌رفتند. گروه دوم که زمینداران کوچکتر و کشاورزان توانگر و بازرگانان بودند و در سرزمین‌های ساحلی پارالیا سکونت داشتند پارالی یوی Paralioi یا ساحل‌نشینان نامیده می‌شدند. گروه سوم که در نواحی شمالی کوهستانی و تپه‌سار شهر می زیستند و بینواترین و رنجبرترین طبقهٔ جامعه را تشکیل می‌دادند دیاکروی Piakroi یا کوهستانیان نام داشتند. در هنگام بروز پیکار طبقاتی و رقابت میان طبقه‌های سه گانهٔ اجتماع، گروه نخست که اشراف بزرگ بودند مردی را به نام لوکورگوس Lokourgos بزرگ خاندان اتئوبوتادها Eteobutad به رهبری برگزیدند. گروه دوم یعنی، افراد پارالی‌یوی که از قانون سولون در دادن حقوق مدنی و همشهریگری به قشرهای وسیعتری از جامعه و محدود شدن میدان منافع خودشان ناراضی بودند، گرد مگاکلس Megakles رهبر خاندان توانگر آلکمایونیدها Alkmaionidai جمع شدند. در این میان گروه سوم نیز یعنی دیاکروی که از کشاورزان بینوا، پیشه‌وران و کارگران مزدور بودند و بدین علت ناخشنودترین طبقهٔ جامعه بشمار می‌رفتند در جستجوی رهبر برآمدند و سرانجام دور مردی را گرفتند به نام پایسیستراتوس Peisistratos که خودش از خاندان شریف بود و در جنگ به عنوان فرمانده سپاه آتنی، نبرد را به سود همشهریان خود از پیش برده بود. وی به یاری همراهان و هواداران خود در شورای خلق یا بوله توانست به تصویب برساند که گروهی به نام گرزداران در اختیار او گذارده شود. وی سرانجام به سال ۵۶۱ پیش از میلاد، فرمانروای آتن گردید و آرخون شد. اما دو گروه مخالف دیگر، یعنی نمایندگان توانگران کار را بر او دشوار ساختند. و به دست رهبران خود پایسیستراتوس را به سال ۵۵۶ از آتن راندند و بدین سان گروه‌های ارتجاعی موقتاً بار دیگر نیرو را به دست گرفتند. وی مدت ده سال بیرون از آتن می‌زیست و سرسختانه به تلاش سیاسی خود ادامه می‌داد، و در این مدت توانست با در دست گرفتن استخراج طلا از معادن ناحیهٔ پانگایون Pangaion هزینهٔ لازم را برای گرد آوردن سپاهی و یاری به هواداران خود در میان طبقهٔ کوهستانیان در خود آتن، تأمین کند. وی همچنین با مخالفان آتن سازش کرد و در شهر اریتریا Eritria در بخش یوبویا که آن را به عنوان اقامتگاه ثابت خود اختیار کرده بود، با خاندانهای نامدار محلی همبستگی زناشویی برقرار کرد و سرانجام به سال ۵۴۶ پیش از میلاد در نبردی که در ساحل خلیج ماراتون میان او و مخالفانش روی داد، پیروز شد و شهر آتن را تصرف کرد و به اصطلاح یونانیان فرمانروای مطلق یا تورانوس در آتن گردید. پایسیستراتوس مدت سی و شش سال تا مرگ خود به سال ۵۲۷ پ م فرمانروایی کرد.

دوران فرمانروایی پایسیستراتوس، که به یاری بینواترین و رنجبرترین طبقهٔ جامعهٔ آتن یعنی کوهستانیان، روی کار آمده بود، پیش از هر چیز اشراف بزرگ زمیندار را از میدان سیاست بیرون راند. ایشان یا وادار به مهاجرت یا کم و بیش کشته شدند. سولون در آغاز کار پایسیستراتوس آتن را ترک گفته و به جهانگردی پرداخته بود. اکنون فرمانروای تازه می توانست به اجرای نقشه‌های خود بپردازد. تقسیم دوبارهٔ زمین‌ها انجام نگرفت، اما بسیاری از زمین‌های اشراف را که مصادره کرده بود به دست کشاورزان بی‌زمین و کمزمین سپرد و پیش از هر کار کوشش خود را برای بهتر کردن و بالا بردن تولید کشاورزی به کار برد. در روستاها دادگاه‌های محلی برپا کرد تا کشاورزان برای کارهای حقوقی خود به آمدن به شهر مجبور نباشند. شیوهٔ به اصطلاح وام دولتی را برای یاری به کشاورزان بیچیز به میان آورد و نیز برای غنی کردن خزانهٔ کشور و تأمین هزینه‌های لازم، مالیاتی برابر ده درصد درآمد سالیانه برای توانگران مقرر کرد. بازرگانی خارجی نیز به دست وی گسترش یافت و نیروی دریایی و کشتیرانی بازرگانی وسیعی پدید آورد. اصلاحات اجتماعی، برپا کردن ساختمان‌های باشکوه عمومی و پیش از همه ایجاد آبروها و کاریزها در سراسر شهر و آب‌انبارهای بزرگ، زندگی مردم را بسی آسانتر و آسوده‌تر کرد. وی از بیرون آتن نیز صنعتگران و هنرمندان را به شهر فرا می‌خواند. شاعران نامداری مانند آناکرئون Anakreon نیز به سوی آتن روی آوردند و به دستور پایسیستراتوس گروهی از ادیبان مأمور شدند که تکه‌ها و دستنوشته‌های پراکندهٔ دو حماسهٔ بزرگ هومروس یعنی ایلیاد و اودیسیوس (اودیسه) را گرد آورند و ویراسته کنند.

روزگار

ویلیام چیتیک
به روایت چیتیک


ویلیام چیتیک

من متولد کنکتیکات در آمریکا هستم. پس از طی دوران کودکی و نوجوانی، در سال ۱۹۶۶ به ایران رفتم. تازه تحصیلاتم را در کالج ووستر در اوهایو به پایان رسانده بودم که تصمیم به سفر به ایران گرفتم. هدف من مطالعه عرفان و فلسفه اسلامی بود.

در کالج که بودم، درسهای مختلفی می‌خواندم. هیچ کدام از دروس نظر مرا جلب نکرد. فقط فهمیده بودم که مذهب و دین برای ما حرفی دارد که در عصر جدید قابل استفاده است. یک سال را در دانشگاه بین‌المللی مسیحیت در توکیو گذراندم. البته علت ورود من به این دانشگاه فقط این بود که حاضر شده بود مرا بپذیرد. از سوی دیگر، توکیو هم برای من جذاب‌تر از اوهایو بود، همین.

در توکیو برای اولین بار یک زبان خارجی را فراگرفتم. از مطالعه بودیسم مشعوف می‌شدم. غیر از توکیو، به منطقه نارا هم سفر کردم. به اوهایو که بازگشتم، به شدت نگران آینده‌ام بودم. تصمیم گرفتم یک سال دیگری را در خارج بگذرانم. کجا بهتر از دانشگاه آمریکایی بیروت؟ در این مرحله، مشغول مطالعه تاریخ بودم. لذا در بیروت به سراغ تاریخ اسلام رفتم. از این مسیر بود که با عرفان آشنا شدم. وقت زیادی را صرف مطالعه عرفان کردم و مقالاتی نوشتم. این مطالعات، مرا به این فکر انداخت که شاید انتخاب درستی کرده‌ام که به سراغ چنین موضوع غریبی رفته‌ام و به قول آنه‌ماری شیمل به سراغ «مرغ بسم الله» آمده‌ام. در یافتن حقیقت نه خانواده، نه دوستان و جامعه، هیچ کدام مرا هدایت نکردند.

در ارتباط با عرفان و مطالعات عرفانی بود که دریافتم باید از واقعیات مرسوم کمی فاصله بگیرم. لذا تصمیم گرفتم بعد از فارغ‌التحصیلی به ایران بروم. در بیروت کسانی بودند که به من اطمینان می‌دادند در سفر به ایران می‌توانم در مورد عرفان و فلسفه اسلامی مطالعه کنم. در حقیقت این یک تصمیم شخصی بود و هیچ اجبار یا دلیل کاری و ضرورتی برای رفتن به ایران نبود. بعداً فهمیدم که تصمیم من درست بوده است و از این راه، مسیر خود را هم پیدا کرده‌ام.

سرانجام بار سفر بستم و به سوی ایران حرکت کردم. وقتی به تهران رسیدم، به عنوان دانشجوی خارجی مقطع دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ثبت‌نام کردم. در اولین روز کلاس درس، علاوه بر من، حدود بیست دانشجوی خارجی دیگر هم حضور داشتند. قرار بود ما یک دوره تحصیلی سه ساله را بگذرانیم. دانشجویان دیگر بیشتر هندی و پاکستانی بودند. قبل از آغاز رسمی درس، در دو نیمسال زبان فارسی را خواندم. در پایان سال سوم، با دانشجویان ایرانی در امتحان شرکت کردم و از توانایی کافی در درک زبان فارسی برخوردار شدم.

بعد از آن، سه سال وقت صرف نوشتن رساله دکتری خود کردم. دو سال را هم بر سر انجام مقدمات و هماهنگی‌ها برای چاپ آن به صورت یک کتاب گذراندم. رساله من بسیار مهم بود. تحقیقات من روی میزان آگاهی و دانش عبدالرحمان جامی، متفکر معروف ایرانی، از اندیشه‌های محی‌الدین ابن‌عربی صورت گرفت. جامی در آثار خود علاوه بر استفاده از الهامات ابن‌عربی، نقل‌قول‌های فراوانی از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی آورده است.

پس از دریافت مدرک دکتری و تا چاپ رساله‌ام به صورت یک کتاب، در دانشگاه موسوم به صنعتی آریامهر – صنعتی شریف فعلی – به تدریس پرداختم. این دانشگاه براساس الگوی انستیتو فناوری ماساچوست یا همان دانشگاه ام.آی.تی آمریکا طراحی شده بود. من در تحقیقاتم در این دانشگاه به بررسی تطبیقی ادیان پرداختم و الگوی عرفان اسلامی را در هندوئیسم، بودیسم، اندیشه‌های چینی و مذاهب ابراهیمی جستجو کردم.

در این فاصله، فرصت خوبی دست داد تا در جلسات درسی که زیر نظر و با مدیریت دکتر سیدحسین نصر تشکیل می‌شد، شرکت کنم. در این جلسات، اساتیدی چون پروفسور توشی‌هیکو ایزوتسو و هانری کربن تدریس می‌کردند. علاوه بر این، تحقیقاتی که اساتید در مورد ابن‌عربی انجام داده بودند، در این جلسات از سوی کارشناسان مورد بررسی قرار می‌گرفت.

من جمعاً دوازده سال در ایران اقامت داشتم. از این مدت، به جز خاطرات خوش، هیچ ندارم. ایرانیان مردمی بسیار خونگرم، چشم و دل سیر و سخاوتمند بوده و هستند؛ به خصوص اگر احساس کنند کسی به فرهنگ آنها علاقمند است، این خصوصیات در آنها تشدید می‌شود. در تهران بارها با کسانی روبرو می‌شدم که باور نمی‌کردند یک دانشجوی آمریکایی به ایران آمده باشد و مشغول تحصیل و مطالعه درباره زبان و ادبیات فارسی و اسلام باشد، آن هم زمانی که همه دوستان و بستگان نزدیک آنها برای رفتن به آمریکا و خواندن دروس مهندسی و پزشکی سرودست می‌شکستند.

آن روزها ترافیک در شهر تهران بهتر از حالا بود؛ یعنی قابل قبول بود. ساخت‌وسازها هم از کنترل خارج نشده بود. خیابانهای تهران، به خصوص در اطراف دانشگاه تهران، همه بولوارهای سه خطه بودند. تهران آن روز محل بسیار دلپذیری برای زندگی بود. در خانه‌ای، یک اتاق اجاره کرده بودم که به اندازه ده دقیقه پیاده‌روی، تا دانشگاه فاصله داشت. درسها هم آنقدر فشرده نبود که نفس‌بُر باشد. من وقت آزاد برای فعالیتهای فوق‌برنامه، زیاد داشتم.

خلاصه اینکه دوره تحصیل دانشگاهی من بسیار لذتبخش و شیرین گذشت؛ یعنی وضعیت درسی من در تهران به مراتب بهتر از وضعیت درسی دانشجویانی بود که این روزها در اطراف خود می‌بینم که با چه بدبختی مشغول تحصیلند، چه فضای رقابتی را تحمل می‌کنند و چه فشارهایی را بر خود هموار می‌سازند.

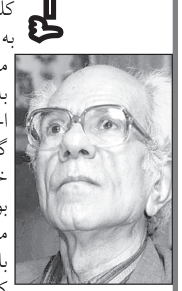
من در آن سالها بسیار آموختم و همه چیز را آرام و با درک دقیق و احساسی خودم فراگرفتم. در حقیقت، آنچه یاد گرفتم، با جان و دل احساس کردم و به جان نیوشیدم. هنوز هم از ذخایر آموخته‌های آن روز در نوشته‌ها و گفته‌هایم استفاده می‌کنم. باور ندارم دانشجوی امروزی بتواند چنین آموزشی که من پشت سر گذراندم، تجربه کند. دانشجوی امروزی چگونه می‌تواند ده سال عمر خود را در کشوری دیگر بگذراند؟ اصلاً خبر ندارم که چنین فرصتهایی برای دانشجویان وجود داشته باشد.

همان طور که گفتم، من اصالتاً اهل کنکتیکات هستم. در بچگی، هرگز فکر نمی‌کردم که زمانی فرابرسد که دوازده سال از عمر خود را صرف فراگیری زبان و ادبیات فارسی، اسلام و عرفان اسلامی کنم. حتی در سالهای نخست که در تهران بودم، باور نداشتم که موفق شوم این رشته را به پایان برسانم. چند سالی که گذشت، متوجه شدم که این امکان وجود دارد.

ورود به عرصه علمی و دانشگاهی کار ساده‌ای نیست، به خصوص اینکه این حوزه برای من غریب هم بود و من باید وارد عرصه‌ای می‌شدم که در آن محققان و اساتید برجسته و قدرتر از من بسیار بودند. ورود من به عرصه مطالعات دانشگاهی اسلام‌شناسی، بسیار قبل از آن اتفاق افتاد که آمریکاییان بر اثر حادثه ۱۱ سپتامبر بفهمند که چقدر اسلام را نمی‌شناسند و متأسفانه نسبت به آن جاهلند. من زودتر از بسیاری از آمریکاییان دیگر اسلام را شناختم. در مسیر مطالعات عرفانی خود در دوره لیسانس و سپس در مقطع دکتری که ادبیات فارسی را می‌خواندم، با آثار مرحوم آنه‌ماری‌شیمل آشنا شدم. او در آن ایام به ایران سفر نمی‌کرد، لذا هرگز فرصت این را نداشتم که با او ملاقاتی حضوری بکنم.

ادامه دارد

خاطرات دکتر حدیدی-۳
ایام انگلستان



در دانشگاه ژنو، درس تاریخ ادبیات بیشتر اوقات به همین روش تدریس می‌شد و تا آن‌جا که امکان داشت، دانشگاه برای دانشجویان گردشهای علمی مناسب با درسشان ترتیب می‌داد.

یکی دیگر از این گردشها بازدید از کوپه، روستایی متعلق به خانم استال، فرضیه‌پرداز مکتب رمانتیک بود که بر سر راه لوزان به ژنو قرار داشت. جایی بود بسیار زیبا در ساحل دریاچه لمان، با آب و هوایی خوش و دارای کلیسایی قدیمی که جزو آثار باستانی سوئیس به شمار می‌رفت. استاد به مناسبت درس مربوط به یکی از کتابهای نظری خانم استال به نام دربارهٔ ادبیات و پیوندهای آن با نهادهای اجتماعی، به شرح سرگذشت او پرداخت و گفت که چگونه وی، پس از انقلاب، مورد خشم ناپلئون که خودکامگی در پیش گرفته بود، واقع شد و ناگزیر پاریس را ترک گفت و مدت ده سال در کوپه اقامت گزید، اقامتی که با گریزهای بسیار همراه بود. در همان جا بود که کتاب دیگری به نام دربارهٔ آلمان نوشت و در آن فرضیه خود را درباره ادبیات شمال و جنوب وصف کرد. به دستور ناپلئون همه نسخه‌های کتاب را که در آن از برتری ادبیات آلمان بر ادبیات فرانسه سخن رفته بود، گردآوری کردند و نویسنده را مورد تعقیب قرار دادند. در همه این حوادث کوپه تنها پناهگاه خانم استال بود.

من و دیگر دانشجویان آن روز ناهار را نیز در رستوران کوچکی کنار دریاچه خوردیم و بعدازظهر به ژنو بازگشتیم.

این مسافرتهای دسته جمعی، هم گردش بود و هم تحصیل و درس، درسی که همراه با صحنه‌ها و مناظر زیبا همیشه در ذهنها می‌ماند و فراموش نمی‌شد.

آن سال بدین گونه به پایان رسید و من می‌بایست برای امتحانات آخر سال آماده می‌شدم. من تنها دانشجوی ایرانی بودم که در امتحانات آن دوره شرکت می‌جستم. پس کوششی پیگیر آغاز کردم. هر روز ساعت هفت صبح به پارک سازمان ملل می‌رفتم و در آن‌جا درس می‌خواندم و ساعت هشت بعدازظهر باز می‌گشتم. از ساعت یک تا دو هم ناهار می‌خوردم.

پارک سازمان ملل که قسمتهایی از آن گل کاری و چمن کاری شده و قسمتهای دیگر آن به صورت جنگلی کوچک در ساحل شمالی دریاچه گسترده بود، منظره‌ای بسیار زیبا داشت. پرنده‌های خوش‌الحان نیز در آن فراوان بودند. روی نیمکتی زیر درختهای بلوط می‌نشستم و ضمن درس خواندن به آوای بلبلها گوش می‌سپردم و گاه چنان از نغمه آنها به وجد می‌آمدم که اشک شوق از چشمانم سرازیر می‌شد. گاه نیز سنجابها که از کسی آزار ندیده و به محبت مردم خو گرفته بودند، از درختها پایین می‌آمدند و روبه‌روی من می‌نشستند.

ایام انگلستان

انگلستان، این جزیرهٔ منزوی و بی‌آفتاب، در نظر من مظهر استعمار و ستمگری بود. من در وقایع ملی کردن صنعت نفت، و در دورهٔ حکومت مصدق، و سپس در روزهای خونی کودتای ۲۸ مرداد، شاهد مبارزات بی‌امان ملت ایران بودم، کینه‌ای عمیق نسبت به کسانی که آنان را باعث شکست این مبارزات می‌دانستم، بر دل گرفته بودم. اگر آن روز به سرزمینشان گام می‌نهادم، برای آن بود که زبانشان را بهتر بیاموزم تا در آینده بهتر بتوانم ـ هیهات! ـ با آنان به مبارزه برخیزم.

با چنین احساسی وارد لندن شدم. اتاقی در یکی از هتل‌های محلهٔ کنسیگتون برای یک شب کرایه کردم. چون هتل نزدیک هاید پارک بود، همان روز به گردش در پارک پرداختم. بی هدف می‌رفتم، یا کنار دریاچه‌ای می‌نشستم و قوها را که آن چنان آسوده و آرام در آب غوطه می‌خوردند، تماشا می‌کردم. هوا لطیف و نیمه ابری بود. نسیم ملایمی می‌وزید. گاه بارانی ریز، نه چندان که آزاری برساند، می‌بارید. وقتی قطرات باران بر سر و صورتم می‌نشست ، تنها خنکای آن را حس می‌کردم. نسیم ملایم، رطوبت آن را با خود می‌برد. همچنان می‌رفتم تا به هاید پارک کورنر رسیدم. قبلاً وصف آن را در کتابها خوانده بودم، اما به عیان ندیده بودم. آن روز می‌دیدم. در گوشه‌ای، روی یک چهارپایهٔ فلزی، کشیشی ایستاده بود و از حضرت عیسی (ع) سخن می‌گفت. گروهی نیز به سخنانش گوش می‌دادند. در گوشه‌ای دیگر، یکی از پیروان لنین دربارهٔ کمونیسم و معجزه‌های دروغین آن داد سخن می‌داد. او هم طرفدارانی داشت، هر چند اندک بودند. سخنگوی سوم از حکومت کارگری انتقاد می‌کرد و شنوندگان را به پیروی از آرمان‌های حزب محافظه‌کار فرا می‌خواند.

تا آن تاریخ، نظیر آن صحنه را ندیده بوم. من که عمرم را در خفقان و دیکتاتوری به سر برده بودم، چنان تحت تأثیر آن همه آزادی در آمیخته با انضباط قرار گرفتم که از خود بیخود شدم. کتم را که روی دستم انداخته بودم، به گوشه‌ای افکندم . به پشت روی چمن افتادم و در حالی که نم نم باران گونه‌هایم را خنک می‌کرد، سیل اشک از چشمانم سرازیر شد. می گریستم. رو به سوی آسمان کرده، می گفتم:

«پروردگارا! آیا ممکن است روزی ملت ایران نیز از آزادی در اندیشیدن و گفتن برخوردار شود؟ آیا ممکن است ما هم روزی بتوانیم هر چه در دل داریم بر زبان آوریم، بی‌آن که از کسی یا از چیزی در هراس باشیم؟»

از صمیم دل با خداوند مناجات می‌کردم. اشکم، همچنان جاری بود. گونه‌هایم نه از باران، که از اشک خیس شده بود. مدتی گذشت تا آرام گرفتم. کتم را برداشتم و دوباره به راه افتادم. آن صحنه تاثیری شگرفت در من نهاده بود. آنچه در آن جا می گذشت، درست نقطهٔ مقابل آن چیزی بود که برخی از مردم مشرق زمین در طول قرن‌ها با آن خو گرفته‌اند: استبداد و خودکامگی.

فردای آن روز به پریتیش کانسیل رفتم تا در کلاس‌های زبان نام‌نویسی کنم. در دانشگاه تهران و سپس در پاریس مقداری انگلیسی خوانده بودم و می‌توانستم نیازهای خود را برآورم، ولی بیش از آن را طالب بود.

در بریتیش کانسیل برای سنجش میزان معلوماتم پرسشنامه‌ای به من دادند. من هم به تعدادی از سوالهای آن پاسخ دادم و در کلاس دوم پذیرفته شدم. سپس به قسمت مربوط به راهنمایی اتباع خارجی مراجعه کردم. می‌خواستم دربارهٔ شرایط سکونت در لندن و میزان اجاره‌ها اطلاعاتی به دست آورم. البته خودم در لندن دوستانی داشتم که همزمان با من برای ادامهٔ تحصیل به اروپا اعزام شده بودند. نشانی آنان را نیز می‌دانستم، ولی چون به منظور فرا گرفتن زبان به انگلستان رفته بودم، میل نداشتم دوباره مانند پاریس، در جمع همزبانان خود گم شوم. ترجیح می‌دادم با مردم در آمیزم و از آداب و رسوم آنان آگاه گردم. از این رو از دوستان خود کمک نگرفتم تا مشکلات خود را به تنهایی حل کنم و به حکم ضرورت زبان بیاموزم. متصدی بخش مربوط به راهنمایی اتباع خارجی، فهرستی به من داد که نشانی کسانی که یکی از اتاق‌های آپارتمان خود را اجاره می‌دادند، در آن درج شده بود. مناسب‌ترین آنها را برگزیدم، و آن خانه‌ای بود در بیکراستریت، نزدیک ریجنتزپارک آن را به ده پوند در ماه اجاره کردم.

ادامه دارد

هنر

فرد زینه‌من در ترجمه خسرو سینایی/۹

مردی برای تمام فصول

فرد زینه‌من خودش می گفت: «شروع کردم به دیدن یک زندگی پر از ماجرا، پر از تقلاّ، فضاهای باز و سفر به سرزمین‌های ناشناخته‌ای که فقط جوزف کنراد از آن‌ها اطلاع داشت. هیجان‌زده و در ابهام احساس کردم که فیلم، مثل موسیقی، راه مستقیمی به احساسات مردم باز می کند.» برخلاف نگرانی های پدرش، که یک پزشک مورد احترام وینی بود، زینه‌من برای کارآموزی در رشتهٔ سینما به پاریس رفت، سپس با آموخته‌هایش به ایالات متحده رفت و در آن‌جا شروع به همکاری با مستندساز بزرگ ـ رابرت فلاهرتی ـ کرد. این سابقه‌ای بود که به او امکان داد فیلم‌های کوتاهی را در MGM (مترو گلدوین مایر) کارگردانی کند. به عنوان یک کارگردان جوان، زینه‌من بایستی هدفهای تجاری کمپانی مترو را تحمل می کرد.



فرد زینه‌من

امّا نگاه او به کسانی بود که به قول خودش، جمع سازش‌ناپذیران بودند، مثل جان فورد، جرج استیونس، ویلیام وایلر و فرانک کاپرا؛ که موفق شده بودند نگاه ـ کارخانه‌ای ـ را عقب بزنند و از عقاید خودشان دفاع کنند.

پرورش استعداد زینه‌من به گونه‌ای شد که می‌توانست به هر نوع موضوعی بپردازد و از مهارت، کاردانی و سلیقهٔ خوبش، در پرداخت هر سوژه‌ای بهره بگیرد. او عقیده داشت که هر چقدر تجربهٔ شخصی کارگردان در مورد چهار عنصر اصلی فیلمسازی ـ نوشتن، بازیگری، فیلمبرداری و تدوین ـ؛ بیشتر باشد؛ بهتر خواهد توانست مرزهای محدودکنندهٔ این رسانه را توسعه دهد. او می گفت: «برای من، دوربین، قوهٔ تخیل تصویری و آگاهی نسبت به امکانات لنز دوربین، نقطهٔ شروع بود».

وقتی که جای پایش در ساختن فیلم‌های سینمایی کوچک محکم شد؛ سوژه‌هایش را با دقت انتخاب می کرد، و فیلم‌هایی می ساخت که از معیارهای بالایی برخوردار بودند و در آن‌ها موضوع درگیری افراد با وجدانشان را بررسی می کرد. صلوه ظهر (ماجرای نیمروز) ـ غروبی‌ها ـ داستان راهبه؛ مردی برای تمام فصول، و جولیا، برای زینه‌من افتخارات بسیاری کسب کردند؛ ولی برای خود او از همه مهمتر احترام همتایانش بود.

اغلب در زندگی حرفه‌ای کارگردانان بزرگ مقاطع افسردگی و ناامیدی عمیق وجود دارد. این موضوع در مورد زینه‌من هم صدق می کند. پس از آن که در ۱۹۶۶، اسکار بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را برای فیلم «مردی برای تمام فصول » دریافت کرد؛ سه سال مشغول آماده‌سازی فیلم ـ سرنوشت انسان ـ، نوول تحسین شدهٔ ـ آندره مالرو ـ دربارهٔ دسیسه‌ها و انقلاب در شانگهای بود. او در لندن در حال تمرین در صحنه‌های آماده شده، با پیترفینچ، لیواولمان و دیوید نیون، بود که از رئیس تازه مترو گلدوین مایر، جیمز آوبری، تلگرامی به دستش رسید که در آن تهیهٔ فیلم لغو شده بود.

زینه‌من بعدها نوشت که این نشانهٔ «پایان یک دورهٔ فیلمسازی و ظهور دورهٔ تازه‌ای بود که در آن حقوقدانان و حسابداران در مقام رؤسای استودیوها، جایگزین اهالی هنر نمایش می‌شدند؛ و دست دادن با یکدیگر دیگر هیچ معنای خاصّی نداشت». زمان حضور ـ آوبری ـ در سینما به شکلی ترحم‌برانگیز کوتاه بود، ولی همان زمان کوتاه کافی بود تا دنیا از دیدن یک فیلم دیگر ـ فرد زینه‌من ـ محروم شود.

گفتگو با فرد زینه‌من

آیا ممکن است از شروع کارتان در سینما برایمان بگویید و این که چگونه از وین به‌هالیوود آمدید؟

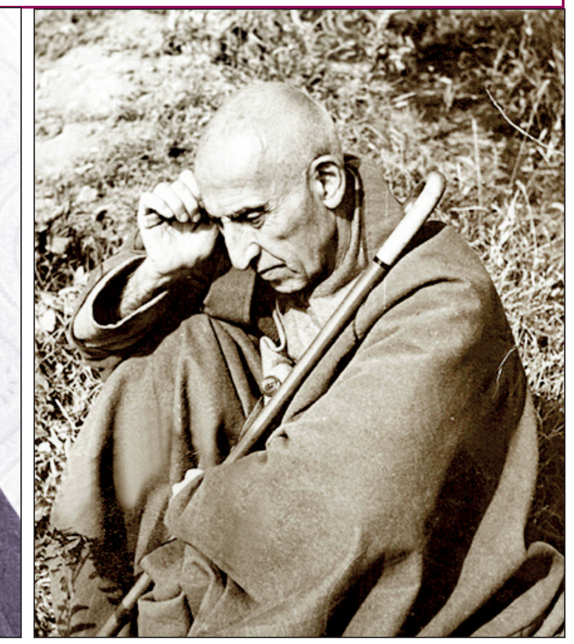
واقعیت آنست که من یک موسیقیدان سرخورده‌ام. خیلی زود در زندگیم کشف کردم که گوش خیلی حساسی ندارم؛ و این پایان رؤیای من بود. بعدها فهمیدم که تشابه زیادی میان یک رهبر ارکستر و یک کارگردان وجود دارد. چون هر دوی این‌ها ناچارند با افراد زیادی کار کنند. کاری که باید بکنند آنست که همکارانشان را نسبت به نظراتشان متقاعد کنند؛ به طوریکه یک بدنهٔ واحد و همکار برای رسیدن به هدف مورد نظر و گرفتن نتیجهٔ ایده‌آل به وجود بیاید ولی خیلی زمان گذشت تا من متوجه این موضوع شدم. در وین، زمان کوتاهی پس از جنگ جهانی اوّل؛ جز دو یا سه کمپانی کوچک، چیزی که بتوان آن را صنعت فیلمسازی نامید وجود نداشت. من در مدرسهٔ صنعتی فیلمسازی در پاریس تحصیل کردم، که بعداً فهمیدم تجربهٔ بسیار خوبی بود، چون جنبه‌های فیلمسازی در آن یاد داده می‌شد.

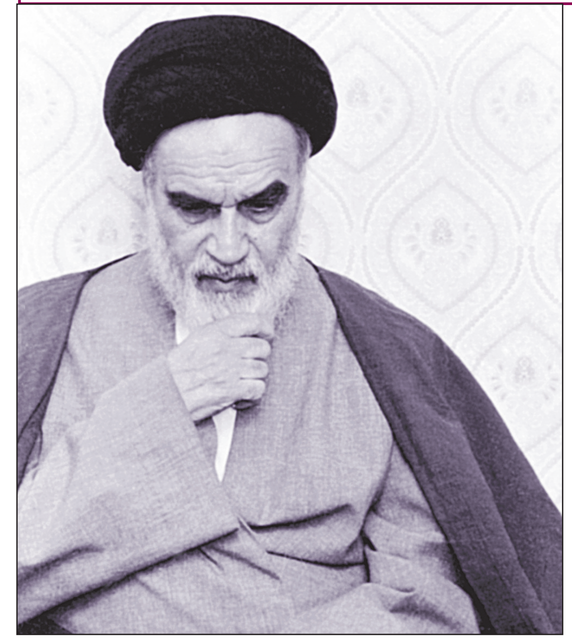
وقتی که صدا وارد کار فیلمسازی شد، من در برلین کار می‌کردم. یک مرتبه فیلم‌هایی چون ـ خوانندهٔ جاز ـ و ـ ابله خواننده ـ، اولین فیلم‌های صدادار کمپانی برادران وارنر، وارد اروپا شدند؛ و متأسفانه ساختن فیلم‌های صامت متوقف شد.

آینه

رازگشایی از دیدگاه امام خمینی درباره دکتر مصدق

امام: اگر اینطور است که می‌گویید من از حرف خودم برگشتم







ادامه از صفحه اول

و باز هم تذکر شما را ابلاغ خواهم کرد... اما سیاست‌گزاری مؤسسه اطلاعات، علیرغم انتسابش به بعثت!، در عهده حضرت دعائی است و ما می گوئیم اما گاهی: لایگوشون!...

به هر حال ضمیمه فرهنگی باید فرهنگی باشد، نه سیاسی... صدالبته اگر یک ویژه‌نامه «سیاسی» هم منتشر شود، ما را ضیق خناق نیست...

دیگر اینکه در بین اوراق مرجوعی چندی پیش، پاسخ عزیزمان آقای کریم فیضی را دیدم که درباره مقاله تحقیقی مربوط به دکتر عباس زریاب خوئی اظهارنظر کرده بود... و متأسفانه فاقد واقعیت بود!

کل اشکال جناب یزدان‌پرست و جناب فیضی[همکاران روزنامه اطلاعات] ، آن است که او در نامه‌ای به آیت‌الله اشراقی،به دترمینیسم! ـ جبرگرائی ـاشاره کرده است... که البته این اشاره، طلبه‌ای یا علمائی است و جای نگرانی ندارد... اما از اهمیت نامه امام به مرحوم آیت‌الله اشراقی و نامه‌های مکرر مرحوم زریاب درباره حوادث آن دوران حوزه، که هم فرهنگی است و هم تاریخی، غفلت شده است...

اگر وقت دارید یک بار خود جنابعالی آن را مطالعه فرمائید و یا با اعتماد به حقیر، دستور دهید که آن را با مسئولیت! ما! در ضمیمه فرهنگی چاپ کنند که هم بحثی فرهنگی است و هم ثوابش بی تردید بیشتر از نشر شرح حال افسران مصدقی* و وزرای وی ـ دکتر صدیقی، دکتر فاطمی و... ـ خواهد بود. والله العالم

العبد الفانی، الاحقر: هادی بن مرتضی الحسینی الخسروشاهی (عفی عنه)قم المقدسه

اول رمضان المبارک

سنه ۱۴۳۳ هـ

* حاشیه: یادم رفت اشاره کنم که این آقایان، به فرموده امام، پارچه‌ای بر سگی بستند و در خیابان تهران رها کردند که در آن نوشته بودند: آیت‌الله... و امام فرمود که این دیگر دعوا با شخص نیست با اسلام است و فرمود: گفتم او سیلی می خورد و خورد و افزودند: «او هم مسلم نبود!»... و خود حقیر با درد، هنوز به یاد دارم که روزنامه‌های این آقایان پرچم انگلیس را بر عمامه آیت‌الله کاشانی نقاشی کردند و در روزنامه‌های: پرخاش، شورش و غیرهما، زیر آن عکس نوشتند:

ما بچه‌های استوکسیم ارباب خود را می‌پرستیم!...و می‌دانیم که فرمانده این‌ها همان جناب: «او هم مسلم نبود» بود!

پاسخ دبیر ضمیمه فرهنگی به استاد

با سلام و تحیت

استاد بسیار محترم حضرت آقای خسروشاهی ـ حفظه‌الله ـ تذکرات خودشان دربارهٔ عدم درج مطلب دربارهٔ مصدق مرحوم را، بارها و بارها پیش از این نامه به صورت تلفنی و حضوری با خود حقیر هم در میان نهاده‌اند و حقیر با نهایت ادب به سخنان ایشان گوش داده‌ام. از قرار معلوم، حضرت استاد خسروشاهی از جوانی به مرحوم مصدق ارادت نداشته‌اند و گذشت زمان هم موجب کاسته شدن از این بی‌ارادتی نگشته است. به همین جهت، با نادیده گرفتن ده‌ها ستون دیگر در ضمیمه فرهنگی که مباحث آن فرسنگ‌ها از مصدق مرحوم دور است، می‌فرمایند که ضمیمه فرهنگی به دلیل چاپ آخرین نامه‌های مصدق، «مصدق‌نامه» است، که حالا البته خود آن ستون هم تمام شده و چند وقتی است مطلبی دربارهٔ مصدق نداشته‌ایم.

اما دربارهٔ مرحوم فاطمی، تا آنجا که بنده می‌دانم فاطمی جانش را در راه مبارزه با رژیم شاه از دست داده و ضارب او، آقای عبدخدایی بارها از اینکه فاطمی را ترور کرده، ابراز ندامت کرده و دست آخر هم مدعی شده که اصلاً گلولهٔ من به فاطمی نخورد! آیا صرف اینکه فاطمی دوستدار مصدق بوده باعث می‌شود که مبارزهٔ آن مرد را نادیده بگیریم و صرف اینکه از مصدق بدمان می‌آید، باعث می‌شود که ملی شدن نفت را کتمان کنیم و بگوییم نفت خودش ملی شد؟! یا شاه آن را ملی کرد؟! یا دیگران ملّی‌اش کردند؟! مدتهاست فکر می‌کنم چطور می‌شود حضرت خسروشاهی را که دانشوری است کوشا و متتبّعی است با بیش از ۵۰ سال تلاش فرهنگی بی‌انقطاع، در این موضوع به انصاف دعوت کرد.

امام هم در پاسخ گفت: ... پس اگر این‌طور است که شما می‌گویید من از حرف خودم برگشتم

من در آن عهد نبوده‌ام و سالیان سال بعد از دعوای مصدق ـ کاشانی به دنیا آمده‌ام ولی اگر تاریخ ملاک است، تاریخ می‌گوید: مصدق خدمت کرده و همان شاهی را که شما ۲۵ سال بعد به کمک مردم و گروههای مختلف سیاسی ساقط کردید، این مصدق در سال ۱۳۳۲ تا مرحلهٔ سقوط کشاند. آیا این چنین نبوده است؟

اما در باب مطلب دکتر زریاب خویی، باید عرض کنم که آن مطلب رد شدن و چاپ نشدنش مطلقاً ارتباطی به بنده نداشت. حضرت آقای یزدان‌پرست (به عنوان مسئول صفحهٔ نظرها و اندیشه‌ها) چاپ نامه‌های مرحوم زریاب را اصلاح ندانستند و استدلالهایی داشتند که با بنده مطرح کردند.

بنده هم عیناً آن استدلالها را نوشتم. این کلّ ماجراست ولاغیر. والاّ ارادت بنده به مرحوم زریاب اظهرمن الشمس است و ناگفته نگذارم که وصف آن فقید را نخست از زبان خود مرحوم اشراقی شنیده‌ام، کمااینکه اصل این نامه‌ها را فرزند ایشان ۱۲ سال پیش برای چاپ در اختیار حقیر گذاشت و مدتها وقت بنده صرف تنظیم آنها شد. آخر سر هم بدون هیچ دلیلی اعلام کرد که قصد چاپ ندارد. بعد هم که چاپ شد، دیدم بدون اینکه اسمی از حقیر بیاورد، بدترین بی‌مهری را در حق حقیر بر قلم آورده که صدالبته سکوت را شایسته‌تر دیدم. اما شگفت‌انگیزترین بحث سخن حضرت استاد سید هادی خسروشاهی که هم در این نامه متذکر شده‌اند، هم در شماره‌های مورد اشارهٔ ضمیمه فرهنگی با خودکار قرمز علامت‌گذاری کرده بودند، این است که: بحث از دکتر مصدق، چه ارتباطی به فرهنگ دارد و چرا باید در ضمیمه‌ای که موضوع آن فرهنگی است، این مطالب منتشر شود؟ ایشان می‌فرمایند: افسران مصدقی یعنی وفاداران مصدق چه ارتباطی به فرهنگ دارند؟ همچنانکه عرض کردم این پرسش ایشان شگفت‌انگیزترین سخن ایشان در ما نحن فیه است، به دلیل اینکه دکتر مصدق و هر شخصیت سیاسی دیگری، جنبه‌ای تاریخی دارد و تاریخ با تمام عرض و طول و وجود و ماهیتش داخل در فرهنگ است و مقوله‌ای فرهنگی به شمار می‌رود. بماند که اگر دکتر مصدق را دارای موجودیتی صرفاً سیاسی هم بدانیم، باز می‌توان در مدخل فرهنگی از آن سخن گفت، چرا که سیاست هم جزو فرهنگ است و این قولی است که جملگی بر آنند.

از این نکته که بگذریم به حاشیهٔ نامهٔ حضرت استاد خسروشاهی و آن هم مسلم نبودن مصدق است که این قول منسوب و مستند به امام خمینی است و سالهاست که در محافل و مراکز مربوط به این مباحث با جدیت تکرار می‌شود. اما باید با قاطعیت به عرض استاد و دیگر کسانی که این سخن را شنیده‌اند و قبول دارند، برسانیم که مطلب از این قرار نیست و از قرار دیگری است و شرح آن از این قرار است که:

مصدق مسلم بود

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در یک سخنرانی که صبح روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ انجام دادند، به حوادث دوران دولت دکتر مصدق و اینکه چگونه با آیت‌الله کاشانی برخورد کرده و سگی را عینک زده و به اسم آیت‌الله در خیابان می‌گرداندند، اشاره کردند و گفتند: «این در زمان آن (دکتر مصدق) بود که این‌ها فخر می‌کنند به وجود او. او هم مسلِم نبود... من به این آقا عرض کردم که این دیگر مخالفت با شخص نیست؛ این سیلی خواهد خورد و طولی نکشید که سیلی را خورد و اگر مانده بود سیلی بر اسلام می‌زد...»

این گفتار بعد از آن تاریخ شایع شد و بسیاری را دچار حیرت کرد که: آیا دکتر مصدق واقعا مسلمان نبود؟ دکتر محسن بهشتی سرشت در کتاب «زمانه و زندگی امام خمینی» که قرار است دو جلدی باشد و فعلا جلد نخست آن منتشر شده، در کتاب خودش برای نخستین بار به نکته‌ای تازه پیرامون نظر امام خمینی درباره «مسلِم نبودن مصدق» اشاره می‌کند و اثبات می‌کند که موضوع به همین حد خلاصه نمی‌شود و در حقیقت، امام بعدها از نظر خود درباره دکتر مصدق عدول کرد، هرچند که متاسفانه این بخش از ماجرا عمومی و رسانه ای نشده است.

بهشتی سرشت می‌نویسد: «سال‌ها بعد از آن، در صحبت یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی با امام نسبت به بیان ویژه ایشان در سخنرانی ۲۵ خرداد در رابطه با مسلم نبودن دکتر مصدق، امام از این موضوع گذشتند.» (ص۱۳۹)

اشاره مولف (آقای دکتر بهشتی سرشت) به گفت‌وگوی خودش با جلال‌الدین فارسی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی است. وی در توضیح بیشتری در این باره چنین می‌گوید: «در گفت‌وگویی که با آقای جلال‌الدین فارسی داشتم معلوم شد که ایشان حدود یک سال بعد از آن سخنرانی و اظهارنظر امام خمینی درباره مصدق، در دیداری با امام به ایشان گفته بود مرحوم مصدق خمس و زکات پرداخت می‌کرده و کسی که خمس و زکات بدهد حتما نماز هم می‌خواند و کسی که نماز بخواند قطعاً مسلمان است. امام هم در پاسخ به ایشان گفته بود من این موضوع را از یکی از علمای اصفهان شنیدم پس اگر این‌طور است که شما می‌گویید من از حرف خودم برگشتم.»

کریم فیضی

چکیده‌ای از یک زندگی-۳

زنی به نام کوکب

روزهای تابستان‌ها یکی پس از دیگری سپری می‌شدند؛ و من و خواهرم هر روز از روز پیش بیشتر به کوکب انس می‌گرفتیم و بیشتر دوستش می‌داشتیم؛ که این محبّت دو طرفه است. این زن مهربان و هوشیار بسیار به ما علاقه‌مند شده؛ آن‌چنان که گویی ما فرزندان او هستیم.

دو سه سال از ورود کوکب به خانهٔ ما گذشته است؛ و من که نوشتن ماجرای ورود او را کنار گذاشته بودم، دوباره با یافتن وقت بر سر شوق آمدم که آن را دنبال کنم؛ به دو دلیل: یکی اینکه بزرگتر شده‌ام، و میل به نوشتن در من بیشتر شده؛ دیگر اینکه دریافته‌ام که از دید من به نوعی، او زنی استثنائی است. بخصوص اینکه روزی داستان زندگی‌اش را برای ما تعریف کرد که شنیدنی است. داستان از این قرار است:

یکی از بعد از ظهرها که موقع کشیدن تریاک کوکب بود، و همگی پس از شنیدن اخبار رادیو برای خواب یا بهتر بگوییم «چُرت» بعد از ظهر پراکنده شده بودند، من و سوسن که خوابمان نمی‌آمد، در کنار منقل کوکب نشستیم و او دست به کار شد. رادیو در ایوان قرار داشت و پس از برنامهٔ اخبار، موسیقی از آن پخش می‌شد. هنوز کوکب دو پُک به وافور نزده بود و تازه داشت صدای جیرجیر تریاک با آتش‌های «سینه کفتری» درمی‌آمد که غزل «کاروان» سعدی که جزو شاه غزلهای اوست، از رادیو به گوش رسید. از خصیصه‌های شاهکارها یکی این است که هربار که با آن روبرو شویم، گویی اول بار است. تری، تازگی نفوذ و تأثیرپذیری شگرف خود را بر روح و جان انسان هر بار چون بار اول می‌نهد و تارهای وجود را به لرزش درمی‌آورد. کوکب که مانند همیشه شروع کرده بود تا مطلبی را عنوان کند، ناگاه ساکت شد، و عمیقاً به این نوای روح‌بخش گوش فرا داد و ما هم چنین کردیم. زنگ شترها، نوای نی ساربان، سفر، دوری، جدایی، هجران و همهٔ مسائلی که در این غزل عاشقانهٔ شگرف و زیبا نهفته است و آهنگ خوشی که برای آن ساخته شده بود، ما را به سکوت واداشت و یکباره برای اولین بار دیدیم که اشک از چشمان کوکب سرازیر شد، وافور را کنار آتش گذاشت و دست از کار کشید. من و خواهرم که یکّه خورده بودیم، علت را از او پرسیدیم، و او پس از آنکه بغض خود را فرو برد، گفت: «خوب است برایتان ماجرای زندگی خودم را تعریف کنم» شعر «کاروان» سعدی کوکب‌سلطان را نیز از جا کنده بود. او داستان زندگی خود را اینگونه آغاز کرد:

«ما یک وقت برای خودمون آدمی بودیم. پدرم چهل تا شتر داشت که وقتی از یزد راهی قم شدیم و در این شهر سکونت گرفتیم، پدر بار سفر می‌بست به شهرهای دیگر سفر می‌کرد، و از آنجاها بار و کالا می‌آورد. چهار تا برادر داشتم و در خونه فقط من یک دختر بودم که خیلی لوسم کرده بودند و عزیزکرده بودم. هر وقت که پدرم برمی‌گشت، از یک فرسخی صدای زنگ شترها، صدای هوهوی ساربون‌ها را می‌شنیدیم. برادر بزرگم مرا کول می‌کرد و می‌رفتیم به استقبال پدر و کاروانش. وقتی به شترها می‌رسیدیم، پدرم بغلم می‌کرد و مرا می‌گذاشت روی شتر و مرا می‌بوسید تا می‌رسیدیم به خانه. آن وقت چه سوغاتی‌ها که برایم می‌آورد. از پارچهٔ مخمل گرفته تا عروسک و نقل و شیرینی. روزها ما چند تا دختر بودیم که می‌رفتیم روی پشت بوم خونه و عروسک‌بازی می‌کردیم. یکی از این روزها دیدم مادرم مرا صدا می‌زنه. من دویدم پائین. مادرم گفت: «مهمان اومده یک قلیون چاق کن، بیار توی اتاق. نمی‌خواد چادر سر کنی، میهمانی زنونه است» گفتم: «بابا، من قلیون بلد نیستم چاق کنم. من که تا به حال دست به این کارها نزده‌ام» ولی مادرم اصرار داشت که من این کار را بکنم. من هم که بلد نبودم آب رو جوش آوردم که بریزم توی کوزه قلیون. نه اینکه زمستان بود، به خیال خودم می‌خواستم قلیونِ گرم و نرمی پیش مهمان ببرم. تا آب رو در کوزهٔ قلیونَ ریختم، شکست. من دویدم تو، گفتم: «ننه جون کوزه قلیون شکست» مادرم با دستپاچگی بلند شد و رفت از همسایه یک کوزه قلیون قرض گرفت، آورد و چاق کرد و داد دست من، و من هم اون رو آوردم توی اتاق. دیدم سه تا زن اونجا نشستن، ولی یکی‌شون پیر بود. قلیون رو گذاشتم جلوی زن مسن‌تر و از اتاق بیرون آمدم.

از اون روز به بعد، سه چهار روزی بود که توی خونه ما خیلی آمد و رفت می‌شد. هر روز صندوق میوه و شیرینی و قالیچه و چیزهای دیگر می‌آوردن. ما بچّه‌ها از این برو بیاها خوشحال بودیم که زندگی رو از یکنواختی بیرون آورده بود. یک روز صبح که از خواب بیدار شدم، دیدم مادرم گفت «باید بریم به حموم» دیدم چند تا زن هم آمده‌ان به خانه ما و همگی رفتیم به حموم. در حموم، همه به من توجّه داشتن و سر و تن منو بیش از همه می‌شستن. دست و پای مرا حنابندون کردن. وقتی از حموم بیرون آمدیم، همگی دوباره به خونه ما آمدن و بعد از خوردن ناهار، دیدم طبق‌کش‌ها رسیدن، و طبق‌های شیرینی و میوه و نقل و نبات رو میون حیاط گذاشتن. هلهله در گرفت و مادرم و بقیه، شیرینی‌ها و میوه‌ها رو در ظرف‌ها چیدن و قالی و قالیچه توی حیاط پهن کردن. کم‌کم دیدم مطرب‌ها هم رسیدن و بساطی به راه افتاد. همه رفتن لباسهای مهمانی‌شون رو پوشیدن و مرا هم بردن توی یکی از اتاق‌ها و زنی از همسایگان که کارش بنداندازی و بزک کردن زنان محلّه بود آمد و سر و صورت مرا درست کرد و یک دست لباس نو که اون زمان نمی‌دونستم از کجا آورده بودن، ولی بعدها فهمیدم که از خونه داماد آوردن، بر تن من پوشانید. لباس شلوار دَبیت حاج علی‌اکبری، شلیتهٔ زردوزی و نیم‌تنهٔ مخمل چکشی سبز بود. خلاصه چه دردسر، منو بزک کردن و حُسن یوسف به صورتم مالیدن. اونوقت‌ها اعیون و اشراف یک روغنی برای بزک داشتن که اسمش «حُسن یوسف» بود. وقتی به صورت می‌مالیدن، اصلاً پوست می‌شد مثل آینه و از دور می‌درخشید. بعد از اینکه خوب منو آرا و گیرا درست کردن، بردن توی اتاق پنج دری یک رختخواب بسته اونجا گذاشته بودن و جلویش یک آینه و دو تا لاله، نون سنگک، اسفند، آب و قرآن و همین چیزها که برای سفره عقد معموله.

ادامه دارد

گذشته

مینو صمیمی ۷

دیپلماسی به روش ایرانی

تخت طاووس

موقعی که جریان را با سفیر درمیان نهادم و به او اطلاع دادم که برای پرداخت صورتحساب بیمارستان پولی در بساط ندارم، ابتدا نسبت به صحت ادعایم تردید نشان داد، ولی بعد مسألهٔ کمک وزارت خارجه را پیش کشید و گفت: احتمال دارد بتواند از طریق وزارت خارجه کاری برایم صورت دهد.

بحث و جدل سفیر با مقامات وزارت خارجه مدّتها طول کشید تا سرانجام وزارتخانه با پرداخت نیمی از صورتحساب معالجه من موافقت کرد؛ و نیمهٔ دیگر نیز به وسیلهٔ پدرم از تهران برایم حواله شد.

به اعتقاد سفیر، من می‌بایست از لطف دربار شاه واقعاً ممنون باشم که توانسته بود وزارت خارجه را به تقبل نیمی از هزینهٔ معالجه‌ام وادار کند. ولی من نه تنها خود را مرهون الطاف دربار نمی‌دانستم، که حتی بشدت دلگیر و رنجیده‌خاطر نیز بودم. و این البته به امتناع دربار از پرداخت تمام صورتحساب بیمارستان ارتباط نداشت. چرا که می‌دیدیم ـ برخلاف تصورات گذشته‌ام ـ خدمت برای دربار، خدمت برای مملکت محسوب نمی‌شود، و حساب این دو از هم جداست.

با پی‌بردن به این حقیقت بود که تصمیم گرفتم از خدمت در سفارتخانه استعفا دهم، و انجام وظیفه در شغلی را که هرگز جنبهٔ خدمت به وطن نداشت رها کنم. ولی صبح آن روز در ماه فوریهٔ ۱۹۷۱ که با ورقهٔ استعفا وارد سفارتخانه شدم، تا چشم سفیر به من افتاد با قیافه‌ای شاد و خندان گفت: «مینو! خبر خوشی برایت دارم. هم اکنون از سن موریتس اطلاع داده‌اند که شهبانو تو را برای ملاقات احضار کرده است».استعفای من در سال ۱۹۷۶[۱۳۵۵] همزمان بود با اوج قدرت و سلطهٔ سلطنت پهلوی در ایران، با تمام رونق و افراط گریهایش. دربار تخت طاووس چنان عظمتی یافته بود که جلوه‌اش هم چشم جهانیان را خیره می‌کرد، و هم در عین حال باعث شده بود هیأت حاکمهٔ کشور جز شخص شاه جایی دیگر را نبینند و نسبت به درک حقایق موجود کوروکر بمانند... ولی آیا این شکوه و عظمت می‌توانست بر ادعای شاه مبنی بر ظهور «رستاخیز ملت ایران» صحه بگذارد؟ و یا واقعاً نشانی بر «عصر طلایی سلسلهٔ پهلوی» باشد؟

طی سه سالی که در سازمان حمایت از کودکان به خدمت اشتغال داشتم، دگرگونی‌های فراوانی از نظر اجتماعی و سیاسی در جامعهٔ ایران پدید آمد. به خصوص سال ۱۹۷۳، که هم برای من سال سرنوشت‌سازی بود (رها کردن شغل سیاسی در وزارت خارجه، و روآوردن به یک خدمت «انسان دوستانه» و تحصیل در دانشگاه ملی)، و هم برای ایران ـ بلکه تمام جهان صنعتی ـ سال سرنوشت‌سازی محسوب می‌شد.

شاه ادعا کرد: ایران را تا ۲۰ سال آینده به سطح ۵ قدرت اوّل جهانی خواهد رساند!!

در ماه دسامبر ۱۹۷۳ بعد از اجلاس فوق‌العادهٔ سازمان اوپک در تهران، قیمت نفت به ابتکار شاه افزایش چشمگیری یافت، و به دنبال آن با جاری شدن سیل مبالغ هنگفت حاصل از فروش نفت به سوی ایران بود که شاه توانست ادعا کند: ایران را تا ۲۰ سال آینده به سطح ۵ قدرت اوّل جهانی خواهد رساند[!]

گرچه طی سال بعد، درآمد فروش نفت کشور از سالی ۵ میلیارد دلار به سالی ۲۰ میلیارد دلار رسید و ایران به یکی از کشورهای ثروتمند جهان تبدیل شد، ولی بالغ بر نصف جمعیتش را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دادند و کماکان در فهرست کشورهای عقب‌افتاده جا داشت.

من نیز که به خاطر شغل خود در سازمان حمایت از کودکان، با طبقات پایین جامعه تماس مستقیم داشتم، با توجه به انواع محرومیت و معایب اجتماعی موجود در کشور، اصلاً نمی‌توانستم درک کنم که واقعاً چطور امکان دارد فقط با افزایش ثروت کشور بتوان برای هزاران مسأله ریشه‌دار اجتماعی راه چاره‌ای یافت؟... این در حالی بود که شاه ـ متعاقب افزایش درآمد ایران ـ به جای هرگونه اقدامی در راه اعتلای فرهنگ کشور، پروژه‌های صنعتی را نسبت به گذشته تا چهار برابر اضافه کرد؛ و نیز با هدف تبدیل ایران به یک قدرت بزرگ نظامی در خاورمیانه، مبالغ کلانی را برای خرید اسلحه و تجهیزات جنگی از آمریکا اختصاص داد.

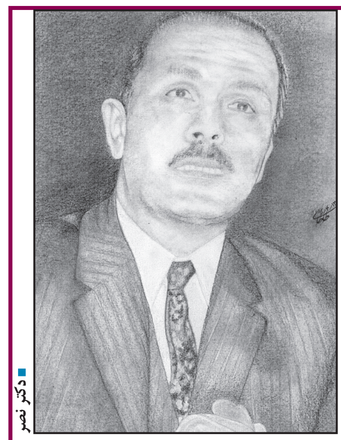
به موازات افزایش درآمد نفتی کشور، ما هم در سازمان حمایت از کودکان هر روز با تغییر برنامه‌های خود ـ علی‌رغم تمام مشکلاتی که در مقابلمان قرار داشت ـ اقدامات تازه‌تری را آغاز می‌کردیم، و بعد هم شرح فعالیت‌های خود را با افتخار فراوان در گزارش‌های سالانه سازمان به اطلاع ملکه می‌رساندیم، ولی من و بسیاری از همکارانم خوب می‌دانستیم که آنچه انجام می‌دهیم جز اجرای برنامه‌های کوتاه مدت برای حل مسائل سطحی و روبنایی چیز دیگری نیست، و نوع کارهایمان هرگز ما را در جهت زدودن عوامل عقب‌افتادگی و ریشه‌کنی اوضاع نابسامان و فلاکت‌بار حاکم بر کشور به جایی نخواهد رساند... با توجه به چنین وضعی بود که هر روز نسبت به بهبود شرایط بدبین‌تر می‌شدیم و نهایتاً امکان هرگونه تغییر بنیادی اوضاع را هدفی دست نیافتنی می‌دیدیم. به نظر من اگر بنا بود اصلاحات ریشه‌ای در کشور به اجرا درآید، ناگزیر می‌بایست عامل «مذهب» مورد توجه قرار می‌گرفت، و اعتقادات مذهبی مردم محروم ـ که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند ـ به عنوان یک نیروی پراهمیت اجتماعی در محاسبات گنجانده می‌شد. یک‌بار ضمن سفری به مشهد، در دیدار از مرقد امام رضا در آن شهر ـ که یکی از زیارتگاه‌های مقدس شیعیان محسوب می‌شود ـ علناً به نفوذ و اعتبار و گستردگی اعتقادات مذهبی در میان مردم پی‌بردم و در عین حال نیز صدها بیمار اعم از مرد و زن و کودک را مشاهده کردم، که در صحن بارگاه ایستاده یا نشسته بودند و عاجزانه با ندبه و زاری از امام رضا می‌خواستند تا شفایشان بدهد... آنها واقعاً از ته قلب اعتقاد داشتند که اگر بتوانند در میان ازدحام جمعیت، ضریح مقبره را لمس کنند حتماً بهبود خواهد یافت. مشاهدهٔ این وضعیت به قدری مرا تکان داد که تا چند روز به فکر فرو رفته بودم و از خود می‌پرسیدم: «ما متجددین ـ که در اقلیت هستیم ـ با تمام حسن نیتی که در خود سراغ داریم، آیا واقعاً می‌توانیم در مقابل اکثریت عظیمی که باورهای خاص خود را دارند، راه به جایی ببریم و اهداف خود را در سطح جامعه به اجرا درآوریم؟»... هرچه بیشتر به این مسائل می‌اندیشیدم، به ضعف خودمان در مقابل مردم بیشتر واقف می‌شدم؛ و نمی‌توانستم بفهمم چگونه می‌شود راهی یافت تا براساس آن بتوان بین اعتقادات مذهبی مردم و علوم جدید ارتباط برقرار کرد. براساس ضوابط مذهب تشیّع، هر فرد شیعه باید از یک مجتهد تقلید کند و مسائل خود را با او در میان بگذارد تا راهنمایی شود. یک مجتهد تقریباً برای تمام امور زندگی مورد مشورت مردم قرار می‌گیرد، مقلدینش دستورات او را همچون حکم خداوند گردن می‌نهند. تعداد پیروان یک مجتهد موقعیت و پایگاه وی را در سلسله مراتب روحانیت مشخص می‌کند. و با توجه به کثرت یا قلت مقلدین هریک می‌توان به خوبی از نفوذ و قدرت او در جامعهٔ مذهبی کشور آگاه شد.

نگارستان

دکتر سید حسین نصر

درنگی در هنر اصیل ایران-۲

حرکت در مینیاتور ایرانی



دکتر نصر

در وهلهٔ اول صحنه‌های نبرد به واقعیتی ماوراء تاریخ سوق داده شده و جنبه‌ای عرفانی و فلسفی به خود گرفته است چنانکه در شاهنامه نیز تاریخ و اساطیر در واقعیتی متحد لکن دارای سلسله مراتب به هم پیوسته است و به همان نحو که شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی به تاریخ باستان ایران جنبه‌ای فلسفی بخشید و از حکایات رزمی و حماسی تعبیری عرفانی و حکمی کرد و از این راه حکمت ایران باستان و عرفان اسلامی را در مکتب نوین اشراقی به‌هم بیامیخت. در مورد دوم یعنی حکایات اخلاقی نیز صحنهٔ حادثه در جهانی مافوق جهان مادی و صیرورت عادی قراردارد.

به همین جهت واقعه‌ای که نقاشی شده است، دارای اهمیت و معنائی همیشگی می‌باشد و برای بیننده همواره زنده و جاویدان است. حتی حیوانات و نباتات صحنه‌های مینیاتور صرفاً تقلید از عالم طبیعت نیست بلکه کوششی است در مجسم ساختن آن طبیعت بهشتی و آن خلقت اولیه و فطرت که همان فردوس برین و جهان ملکوتی است که در این لحظه نیز در عالم خیال یا عالم مثال فعلیت دارد. در تمام این موارد سروکار مینیاتورهای ایران با عالم مادی و محسوس نیست بلکه با آن عالم وجود است مانند «اسرار صغیر» که در عرفان مغرب زمینی، مرید را برای درک «اسرار کبیر» آماده می‌ساخت. مینیاتور و سایر هنرهای مشابه از قبیل موسیقی یک هنر «معنوی و دینی» مربوط به جهان برزخی و یا عالم خیال است، همان جهانی که طبق نظر حکمای اسلامی مانند ملاصدرا، مقر بهشت است و به همین جهت این هنر می‌کوشد تا همان بهشت روی زمین و عدن را با تمام زیبایی‌ها و شادی‌ها و الوان و اشکال مسرت بخش خود جلوه‌گر سازد. در محیط فکری و فرهنگی ایران بیننده همواره از دیدن مینیاتور شمه‌ای از لذت‌های بهشت را درک می‌کرد به همان نحو که قالی ایرانی می‌کوشد طرح «زمین بهشتی» را تکرار کند و گنبد تمثیلی از گنبد نیلگون آسمان است که خود دری است به سوی بی‌نهایت و نشانه است از بعد متعالی.

اکنون باید مرتبهٔ عالم مثال و مقام آن را در سلسله مراتب واقعیت آشکار ساخت و هویت این عالم را که در فلسفه‌های دینی و عرفانی دیگر نیز دیده می‌شود و در ایران باستان به آن اعتقاد داشته‌اند مشخص کرد. گرچه بحث دربارهٔ سلسله مراتب وجود بدون مقدمات و تمهیدات لازم امری است مشکل و بدون آشنائی با عرفان و فلسفه تجزیه و تحلیل آن امکان‌پذیر نیست، می‌توان آنرا جهت روشن ساختن بحث فعلی در پنج مرتبه اصلی خلاصه کرد. عرفا نیز مراتب اصلی وجود را همین پنج مرتبه می‌دانند که به دنبال اصلاح خاصی که محی الدین ابن عربی وضع کرده است هر مرتبه‌ای را «حضرت» خوانده و پنج مرتبه را حضرات خمسه الهیه می‌نامند چنانکه نه تنها در خود فتوحات مکیه و فصوص الحکم بلکه در آثار صدرالدین قونوی و عبدالکریم جیلی و عزیز نسفی و داود قیصری و عبدالرحمن جامی و بسیاری از عرفای بعدی دیده می‌شود. حکمای اسلامی از سهروردی به بعد نیز همین تقسیمات را پذیرفته‌اند لکن عموماً اصطلاحات دیگری را جهت شرح و بیان هر مرتبه به کار برده‌اند. حضرات خمسه یا مراتب وجود که هر یک را حضرت می‌نامند (چون هر مرتبه جز ظهور و تجلی حق تعالی چیزی نیست و عرفا در واقع مصداقی برای وجود سوای وجود بی‌نهایت باری تعالی قائل نیستند و به همین جهت برخی اصلاً از مراتب وجود سخنی به میان نیاورده و همان «حضرات» را به کار می‌برند) به این قرار است: عالم فلک یا جهان مادی و جسمانی، عالم ملکوت یا جهان برزخی، عالم جبروت یا عالم فرشتگان مقرب، عالم لاهوت یا عالم اسماء و صفات الهی و عام هاهوت یا ذات که همان مرحلهٔ غیب‌الغیوب ذات باری تعالی مافوق هرگونه اسم و رسم و تعین و تشخص است. البته در آثار برخی از عرفا این مراتب به نحو دیگری بیان شده است لکن اصل و اساس همین است و اگر فرقی وجود دارد مبتنی بر اختلاف دیدگاه و منظر عارف در بیان همان حقیقت واحد است.

سختها چون وفق منزل افتاد

در افهام خلایق مشکل افتاد

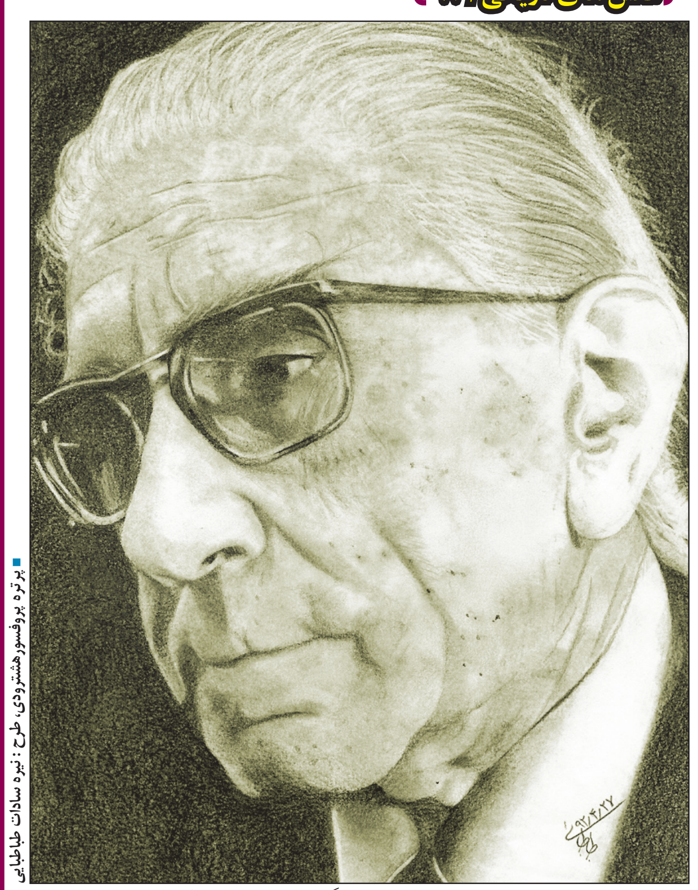
مرتبهٔ جبروت و آنچه مافوق آن است ماوراء هرگونه شکل و صورت و مظاهر صوری است در حالیکه ملکوت یا همان عالم خیال و مثال دارای صورت است لکن ماده به معنای مشائی آن کلمه ندارد و حکمای بعدی برای آن ماده و جسمی لطیف غیر از مادهٔ عالم محسوس قائل شده‌اند. به همین جهت نیز این عالم را عالم صور معلقه می‌نامند یعنی عالمی که صورت با هیولا به معنای فلسفهٔ مشائی ترکیب نشده است و «معلق» است. حکمای قرون بعدی در ایران مانند ملاصدرا به شرح و بسط مفصل این عالم پرداخته‌اند و رسائل علیحدهٔ بسیار در وصف آن تألیف شده است مانند رسائل قطب‌الدین لاهیجی و بهاالدین لاهیجی و حاجی ملا هادی اسرار سبزواری.

پس عالم مثال از لحاظ معنای مشائی ماده فاقد ماده یا هیولا است و لکن به معنای اشراقی و عرفانی مفهوم ماده خود دارای ماده و یا جسمی لطیف است که همان جسم رستاخیز می‌باشد و تمام اشکال و صور برزخی و آنچه از جوانب صوری بهشت و دوزخ آمده است متعلق به همین عالم و مرکب از همین جسم لطیف است. وانگهی این عالم دارای زمان و مکان و حرکت مشخص خود می‌باشد و آن را اجسام و الوان و اشکالی است واقعی لکن غیر از اجسام این عالم خاکی. از لحاظ منفی این عالم همان حجاب و پرده است که چهرهٔ تابناک معشوق یعنی حضرت حق را از دیدار انسان پنهان و مستور می‌دارد و لکن از لحاظ وجه مثبتی که دارد مرتبهٔ صوری جنت است و مأوای اصل صور و اشکال و رنگ و بوهای مطبوع این عالم است که به حیات انسانی در این نشأه لذت می‌بخشد چون آنچه موجب شادی و لذت و سرور می‌شود حتی در عالم محسوسات تذکاری از تجربه لذائذ و شادیهای بهشتی است که خاطرهٔ آن در اعماق روح انسان همیشه باقی است و مهر آن هیچگاه از لوح دل آدمی پاک نمی‌شود.

فضا در مینیاتور ایرانی در واقع نمودار این فضای ملکوتی است و اشکال و الوان آن جلوه‌ای از اشکال والوان همین عالم مثالی است. رنگهائی که در مینیاتور ایرانی به کار برده شده است مخصوصاً رنگهای طلا و آبی کبود و فیروزه‌ای، صرفاً از وهم هنرمند سرچشمه نگرفته است بلکه نتیجه رؤیت و شهود واقعیتی است عینی که فقط با شعور و آگاهی خاصی در وجود هنرمند امکان‌پذیر است چون همانطور که مشاهدهٔ عالم محسوس محتاج به چشم سر است رؤیت عالم مثال نیز محتاج به باز شدن چشم دل و رسیدن به مقام شهود می‌باشد.

مینیاتور ایرانی دارای حرکت است، از افقی به افقی دیگر، بین فضای دوبعدی و سه بعدی. لکن هیچگاه این حرکت منجر به فضای سه بعدی محض نمی‌شود، زیرا اگر چنین می‌بود مینیاتور از عالم ملکوت سقوط کرده و مبدل به تصویر عالم ملک می‌شد و جز تکرار پدیده‌های طبیعت به نحوی ناقص چیزی نمی‌بود و گرفتار آن نوع گرایش به تکرار صورت طبیعت یا «ناتورآلیزم» می‌گردید که اسلام آن را منع کرده و هنر اسلامی همواره از آن دوری جسته است.

عکس‌های تاریخی / ۲۷



پرتره پروفسور هشترودی، طرح: نیره سادات طباطبایی

پرویز شهریاری درباره پروفسور هشترودی گفته است: «دو خصلت اساسی، هشترودی را از دیگران ممتاز می‌کرد: واقع‌بینی و بی‌پروایی؛ و به همین خاطر بود که همیشه انسانی فکر می‌کرد و هرگز از بیان اندیشه خود بیم نداشت. او در سالهای آخر عمر در گفتگویی با کیهان به سختی به سوء استفاده‌ای که از دانش امروز می‌شود حمله کرد و گفت: «پیشرفت دانش و تکنیک به ضرر انسان است، به هنر و سعادت انسان صدمه می‌زند...

هنر

فرد زینه‌من در ترجمه خسرو سینایی/ ۹

مردی برای تمام فصول

فرد زینه‌من خودش می‌گفت: «شروع کردم به دیدن یک زندگی پر از ماجرا، پر از تقلاّ، فضاهای باز و سفر به سرزمین‌های ناشناخته‌ای که فقط جوزف کنراد از آن‌ها اطلاع داشت. هیجان‌زده و در ابهام احساس کردم که فیلم، مثل موسیقی، راه مستقیمی به احساسات مردم باز می‌کند.» برخلاف نگرانی‌های پدرش، که یک پزشک مورد احترام وینی بود، زینه‌من برای کارآموزی در رشتهٔ سینما به پاریس رفت، سپس با آموخته‌هایش به ایالات متحده رفت و در آن‌جا شروع به همکاری با مستندساز بزرگ ـرابرت فلاهرتی ـ کرد. این سابقه‌ای بود که به او امکان داد فیلم‌های کوتاهی را در MGM (مترو گلدوین مایر) کارگردانی کند. به‌عنوان یک کارگردان جوان، زینه‌من بایستی هدفهای تجاری کمپانی مترو را تحمل می‌کرد. امّا نگاه او به کسانی بود که به قول خودش، جمع سازش‌ناپذیران بودند، مثل جان فورد، جرج استیونس، ویلیام وایلر و فرانک کاپرا؛ که موفق شده بودند نگاه ـکارخانه‌ای ـرا عقب بزنند و از عقاید خودشان دفاع کنند.



فرد زینه‌من

پرورش استعداد زینه‌من به گونه‌ای شد که می‌توانست به هر نوع موضوعی بپردازد و از مهارت، کاردانی و سلیقهٔ خویش، در پرداخت هر سوژه‌ای بهره بگیرد. او عقیده داشت که هر چقدر تجربهٔ شخصی کارگردان در مورد چهار عنصر اصلی فیلمسازی ـ نوشتن، بازیگری، فیلمبرداری و تدوین ـ؛ بیشتر باشد؛ بهتر خواهد توانست مرزهای محدودکنندهٔ این رسانه را توسعه دهد. او می‌گفت: «برای من، دوربین، قوهٔ تخیل تصویری و آگاهی نسبت به امکانات لنز دوربین، نقطهٔ شروع بود».

وقتی که جای پایش در ساختن فیلم‌های سینمایی کوچک محکم شد؛ سوژه‌هایش را بادقت انتخاب می‌کرد، و فیلم‌هایی می‌ساخت که از معیارهای بالایی برخوردار بودند و در آن‌ها موضوع درگیری افراد با وجدانشان را بررسی می‌کرد. صلوه ظهر (ماجرای نیمروز) ـ غروبی‌ها ـ داستان راهبه؛ مردی برای تمام فصول، و جولیا، برای زینه‌من افتخارات بسیاری کسب کردند؛ ولی برای خود او از همه مهمتر احترام همتایانش بود.

اغلب در زندگی حرفه‌ای کارگردانان بزرگ مقاطع افسردگی و ناامیدی عمیق وجود دارد. این موضوع در مورد زینه‌من هم صدق می‌کند. پس از آن که در ۱۹۶۶، اسکار بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را برای فیلم «مردی برای تمام فصول» دریافت کرد؛ سه سال مشغول آماده‌سازی فیلم ـ سرنوشت انسان ـ، نوول تحسین شدهٔ ـ آندره مالرو ـ دربارهٔ دسیسه‌ها و انقلاب در شانگهای بود. او در لندن در حال تمرین در صحنه‌های آماده شده، با پیترفینچ، لیوالمان و دیوید نیون، بود که از رئیس تازه مترو گلدوین مایر، جیمز آوبری، تلگرامی به دستش رسید که در آن تهیهٔ فیلم لغو شده بود.

زینه‌من بعدها نوشت که این نشانهٔ «پایان یک دورهٔ فیلمسازی و ظهور دورهٔ تازه‌ای بود که در آن حقوقدانان و حسابداران در مقام رؤسای استودیوها، جایگزین اهالی هنر نمایش می‌شدند؛ و دست دادن با یکدیگر دیگر هیچ معنای خاصّی نداشت». زمان حضور ـ آوبری ـ در سینما به شکلی ترحم‌برانگیز کوتاه بود، ولی همان زمان کوتاه کافی بود تا دنیا از دیدن یک فیلم دیگر ـ فرد زینه‌من ـ محروم شود.

گفتگو با فرد زینه‌من

آیا ممکن است از شروع کارتان در سینما برایمان بگویید و این که چگونه از وین به‌هالیوود آمدید؟

واقعیت آنست که من یک موسیقیدان سرخورده‌ام. خیلی زود در زندگیم کشف کردم که گوش خیلی حساسی ندارم؛ و این پایان رؤیای من بود. بعدها فهمیدم که تشابه زیادی میان یک رهبر ارکستر و یک کارگردان وجود دارد. چون هر دوی این‌ها ناچارند با افراد زیادی کار کنند. کاری که باید بکنند آنست که همکارانشان را نسبت به نظراتشان متقاعد کنند؛ به طوریکه یک بدنهٔ واحد و همکار برای رسیدن به هدف مورد نظر و گرفتن نتیجهٔ ایده‌آل به وجود بیاید ولی خیلی زمان گذشت تا من متوجه این موضوع شدم. در وین، زمان کوتاهی پس از جنگ جهانی اوّل؛ جز دو یا سه کمپانی کوچک، چیزی که بتوان آن را صنعت فیلمسازی نامید وجود نداشت. من در مدرسهٔ صنعتی فیلمسازی در پاریس تحصیل کردم، که بعداً فهمیدم تجربهٔ بسیار خوبی بود، چون جنبه‌های فیلمسازی در آن یاد داده می‌شد.

وقتی که صدا وارد کار فیلمسازی شد، من در برلین کار می‌کردم. یک مرتبه فیلم‌هایی چون ـ خوانندهٔ جاز ـ و ـ ابلهِ خواننده ـ، اولین فیلم‌های صدادار کمپانی برادران وارنر، وارد اروپا شدند؛ و متأسفانه ساختن فیلم‌های صامت متوقف شد.

آیینه

رازگشایی از دیدگاه امام خمینی درباره دکتر مصدق

امام: اگر اینطور است که می‌گویید من از حرف خودم برگشتم



ادامه از صفحه اول

و باز هم تذکر شما را ابلاغ خواهم کرد... اما سیاست‌گزاری مؤسسه اطلاعات، علیرغم انتسابش به بعثت!، در عهده حضرت دعائی است و ما می‌گوئیم اما گاهی: لایگوشون!...

به هرحال ضمیمه فرهنگی باید فرهنگی باشد، نه سیاسی... صدالبته اگر یک ویژه‌نامه «سیاسی» هم منتشر شود، ما را ضیق خناق نیست...

دیگر اینکه در بین اوراق مرجوعی چندی پیش، پاسخ عزیزمان آقای کریم فیضی را دیدم که درباره مقاله تحقیقی مربوط به دکتر عباس زریاب خوئی اظهارنظر کرده بود... و متأسفانه فاقد واقعیت بود!

کل اشکال جناب یزدان‌پرست و جناب فیضی[همکاران روزنامه اطلاعات] ، آن است که او در نامه‌ای به آیت‌الله اشراقی، به دترمینیسم! ـ جبرگرائی ـ اشاره کرده است... که البته این اشاره، طلبه‌ای یا علمائی است و جای نگرانی ندارد...

اما از اهمیت نامه امام به مرحوم آیت‌الله اشراقی و نامه‌های مکرر مرحوم زریاب درباره حوادث آن دوران حوزه، که هم فرهنگی است و هم تاریخی، غفلت شده است...

اگر وقت دارید یک بار خود جنابعالی آن را مطالعه فرمائید و یا با اعتماد به حقیر، دستور دهید که آن را با مسئولیت! ما! در ضمیمه فرهنگی چاپ کنند که هم بحثی فرهنگی است و هم ثوابش بی‌تردید بیشتر از نشر شرح حال افسران مصدقی* و وزرای وی ـ دکتر صدیقی، دکتر فاطمی و... ـ خواهد بود. والله العالم

العبد الفانی، الاحقر: هادی بن مرتضی الحسینی الخسروشاهی (عفی عنه)قم المقدسه

اول رمضان المبارک

سنه ۱۴۳۳ هـ

* حاشیه: یادم رفت اشاره کنم که این آقایان، به فرموده امام، پارچه‌ای بر سگی بستند و در خیابان تهران رها کردند که در آن نوشته بودند: آیت‌الله... و امام فرمود که این دیگر دعوا با شخص نیست با اسلام است و فرمود: گفتم او سیلی می‌خورد و خورد و افزودند: «او هم مسلم نبود!»... و خود حقیر با درد، هنوز به یاد دارم که روزنامه‌های این آقایان پرچم انگلیس را بر عمامه آیت‌الله کاشانی نقاشی کردند و در روزنامه‌های: پرخاش، شورش و غیرهما، زیر آن عکس نوشتند:

ما بچه‌های استوکسیم ارباب خود را می‌پرستیم!...و می‌دانیم که فرمانده این‌ها همان جناب: «او هم مسلم نبود» بود!

پاسخ دبیر ضمیمه فرهنگی به استاد

با سلام و تحیت

استاد بسیار محترم حضرت آقای خسروشاهی ـ حفظه‌الله ـ تذکرات خودشان دربارهٔ عدم درج مطلب دربارهٔ مصدق مرحوم را، بارها و بارها پیش از این نامه به صورت تلفنی و حضوری با خود حقیر هم در میان نهاده‌اند و حقیر با نهایت ادب به سخنان ایشان گوش داده‌ام. از قرار معلوم، حضرت استاد خسروشاهی از جوانی به مرحوم مصدق ارادت نداشته‌اند و گذشت زمان هم موجب کاسته شدن از این بی‌ارادتی نگشته است. به همین جهت، با نادیده گرفتن ده‌ها ستون دیگر در ضمیمه فرهنگی که مباحث آن فرسنگ‌ها از مصدق مرحوم دور است، می‌فرمایند که ضمیمه فرهنگی به دلیل چاپ آخرین نامه‌های مصدق، «مصدق‌نامه» است، که حالا البته خود آن ستون هم تمام شده و چند وقتی است مطلبی دربارهٔ مصدق نداشته‌ایم.

اما دربارهٔ مرحوم فاطمی، تا آنجا که بنده می‌دانم فاطمی جانش را در راه مبارزه با رژیم

> **امام هم در پاسخ گفت: ... پس اگر این‌طور است که شما می‌گویید من از حرف خودم برگشتم**

شاه از دست داده و ضارب او، آقای عبدخدایی بارها از اینکه فاطمی را ترور کرده، ابراز ندامت کرده و دست آخر هم مدعی شده که اصلاً گلولهٔ من به فاطمی نخورد! آیا صرف اینکه فاطمی دوستدار مصدق بوده باعث می‌شود که مبارزهٔ آن مرد را نادیده بگیریم و صرف اینکه از مصدق بدمان می‌آید، باعث می‌شود که ملی شدن نفت را کتمان کنیم و بگوییم نفت خودش ملی شد؟! یا شاه آن را ملی کرد؟! یا دیگران ملّی‌اش کردند؟! مدتهاست فکر می‌کنم چطور می‌شود حضرت خسروشاهی را که دانشوری است کوشا و متتبّعی است با بیش از ۵۰ سال تلاش فرهنگی بی‌انقطاع، در این موضوع به انصاف دعوت کرد.

من در آن عهد نبوده‌ام و سالیان سال بعد از دعوای مصدق ـ کاشانی به دنیا آمده‌ام ولی اگر تاریخ ملاک است، تاریخ می‌گوید: مصدق خدمت کرده و همان شاهی را که شما ۲۵ سال بعد به کمک مردم و گروههای مختلف سیاسی ساقط کردید، این مصدق در سال ۱۳۳۲ تا مرحلهٔ سقوط کشاند. آیا این چنین نبوده است؟

اما در باب مطلب دکتر زریاب خویی، باید عرض کنم که آن مطلب رد شدن و چاپ نشدنش مطلقاً ارتباطی به بنده نداشت. حضرت آقای یزدان‌پرست (به عنوان مسئول صفحهٔ نظرها و اندیشه‌ها) چاپ نامه‌های مرحوم زریاب را اصلاح ندانستند و استدلالهایی داشتند که با بنده مطرح کردند.

بنده هم عیناً آن استدلالها را نوشتم. این کلّ ماجراست ولاغیر. والاّ ارادت بنده به مرحوم زریاب اظهرمن الشمس است و ناگفته نگذارم که وصف آن فقید را نخست از زبان خود مرحوم اشراقی شنیده‌ام، کمااینکه اصل این نامه‌ها را فرزند ایشان ۱۲ سال پیش برای چاپ در اختیار حقیر گذاشت و مدتها وقت بنده صرف تنظیم آنها شد. آخر سر هم بدون هیچ دلیلی اعلام کرد که قصد چاپ ندارد. بعد هم که چاپ شد، دیدم بدون اینکه اسمی از حقیر بیاورد، بدترین بی‌مهری را در حق حقیر بر قلم آورده که صدالبته سکوت را شایسته‌تر دیدم. اما شگفت‌انگیزترین بحث سخن حضرت استاد سید هادی خسروشاهی که هم در این نامه متذکر شده‌اند، هم در شماره‌های مورد اشارهٔ ضمیمه فرهنگی با خودکار قرمز علامت‌گذاری کرده بودند، این است که: بحث از دکتر مصدق، چه ارتباطی به فرهنگ دارد و چرا باید در ضمیمه‌ای که موضوع آن فرهنگی است، این مطالب منتشر شود؟ ایشان می‌فرمایند: افسران مصدقی یعنی وفاداران مصدق چه ارتباطی به فرهنگ دارند؟ همچنانکه عرض کردم این پرسش ایشان شگفت‌انگیزترین سخن ایشان در ما نحن فیه است، به دلیل اینکه دکتر مصدق و هر شخصیت سیاسی دیگری، جنبه‌ای تاریخی دارد و تاریخ با تمام عرض و طول و وجود و ماهیتش داخل در فرهنگ است و مقوله‌ای فرهنگی به شمار می‌رود. بماند که اگر دکتر مصدق را دارای موجودیتی صرفاً سیاسی هم بدانیم، باز می‌توان در مدخل فرهنگی از آن سخن گفت، چرا که سیاست هم جزو فرهنگ است و این قولی است که جملگی بر آنند.

از این نکته که بگذریم به حاشیهٔ نامهٔ حضرت استاد خسروشاهی و آن هم مسلم نبودن مصدق است که این قول منسوب و مستند به امام خمینی است و سالهاست که در محافل و مراکز مربوط به این مباحث با جدیت تکرار می‌شود. اما باید با قاطعیت به عرض استاد و دیگر کسانی که این سخن را شنیده‌اند و قبول دارند، برسانیم که مطلب از این قرار نیست و از قرار دیگری است و شرح آن از این قرار است که:

مصدق مسلم بود

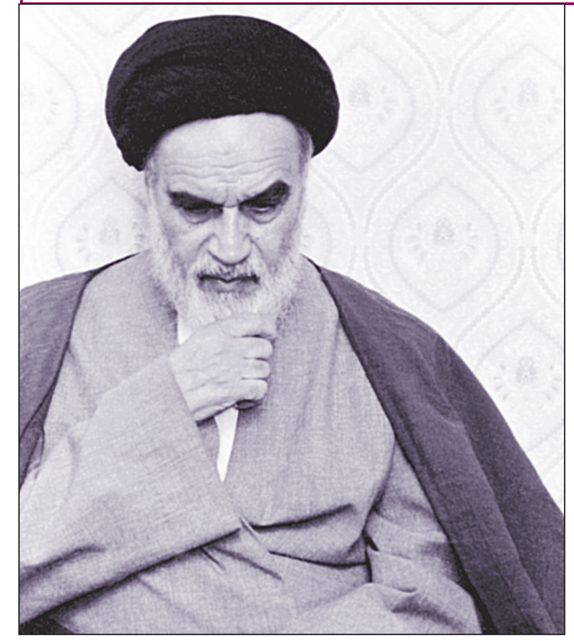
رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در یک سخنرانی که صبح روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ انجام دادند، به حوادث دوران دولت دکتر مصدق و اینکه چگونه با آیت‌الله کاشانی برخورد کرده و سگی را عینک زده و به اسم آیت‌الله در خیابان می‌گرداندند، اشاره کردند و گفتند: «این در زمان آن (دکتر مصدق) بود که این‌ها فخر می‌کنند به وجود او. او هم مسلِم نبود... من به این آقا عرض کردم که این دیگر مخالفت با شخص نیست؛ این سیلی خواهد خورد و طولی نکشید که سیلی را خورد و اگر مانده بود سیلی بر اسلام می‌زد...»

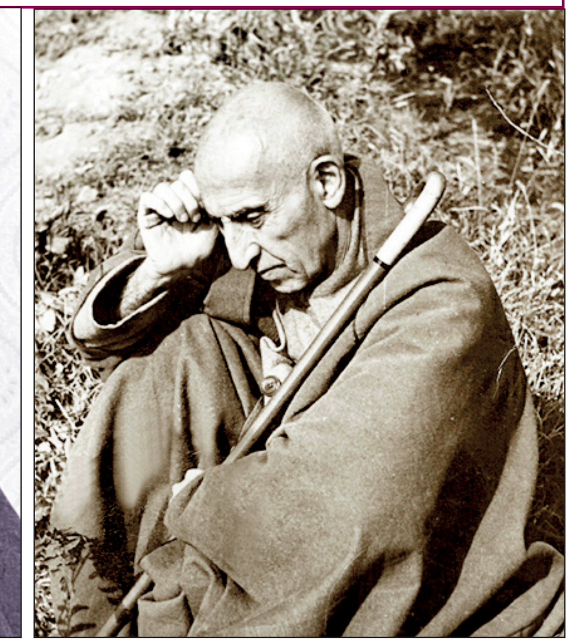
این گفتار بعد از آن تاریخ شایع شد و بسیاری را دچار حیرت کرد که: آیا دکتر مصدق واقعا مسلمان نبود؟ دکتر محسن بهشتی سرشت در کتاب «زمانه و زندگی امام خمینی» که قرار است دو جلدی باشد و فعلا جلد نخست آن منتشر شده، در کتاب خودش برای نخستین بار به نکته‌ای تازه پیرامون نظر امام خمینی درباره «مسلِم نبودن مصدق» اشاره می‌کند و اثبات می‌کند که موضوع به همین حد خلاصه نمی‌شود و در حقیقت، امام بعدها از نظر خود درباره دکتر مصدق عدول کرد، هرچند که متاسفانه این بخش از ماجرا عمومی و رسانه ای نشده است.

بهشتی سرشت می نویسد: «سال‌ها بعد از آن، در صحبت یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی با امام نسبت به بیان ویژه ایشان در سخنرانی ۲۵ خرداد در رابطه با مسلم نبودن دکتر مصدق، امام از این موضوع گذشتند.» (ص۱۳۹)

اشاره مولف (آقای دکتر بهشتی سرشت) به گفت‌وگوی خودش با جلال‌الدین فارسی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی است. وی در توضیح بیشتری در این باره چنین می گوید: «در گفت‌وگویی که با آقای جلال‌الدین فارسی داشتم معلوم شد که ایشان حدود یک سال بعد از آن سخنرانی و اظهارنظر امام خمینی درباره مصدق، در دیداری با امام به ایشان گفته بود مرحوم مصدق خمس و زکات پرداخت می‌کرده و کسی که خمس و زکات بدهد حتما نماز هم می‌خواند و کسی که نماز بخواند قطعاً مسلمان است. امام هم در پاسخ به ایشان گفته بود من این موضوع را از یکی از علمای اصفهان شنیدم پس اگر این‌طور است که شما می‌گویید من از حرف خودم برگشتم.»

کریم فیضی





چکیده‌ای از یک زندگی-۳

زنی به نام کوکب

روزهای تابستان‌ها یکی پس از دیگری سپری می‌شدند؛ و من و خواهرم هر روز از روز پیش بیشتر به کوکب انس می‌گرفتیم و بیشتر دوستش می‌داشتیم؛ که این محبّت دو طرفه است. این زن مهربان و هوشیار بسیار به ما علاقه‌مند شده؛ آن‌چنان که گویی ما فرزندان او هستیم.

دو سه سال از ورود کوکب به خانهٔ ما گذشته است؛ و من که نوشتن ماجرای ورود او را کنار گذاشته بودم، دوباره با یافتن وقت بر سر شوق آمدم که آن را دنبال کنم؛ به دو دلیل: یکی اینکه بزرگتر شده‌ام، و میل به نوشتن در من بیشتر شده؛ دیگر اینکه دریافته‌ام که از دید من به نوعی، او زنی استثنائی است. بخصوص اینکه روزی داستان زندگی‌اش را برای ما تعریف کرد که شنیدنی است. داستان از این قرار است:

یکی از بعد از ظهرها که موقع کشیدن تریاک کوکب بود، و همگی پس از شنیدن اخبار رادیو برای خواب یا بهتر بگوییم «چُرت» بعد از ظهر پراکنده شده بودند، من و سوسن که خوابمان نمی‌آمد، در کنار منقل کوکب نشستیم و او دست به کار شد. رادیو در ایوان قرار داشت و پس از برنامهٔ اخبار، موسیقی از آن پخش می‌شد. هنوز کوکب دو پُک به وافور نزده بود و تازه داشت صدای جیرجیر تریاک با آتش‌های «سینه کفتری» درمی‌آمد که غزل «کاروان» سعدی که جزو شاه غزلهای اوست، از رادیو به گوش رسید. از خصیصه‌های شاهکارها یکی این است که هربار که با آن روبرو شویم، گویی اول بار است. تری، تازگی نفوذ و تأثیرپذیری شگرف خود را بر روح و جان انسان هر بار چون بار اول می‌نهد و تارهای وجود را به لرزش درمی‌آورد. کوکب که مانند همیشه شروع کرده بود تا مطلبی را عنوان کند، ناگاه ساکت شد، و عمیقاً به این نوای روح‌بخش گوش فرا داد و ما هم چنین کردیم. زنگ شترها، نوای نی ساربان، سفر، دوری، جدایی، هجران و همهٔ مسائلی که در این غزل عاشقانهٔ شگرف و زیبا نهفته است و آهنگ خوشی که برای آن ساخته شده بود، ما را به سکوت واداشت و یکباره برای اولین بار دیدیم که اشک از چشمان کوکب سرازیر شد، وافور را کنار آتش گذاشت و دست از کار کشید. من و خواهرم که یکّه خورده بودیم، علت را از او پرسیدیم، و او پس از آنکه بغض خود را فرو برد، گفت: «خوب است برایتان ماجرای زندگی خودم را تعریف کنم» شعر «کاروان» سعدی کوکب‌سلطان را نیز از جا کنده بود. او داستان زندگی خود را اینگونه آغاز کرد:

«ما یک وقت برای خودمون آدمی بودیم. پدرم چهل تا شتر داشت که وقتی از یزد راهی قم شدیم و در این شهر سکونت گرفتیم، پدر بار سفر می‌بست به شهرهای دیگر سفر می‌کرد، و از آنجاها بار و کالا می‌آورد. چهار تا برادر داشتم و در خونه فقط من یک دختر بودم که خیلی لوسم کرده بودند و عزیزکرده بودم. هر وقت که پدرم برمی‌گشت، از یک فرسخی صدای زنگ شترها، صدای هوهوی ساربون‌ها را می‌شنیدیم. برادر بزرگم مرا کول می‌کرد و می‌رفتیم به استقبال پدر و کاروانش. وقتی به شترها می‌رسیدیم، پدرم بغلم می‌کرد و مرا می‌گذاشت روی شتر و مرا می‌بوسید تا می‌رسیدیم به خانه. آن وقت چه سوغاتی‌ها که برایم می‌آورد. از پارچهٔ مخمل گرفته تا عروسک و نقل و شیرینی. روزها ما چند تا دختر بودیم که می‌رفتیم روی پشت بوم خونه و عروسک‌بازی می‌کردیم. یکی از این روزها دیدم مادرم مرا صدا می‌زنه. من دویدم پائین. مادرم گفت: «مهمان اومده یک قلیون چاق کن، بیار توی اتاق. نمی‌خواد چادر سر کنی، میهمانی زنونه است» گفتم: «بابا، من قلیون بلد نیستم چاق کنم. من که تا به حال دست به این کارها نزده‌ام» ولی مادرم اصرار داشت که من این کار را بکنم. من هم که بلد نبودم آب رو جوش آوردم که بریزم توی کوزه قلیون. نه اینکه زمستان بود، به خیال خودم می‌خواستم قلیونِ گرم و نرمی پیش مهمان ببرم. تا آب رو در کوزهٔ قلیونَ ریختم، شکست. من دویدم تو، گفتم: «ننه جون کوزه قلیون شکست» مادرم با دستپاچگی بلند شد و رفت از همسایه یک کوزه قلیون قرض گرفت، آورد و چاق کرد و داد دست من، و من هم اون رو آوردم توی اتاق. دیدم سه تا زن اونجا نشستن، ولی یکی‌شون پیر بود. قلیون رو گذاشتم جلوی زن مسن‌تر و از اتاق بیرون آمدم.

از اون روز به بعد، سه چهار روزی بود که توی خونه ما خیلی آمد و رفت می‌شد. هر روز صندوق میوه و شیرینی و قالیچه و چیزهای دیگر می‌آوردن. ما بچّه‌ها از این برو بیاها خوشحال بودیم که زندگی رو از یکنواختی بیرون آورده بود. یک روز صبح که از خواب بیدار شدم، دیدم مادرم گفت «باید بریم به حموم» دیدم چند تا زن هم آمده‌ان به خانه ما و همگی رفتیم به حموم. در حموم، همه به من توجّه داشتن و سر و تن منو بیش از همه می‌شستن. دست و پای مرا حنابندون کردن. وقتی از حموم بیرون آمدیم، همگی دوباره به خونه ما آمدن و بعد از خوردن ناهار، دیدم طبق‌کش‌ها رسیدن، و طبق‌های شیرینی و میوه و نقل و نبات رو میون حیاط گذاشتن. هلهله در گرفت و مادرم و بقیه، شیرینی‌ها و میوه‌ها رو در ظرف‌ها چیدن و قالی و قالیچه توی حیاط پهن کردن. کم‌کم دیدم مطرب‌ها هم رسیدن و بساطی به راه افتاد. همه رفتن لباسهای مهمانی‌شون رو پوشیدن و مرا هم بردن توی یکی از اتاق‌ها و زنی از همسایگان که کارش بنداندازی و بزک کردن زنان محلّه بود آمد و سر و صورت مرا درست کرد و یک دست لباس نو که اون زمان نمی‌دونستم از کجا آورده بودن، ولی بعدها فهمیدم که از خونه داماد آوردن، بر تن من پوشانید. لباس شلوار دَبیت حاج علی‌اکبری، شلیتهٔ زردوزی و نیم‌تنهٔ مخمل چکشی سبز بود. خلاصه چه دردسر، منو بزک کردن و حُسن یوسف به صورتم مالیدن. اونوقت‌ها اعیون و اشراف یک روغنی برای بزک داشتن که اسمش «حُسن یوسف» بود. وقتی به صورت می‌مالیدن، اصلاً پوست می‌شد مثل آینه و از دور می‌درخشید. بعد از اینکه خوب منو آرا و گیرا درست کردن، بردن توی اتاق پنج دری یک رختخواب بسته اونجا گذاشته بودن و جلویش یک آینه و دو تا لاله، نون سنگک، اسفند، آب و قرآن و همین چیزها که برای سفره عقد معموله.

ادامه دارد

گذشته

مینو صمیمی ۷

دیپلماسی به روش ایرانی

تخت طاووس

> **شاه ادعا کرد: ایران را تا ۲۰ سال آینده به سطح ۵ قدرت اوّل جهانی خواهد رساند!!**

موقعی که جریان را با سفیر درمیان نهادم و به او اطلاع دادم که برای پرداخت صورتحساب بیمارستان پولی در بساط ندارم، ابتدا نسبت به صحت ادعایم تردید نشان داد، ولی بعد مسألهٔ کمک وزارت خارجه را پیش کشید و گفت: احتمال دارد بتواند از طریق وزارت خارجه کاری برایم صورت دهد.

بحث و جدل سفیر با مقامات وزارت خارجه مدّتها طول کشید تا سرانجام وزارتخانه با پرداخت نیمی از صورتحساب معالجه من موافقت کرد؛ و نیمهٔ دیگر نیز به وسیلهٔ پدرم از تهران برایم حواله شد.

به اعتقاد سفیر، من می‌بایست از لطف دربار شاه واقعاً ممنون باشم که توانسته بود وزارت خارجه را به تقبل نیمی از هزینهٔ معالجه‌ام وادار کند. ولی من نه تنها خود را مرهون الطاف دربار نمی‌دانستم، که حتی بشدت دلگیر و رنجیده‌خاطر نیز بودم. و این البته به امتناع دربار از پرداخت تمام صورتحساب بیمارستان ارتباط نداشت. چرا که می‌دیدیم ـ برخلاف تصورات گذشته‌ام ـ خدمت برای دربار، خدمت برای مملکت محسوب نمی‌شود، و حساب این دو از هم جداست.

با پی‌بردن به این حقیقت بود که تصمیم گرفتم از خدمت در سفارتخانه استعفا دهم، و انجام وظیفه در شغلی را که هرگز جنبهٔ خدمت به وطن نداشت رها کنم. ولی صبح آن روز در ماه فوریهٔ ۱۹۷۱ که با ورقهٔ استعفا وارد سفارتخانه شدم، تا چشم سفیر به من افتاد با قیافه‌ای شاد و خندان گفت: «مینو! خبر خوشی برایت دارم. هم اکنون از سن موریتس اطلاع داده‌اند که شهبانو تو را برای ملاقات احضار کرده است».استعفای من در سال ۱۹۷۶[۱۳۵۵] همزمان بود با اوج قدرت و سلطهٔ سلطنت پهلوی در ایران، با تمام رونق و افراط گریهایش. دربار تخت طاووس چنان عظمتی یافته بود که جلوه‌اش هم چشم جهانیان را خیره می‌کرد، و هم در عین حال باعث شده بود هیأت حاکمهٔ کشور جز شخص شاه جایی دیگر را نبینند و نسبت به درک حقایق موجود کوروکر بمانند... ولی آیا این شکوه و عظمت می‌توانست بر ادعای شاه مبنی بر ظهور «رستاخیز ملت ایران» صحه بگذارد؟ و یا واقعاً نشانی بر «عصر طلایی سلسلهٔ پهلوی» باشد؟

طی سه سالی که در سازمان حمایت از کودکان به خدمت اشتغال داشتم، دگرگونی‌های فراوانی از نظر اجتماعی و سیاسی در جامعهٔ ایران پدید آمد. به خصوص سال ۱۹۷۳، که هم برای من سال سرنوشت‌سازی بود (رها کردن شغل سیاسی در وزارت خارجه، و روآوردن به یک خدمت «انسان دوستانه» و تحصیل در دانشگاه ملی)، و هم برای ایران ـ بلکه تمام جهان صنعتی ـ سال سرنوشت‌سازی محسوب می‌شد.

در ماه دسامبر ۱۹۷۳ بعد از اجلاس فوق‌العادهٔ سازمان اوپک در تهران، قیمت نفت به ابتکار شاه افزایش چشمگیری یافت، و به دنبال آن با جاری شدن سیل مبالغ هنگفت حاصل از فروش نفت به سوی ایران بود که شاه توانست ادعا کند: ایران را تا ۲۰ سال آینده به سطح ۵ قدرت اوّل جهانی خواهد رساند[!]

گرچه طی سال بعد، درآمد فروش نفت کشور از سالی ۵ میلیارد دلار به سالی ۲۰ میلیارد دلار رسید و ایران به یکی از کشورهای ثروتمند جهان تبدیل شد، ولی بالغ بر نصف جمعیتش را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دادند و کماکان در فهرست کشورهای عقب‌افتاده جا داشت.

من نیز که به خاطر شغل خود در سازمان حمایت از کودکان، با طبقات پایین جامعه تماس مستقیم داشتم، با توجه به انواع محرومیت و معایب اجتماعی موجود در کشور، اصلاً نمی‌توانستم درک کنم که واقعاً چطور امکان دارد فقط با افزایش ثروت کشور بتوان برای هزاران مسأله ریشه‌دار اجتماعی راه چاره‌ای یافت؟... این در حالی بود که شاه ـ متعاقب افزایش درآمد ایران ـ به جای هرگونه اقدامی در راه اعتلای فرهنگ کشور، پروژه‌های صنعتی را نسبت به گذشته تا چهار برابر اضافه کرد؛ و نیز با هدف تبدیل ایران به یک قدرت بزرگ نظامی در خاورمیانه، مبالغ کلانی را برای خرید اسلحه و تجهیزات جنگی از آمریکا اختصاص داد.

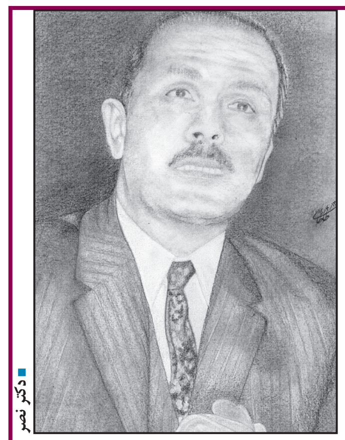
به موازات افزایش درآمد نفتی کشور، ما هم در سازمان حمایت از کودکان هر روز با تغییر برنامه‌های خود ـ علی‌رغم تمام مشکلاتی که در مقابلمان قرار داشت ـ اقدامات تازه‌تری را آغاز می‌کردیم، و بعد هم شرح فعالیت‌های خود را با افتخار فراوان در گزارش‌های سالانه سازمان به اطلاع ملکه می‌رساندیم، ولی من و بسیاری از همکارانم خوب می‌دانستیم که آنچه انجام می‌دهیم جز اجرای برنامه‌های کوتاه مدت برای حل مسائل سطحی و روبنایی چیز دیگری نیست، و نوع کارهایمان هرگز ما را در جهت زدودن عوامل عقب‌افتادگی و ریشه‌کنی اوضاع نابسامان و فلاکت‌بار حاکم بر کشور به جایی نخواهد رساند... با توجه به چنین وضعی بود که هر روز نسبت به بهبود شرایط بدبین‌تر می‌شدیم و نهایتاً امکان هرگونه تغییر بنیادی اوضاع را هدفی دست نیافتنی می‌دیدیم. به نظر من اگر بنا بود اصلاحات ریشه‌ای در کشور به اجرا درآید، ناگزیر می‌بایست عامل «مذهب» مورد توجه قرار می‌گرفت، و اعتقادات مذهبی مردم محروم ـ که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند ـ به عنوان یک نیروی پراهمیت اجتماعی در محاسبات گنجانده می‌شد. یک‌بار ضمن سفری به مشهد، در دیدار از مرقد امام رضا در آن شهر ـ که یکی از زیارتگاه‌های مقدس شیعیان محسوب می‌شود ـ علناً به نفوذ و اعتبار و گستردگی اعتقادات مذهبی در میان مردم پی‌بردم و در عین حال نیز صدها بیمار اعم از مرد و زن و کودک را مشاهده کردم، که در صحن بارگاه ایستاده یا نشسته بودند و عاجزانه با ندبه و زاری از امام رضا می‌خواستند تا شفایشان بدهد... آنها واقعاً از ته قلب اعتقاد داشتند که اگر بتوانند در میان ازدحام جمعیت، ضریح مقبره را لمس کنند حتماً بهبود خواهد یافت. مشاهدهٔ این وضعیت به قدری مرا تکان داد که تا چند روز به فکر فرو رفته بودم و از خود می‌پرسیدم: «ما متجددین ـ که در اقلیت هستیم ـ با تمام حسن نیتی که در خود سراغ داریم، آیا واقعاً می‌توانیم در مقابل اکثریت عظیمی که باورهای خاص خود را دارند، راه به جایی ببریم و اهداف خود را در سطح جامعه به اجرا درآوریم؟»... هرچه بیشتر به این مسائل می‌اندیشیدم، به ضعف خودمان در مقابل مردم بیشتر واقف می‌شدم؛ و نمی‌توانستم بفهمم چگونه می‌شود راهی یافت تا براساس آن بتوان بین اعتقادات مذهبی مردم و علوم جدید ارتباط برقرار کرد. براساس ضوابط مذهب تشیّع، هر فرد شیعه باید از یک مجتهد تقلید کند و مسائل خود را با او در میان بگذارد تا راهنمایی شود. یک مجتهد تقریباً برای تمام امور زندگی مورد مشورت مردم قرار می‌گیرد، مقلدینش دستورات او را همچون حکم خداوند گردن می‌نهند. تعداد پیروان یک مجتهد موقعیت و پایگاه وی را در سلسله مراتب روحانیت مشخص می‌کند. و با توجه به کثرت یا قلت مقلدین هریک می‌توان به خوبی از نفوذ و قدرت او در جامعهٔ مذهبی کشور آگاه شد.

نگارستان

دکتر سید حسین نصر

درنگی در هنر اصیل ایران-۲

حرکت در مینیاتور ایرانی



دکتر نصر

در وهلهٔ اول صحنه‌های نبرد به واقعیتی ماوراء تاریخ سوق داده شده و جنبه‌ای عرفانی و فلسفی به خود گرفته است چنانکه در شاهنامه نیز تاریخ و اساطیر در واقعیتی متحد لکن دارای سلسله مراتب به هم پیوسته است و به همان نحو که شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی به تاریخ باستان ایران جنبه‌ای فلسفی بخشید و از حکایات رزمی و حماسی تعبیری عرفانی و حکمی کرد و از این راه حکمت ایران باستان و عرفان اسلامی را در مکتب نوین اشراقی به‌هم بیامیخت. در مورد دوم یعنی حکایات اخلاقی نیز صحنهٔ حادثه در جهانی مافوق جهان مادی و صیرورت عادی قراردارد.

به همین جهت واقعه‌ای که نقاشی شده است، دارای اهمیت و معنائی همیشگی می‌باشد و برای بیننده همواره زنده و جاویدان است. حتی حیواناتِ و نباتات صحنه‌های مینیاتور صرفاً تقلید از عالم طبیعت نیست بلکه کوششی است در مجسم ساختن آن طبیعت بهشتی و آن خلقت اولیه و فطرت که همان فردوس برین و جهان ملکوتی است که در این لحظه نیز در عالم خیال یا عالم مثال فعلیت دارد. در تمام این موارد سروکار مینیاتورهای ایران با عالم مادی و محسوس نیست بلکه با آن عالم وجود است مانند «اسرار صغیر» که در عرفان مغرب زمینی، مرید را برای درک «اسرارکبیر» آماده می‌ساخت. مینیاتور و سایر هنرهای مشابه از قبیل موسیقی یک هنر «معنوی و دینی» مربوط به جهان برزخی و یا عالم خیال است، همان جهانی که طبق نظر حکمای اسلامی مانند ملاصدرا، مقر بهشت است و به همین جهت این هنر می‌کوشد تا همان بهشت روی زمین و عدن را با تمام زیباییها و شادی‌ها و الوان و اشکال مسرت بخش خود جلوه‌گر سازد. در محیط فکری و فرهنگی ایران بیننده همواره از دیدن مینیاتور شمه‌ای از لذت‌های بهشت را درک می‌کرد به همان نحو که قالی ایرانی می‌کوشد طرح «زمین بهشتی» را تکرار کند و گنبد تمثیلی از گنبد نیلگون آسمان است که خود دری است به سوی بی‌نهایت و نشانه است از بعد متعالی.

اکنون باید مرتبهٔ عالم مثال و مقام آن را در سلسله مراتب واقعیت آشکار ساخت و هویت این عالم را که در فلسفه‌های دینی و عرفانی دیگر نیز دیده می‌شود و در ایران باستان به آن اعتقاد داشته‌اند مشخص کرد. گرچه بحث دربارهٔ سلسله مراتب وجود بدون مقدمات و تمهیدات لازم امری است مشکل و بدون آشنائی با عرفان و فلسفه تجزیه و تحلیل آن امکان‌پذیر نیست، می‌توان آنرا جهت روشن ساختن بحث فعلی در پنج مرتبه اصلی خلاصه کرد. عرفا نیز مراتب اصلی وجود را همین پنج مرتبه می‌دانند که به دنبال اصلاح خاصی که محی الدین ابن عربی وضع کرده است هر مرتبه‌ای را «حضرت» خوانده و پنج مرتبه را حضرات خمسه الهیه می‌نامند چنانکه نه تنها در خود فتوحات مکیه و فصوص‌الحکم بلکه در آثار صدرالدین قونوی و عبدالکریم جیلی و عزیز نسفی و داود قیصری و عبدالرحمن جامی و بسیاری از عرفای بعدی دیده می‌شود. حکمای اسلامی از سهروردی به بعد نیز همین تقسیمات را پذیرفته‌اند لکن عموماً اصطلاحات دیگری را جهت شرح و بیان هر مرتبه به کار برده‌اند. حضرات خمسه یا مراتب وجود که هر یک را حضرت می‌نامند (چون هرمرتبه جز ظهور و تجلی حق تعالی چیزی نیست و عرفا در واقع مصداقی برای وجود سوای وجود بی‌نهایت باری تعالی قائل نیستند و به همین جهت برخی اصلاً از مراتب وجود سخنی به میان نیاورده و همان «حضرات» را به کار می‌برند) به این قرار است: عالم فلک یا جهان مادی و جسمانی، عالم ملکوت یا جهان برزخی، عالم جبروت یا عالم فرشتگان مقرب، عالم لاهوت یا عالم اسماء و صفات الهی و عام هاهوت یا ذات که همان مرحلهٔ غیب‌الغیوب ذات باری تعالی مافوق هرگونه اسم و رسم و تعین و تشخص است. البته در آثار برخی از عرفا این مراتب به نحو دیگری بیان شده است لکن اصل و اساس همین است و اگر فرقی وجود دارد مبتنی بر اختلاف دیدگاه و منظر عارف در بیان همان حقیقت واحد است.

سختها چون وفق منزل افتاد

در افهام خلایق مشکل افتاد

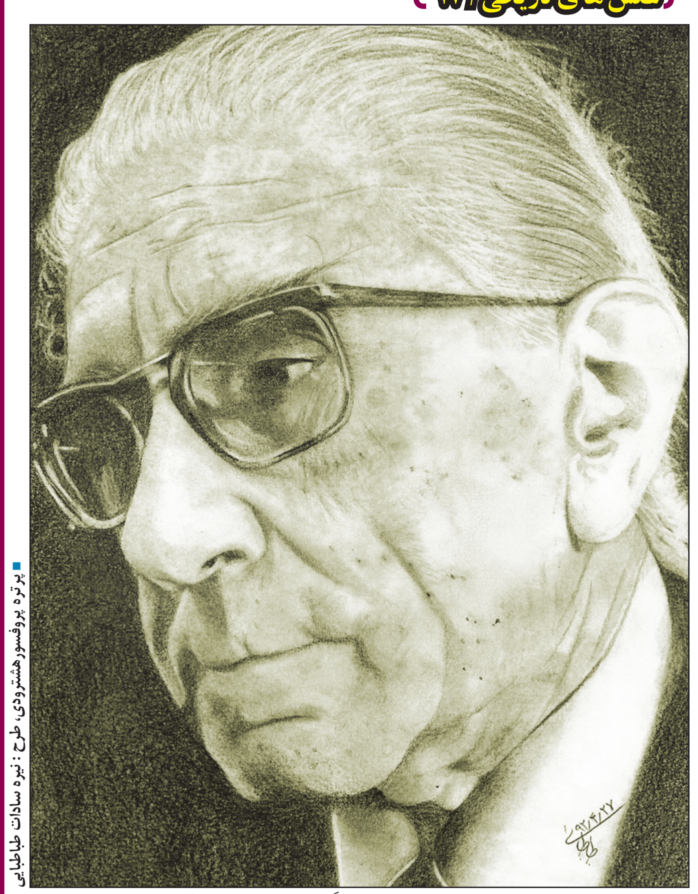
مرتبهٔ جبروت و آنچه مافوق آن است ماوراء هرگونه شکل و صورت و مظاهر صوری است در حالیکه ملکوت یا همان عالم خیال و مثال دارای صورت است لکن ماده به معنای مشائی آن کلمه ندارد و حکمای بعدی برای آن ماده و جسمی لطیف غیر از مادهٔ عالم محسوس قائل شده‌اند. به همین جهت نیز این عالم را عالم صور معلقه می‌نامند یعنی عالمی که صورت با هیولا به معنای فلسفهٔ مشائی ترکیب نشده است و «معلق» است. حکمای قرون بعدی در ایران مانند ملاصدرا به شرح و بسط مفصل این عالم پرداخته‌اند و رسائل علیحدهٔ بسیار در وصف آن تألیف شده است مانند رسائل قطب‌الدین لاهیجی و بهاالدین لاهیجی و حاجی ملا هادی اسرار سبزواری.

پس عالم مثال از لحاظ معنای مشائی ماده فاقد ماده یا هیولا است و لکن به معنای اشراقی و عرفانی مفهوم ماده خود دارای ماده و یا جسمی لطیف است که همان جسم رستاخیز می‌باشد و تمام اشکال و صور برزخی و آنچه از جوانب صوری بهشت و دوزخ آمده است متعلق به همین عالم و مرکب از همین جسم لطیف است. وانگهی این عالم دارای زمان و مکان و حرکت مشخص خود می‌باشد و آن را اجسام و الوان و اشکالی است واقعی لکن غیر از اجسام این عالم خاکی. از لحاظ منفی این عالم همان حجاب و پرده است که چهرهٔ تابناک معشوق یعنی حضرت حق را از دیدار انسان پنهان و مستور می‌دارد و لکن از لحاظ وجه مثبتی که دارد مرتبهٔ صوری جنت است و مأوای اصل صور و اشکال و رنگ و بوهای مطبوع این عالم است که به حیات انسانی در این نشأه لذت می‌بخشد چون آنچه موجب شادی و لذت و سرور می‌شود حتی در عالم محسوسات تذکاری از تجربه لذائذ و شادیهای بهشتی است که خاطرهٔ آن در اعماق روح انسان همیشه باقی است و مهر آن هیچگاه از لوح دل آدمی پاک نمی‌شود.

فضا در مینیاتور ایرانی در واقع نمودار این فضای ملکوتی است و اشکال و الوان آن جلوه‌ای از اشکال والوان همین عالم مثالی است. رنگهائی که در مینیاتور ایرانی به کار برده شده است مخصوصاً رنگهای طلا و آبی کبود و فیروزه‌ای، صرفاً از وهم هنرمند سرچشمه نگرفته است بلکه نتیجه رؤیت و شهود واقعیتی است عینی که فقط با شعور و آگاهی خاصی در وجود هنرمند امکان‌پذیر است چون همانطور که مشاهدهٔ عالم محسوس محتاج به چشم سر است رؤیت عالم مثال نیز محتاج به باز شدن چشم دل و رسیدن به مقام شهود می‌باشد.

مینیاتور ایرانی دارای حرکت است، از افقی به افقی دیگر، بین فضای دوبعدی و سه بعدی. لکن هیچگاه این حرکت منجر به فضای سه بعدی محض نمی‌شود، زیرا اگر چنین می‌بود مینیاتور از عالم ملکوت سقوط کرده و مبدل به تصویر عالم ملک می‌شد و جز تکرار پدیده‌های طبیعت به نحوی ناقص چیزی نمی‌بود و گرفتار آن نوع گرایش به تکرار صورت طبیعت یا «ناتورآلیزم» می‌گردید که اسلام آن را منع کرده و هنر اسلامی همواره از آن دوری جسته است.

عکس‌های تاریخی/ ۲۷



پرتره پروفسور هشترودی، طرح: نیره سادات طباطبایی

پرویز شهریاری درباره پروفسور هشترودی گفته است: «دو خصلت اساسی، هشترودی را از دیگران ممتاز می‌کرد: واقع‌بینی و بی‌پروایی؛ و به همین خاطر بود که همیشه انسانی فکر می‌کرد و هرگز از بیان اندیشه خود بیم نداشت. او در سالهای آخر عمر در گفتگویی با کیهان به سختی به سوء استفاده‌ای که از دانش امروز می‌شود حمله کرد و گفت:«پیشرفت دانش و تکنیک به ضرر انسان است، به هنر و سعادت انسان صدمه می‌زند...

نما

ایرج آدیگوزلی

بهار به روایت دخترش/۱۳

گل‌های عاشقانه



اتاق مرتضی در طبقه دوم شرکت بیمه بود. اتاق نسبتاً کوچکی بود. یک میز و یک صندلی در دفترش بود. یک نیمکت و یک صندلی هم کنار اتاق برای مدعوین گذاشته بودند.

بالاخره ساعت یازده شد. مرتضی بلند شد و باهم به طبقه چهارم رفتیم. وارد یک اتاق نسبتاً بزرگی شدیم که منشی رئیس شرکت بیمه پشت میزش نشسته بود. دور تا دور اتاق صندلی گذاشته بودند. مرتضی مرا معرفی کرد: خانم پروانه بهار. از آقای رئیس برای امروز ساعت یازده وقت گرفتند.

منشی از صندلی‌اش بلند شد. در روبرو را باز کرد و آمدن ما را اعلام کرد. صدایی از درون اتاق گفت بفرمایید تو.

من و مرتضی وارد شدیم. رئیس شرکت بیمه از پشت میزش بلند شد. اتاقش خیلی قشنگ بود و دور تا دور پنجره رو به خیابان داشت. قالی نفیسی هم روی زمین انداخته بودند. مرتضی معرفی کرد: خانم را می‌شناسم! احتیاج به معرفی ندارند. خانم بفرمایید.

بعد رو به نامدار کرد و گفت: شما بروید، صدایتان خواهم کرد.

مرتضی در را پشت سرش بست و رفت: پروانه خانم چه فرمایشی داشتید؟

جریان کسالت پدرم را تعریف و بعد اضافه کردم که پدرم می‌خواهد ده هزار تومان از شرکت بیمه قرض کند و خانه و باغ را به عنوان گرو نزد شرکت می‌گذارد. فوری تلفن را برداشت و به منشی‌اش گفت: آقای نامدار را بخواهید بیاید.

من مات و مبهوت مانده بودم. آیا این آقا می‌خواهد مرا بیرون کند. ولی با مهربانی لبخند می‌زد. مرتضی وارد اتاق شد. رئیس به نامدار گفت: همین امروز مهندسین و قیمت‌گذاران شرکت را ببر که منزل و باغ را اندازه بگیرند و قیمت بگذارند و بعد فردا به من خبر بده. بعد رو به من کرد و گفت: تا آخر هفته چک ده هزار تومان حاضر خواهد بود. از جایم بلند شدم و گفتم «نمی‌دانم چگونه تشکر کنم.»

ـ تشکر ندارد، این کاری است که ما همیشه و مرتب برای همه می‌کنیم. البته بهانه‌ای شد که من بالاخره این مرد دانشمند یعنی پدرتان را ببینم. از او خداحافظی کردم و از پله‌ها با سرعت وارد خیابان شدم. از خوشحالی نمی‌دانستم چه کار کنم. یک تاکسی گرفتم و یکراست به نیاوران نزد پدرم رفتم. از در باغ تا چادر دویدم. وارد چادر که شدم، پدرم روی تشک نشسته بود و چهرزاد برایش روزنامه اطلاعات می‌خواند. پریدم وسط چادر. گفتم «آقاجان توانستم از شرکت بیمه برایتان ده هزار تومان قرض کنم.» مادرم وارد چادر شد. بغلش کردم و او را بوسیدم:

بهارجون من باید الان دوباره به شهر برگردم، فقط آمدم خبر خوب را به شما بدهم. امروز عصر برای قیمت‌گذاری از شرکت بیمه خواهند آمد.

دو هفته بعد یک روز دکتر علی‌اکبر خسروپور به من تلفن کرد و اجازه خواست که اگر حال پدرم مساعد است به دیدن او بیاید. روز بعد پدرم خواهش او را قبل کرد و در یک روز بعدازظهر ساعت پنج او با یک دسته گل به نیاوران به دیدن آقاجان آمد. پدر و مادرم هر دو نزدیک یک ساعت با این آقای رئیس شرکت بیمه صحبت کردند. البته من هم حضور داشتم. ساعت شش ایشان بلند شدند و من تا در باغ برای بدرقه او رفتم.

چند روز از این موضوع گذشت. یک روز خسروپور تلفن کرد و مرا برای شام منزل یکی از دوستانش دعوت کرد. البته صاحبخانه هم چند دقیقه بعدش تلفنی مرا دعوت کرد. بعد از آن مهمانی شب، هر روز خسروپور یک دسته گل توسط راننده‌اش برایم می‌فرستاد. منزل ما شبیه به یک گلستان شده بود. تمام اتاق‌ها و کنار حوض پر از گل‌های مریم بود. من همیشه عاشق گل مریم بودم. به خاطر بوی لطیفی که دارد و اسم زیبایش. متأسفانه بعد از رفتن از ایران گل مریم را خیلی کم دیده‌ام. در امریکا این گل وجود ندارد، یا لااقل در قسمت شرق امریکا آن را ندیده‌ام.

محبت‌های خسروپور به خصوص در این موقع که روزگار دردناکی را می‌گذراندم، برایم هدیه‌ای آسمانی بود. کسالت پدرم روز به روز بیشتر می‌شد، دیگر توانایی بلند شدن و قدم زدن را هم نداشت. یک روز بعدازظهر که از تهران برای دیدن پدر به نیاوران رفتم، به من گفت «پروانه جان شنیدم این آقای خسروپور، مرتب برای تو گل می‌فرستد و به منزل دوستانش برای شام دعوتت می‌کند. فکر می‌کنم که به زودی از تو درخواست ازدواج خواهد کرد. من ایشان را نمی‌شناسم. به نظر مرد مهربان و خنده‌رویی می‌آید. ولی از لحاظ سنی از تو خیلی بزرگتر است. آیا می‌توانی با مردی که آن قدر تفاوت سن داشته باشد زندگی کنی؟ (هیچ راجع به سن او فکر نکرده بودم.) در هر حال خودت می‌دانی. من نمی‌دانم او کیست؟»

این دید و بازدیدها، با فرستادن تقریباً هر روز گل به منزل ما دو ماه طول کشید. یک روز عصر خسروپور برای بردن من به یک میهمانی به منزل ما آمد. یک ساعت زودتر از موقع معین آمده بود، من در باغ روی چمن‌هایی که صندلی گذارده بودند، از او پذیرایی کردم.

تمدن

شهرام انصاری

بانک‌های خاورمیانه

تاریخ اقتصادی خاورمیانه، چارلز عیساوی-۶

کم و بیش همهٔ بنگاه‌ها خارجی بودند: انگلیسی‌ها در مصر و عراق، فرانسویان در سوریه و شمال آفریقا، انگلیسی‌ها و روس‌ها در ایران، انگلیسی‌ها، فرانسویان، اتریشی‌ها و ایتالیایی‌ها و دیگران در ترکیه. جز در شمال آفریقا، خارجیها دور از بندرهای اصلی (اسکندریه، ازمیر، استانبول، بیروت، بصره، جده) یا شهرهای عمدهٔ درون‌مرزی (حلب، دمشق، قاهره، تبریز، تهران، بغداد) فعالیت نداشتند. رابطهٔ ایشان با کشاورزان از طریق تجار خرده‌پا و وام‌دهندگان بود که اغلب از گروه‌های اقلیت ـ ارمنی، یونانی، یهودی و مسیحیان سوری ـ لبنانی ـ بودند. اینان به کشاورزان پول پیشکی می‌پرداختند، محصولات کشاورزی را برای فروش مجدد به صادرکنندگان می‌خریدند و کالاهای مصرفی روستا را عرضه می‌کردند. گاه می‌شد که این گروه‌های اقلیت خود با فرانسه یا انگلیس و دیگر کشورهای صنعتی رابطه برقرار می‌کردند، شعبه‌هایی از بنگاه‌های صادراتی می‌گشودند و به رقابتی پیروزمندانه با بنگاه‌های اروپایی دست می‌زدند. این پدیده بیشتر در خاورمیانه رایج بود تا در شمال آفریقا که در آن تنها اقلیت یهودیان بودند. در یک کشور، لبنان، بازرگانان محلی (بیشتر مسیحی و تعدادی مسلمان) بسی زود زمام تجارت خارجی را در دست گرفتند. اما به طور کلی گروه‌های اقلیت واسطه میان بازرگانان و بانکداران مهم اروپایی و مسلمان بودند.

در دهۀ ۱۸۵۰ بانکداری سازمان یافته آغاز به کار کرد. بانک‌های تجاری که همه خارجی بودند بیشتر در تأمین وجوه برای صادرات و واردات و جریان درونی محصولات کشاورزی فعالیت می‌کردند، اما به مصرف‌کنندگان نیز وام می‌دادند. تا سال ۱۹۱۴ برخی کشورها چون مصر، الجزایر و تونس شبکه‌ای دقیق و فشرده از بانک‌ها داشتند، حال آنکه در دیگر کشورها چون ایران، عراق و عربستان بانک تنها صورتی ابتدایی داشت. در اینجا نیز بانک‌های خصوصی که متعلق به اقلیت‌ها بود در تکمیل عملکرد بانک‌های خارجی بسیار مؤثر بود و در برخی شهرها چون بیروت و بغداد مهم‌ترین منبع مالی به شمار می‌آمد.

بانک‌های رهنی، که بیشتر در خدمت مالکان بزرگ بود، چند دههٔ بعد در کشورهایی چون مصر و الجزایر که گسترش کشاورزی شتابان داشتند، ایجاد شد. مصر همچنین پس از مدت کوتاهی دارای بورس پنبه شد که در آن معاملات نقدی یا آینده انجام می‌شد. بازار سهام نیز در این کشور به وجود آمد. در اغلب کشورها نمایندگی‌های شرکت‌های بیمهٔ اروپایی تأسیس شدند که ـ با موفقیت مختلف ـ به فعالیت در کار بیمه پرداختند. بانک‌ها تنها سهمی کوچک از جریان سرمایه به درون منطقه را جذب می‌کردند. در ترکیه، مصر و تونس نیمی از کل این وجوه و در ایران بیش از نیم آن به صورت بدهی حکومت‌ها بود. در الجزایر (که بخش عمدهٔ مخارج عمومی آن را فرانسه می‌پرداخت) بخش خصوصی کل سرمایه‌گذاری را به خود می‌کشید. در سوریه نیز، به مقیاس بسیار کوچکتر وضع چنین بود. سرمایه‌گذاری خارجی در عراق، فلسطین، سودان، لیبی و مراکش ناچیز بود، اما در این کشورها بعد از جنگ اول جهانی و در عربستان بعد از جنگ دوم، نسبتی چشمگیر را تشکیل می‌داد. بخش عمدهٔ سرمایه از فرانسه و انگلیس بود و در پی این دو کشور آلمان، بلژیک و روسیه و دیرتر از آنان ایالات متحد پای به این عرصه نهادند. این کشورها، عرضه‌کنندهٔ تکنولوژی و کارشناسان فنی نیز بودند.

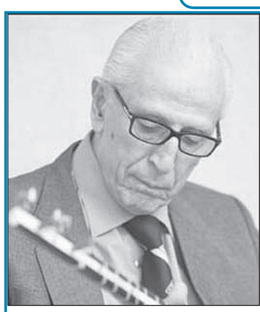
بخش عمدهٔ پولی که پس از کسر بهرهٔ وام عملاً به دست حکومت‌ها می‌رسید ـ و اغلب بسیار کمتر از مبلغ اسمی ثبت شده در قرارداد بود ـ به خرید اسلحه، ساختن کاخ‌ها و دیگر مصارف غیرتولیدی می‌رسید، اما بخشی از آن نیز در ساختن راه‌آهن، آبراه‌ها، و دیگر خدمات عمومی به کار می‌رفت. پرداخت بهرهٔ وام‌های عمومی بار سنگینی بر دوش اغلب کشورها بود که در ترکیه، مصر و تونس نیمی از عایدات بودجه و در ایران، مراکش و الجزایر بخشی چشمگیر از آن را جذب می‌کرد. سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی ماهیت تولیدی بیشتر داشت و بیشتر در خدمات عمومی (بندرها، راه‌آهن، تراموا، آب، گاز و برق) و معادن (فسفات‌ها، ذغال‌سنگ، نفت و دیگر مواد) و نیز به میزانی بسیار اندک در تولید کارخانه‌ای به کار می‌رفت. پرداخت بهرهٔ وام‌های خارجی، عمومی و خصوصی، بخشی عمده از عایدات صادرات را جذب می‌کرد و این نسبت به کشورهایی چون ترکیه و مصر گاه به یک چهارم می‌رسید.

در اینجا به جریانی دیگر نیز باید اشاره کنیم و آن مهاجرت است. در طول قرن نوزدهم صدها هزار فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی در الجزایر و تونس و ده‌ها هزار اروپایی با ملیت‌های گوناگون در مصر مسکن گزیدند. در دورهٔ میان دو جنگ مهاجرت وسیع فرانسویان به مراکش، ایتالیایی‌ها به لیبی و یهودیان به فلسطین آغاز شد و مهاجرت یهودیان پس از تأسیس اسرائیل شتاب گرفت. کشورهای نفت‌خیز خلیج‌فارس در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شاهد مهاجرت سیل‌آسا، اما گذرای آمریکاییان، اروپاییان، آفریقاییان و عربها بودند. از سوی دیگر ترکیه، سوریه، عراق و ـ جز در زمانی کوتاه از دههٔ ۱۹۷۰ ـ ایران، پذیرندهٔ مهاجرانی اندک شمار از خاورمیانه و مناطق مجاور یعنی بالکان ماوراء قفقاز بودند. مهاجرت اعضای گروه‌های اقلیت از درون و برون منطقه به کشورهایی چون مصر و سودان نیز به نوبهٔ خود اهمیت داشت. این مهاجرت توسعهٔ سریع برخی از بخش‌های اقتصاد را از طریق نوعی تقسیم کار قومی میسر ساخت.

فراتر از همهٔ این مهاجران اروپاییان بودند که مستقیم و غیرمستقیم سرمایهٔ لازم را عرضه می‌کردند و اقتصاد را در راستای مطلوب بازار بین‌المللی پیش می‌بردند، یعنی به طور عمده تولید محصولات کشاورزی و محصولات مصرفی در هر کجا که در دسترس بود. جایگاه اروپاییان در منطقه ایمن بود، یا با سلطهٔ کم و بیش مستقیم آنان، مثلاً در آفریقای شمالی، یا از طریق نظام «کاپیتولاسیون» و دادگاه‌های «کنسولی» یا «مختلط» که ایشان را از مالیات معاف می‌داشت و در برابر قوهٔ قضایی حکومت‌های منطقه مصونیت می‌بخشید. پایین‌تر از اینان گروه‌های اقلیت بودند که بخش عمدهٔ خدمات تجاری، حرفه‌ای و اداری لازم را عرضه می‌کردند و طبقات معادل بورژوازی و خرده‌بورژوازی را تشکیل می‌دادند. از اینان پایین‌تر بخش اعظم جمعیت بود، یعنی ترک‌ها، مصریان، عرب‌ها و ایرانیانی که زمین را می‌کاشتند و نیروی کار شهری غیرماهر را عرضه می‌کردند. از میان اعضای اقلیت‌ها شماری اندک بسیار توانگر بودند که نقش اقتصادی‌شان همانند اروپاییان بود، اما جایگاهی برابر با آنان نداشتند، و اغلب از تابعیت کشوری خارجی و حمایت آن برخوردار بودند.

صفوت به روایت ناظری/ حماسه موسیقی ایران

ادامه از صفحه اول



درآن سال‌ها، موسیقی ردیف دستگاهی ما از دست رفته بود و بیشتر کارها حال و هوای مجلسی و تفننی داشتند. از یک سو قطعات پاپ و مردم پسند تمام رسانه‌های دیداری و شنیداری را اشغال کرده و از طرف دیگر موسیقی ردیف دستگاهی ایران در حال از دست دادن آخرین استادان کهنسال خود بود. در چنین شرایطی، استاد صفوت با راه اندازی و سرپرستی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، جان تازه‌ای در این هنر دمید.

او کارشناس و استاد واقعی موسیقی ایرانی بود و راه را برای نوآوری در این عرصه باز کرد. داریوش صفوت بر خلاف دیگران، تنها به میراث موسیقایی به جا مانده از دوره قاجار اکتفا نکرد و گذشته‌های دورتر را نیز کاوید؛ همین هم باعث شد که بتواند این تحول عمده را در موسیقی به وجود آورد. استاد صفوت را باید پایه گذار رنسانس موسیقی ایرانی دانست. تا پیش از تشکیل مرکز حفظ و اشاعه، اصولاً این دیدگاه عمیق امروزی راجع به موسیقی دستگاهی و ردیف‌های آن وجود نداشت. ایشان بود که با کوشش‌های خود، این نوع موسیقی را از چارچوب‌های تنگ و فضاهای بسته بیرون آورد و به مدد جوانانی که تربیت کرده بود، در سطح جامعه گسترش داد. البته دیگرانی هم در کنارش در این نوزایی نقش داشتند که از آن میان باید به هوشنگ ابتهاج در مدیریت تولید موسیقی رادیو در دهه ۵۰ خورشیدی اشاره کرد. اگر دقت کنید، می‌بینید که تمام ستون‌ها و نامداران موسیقی امروز ایران از سرچشمه هنر و فرهنگ استاد صفوت سیراب شده‌اند و به نوعی شاگرد او بوده‌اند. او برای هم نسلان من، حکم سرچشمه معرفت، اخلاق و هنر را داشت.

بدون شک میراث این استاد بلند مرتبه تنها در حوزه موسیقی محدود نمی‌شود و جنبه‌های فرهنگی گسترده دیگری هم دارد. دیدگاه عرفانی و زندگی اخلاقی او از زمره این یادگارها به شمار می‌آیند که برای موفقیت هر هنرمندی لازم و واجب هستند.

رودخانه زاکاریا

سفرنامه بوتان/۸

ترجمه دکتر منصوره اتحادیه

اتحادیه: روز ۱۲ مه از جاده باریکی که از میان جنگل کوچکی در کنار دریاچه‌ای می‌گذشت عبور کردم ساحل مقابل من مشجر و سرسبز بود و در آبهای دریاچه منعکس گشته بود، مردم خوشبختی که در اطراف دریاچه لمان زندگی می‌کنند می‌توانند حدس بزنند چقدر این منظره دلفریب مرا تحت تأثیر قرار داد. آب این دریاچه شیرین است. طول آن تقریباً پنج فرسنگ شرقی و غربی عرض آن نیم فرسنگ شمالی جنوبی است. هرچند که قطعه خشکی که دریاچه را از خلیج نیکومده جدا می‌سازد ارتفاع چندانی ندارد ولی با وجود این چون دریاچه مجرایی به خارج ندارد آب آن شیرین است.

به فاصله یک فرسنگ از دریاچه لحظه‌ای ایستادم تا اسبها استراحت کنند. در نزدیکی جاده پل بسیار عالی دیده می‌شد و بی‌اختیار به آن سو دویدم، این بنای معظمی بود با یازده طاقنما از سنگ‌های بزرگ که به طور مطلوبی تراشیده شده بودند ولی ساروج آن محکم نبود و همین موضوع باعث شد که فکر کنم آن را در زمان ژنواها ساخته باشند نه در زمان یونانیان و یارمن‌ها.

هیچ کتیبه‌ای در روی پل و یا آن اطراف نبود، آنچه به نظر عجیب می‌رسید این بود که این پل زیبا و بزرگ را در محلی ساخته بودند که اثری از رودخانه‌ای نبود و هیچ معلوم نبود که اگر در گذشته هم رودخانه‌ای در این محل بوده مسیر آن چگونه بوده است. افسوس که من فرصت نداشتم در این باره تحقیق کنم. تنها آثاری که از آب دیده می‌شد دو گودال باتلاقی در دو طرف اولین طاقنمای پل بود، مردم محلی می‌گویند زمانی رودخانه عظیمی در اینجا جاری بوده است که راهزنان آن را تحت اختیار داشتند و از عابرین باج می‌گرفتند کسانی را که حاضر به پرداخت نمی‌شدند به آب می‌انداختند. می‌گویند روزی درویش بیچاره‌ای را به آب رودخانه انداختند و او از حضرت محمد کمک خواست و فوراً آب رودخانه خشک شد. در دو فرسنگی این محل از رودخانه زاکاریا که به دریای سیاه می‌ریزد عبور کردم و پس از گذشتن از روی یک پل چوبی که از وسط باتلاق می‌گذشت به دهکده هندک رسیدم. این ده تحت اداره یکی از اعیان محلی است که قصری تفریحی در کنار جاده دوتچک دارد، اهالی این منطقه به قسطنطنیه الوار می‌فروشند که برای ساختن کشتی مصرف می‌شود و به همین دلیل از پرداخت مالیات معافند و در عین حال از دولت مرکزی هم زیاد اطاعت نمی‌کنند.

ادامه دارد

شرح

حسن طبایی

بازی های چرچیل با ترومن-۵

رفتار دموکراتیک ایران



ایرانی‌ها در مورد ملی کردن نفت خود دقیقاً طبق حقوق دموکراتیک خویش رفتار کرده‌اند، و از این هم بالاتر آنها اصل پرداخت غرامت کافی و عادلانه را پذیرفته‌اند، استوکس ادامه می‌داد: «حتی پیشنهادهای جدید از آنچه من در سال گذشته به ایران پیشنهاد کردم و پذیرفته نشد، نفعش برای ایرانی‌ها کمتر است. این مسئله صحیح نیست که ایرانی‌ها از انگلیس‌ها نفرت دارند، بلکه هنوز در ایران احساسات قابل ملاحظه‌ای براساس حسن نیت نسبت به انگلیس، به‌طور مطلق، وجود دارد.»

استوکس در پایان تأکید کرده بود براساس تجارب شخصی من ایرانی‌ها مردم جذاب و دلنشینی هستند که نسبت به دوستانشان بلندهمت و در روابط و دادوستدهای شخصی، معتدل و منطقی می‌باشند.

مصدق، هنگام گزارش پیشنهاد مشترک به مجلس گفت: من انتظار داشتم دولت بریتانیا پس از شکست‌هایی که در شورای امنیت سازمان ملل و دادگاه جهانی نصیبش شده، نسبت به اجرای قانون احترام بیشتری قائل شود. حالا می‌بینم برعکس، اعلامیه انگلیس درباره آنکه فقط بشرطی حاضر به رفع تحریم اقتصادی است که ایران شرایط اختناق‌آور آن کشور را بپذیرد، نشانه آن است که هنوز خود را پایبند به اعمال زور می‌داند. هیچ دلیلی وجود ندارد مردم فقر زده ایران منابع و ثمرهٔ دسترنج خویش را بازهم در اختیار بریتانیا بگذارند، که قرنهاست به زورگویی به ملل ضعیف و تحت ستم عادت کرده است. در حالی که اکنون برای انگلیس زمان حساسی است که طی آن چشم‌انداز جهانی خویش را تغییر دهد. چه اطاعت از قانون و احترام گذاشتن به حقوق ضعفا، نه تنها موضع و اعتبار طرف نیرومند را تضعیف نمی‌کند، بلکه بشدت براین موضوع و اعتبار قوت می‌بخشد.

مصدق گفت دولت ایران آماده است داوری دادگاه جهانی را در مورد «مبلغ غرامت» براساس هر قانونی که هر کشور دیگری در شرایط مشابه، صنایع خود را ملی کرده است، بپذیرد، و البته باید درباره مبلغ غرامتی که بابت خسارات ناشی از محاصرهٔ نفتی انگلیس و تحریم اقتصادی این کشور به ایران وارد شده نیز تصمیم گرفته شود. مجلس و سنا نظریات و پیشنهادهای مصدق را با اکثریت قاطع تصویب کردند و روز ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۲، مصدق آنها را برای ترومن و چرچیل فرستاد.

چرچیل برای آنکه مطمئن شود رئیس جمهوری آمریکا تحت تأثیر پیشنهاد متقابل مصدق قرار نگیرد، پیامی به این شرح برای او ارسال داشت:

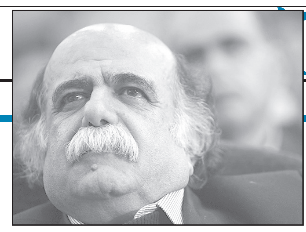
براثر اقدامات غارتگرانه ایران، بریتانیا متحمل زیانی گردیده، که آن طور که به من گفته شده، در سال به ۶۰ میلیون لیره استرلینگ سرمی‌زند... من مطمئنم در شرایط وخیم حاضر، ما نمی‌توانیم برای مبارزه با عسرتی که پیش آمده، از حدودی که شرایط آن را شما منصفانه و عادلانه تشخیص دادید، فراتر رویم. (از این هم بالاتر) این امر در برابر مالیات دهندگان آمریکایی چشم‌انداز دشواری می‌گشاید که به ایرانی‌ها (و خدا می‌داند چه کشورهای دیگری؟) رشوه بپردازیم که مبادا کمونیست شوند. مصدق تنها زمانی تسلیم شرایط منطقی خواهد شد که با هماهنگی مداوم ترومن و چرچیل مواجه شود.

قابل درک است که نگرانی اصلی چرچیل مشکلات مالی کشور خودش بود؛ معذالک، عملاً پیشنهاد می‌کرد بریتانیا، به هزینه ایران بر مشکلات و عسرت مالی خویش فائق آید. هم هندرسین سفیر آمریکا در ایران و هم وزارت خارجه این کشور، مخالف پیشنهاد چرچیل در مورد فرستادن پاسخ مشترکی برای مصدق بودند. آنها استدلال می‌کردند «ایالات متحده باید از این امر اجتناب ورزد که خود را با انگلیس در تله‌ای گرفتار کند و براثر آن، اوضاعی به‌وجود آید که روابط آینده آمریکاوبریتانیادرآینده‌به‌صورتی برگشت‌ناپذیر در گرو این «پیشنهاد مشترک» قرار گیرد.»

سرانجام تصمیم گرفته شد وزرای خارجه دو کشور، آچسن و ایدن، هر یک پیام جداگانه‌ای، با مضمونی مشابه برای مصدق ارسال دارند. روز ۵ اکتبر آنها این پیام را فرستادند که در آن گفته می‌شد، «پیشنهاد مشترک» ترومن و چرچیل نباید به‌عنوان عدم شناسایی ملی شدن نفت تلقی گردد.

سفر

احمد یاوری



دکتر کزازی

سفرنوشت دکتر کزّازی از روزهای بارسلون

اثر تاریخی تاخا

در راهروی مهمانسرا، تصویرهایی از گذشته‌هایی نه چندان دور از بندر «مریم پاک» را بر دیوار آویخته بودند که شیوۀ زندگانی و هنجارهای زیستی را، در این شهر، پیش از دیگرگونی‌های نوین و پیدایی نشانه‌ها و نمودهای پیشرفت و شهرآیینی صنعتی در آن آشکار می‌داشت. بانو مرا به دیدن این تصویرها برد. او می‌گفت که: بدین‌سان، به گونه‌ای گویا و روشن، تاریخچۀ شهرها و روندهای دیگرگونی در آنها را می‌توان در برابر چشم جهانگردان به نمایش نهاد و نیکو و بسزا خواهد بود که در مهمانسراهای ما نیز در ایران از این شیوۀ پسندیده پیروی کنند.

سه‌شنبه ۲۵ خرداد: امروز، بامدادان، شهر «مریم پاک» را وانهادیم و به سوی روندا ronda روان شدیم. روندا که نام آن از آروندا Arunda در روزگار رومیان مانده است شهری است از بخش مالاگا Malaga در بوم آندلس و از کهن‌ترین شهرهای اسپانیا. این شهر که بر فراز پشته‌ای بلند جای گرفته است به دو پاره بخش می‌شود: روندای نو و روندای کهن. روندای کهن بخش دیرینه شهر است که تاخا Taja نیز نامیده می‌شود. دو روندا در دو سوی رودی با ژرفای بسیار جای دارند و با پلی به یکدیگر می‌پیوندند. یکی از دیدنی‌های روندا که جهانگردان را به تماشای آن فرامی‌خواند، چشم‌انداز رود است از فراز این پل؛ از آن است که یکی از بخش‌های میانین پل که از آن، رود با کرانه‌های پُرفرود و فرازش در ژرفا دیده می‌آید، آوازه‌ای یافته است و مهتابی شرمگاه El balcon de cono نام گرفتَه است. این نام از آنجاست که اسپانیاییان با دیدن رود و ژرفای بسیار آن، از فراز این مهتابی، از سر شگفتی، واژه Cono را بر زبان می‌آورَده‌اند. این واژه در اسپانیایی مردمی به معنی شرم زن است و به نشانه شَگفتی و خشم نیز بهَ کار برده می‌شود. راستی را که اسپانیاییان در به کار بردن واژه‌های زشت و ناروا ناپرواترین مردمان‌اند. آنان همواره در گفتارهای روزانه خود از اندام‌های فرودین و آنچه بدان‌ها باز می‌گردد یاد می‌کنند و در این یادکردها، هیچ مرز و پروایی برای خویش نمی‌شناسند.

به هر روی، نیمروزان، به روندا رسیدیم و در خورشخانه‌ای نزدیک به میدان گاوبازی شهر که به گفته‌ای نخستین میدان از این گونه در اسپانیا بوده است، به خوان نشستیم. پس از آن، از پل فرا گذشتیم و بر مهتابیِ شرمگاه درنگی کردیم و نگاهی به ژرفای هول‌انگیز رود درافکندیم و روندای نو را پس پشت نهادیم تا به روندای کهن یا تاخا راه جوییم.

برجسته‌ترین اثر تاریخی در تاخا کلیسایی است که مریم پاک Santa Maria نامیده می‌شود. این کلیسا در آغاز مزِگتی بوده است که پس از چیرگی ترسایان بر اسپانیا به کلیسا دیگرگون شده است. از مزگت کهن، تنها برجی برجای مانده است که گلدسته آن بوده است و طاقی چند چنبرین که هنوز نام دیرین خویش را پاس داشته است و طاق محراب Arco del Mihrab نامیده می‌شود. کلیسای مریم پاک پرستشگاهی سترگ است که در آن دوره‌هایی تاریخی و دبستان‌هایی هنری چون اسلامی، گوتی و نوزایی باهم درآمیخته‌اند و به نمود درآمده‌اند. این کلیسا، همانند سراهای کهن ایرانی، برون و نمایی بی‌فرّ و فروغ و بینوایانه دارد و درون و نهانی بشکوه و توانگرانه، به گونه‌ای که بیننده ناآگاه هرگز به دیدن برون آن، درونش را گمان نمی‌تواند زد.

افزون بر کلیسا، از باروها و گرمابه‌های تازیان و بناهای رومیان نشانه‌ها و پاره‌هایی هنوز در روندای کهن بر جای مانده است. دیگر از ویژگی‌های شهرهای نیمروزین در اسپانیا که برای جهانگردان اروپایی و باخترینه نیک گیرا و دیدنی است و در روندا نیز دیده می‌آید، کوچه‌های تنگ و هشتی‌های کاشی‌کاری شده و حیاط‌هایی است گرد یا چهارگوش با آبگیری در میانه که اتاق‌ها پیرامون آن ساخته شده‌اند. این حیاط‌ها که به حیاط اندلسی نام برآورده‌اند از بناهای اسلامی به یادگار مانده‌اند یا به شیوه آنها در روزگارانِ سپسین پدید آمده‌اند. راهنما از این کوچه‌ها یا حیاط‌ها، با آب و تاب بسیار، سخن می‌گفت و آنها را از شگفتی‌های بی‌همانند می‌شمرد و همگان را به دیدنشان برمی‌انگیخت.

پسینگاه به ایستگاه خودروی همگانی بازگشتیم تا روی به راه درنهیم. در ایستگاه، به شگفتی دیدم که ده‌ها خودروی همگانی جهانگردی در پی یکدیگر قطار شده‌اند. به دیدن آنها، با خود می‌گفتم که شهری کوچک چون روندا که از گنجینه‌های جهانگردپسند تنها کلیسایی دارد، چگونه آن مایه جهانگرد را به سوی خود درکشیده است! سپس، به تلخی اندیشیدم که چرا ما ایرانیان که سرزمینمان بهشت باستان‌شناسی است و در هر گوشه آن ده‌ها گنجینه فرهنگی و بنای تاریخی، شگرف و شکوهمند و شگفت، یادآور روزگارانِ زرّین و نازشْ‌خیز ایران در شهر آیینی و فرهنگ است، نتوانسته‌ایم از این سرمایه‌های ملی‌مان به درستی بهره برگیریم؛ آنها را به دیگران بشناسانیم و آنان را به دیدار از آنها برانگیزیم. بزرگ‌ترین صنعت اسپانیا و زایاترین سرچشمه درآمد و دارایی آن صنعت جهانگردی است. بر پایه آمار، هر سال فزون از شصت میلیون تن از اسپانیا دیدن می‌کنند و شمار جهانگردان دو برابر شمار مردمان این کشور است؛ نیز، بی‌گمان، این سرزمین هرگز در فراوانی و گونه‌گونی چشم‌اندازها و دیدنی‌های فرهنگی و تاریخی‌اش با ایران ما که سرزمین سپند هزاره‌هاست سنجیده نمی‌تواند شد و در یک تراز و ترازو نهاده نمی‌تواند آمد. هنر راهبران و دست‌اندرکاران جهانگردی در اسپانیا تنها آن است که می‌توانند بهره‌جوی از فن آوازه‌افکنی (=تبلیغ) از کوچه‌های تنگ و حیاط‌های خرد آثاری شگرف و بی‌همانند بسازند و جهانگردان را خیل خیل به سوی آنها روانه گردانند. اما ما نتوانسته‌ایم گوشه‌ای و پاره‌ای از آنچه را داریم به دیگران بشناسانیم و با پویاسازی و نیروبخشی صنعت جهانگردی، از این نمد کلاهی برای خویش بدوزیم و از این رهگذر سرمایه‌ای ملی برای خود بیندوزیم.

پس از وانهادن روندا، دیگر بار روی به سوی دریای میانین سپید (=مدیترانه) و کرانه‌های آن آوردیم. شامگاهان به کرانه‌ای رسیدیم که کرانه خورشید Costa del sol نامیده می‌شود. در این کرانه، شهرهایی بی‌گسست در پی یکدیگر از برابرمان می‌گذشتند. شهرهای کرانه‌ای که جایگاه خوش‌گذرانی و کام‌رانی توانگران جهان است، ساختمان‌هایی بس زیبا و با شیوه‌های گونه‌گون معماری و از آن میان، معماری کهن اسلامی پی افکنده شده‌اند.

قلم

حمید مجتهدی

تواین؛ نویسنده‌ای از آمریکا

عمیق تر از یک نادان

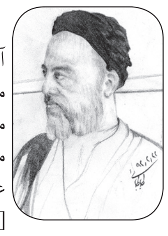


مارک تواین

خانه بر روی تپه‌ای به نام هالیدیزهیل قرار داشت و بیوه‌ای فقیر، اما کاملاً محترم و دختر بی‌گناهش تنها ساکنان آن بودند. جوان رذل با فریادهای فحاشی و مبارزه‌طلبی و هرزگی تمام اهل ده را از خواب پراند. من با دوستی که گمان می‌کنم جان بریگس بود برای استفاده، سمعی و بصری به آنجا رفتم. در تاریکی شب، هیکل مرد به طور تیره‌ای دیده می‌شد. آن دو زن در روی ایوان خانۀ خود ایستاده بودند، اما به واسطۀ سایۀ عمیق سقف ایوان دیده نمی‌شدند، ولی صدای زن بزرگتر رامی شنیدیم. او یک تفنگ قدیمی را با چارپاره پر کرده بود و به مرد اخطار کرد که تا ده می‌شمرد و سرده، اگر باز هم او در آنجا ایستاده باشد، این ایستادگی به قیمت جانش تمام خواهد شد. زن شروع به شمردن کرد و مرد هم شروع به خندیدن، ولی در سر شش از خنده باز ایستاد. بعد در جریان سکوتی عمیق با صدایی محکم بقیۀ داستان ادامه یافت: «هفت... هشت... نه...» ـ مکثی طولانی، در حالی که نفسها را در سینه حبس کرده‌ایم ـ «ده»! شعلۀ قرمزی در تاریکی شب جهش کرد و آن مرد به زمین افتاد، با سینه‌ای که مثل غربال سوراخ سوراخ شده بود. بعد باران و رعد و برق شروع شد و مردم در روشنایی برقی که در آسمان می‌زد، مثل هجوم مورچگان به طرف پایین تپه پراکنده شدند. آن مردم بقیۀ داستان را دیده بودند و من هم دیده و راضی بودم. به خانه رفتم تا خواب آن را هم ببینم و ناامید هم نشدم.

تعلیم و تربیت من مرا قادر ساخته بود که عمیقتر از یک آدم نادان بدین وقایع غم‌انگیز نگاه کنم. می‌دانستم که آن وقایع برای چیست. سعی داشتم که این موضوع را از خود پنهان کنم؛ اما در اعماق نهفتۀ قلب رنج دیده‌ام درک می‌کردم که می‌دانم و «می‌دانم» که می‌دانم. آن وقایع، ابتکارات الهی بود که من از دیدن آنها عبرت بگیرم و زندگی بهتری برای خود ترتیب دهم. امروز به نظرم می‌آید که آن فکر از معصومیت و خودبینی غریبی ریشه گرفته بوده، ولی در آن وقت هیچ غرابتی در اطراف آن نمی‌دیدم و همان‌طور که فهمیده بودم آن وقایع کاملاً با روشهای خداوند که مبتنی بر فکر و عدالت است وفق می‌داد. اگر مشیت الهی تمام جامعه را هم هلاک می‌کرد تا ثروت گرانبهایی مثل مرا حفظ کند، از این موضوع نه متعجب می‌شدم و نه خود را می‌گرفتم. چون من آدم تحصیل کرده‌ای بودم، به نظرم می‌آمد که آن اعمال درست است و من ارزش آن را دارم که وجودم آن‌قدر گران تمام شود. این فکر هرگز به سرم وارد نشده بود که چرا خداوند باید به حفظ چنین مالی شدیداً علاقه‌مند باشد. و هیچ کس هم در آن دهکدۀ ساده خواب این را نمی‌دید که چنین سؤالی را از مغز من بگذراند. علتش این بود که هیچ کس با چنان فکری مجهز نبود. این کاملاً راست است که من تمام وقایع را به حساب خود می‌گذاشتم و آنها را به ترتیبی که اتفاق می‌افتاد با وضع خود مطابقه می‌کردم و کنار می‌نهادم و در هر مورد آهی می‌کشیدم و می‌گفتم: یکی دیگر گذشت ـ آن هم به حساب من. این باید مرا به توبه وا دارد؛ شکیبایی خداوند همیشه پایدار نیست.

در خدمت علامه طباطبایی



دکتر رضا داوری: مدتی در قم درس دادم. من کارم را از آموزگاری شروع کردم. بالتبع آموزگاری به دبیری می رسد و بعد می آید به دانشگاه. من مدتی در دبیرستانهای قم درس دادم. در مدت کوتاهی که در قم بودم، به درس مرحوم آقای طباطبائی می رفتم. مرحوم آقای طباطبائی در مسجدی درس می دادند و عده زیادی می نشستند. من هم می رفتم توی مسجد و در صف [حضار] می نشستم. بلندگو و اینها هم نبود ولی صدای ایشان بلند بود. من از لهجه غلیظ ترکی ایشان خوشم می آمد و گوش می کردم و به اندازه استعداد و توانایی خودم بهره می‌بردم. کربن هم وقتی دانشجو بودم، اولین درسها و اولین سخنرانی هایش را در دانشکده ادبیات در کلاس ما شروع کرد. من هم در کلاسهایش بودم و هم در بعضی از سخنرانی هایش حاضر می شدم.

بعد در مدت معلمی ام سه بار برای استفاده از فرصت مطالعاتی به خارج از کشور رفتم. یکسال به فرانسه، یکسال به انگلستان و یک سال هم به آمریکا رفتم. در فرانسه بیشتر از کلاسها استفاده کردم، اما در انگلستان و آمریکا بیشتر از کتابخانه ها استفاده کردم و بیشتر مطالعه کردم. در فرانسه چون فکر می کردم که بیشتر می توانم از کلاس استفاده کنم، به کلاسهای بعضی استادان رفتم. شاید چون اولین فرصت مطالعاتی ام بود و جوان هم بودم، این شوق و ذوق بیشتر مرا به کلاسها می کشاند. به کلاس های بعضی از استادان نامدار فرانسه و دانشگاه سوربن پاریس هم رفتم.

اصول تلویزیون

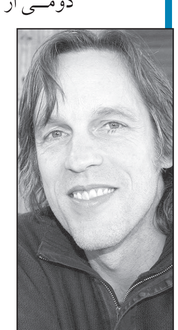
آنچه امروزه به عنوان سیگنال تلویزیون به منازل بینندگان ارسال می گردد، در سال‌های ۱۹۳۰ تکمیل شده است. یعنی زمانی که سیستم‌های مخابراتی شروع به پیشرفت نمودند. موانع زیادی در آن دوران بر سر راه نحوۀ ارسال صوت و تصویر وجود داشت که نشانۀ محدودیت تکنولوژی زمان خود بود. رعایت مشخصۀ بینایی چشم انسان و انتخاب بهینه بین کیفیت عملکرد سیستم و هزینۀ تمام شده، از دیگر محدودیت‌های توسعۀ این تکنولوژی بودند. با توجه به تعداد بسیار زیاد گیرنده‌های تلویزیونی در سرتاسر جهان، هرگونه تکنولوژی پیشرفته‌تر باید با سیستم‌های استاندارد موجود نیز سازگاری می‌داشت.

با توجه به نتیجه غیرقابل قبول آزمایش‌ها در مورد جاروب تصویر به طریق مکانیکی، در اواسط سال ۱۹۳۰ سیستم جاروب تصویر به طریق الکترونیکی تکمیل شد. در کشورهای انگلستان، فرانسه و آلمان همزمان با این پیشرفت، تولید سیگنال تلویزیون با کیفیت بالا شروع گردید. در آن زمان دقت عمودی تصویر در فرانسه و آلمان ۴۴۱ خط و در انگلستان ۴۰۵ خط بود. نسبت طول تصویر به ارتفاع آن نیز، ۴:۳ بود چنانکه هنوز هم از این نسبت در سیستم‌های تلویزیون استفاده می‌شود.

در سال ۱۹۴۱، پس از چندین سال آزمایش بر روی تصاویر با ۳۰۰ خط و ۴۰۰ خط، ایالات متحده آمریکا سیستم ۵۲۵ خط به نام استاندارد NTSC (کمیته ملی سیستم تلویزیون) را ارائه کرد. این سیستم با کمی تغییرات در حال حاضر استفاده می‌شود.

پس از جنگ جهانی دوّم، کشور انگلستان با سیستم ۴۰۵ خط، و کشور فرانسه با سیستم ۴۴۱ خط پخش تصاویر تلویزیونی را ادامه دادند. در سال ۱۹۴۸، کشور فرانسه سیستم ۸۱۹ خط را عرضه کرد. دیگر کشورهای اروپایی سیستم ۶۲۵ خط را ارائه کردند. برای مدت زمانی، سه سیستم استاندارد برای جاروب تصویر و نیز دو سیستم رنگی به طریق PAL و SECAM وجود داشت و همزمان از هفت سیستم پخش تصویر در اروپا استفاده می‌شد. در سال ۱۹۸۰ با از رده خارج شدن سیستم ۸۱۹ خط فرانسه و ۴۰۵ خط انگلستان این وضعیت اصلاح گردید.

اسماعیلیان



ریچارد فولتز: ابن خردادبه چهار جاده‌ی تجاری را که رادانی‌ها در آن فعالِ بودند وصف می‌کند. اولی از گُل است از سواحل مدیترانه و جاده بَرّی به دریای سرخ می‌رود و از طریق اقیانوس هند به آسیای خاوری؛ دومی از طریق بین‌النهرین؛ و سومی از آفریقای شمالی راه چهارم روبه‌شمال از طریق سرزمین‌های خزرها می‌گذشت، و از آن‌جا به جاده ابریشم می‌پیوست: «گاهی همین‌طور راه پشت روم را گرفته از کشور اسلاو عبور کرده به خام لیف [اِتِل]، پایتخت خزران، می‌رسد. آن‌ها در دریای جرجان [مازندران] [برکشتی] نشسته به بلخ می‌رسند، سپس از جیحون گذشته، سفرشان را به‌سوی یورت‌های [ترک‌های] تقوز اُغوُز و از آن‌جا به چین دنبال می‌کنند.»

طبعاً رساندن یهودیت به پایگاه رسمی در قلمروهای خزران گزینه شمال را تسهیل و ترغیب کرده است. در هر حال، از گزارش ابن خردادبه روشن می‌شود که یهودیان در آن زمان در همه راه‌های تجاری بزرگ فعال بودند، که این ضمناً دلالت دارد به وجود اجتماعاتِ پراکنشِ یهودیان که در منازل گوناگونِ آن جاده‌ها زندگی می‌کردند. حد گسترده این اجتماعاتِ پراکنش و این واقعیت که آن‌ها با یکدیگر در ارتباط بودند با ذکر بسیاری از محل ها تأیید می‌شود که در ادبیات رسپونسای گائونی (تعلیم خاخامی در باب مسائل حیات یهود) که در قرن هشتم آغاز شد، به آن‌ها اسماعیلیان اشاره شده است.

صلیبیان فرانک در قرن‌های یازدهم و دوازدهم داستان‌هایی از یک فرقه سرّی تندرو به رهبری شیخ الجبل، که به اَساسین معروف شدند، با خود به اروپا آوردند.

اشتقاق این اصطلاح همچنان محل بحث است؛ داستان‌های عامیانه آن را مشتق از حشاشین / حشاشون می‌داند، و مدعی‌اند که اعضای این فرقه معمولاً پیش از دست‌زدن به قتل سیاست‌مداران معروف مسلمان و چهره‌های دیگر حشیشِ مصرف می‌کردند. اشتقاق جدی‌تر آن را به اَساسیون می‌رساند.

فرقه مورد بحث یک شاخه از «شیعه علی» بود که به چند شکل معروف بودند: یکی شیعیان هفت امامی، به‌خاطر انحراف سلسله‌ی امامان آن‌ها از اکثریت شیعه پس از امام ششم؛ دیگری به اسماعیلیه، به‌خاطر امام هفتم، اسماعیل؛ یا در منابع کهن‌تر اسلامی به «باطنیه» (از واژه عربی «باطن»، به‌خاطر آموزه و اعمال سرّی آن‌ها.)

زبانزد



«د» «ذ»

دیوانه برو مست آمد!

* دین و دنیا دو ضد یکدیگرند.
* دیو آزموده بهْ از مردم ناآزموده.
* دیوار چنان بِینداز که گرد نکند.
* دیوار حاشا بلند است.
* دیوار را یک رویه کاهگل می‌کند.
* دیوار زن بیوه کوتاه است.
* دیوار موش دارد موش هم گوش دارد!
* دیوار یتیم کوتاه است.
* دیو از خدا خشنود نباشد.
* دیوان بلخ است.
* دیوانگی شاخ و دم ندارد.
* دیوانگی گونه گونه است.
* دیوانه باش تا غم تو عاقلان خورند.
* دیوانه برو که مست آمد!
* دیوانه به بند به که در بند.
* دیوانه به کار خَویش هشیار است.
* دیوانه تر از خویش چو دیوانه ببیند
بگریزد از او یا که به کنجی بنشیند
* دیوانه با مست در افتاد ورافتاد.
* دیوانه چو دیوانه ببیند، خوشش آید.
* دیوانه را رفاقت دیوانه خوشتر است.
* دیوانه را مپرس که از ماه چند است.
* دیوانه را هویی بس است.
* دیوانه از ویرانۀ خود عار ندارد/ دیوانه شود محرم در ماه محرم
در ماه صفر هم، ده ماه دگر هم!
* دیوانه همان به که بود اندربند.
* دیوانه هم شدیم و غم ما کسی نخورد.
* دیو بر تخت سلیمان چو سلیمان نشود.
* دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند.
* دیو چو بیرون رود فرشته در آید.
* دیو خوشخوی به از حور گره پیشانی.
* دیو لاحول گوی بسیار است..
* دیو همان به که بود بستۀ زنجیر.
* دیوی که عیب خود بشناسد فرشته است.

«ذ»

* ذخیرۀ مال چشمۀ اندوه است و ملال.
* ذخیرۀ مال موجب وزرو وبال است.
* ذرّه ذرّه پشم قالی می‌شود.
* ذرّه ذرّه کاندرین ارض و سماست
جنس خود را همچو کاه و کهرباست
* ذرّه را به آفتاب چه نسبت؟
* ذرّه می‌بیند و خورشید نمی‌بیند.
* ذکر حق دل را منوّر می‌کند.
* ذکر حق کن تا دلت روشن شود.
* ذکر حق کن که قوت روح است.
* ذکر خدا کن تا از بلا در امان باشی.
* ذکر خدا کنی بلا را از خود جداکنی.
* ذکر خیر از مال و دولت خوشتر است.
* ذکر ذاکر حفظ جان ذاکر است.
* ذکر عیش نصف عیش است.
* ذکر غایب از جملۀ معایب است.
* ذکر کدورت کدورت آورد.
* ذلّت مرد در ناداری است.
* ذوالفقار علی دو دَم دارد.
* ذوفن به جهان ز ذی فنون به.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲ مرداد ۱۳۵۲، (برابر با ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۹۳، ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۳) نقل شده است.

طرح طبقه‌بندی مشاغل

طرح طبقه بندی و ارزشیابی مشاغل به تصویب شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسید و طی هفته آینده رسما ابلاغ خواهد شد.

طرح مذکور که در واقع متضمن چگونگی اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری است در ۸ جلد و بالغ بر ۲۶۰۰ صفحه تهیه شده است.

جلد اول آن حاوی آئین نامه اجرائی طرح، فهرست تخصیص طبقات شغل بگروههای دوازده‌گانه و طرح ارزیابی مشاغل تخصصی و تحقیقی، کلیات و مقررات اجرائی است و ۷ جلد دیگر به مجموعه شرح طبقات رسته‌های آموزشی و فرهنگی، اداری، مالی، امور اجتماعی، بهداشتی، درمانی، خدمات کشاورزی و مهندسی و فنی اختصاص دارد.

در یک حادثه رانندگی هنرپیشه فیلمهای فارسی مجروح شد

اتومبیل منوچهر طایفه، هنرپیشه فیلمهای فارسی در تصادف با اتوبوس مسافربری متلاشی شد و خود او بشدت مجروح گردید. وی که با اتومبیل شماره ۶۶۱۳۳ تهران ـ الف از تبریز به تهران می آمد در جاده میانه ـ زنجان با اتوبوس مسافربری شماره ۷۴۵۴۸ تصادف کرد.

در این حادثه طایفه از ناحیه پشت و سینه زخمی شد. در دو هفته گذشته این سومین حادثه است که برای طایفه رخ میدهد. اولین حادثه دو هفته قبل بوقوع پیوست که ضمن آن هنگامیکه وی قصد افتتاح یکی از فیلمهایش را در مشهد داشت با تبر مورد حمله مردی بنام محمود قرار گرفت که این مرد از باج گیران معروف مشهد میباشد.

در همانموقع که منوچهر برای افتتاح فیلمش در مشهد بسر میبرد، منزل او در تهران مورد دستبرد سارقین قرار گرفت و مقداری اثاثیه به سرقت رفت.

کنگره شوراهای اجتماعی کار خود را آغاز کرد

نخستین کنگره شوراهای اجتماعی منطقه یکم کشور بعد ازظهر دیروز با نطق وزیر آموزش و پرورش گشایش یافت قبل از افتتاح کنگره وزیر آموزش و پرورش باتفاق آقای رجبی معاون آموزشی منطقه یکم کشور و سایر معاونان و مدیران کل آن وزارتخانه در اجتماع چندین هزار نفری دانش آموزان دختر و پسر و فرهنگیان شرکت نمودند.

در اینجا مراسم برافراشتن پرچم و نیایش بعمل آمد. آنگاه وزیر آموزش و پرورش و همراهان از قسمت‌های مختلف اردوگاه بازدید کردند.

وزیر آموزش و پرورش پس از بازدید از آثار کارهای دانش آموزان منطقه یکم در آمفی تئاتر دانش آموزان تهران که محل تشکیل اولین کنگره شوراهای منطقه یکم آموزشی کشور بود حضور یافتند در اینجا آقای حسین رجبی معاون آموزشی منطقه یکم کشور گزارشی که با آمار و ارقام امیدوارکننده همراه بود درباره هدفهای ملی و میهنی سخن گفت.

رشته‌های جدید در دانشگاهها و مدارس عالی

حدود یکهزار و پانصد دانشجو امسال وارد رشته‌های جدید دانشگاه‌ها و مدارس عالی می شوند.

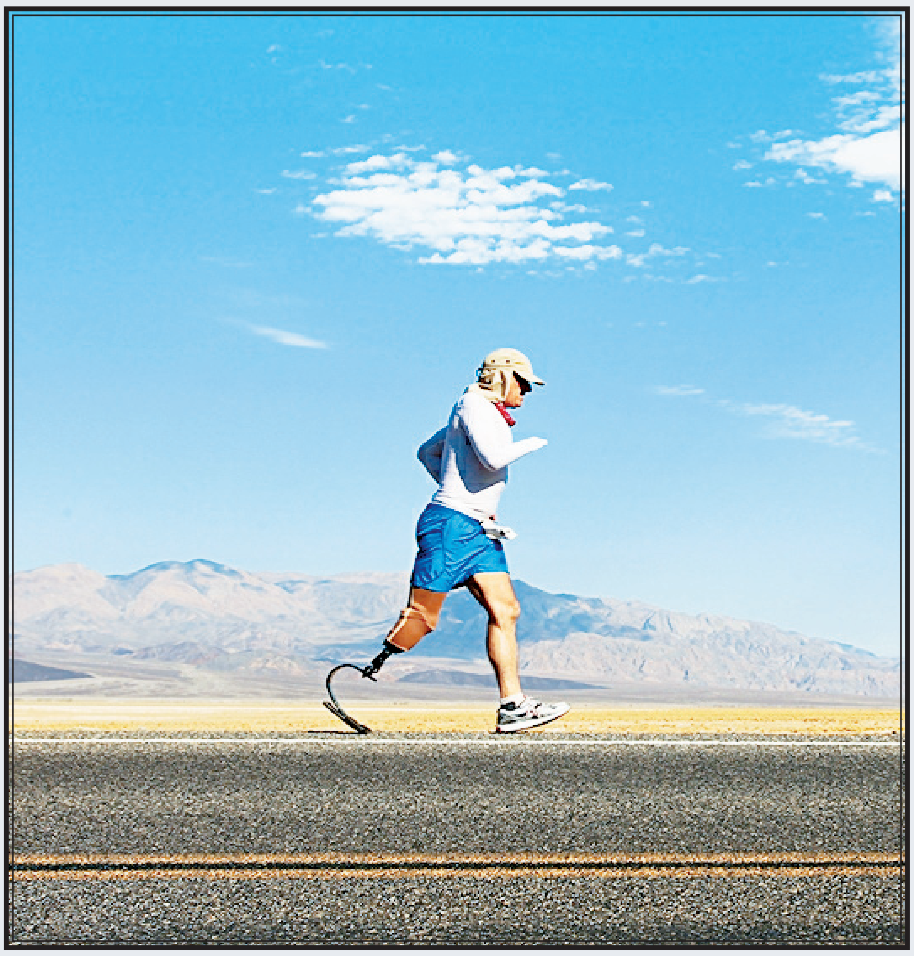
دانشگاه‌ها و مدارس عالی، امسال اقدام به دایر نمودن رشته‌های جدیدی که تاکنون در ایران وجود نداشت و مورد نیاز مملکت میباشد کرده‌اند و چند مدرسه عالی نیز امسال تاسیس شده که رشته‌های آنها کاملا جدید می باشد.

دانشگاه ملی ایران رشته ثبت را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی خود دایر نموده که دویست دانشجو گرفت و این عده پس از اخذ لیسانس بخدمت سازمان ثبت و وزارت دادگستری درمی آیند. دانشگاه تهران در چند رشته، دوره فوق‌لیسانس دایر نموده که جمعا برای این رشته‌ها حدود یکصد تا یکصد و پنجاه دانشجو میپذیرد. همچنین دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران دو رشته جدید مرتع و آب‌خیزداری و چوب‌شناسی و صنایع چوب خواهد بود که در دو رشته پنجاه دانشجو میپذیرد.

مدرسه عالی شمیران که امسال اجازه تاسیس گرفت با سه رشته کاملا نو کار خود را آغاز میکند این سه رشته عبارتند از روان‌شناسی کودک (آموزش و پرورش قبل از دبستان) که برای این رشته ۲۰۰ دانشجو از طریق کنکور میپذیرد و دو رشته دیگر مدیریت مراکز رفاه و مشاوره و راهنمایی خانواده است که در هر یکصد دانشجو پذیرفته می‌شوند و به این ترتیب مدرسه عالی در سال اول برای دوره لیسانس ۴۰۰ دانشجو خواهد پذیرفت و شرایط ثبت‌نام برای کنکور آن به زودی آگهی میشود.

رشته کامپیوتر نیز امسال جدیدا به سایر رشته‌ها اضافه میشود و مدرسه‌ای به همین نام و با ۲۰۰ دانشجو آغاز به کار میکند در صورتی که دانشگاه صنعتی آریامهر نیز برای دوره فوق لیسانس این رشته در حدود پنجاه دانشجو خواهد پذیرفت و دوره فوق لیسانس ریاضیات نیز در همین حدود دانشجو خواهد پذیرفت.

قاب امروز



مسابقات پیاده روی معلولان در گرمترین منطقه کالیفرنیای آمریکا /منبع: Msnbc

داستان کوتاه

حیات یا ممات

نقلی است قدیمی که در هنگام آفرینش زمین خداوند باریتعالی این کره راز آلود را مملو از مراتع حاصل خیز و باغ‌های سرسبز و زیبا گردانید و سپس به انسان دستور داد تا پا به آنجا پانهد و گذران زندگی کند.

حضرت دوست به بنده‌اش گفت: گناه نکن ای بشر، هرگاه که لوح سفید وجودت به گناهی آلوده شود، دانه شنی از آسمان بر زمین فرود خواهد آمد.

بشر ناقص العقل هم بی تفکر در رابطه با این حکمت آسمانی با خود این گونه زمزمه کرد که مگر یک دانه شن می تواند آسیبی به من وارد کند؟

بهتر است از زندگی آن گونه که می خواهم لذت ببرم. بشر دو پا آن‌قدر گناه کرد که ناگهان دید بخش عظیمی از خانه‌اش را بیابان و کویر فرا گرفته و سبزی و زندگی از آنجا رخت بربسته است. انتخاب با توست حیات یا ممات؟

مترجم: آرش میری خانی
منبع: englishforstudents.com

سُرایه

ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود
نی نام ز ما و نه نشان خواهد بود
زین پیش نبودیم و نبد هیچ خلل
زین پس چو نباشیم همان خواهد بود

خیام

پند بزرگان

● تا بهتر از آن باشیم که هستیم، بهتر از این شیوه ای برای زیستن نیست.

سقراط

● چقدر دیر متوجه می شویم که زندگی و حیات یعنی همان دقایق ساعاتی که با کمال شتابزدگی و بی رحمی انتظار گذشتن آن را داشته‌ایم.

دیل کارنگی

امروز در تاریخ

روزی که «پوریای ولی» درگذشت

طبق محاسبه مورخان روس، پوریای ولی (محمود خوارزمی) پهلوان، جوانمرد، عارف و شاعر بنام ایران ۲۳ جولای سال ۱۳۲۲ میلادی (یکم امرداد) درگذشت که این اندرز را به او نسبت می دهند:

افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است

از «پوریا» یک مثنوی هم باقی مانده است.

انتقال احمدشاه خردسال از سفارت روسیه به کاخ گلستان

یکم مرداد ۱۲۸۸ سلطان احمد شاه که کودکی بیش نبود از ساختمان تابستانی سفارت روسیه در زرگنده قلهک به کاخ گلستان انتقال یافت. پدرش، شاه مخلوع، تا این روز حاضر نمی شد او را از خود دور سازد که ایلخان قاجار با یک واحد قزاق به سفارت روسیه رفت و احمد شاه را که با پدر و اعضای خانواده در آنجا متحصن بودند بیرون آورد.

احمد شاه سی ام تیر ۱۲۹۳ هجری خورشیدی پس از رسیدن به سن قانونی، تاجگذاری کرد و دولت وقت یکصد هزار تومان هزینه مراسم تاجگذاری او را از بانک انگلستان در تهران وام گرفته بود.

احترام به جان باختگان تظاهرات ۳۰ تیر

اول مرداد ماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق که با جانبازی مردم بر شاه و هوادارانش پیروز شده بود اعلام کرد که به احترام مقتولان تظاهرات سیاسی سی ام تیر، فردا – دوم مرداد سازمان های دولتی تعطیل و پرچم ها به حالت نیم افراشته در خواهند آمد. وی همچنین قول داد که ترتیبی خواهد داد که از آن پس نشود هیچیک از اصول قانون اساسی را نادیده گرفت و جهت تامین منافع فرد یا افراد معین از آن عبور کرد.

وی گفت که وصیت کرده است که پس از مردن، او را در کنار گور مقتولان سی ام تیر به خاک بسپارند. پس از فوت دکتر مصدق در اسفند ۱۳۴۵ و در حال تبعید غیر قانونی، دولت وقت مداخله کرد و اجازه نداد که در گورستان مقتولان سی ام تیر ماه دفن شود و به این ترتیب مانع از انجام وصیت یک متوفی شد که عملی مغایر منش ایرانی است.

ثبت اختراع نخستین ماشین تحریر

۲۳ جولای سال ۱۸۲۹ ویلیام برت آمریکایی ماشین تحریری را که ساخته بود و گفته می شود نخستین تایپ رایتر بوده است در ایالت میشیگان به ثبت رسانید، ولی از آن پس اشاره دیگری به ماشین ساخت ویلیام برت نشده است تا این که ۳۱ سال بعد (سال ۱۸۶۷) سه آمریکایی دیگر به نام های کریستوفر شول، کارلوس گلیدن و سمیوئل در شهر میلواکی ایالت ویسکانسین آمریکا ماشین تحریری را ساختند که استفاده از آن آسان و عملی بود و کارخانه رمینگتون که در آن زمان تفنگ و چرخ خیاطی تولید می کرد امتیاز انبوه سازی این تایپ رایتر را به مبلغ ۱۲ هزار دلار از آنان خرید و تحت نام «شول ـ گلیدن» به تولید صنعتی آن پرداخت.

پیروزی کودتا در مصر و برکناری ملک فاروق

ژنرال نجیب رئیس گروه «افسران آزادیخواه مصر = الضباط الاحرار» که با یک کودتای نظامی زمام امور این کشور را به دست گرفته بود ۲۳ جولای ۱۹۵۲ اعلام کرد که بر کشور مسلط است و فاروق، پادشاه بر کنار شده مصر، باید این کشور را ترک کند. از آن پس این روز، روز انقلاب مصر نامگذاری شده است.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۸۳۵

	۳					۱		
	۶	۸	۵	۳				
			۱					۷
۷			۹		۴		۱	
۲	۴						۸	۳
	۸		۳		۲			۴
۶					۳			
				۷	۵	۶	۹	
		۲					۷	

حل جدول ۸۳۴

۴	۳	۸	۹	۷	۵	۶	۱	۲
۶	۱	۲	۴	۳	۸	۹	۷	۵
۹	۷	۵	۶	۱	۲	۴	۳	۸
۸	۴	۳	۵	۲	۹	۷	۶	۱
۷	۹	۶	۸	۴	۱	۵	۲	۳
۵	۲	۱	۳	۶	۷	۸	۴	۹
۱	۸	۴	۷	۵	۳	۲	۹	۶
۳	۶	۹	۲	۸	۴	۱	۵	۷
۲	۵	۷	۱	۹	۶	۳	۸	۴

جدول شرح در متن ۳۳۴۸

غلامحسین باغبان

کاری که دو نتیجه یا دو فایده دارد — پایتخت مالزی — سبزی خرد کردنی — پایتخت کشور جزیره‌ای «نائورو» — باختر — پنبه زن، لحافدوز — مهار شتر — مخفف مشهدی — ستاره شناسی — قرین نکیر — موجب هر عمل

ارزش — منقار کوتاه — فرمان توقف — انتشار دادن

پاپوش — شهر آذری — جادوگر — میوه

رسول — استاد و زبردست — خیزابه — روش و طرز رفتار — صمغی بسیار تلخ — میراث

بیماری ریوی — عزیز عرب — به طور رسمی — سنگ عصاری — پیکار — خو گرفتن

محبت — بیماری پوستی — شامل همه — چیزها

پرنده خبر چین — آواز موزون — بافنده — ایالتی در آمریکا — مستمری

E — از مناطق انگلستان — عصاره میوه — مردمی

گذران سن — مردد — پیچ تنظیم صدا — مادر لر — آماده و مهیا — انبار کشتی

مزه حرف حق! — آینده

اثری از آلفونس لامارتین — کیف انگلیسی

حل جدول ۳۳۴۷

ج	کوشا / ابلیس	ض	مخالف / سرنوشته، عنوان	نامی دخترانه / نژاد اروپایی	س	اولین نماز یومیه	ص	وسیله طبخ چای / شهری در کنار سیحون	ک	معروف	برگزیده
د	ا	د	ت	ر	ا	از دین برگشتن	ب	خ	ت	ن	م
ی	ه	بانگ چوپان / دریاچه ای در ترکیه	ی	و	ر	فلز چهره / جواب	ح	ج	ر	ا	برتر / سیاره آشنا
اثر فرانسواز ساگان	ر	و	ت	س	ا	پ	کاشف واکسن هاری / محصول صابون	ن	ی	م	ز
س	ی	ا	ر	نویسنده تارزان / پایتخت فیجی	دعای زیر لب	ا	ک	د	پیشوندی معادل ده / غیر ممکن	د	لون و رنگ
ل	م	ن	سوره مورچه / دزد	س	و	س	ف	دریغ و حسرت / مروارید درشت	م	ا	ف
ا	ن	رمق آخر / پیشی گرفتن	س	و	ر	خ	مرغ سحر / وارد شونده	د	ح	ر	س
م	هوس ها	ت	ا	و	د	مرکب دان / پرده در	و	ر	ا	نوعی یقه / وقت چیزی	مرز / لباسی سنگین
ب	آ	ب	ر	ا	اثر ماکسیم گورکی / پسوند زدودن	ه	ا	نفس بلند / بیهوده	ل	ن	ش
ر	ه	ا	ق	از صفات باریتعالی / جنس مذکر	ز	ت	ر	ه	واحد فرکانس / دو یار هم قد	و	ش
غ	و	د	ماست رقیق شده	ن	د	ا	د	ر	آ	ب	نمایش تلویزیونی / اجازه دادن
م	ا	ر	اهلی	ر	ا	ک	ه	ز	ا	ت	مبتدی و بی تجربه

اطلاعات گیوی

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۲- شماره ۲۵۶۴۷

در جریان بازدید معاون استاندار از پروژه‌های عمرانی شهرستان کوثر

معاون عمرانی استاندار اردبیل از روند کند اجرای پروژه سد گیوی انتقاد کرد

«ظرف یک ماه آینده با افتتاح و بهره‌برداری از جاده جایگزین سعی می‌شود آبگیری سد گیوی انجام یابد.» میرجعفریان معاون استاندار اردبیل در بازدید از پروژه عمرانی و سد گیوی همچنین جاده دسترسی با بیان این مطلب و انتقاد از روند کند اجرای این پروژه، بر ادامه کار با سرعت بیشتر را تاکید کرد و افزود: پروژه‌های در دست احداث شهرستان کوثر پیشرفتهای چشمگیری داشته و متاسفانه فقط پروژه سد گیوی از روند کند برخوردار است. وی در ادامه افزود: با اختصاص اعتبارات معین شده امید است این پروژه ملی با تلاش مسئولان با سرعت هر چه بیشتر به بهره‌برداری برسد.

میرجعفریان خاطرنشان کرد: با بهره‌برداری از سد گیوی حدود ۸ هزار هکتار اراضی دیم، آبی و باغات شهرستان کوثر به کشت آبی اختصاص می‌یابند. سد گیوی از نوع سدهای خاک سنگ ریزه‌ای با هسته رسی است که ارتفاع آن از پی ۱۰۲ متر و طول تاج ۳۰۴ متر است حجم مفید مخزن ۵۳ میلیون مترمکعب و حجم قابل تنظیم ۷۶ میلیون متر مکعب است.

معاون عمرانی استاندار با قدردانی از کسانی که در طراحی و مطالعه این پروژه نقش داشته‌اند، گفت: آزادسازی مسیر اجرای رودخانه، انحراف آب، شبکه آب پایین دست که انتقال آب سد را به مقصد کشاورزی، آزادسازی و ایمن‌سازی دریاچه سد و اراضی پایاب و اجرای سریع جاده دسترسی و جایگزین سد گیوی برای تردد مردم و روستاییان منطقه از مهم‌ترین مسائل این پروژه است.

در جلسه تنظیم بازار شهرستان کوثر تصویب شد

توزیع ۸۰ تن شکر و ۵۰ تن مرغ منجمد به مناسبت ماه مبارک رمضان

فرماندار کوثر در جلسه تنظیم بازار شهرستان کوثر از استمرار توزیع کالاهای اساسی در طول ماه مبارک رمضان خبر داد.

در جلسه تنظیم بازار شهرستان کوثر فرماندار از توزیع ۸۰ تن شکر و توزیع بیش از ۲ تن گوشت منجمد در سطح این شهرستان خبر داد.

حسینی در ادامه افزود: مقدار مرغ منجمد توزیع شده به مناسبت ماه مبارک رمضان در این شهرستان ۵۰ تن بوده است.

این مقام مسئول خاطرنشان کرد: در توزیع کالاها صدور مجوز ۲۴ ساعته برای متقاضیان صادر خواهد شد.

وی در ادامه به فعال بودن ۴ تعاونی روستایی در سطح شهرستان اشاره کرد و افزود: توزیع کالاها در روستاهای همجوار در طول ماه مبارک رمضان توسط تعاونی‌های روستایی انجام می‌شود و کالاها به صورت مساوی در اختیار روستاییان قرار خواهد گرفت.

فرماندار کوثر همچنین از نظارت مسئولین فرمانداری و همچنین اداره صنعت تجارت و معدن خبر داد و تاکید کرد: در ایام ماه مبارک رمضان فرمانداری کوثر و همچنین اداره صنعت، تجارت و معدن از چگونگی توزیع کالاها در بازار، نظارت کافی داشته و در صورت تخلف با متخلفین طبق قانون برخورد خواهد شد.

وی همچنین افزود: زمان و مقدار توزیع برنج و روغن هم در روزهای آتی مشخص خواهد شد و به مقدار لازم در اختیار مردم شریف شهرستان کوثر خواهد گرفت.

فرماندار شهرستان کوثر در جلسه شورای ترافیک مطرح کرد:

افتتاح جاده جایگزین پروژه سد گیوی در هفته دولت

فرماندارکوثر از افتتاح جاده جایگزین پروژه سد گیوی در هفته دولت امسال خبر داد.

درجلسه‌شورای ترافیک‌شهرستان که با حضور مسئولین استانی و شهرستانی برگزار شد، فرماندار کوثر گفت: لایه دوم آسفالت جاده جایگزین سد گیوی تا چند روز آینده به اتمام می‌رسد و به حول قوه الهی و به همت مسئولین استانی و شهرستانی، این جاده جایگزین در هفته دولت افتتاح خواهد شد.

علیرضا حسینی در ادامه به ضرورت اجرای مصوبات شورای ترافیک این شهرستان تأکید کرد و گفت: در سال جاری با توجه به تصویب طرح‌های متعدد، ۸۵ درصد از آنها با همت شهرداری، راهنمایی و رانندگی و متولیان دیگر به اجرا در آمده است.

وی به مسائل و مشکلات جاده سرچم ـ اردبیل اشاره و خاطرنشان کرد: با توجه به این که ۸۵ کیلومتر از جاده اردبیل ـ سرچم در حوزه استحفاظی شهرستان کوثر واقع است، باید از جانب مسئولین ذیربط مورد توجه بیشتر قرار بگیرد.

حسینی درباره تامین روشنایی تونل‌های جاده سرچم ـ اردبیل افزود: بنابر مصوبات در شورای ترافیک شهرستان، وجود پارکینگ در جاده سرچم برای رفاه حال مسافرین و همچنین تامین روشنایی تونل‌ها در این جاده با پیگیری‌های پلیس راه و اداره راه و شهرسازی و با اجرای اداره آب منطقه‌ای صورت می‌پذیرد.

از دیگر مصوبات شورای ترافیک شهرستان، نصب تابلوهای غذاخوری و پمپ بنزین و سی‌ان‌جی در جاده، با پیگیری اداره راه و شهرسازی باید توسط خود شرکت، نهاد یا... انجام گیرد. حسینی همچنین خواستار رسیدگی به حل مشکل ترافیکی شهر به ویژه معضل سد معبر شد و بر ضرورت حل این مشکل تأکید کرد.

افتخار آفرینی دانش آموزان و فرهنگیان شهرستان کوثر



آقای وهاب بیرامعلی مدیر آموزش و پرورش شهرستان کوثر در مصاحبه خبرنگار روزنامه اطلاعات در شهر گیوی به شرح مختصری از افتخارآفرینی دانش‌آموزان و فرهنگیان شهرستان کوثر در جریان سال تحصیلی ۹۲ ـ ۹۱ پرداخت.

فرهنگیان شهرستان کوثر در جشنواره الگوهای برتر تدریس خوش درخشیدند

اعضای تیم تدریس پایه سوم و چند پایه ابتدایی شهرستان کوثر در جشنواره برتر الگوی تدریس استان اردبیل به مقام اول این جشنواره دست یافتند.

اعضای تیم پایه سوم: ۱ـ نسیم طاهونی ۲ـ سهیلا فخرجویی ۳ـ منیژه اسفندیاری اعضای تیم کلاسهای چند پایه: ۱ـ ناصر کریمی ۲ـ داریوش بیرامی ۳ـ شهریار علی‌اکبری هستند.

همچنین آقای مختار صالح‌زاده در مسابقه آنلاین تفسیرالمیزان، مهناز علیزاده در طراحی آموزشی، صونا محمدپور در مسابقه تجزیه و ترکیب، الهه اکبری در فراخوان ارزشیابی نوین، الناز عطایی در فراخوان ارزشیابی نوین، عزیزه بحریزاده در بررسی تحلیل کتب درسی و نائله بیرامعلی در محتوای الکترونیکی در مسابقات استان اردبیل به مقام اول دست یافتند.

راهیابی گروه نمایش عروسکی دبیرستان الزهرا شهر گیوی به مرحله کشوری

دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه شبانه روزی الزهرا شهر گیوی رتبه اول نمایش عروسکی استان اردبیل را کسب کردند. در این مسابقات که باحضور تمامی مناطق استان اردبیل برگزار شد، گروه هماهنگ نمایش عروسکی شهر گیوی توانست با حضور تیم‌های قدری از شهرستانهای استان اردبیل و نواحی شهر اردبیل به کارگردانی سرکار خانم رعنا محمدی و نقش‌آفرینی دانش‌آموزان سارا صادقی، حسنا معبودی، سارا خلیفه و نیلوفر غزنوی به مقام اول این دوره دست یابد.

دانش آموز دوم دبیرستان شهید مطهری گیوی در مسابقات اذان به مرحله کشوری راه یافت

مرتضی قهرمانی دانش‌آموز دوم دبیرستان شهید مطهری گیوی در مسابقات قرآن و معارف اسلامی رشته اذان ضمن کسب رتبه برتر به مرحله کشوری راه یافت . آیسان خیراندیش دانش‌آموز مدرسه راهنمایی زینبیه گیوی در مسابقات قرآن و معارف اسلامی رشته مفاهیم مقام دوم استانی را کسب کرد.

آیسان خیراندیش دانش‌آموز کلاس دوم راهنمایی زینبیه شهر گیوی با حضور دانش‌آموزان برتر استانی مسابقات مفاهیم قرآن و مفاهیم اسلامی توانست به مقام دوم نایل آید.

کسب رتبه برتر مسابقات پرسش مهر توسط هنر آموز هنرستان هانیه شهرستان کوثر در استان اردبیل

خانم حلیمه پارسای هنرآموز هنرستان هانیه شهر گیوی توانست در مسابقات پرسش مهر ویژه فرهنگیان در رشته آرم‌سازی به مقام اول استانی دست یافته و ضمن کسب رتبه برتر به مرحله کشوری راه یابد.

هنر آموز رشته گرافیک شهر گیوی به مقام دوم مسابقات استانی دست یافت

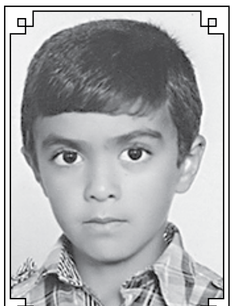
خانم اکرم رحمتی هنرآموز هنرستان الزهرا شهر گیوی در مسابقات رشته گرافیک استان اردبیل که با حضور تمامی مناطق استان برگزار شد، توانست به مقام دوم این مسابقات دست یابد.

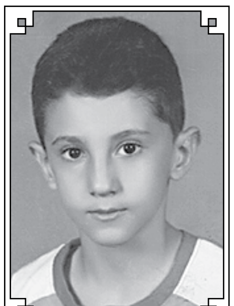
غنچه‌های نوشکفته مدرسه ابتدایی شهید محسنی شهر گیوی

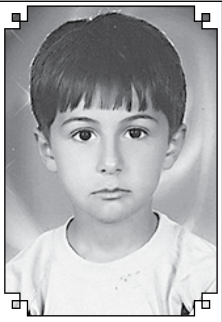
که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ دانش آموز ممتاز شناخته شده‌اند.

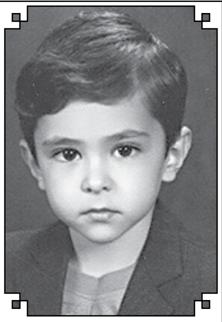
با تشکر از مدیر و تمامی آموزگاران زحمتکش، مهربان و بقیه پرسنل اداری اجرایی و اولیاء محترم


امیرمهدی حقی کلاس
اول دبستان شهید محسنی
با قبولی بسیارخوب دانش
آموز ممتاز کلاس


امیرحسام صادقی
کلاس اول دبستان
شهید محسنی دانش
آموز ممتاز کلاس


محمدعرفان هلالی
کلاس اول دبستان
شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیرحسین طیب پایه
اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس


سروش سعیدی پایه
اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس

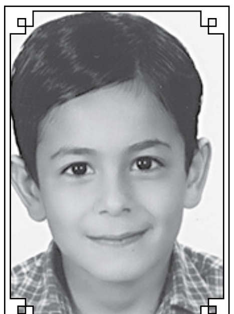

مهدی نصیری
پایه اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس

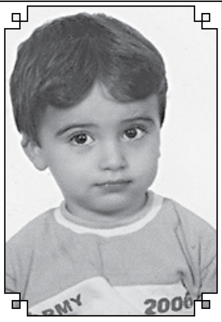

امیرحسین عطایی
پایه اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس

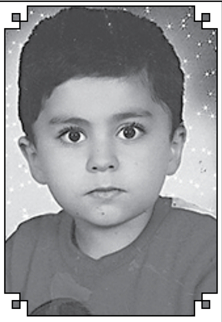

امیر مهدی منتظری
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیرحسین روحی
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیرمهدی کریمی
پایه اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس

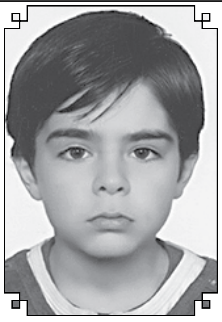

حسین فتحی
پایه اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس

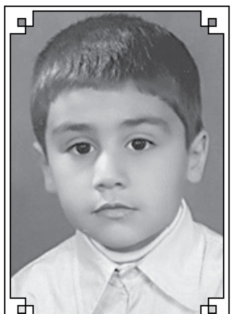

نیما طاهری
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


ابوالفضل نقی‌پور
پایه اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس


رضا علی پور
پایه اول دبستان
شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس

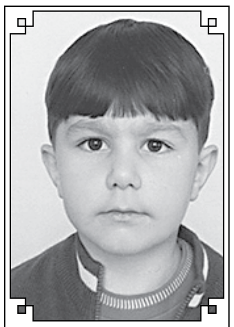

مهدی قدیری
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


طه آزین
پایه اول دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس


محمدمهدی جهاندیده
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیر حسین علی‌پور
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


علی‌رضا نظری
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


مهدی بحریزاده
پایه اول
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیرمهدی واحدوست
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


علیرضا طاهری
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


عرفان قادری دانش
آموز پایه دوم دبستان
شهید محسنی دانش
آموز ممتاز کلاس


امیرضا بهرام‌پور
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس

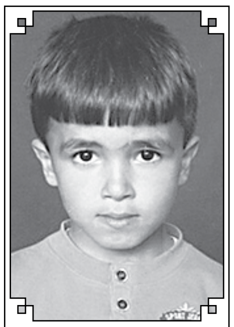

امیرمحمد نبی‌زاده
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیرحسین تقی‌پور
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس

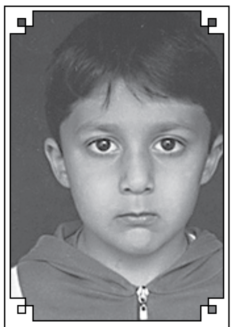

مهیار رضایی
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس

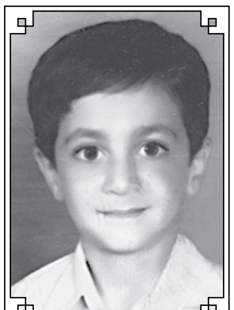

محمدرضا پارسنگ
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


پریا بیرامعلی
دانش آموز پایه دوم
دبستان فاطمیه
دانش آموز ممتاز کلاس


پوریا بیرامعلی
دانش آموز پایه دوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


محمد حقی دانش آموز
پایه سوم دبستان شهید
محسنی دانش آموز
ممتاز کلاس(پایه سوم)

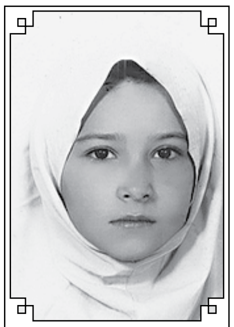

حسین انصاری
دانش آموز پایه سوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیدعظیمی کیوی
دانش آموز پایه سوم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


محمدصادق نقی‌پور
دانش آموز پایه چهارم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


عرفان غیاثی
دانش آموز پایه چهارم
دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


امیرحسین حقی
دانش آموز پایه
چهارم دبستان شهید محسنی
دانش آموز ممتاز کلاس


الهام قادری
دانش آموز پایه چهارم
دبستان فاطمیه
دانش آموز ممتاز کلاس


مریم میکائیلی کیوی
دانش آموز پایه ششم
دبستان فاطمیه با معدل ۲۰
دانش آموز ممتاز کلاس


عماد مصطفی کیوی
پایه دوم ابتدایی
آموزشگاه شهید محسنی گیوی


طه مصطفی کیوی
پایه دوم ابتدایی
آموزشگاه شهید محسنی گیوی